

کتابخانه  
مجلس شورای اسلامی  
۱۳۲۵

کتابخانه مجلس شورای اسلامی		
کتاب	کشف الغنای	
مؤلف		شماره ثبت کتاب
مترجم		۵۶۳۴۵
موضوع		

کتابخانه مجلس شورای اسلامی	۴
	۷۷



بسم الله تعالى شانه

ف

مذكا

كتاب

كشفاً للقناع  
 عن احوال الاقاليمة  
 البقاء في ترجمة كتاب  
 الوضعية في الكرة الارضية  
 من تاليفات مستر كرينليو  
 فندريك امريكاني طبع  
 في معمورة بمبئي  
 بعون الله  
 وتوفيقه

هـ

CFIAN




بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جواهر زواهر حمد و سپاس درگاه حضرت احدیتی را ایق و سزا است که  
 قبه چرخ مقرنس را بی الت خشت و کل برافراشته و طاق رواق را برشته  
 زرین خورشید و صور سهیمین ماه نگاشته و این خانه رخا جرات نقوش  
 اختران راسته و نشیمن خالت که عمارت زبرین افلاک است بجدا نمودن  
 بخت پیراسته کرمی که بجار موج عطایش را انتهای و عیون جاریه  
 رحمتش را زوالی و اهر منشعبه احسانش را نقادی نه صانعی که  
 سطح مستد بر ارض از خطوط تذکره جلالش نقطه و رشک استخفافات  
 صبا از گلزار صنعتش و رقی است مبدعی که خاک تیره را با هوا ب  
 سنیه جمع غرائب و مظهر بدائع صنائع ساختمه و ارقاموس محیط  
 مرحمت و اوقیانوس مکرمت در معانی لطیفه بساحل ظهور آورد  
 تا هر کس بحسب استعداد خود بخواند جلیله عظیمه از ان بردارد و

درود نامحدود بر نور پاک و غیر تابناک شمس فلک و سالت و اختر  
 برج جلالت و نبالت حضرت سید الاصفیاء و خاتم الانبیاء محمد  
 المبعوث بالایات الباهرات و البینات الظاهرات علیه من الصلوات کثیرا  
 و من التحیه انماها و وصی بلا فضل انحضرت امیر البرزخه و قاتل الکفره  
 یعسوب الدین و قائم القرائین الشهاب الثاقب علی بن ابی طالب  
 علیه السلام و دراری طیبه طاهره او باد و بعد چنین گوید  
 بنده فانی فخر الدین بن ابی القاسم الکلبیا بگانی محمدا و الاصفهانی  
 مسکنا که برضیمین ارباب دانش و بینش محفی و پوشیده مباد که  
 زغرافیا علم نیست مطلوب و مرغوب و از جمله علوم منیفه و فنون  
 شریفه معدود و محسوب پیوسته موجب از یاد حرارت مدفیت  
 و مایه حصول هیئت اجتماعی بشریت و صاحبان ان در هر عصر و زمان  
 مقبول اهل معانی و منظور عالی و ادانی بوده اند و چونکه کتاب حره  
 الموصیة فی الکره الارضیة از تالیفات جناب فحامت نصاب مستر  
 کرنیلوس فنیدیک اریکانی که در این علم کتابی است کافی و و ابلفت  
 عربی مبین و بر اکثر ناس غیر مستبین بود لذا بخاطر فائز رسید که  
 محض خدمت بهم و وطنان بر جراین نسخه شریفه قیام نمایم و لکن بواسطه  
 حوادث روزگار و تقلبات لیل و نهار و بلحاظ تعمیم موضوع مقاله  
 لازم التهدید من صنف فقد استمدخ این امر خطیر در عهد تعویق  
 و تاخیر افتاد تا این یام نجسته فرجام که بعضی از دوستان بجا و اخلا  
 روحانی که تخلف ارشادان را فرض مجال میشمرده مهیج خیال و محرک  
 این شکسته بنال گردیدند چاره ندیده جز آنکه بمضمون الما مؤمعد  
 بانجام این خدمت کوشم و چشم از تعنت همگان پوشم رجا از نکت که



پردازان فضاحت شعاع و سخن سنجان بلاغت دثارانکه این ضعیف  
 نحیف داهد فسخام ایراد و اعتراض ننمایند و اگر غلط واضحی یا خطاه  
 لاشعری مشاهده نمایند از حسن طوبیت و صفای طینت خود بقلم عفو و  
 اغماض با صلاحش کوشند و من الله استمداد به استعین و هو <sup>حسی</sup>  
 و نعم المعین مقلدین بدانکه این علم بد و قسم منقسم میشود طبیعی و  
 وصفی اما اول مداران سطح زمین و آنچه روی آنست و کره هوائی است  
 که بان احاطه دارد بدون التفات باقسام زمین و متعلقات آن و اما  
 در قسم دوم بلدان و محالک و نسبت بعضی از اقسام سطح زمین بعض  
 دیگر ملاحظه میشود و لکن در این رساله بعضی از متعلقات زغرافیای  
 طبیعی را اولاً ذکر مینمایم و بعضی دیگر با متعلقات زغرافیای وصفی  
 بیان میشود **فصل اول** در حقیقت این علم و بعضی اصطلاحات آن  
 بدانکه زغرافیا علم است که از هیئت و اقسام سطح زمین و انواع اهل  
 آن و حاصلهایش و امثال اینها در آن بیان میشود اما زمین جسمی است  
 مستدیر بشکل کره عظیمه و یکی از دو جهت قطب جنوبی و شمالی مشغ  
 است یعنی قطران از شرق بغرب مقدار ۳۶۰ میل از قطران از شمال  
 بجنوب طولانی تر است و اما استداره زمین از عهد فیثاغور و سقراط  
 پانصد سال قبل از مسیح تا حال متفق علیه فلاسفه است و ادله  
 آن بسیار است از آنجمله ظهور کر ویت سطح دریاست از برای کسی که  
 در کنار آن می ایستد و دیگر ظاهر شدن اعلی اشباح بعیده است  
 قبل از اسافل آنها اگر چه این اسافل بحسب جرم بزرگتر باشد و دیگر  
 آنکه بسیاری از اهل سیاحت از شرق یا غرب از یک جهت مسافت  
 اختیار کرده اند و بد و ن آنکه بر گردند سفر آنها بجهان مکانیکه اولاً

ان حرکت کرده بودند منتهی شده و بدان که هر گاه خط مستقیم  
 میان نقطه شمالی و جنوبی زمین کشیده شود پس ناچار هر گز آن باید  
 بگذرد و از محور زمین میگویند و طرف شمالی از قطب شمالی و طرف  
 جنوبی از قطب جنوبی میگویند و هر گاه دور زمین خطی بمساوات بعد  
 آن از قطب شمالی و جنوبی کشیده شود دائرة حادث میشود و بواسطه  
 آن زمین بد و نصف میشود شمالی و جنوبی و این دائرة را خط استوا  
 مینامند و هر گاه دور زمین خط دیگری از جهت شمال بموازات خط  
 استوا و بمسافت ۲۳ درجه و ۲۸ ثانیه از آن و یکی دیگر مثل آن از جهت جنوب  
 کشیده شود و دائرة حادث میشود و شمالی آنها را خط سرطان  
 جنوبی را خط جدی و جزئی از سطح زمین که میان آنهاست منطقه  
 حاده مینامند و هر گاه بموازات یکی از دو اثر مذکور و بمسافت ۲۳  
 درجه و ۲۸ ثانیه از قطب شمالی دائرة کشیده شود پس آن دائرة شمالی  
 است و مثل آن جنوبی است و جزئی از سطح زمین که میان این خط سرتا  
 و دائرة شمالی است منطقه معتدله شمالی و جزئی که میان آن دائرة  
 شمالی و قطب شمالی است منطقه بارده یا متجزه شمالی و میان خط  
 جدی و دائرة جنوبی منطقه معتدله جنوبی و میان آن دائرة جنوبی  
 و قطب منطقه بارده نامیده میشود پس زمین بملاحظه اینها به پنج  
 منطقه منقسم میشود اما دور زمین هر دائرة به ۳۶۰ درجه و در  
 به ۶۰ دقیقه و دقیقه به ۶۰ ثانیه منقسم میشود و در هر خط  
 استوا ۶۰ میل از میلیهای جغرافیه و ۹۰۲ میل از میلیهای  
 اعتدالی است و هم چنین دائرة هائیکه دور زمین از شمال بجنوب  
 کشیده میشود مگر اینیکه دائرة یک موازی خط استوا است نیز



شدن بجهت قطب شمالی و جنوبی کوچک میشود تا آنکه در پیش  
 آنها متلاشی میگرد پس واضح شد که هر قدر که دایره کوچک میشود  
 درجه نیز کوچک میگردد و بدانکه خطوطیکه در زمین از شمال جنوب  
 کشیده میشود دوائر قائمه نیستند چه که زمین چنانچه گذشت  
 قائمه نیست و لکن فرق بسیار است و ملاحظه آن مگرد بعضی از  
 حسابهای دقیقه فلکیه مثل حساب کسوف و امثال آن نمیشود و  
 و از برای زمین و حرکت است یکی بومی که بدوران زمین در محور  
 خودش از غرب بشرق در هر بسیت و چهار ساعت بگردد تمام می  
 شود و آن علت تتابع شب و روز است و دیگری سنوی که بدوران  
 زمین دور افتاب از مغرب بمشرق در هر سال که عبارت از ۳۶۵  
 روز و ۵ ساعت و ۴۲ دقیقه و چند ثانیه است بگردد تمام میشود  
 و آن از جمله علت های تتابع فصول است و هرگاه صورت زمین  
 یا صورت جزئی از آن در روی کاغذی بکشند بترتیبی که اقسام  
 حدود آن و نسبت بعضی ببعض دیگر از حیثیت قرب و بعد و امثال  
 آن معلوم گردد آنرا در اصطلاح اهل این علم خارته میگویند و اعلا  
 آن شمال و اسفلش جنوب و بایش شرق و بپسارش غرب محسوب  
 میشود و این چهار جهت را نقطه اصلیه مینامند و جهت متوسطه  
 میان شمال و شرق شمال شرقی است و میان جنوب شرق جنوب  
 شرقی و میان شمال و غرب شمال غربی و میان جنوب غرب جنوب  
 غربی است و این جهات را نقطه فرعی مینامند و میان نقطه اصلیه  
 و فرعی نقطه های دیگری است که بدقت کردن در تفصیل جهات  
 استنباط میشود و عرض عبارت از دور بودن موضعی

از خط استواء شمال یا جنوباً و طول عبارت از دور بودن موضعی  
 از یکی از خطوطیکه میان دو قطب را در روی زمین بیکدیگر وصل  
 میکند و خطوط مذکوره را خطوط نصف النهار مینامند و طول را  
 هر یکی از این خطوط مذکوره میتوان حساب کرد مگر اینکه نزد هر قومی  
 عادت جاری شده که آنرا از خط نصف النهار که بقصه بلادشان  
 میکند حساب میکنند پس نگرین از خط لندن و اهل فرانسا از  
 خط پاریس حساب میکنند و علی هذا القیاس فصل دوم در  
 ارض یابسه و اقسام آن بدانکه مسافت سطح زمین مقدماً ۲۰۰۰۰۰۰  
 میل مرتبست و بدو قسم منقسم میشود یکی یابسه که خشکی است و  
 دیگری آب و قسم بزرگتر آن آب است که مقدار دو ثلث کره را فرا  
 گرفته اما ارض یابسه با اقسام مختلفه تقسیم میشود قسم اول  
 قاره است و آن قسم وسیع از زمین است که بمالک متشتمل  
 است و قارات شش است چهار از آنها در نصف کره شرقی واقع است  
 و آن اروپا و آسیا و آفریقا و اوسترالیاست و دو قاره دیگر در  
 غرب واقعست و آن امریکای شمالی و جنوبی است و در هر یک از  
 آن قسم وسیعی از قاره است که در تحت حکومت واحد داخل است  
 مثل مملکت چین و فرانسا و عثمانیه و امثال اینها و گاهی مملکت بایالت  
 و ایالت بولایت و ولایت بقطعه و هم چنین تا برود تقسیم میشود  
 سیمر جزیره است و آن قطعه از زمین است که از جمیع جهات آب بان  
 احاطه دارد مثل قبرس و کریت و مالطه و امثال اینها و جزائر بحسب  
 مساحت مختلف اند چنانچه جزیره که در اوقیانوس تلانندیک شمال  
 است محیطش ۱۵۰ ذراع است و جزیره اوسترالیاست مساحتش مقدراً



۳۰۰۰۰۰۰ میل مرتبست و بعضی از جزائر مثل قبرس منفرد و بعضی  
در سلسله واقفند مثل جزائر آلتیان که میانه امریکای شمالی و آسیا  
واقفست و بعضی مجتمعند مثل اوقیانوس محیط و هرگاه جزائر در یک  
در دریائی واقع شده باشند از آنرا خبیل مینامند مثل اربخیل  
رومی و اربخیل هند عربی و بعضی از جزائر در اصل بزرگان بوده و  
بعضی همیشه بزرگان بوده است مثل جزیره سترمبولی چهارم  
شبه جزیره است و آن قطعه از زمین است که از سه جهت با آنرا  
احاطه کرده و از یک جهت بخشکی محدود است مثل موره و فرم و  
ملقا پنجمی است و آن جزئی از کوه یا از زمین مرتفعی است که  
داخل در دریا باشد ششمی آنف یا لسان است و آن جزئی از زمین  
است که داخل دریا باشد هفتمی برزخ یا مختق است و آن قطعه  
زمین تنگی است که میانه دو دریا محصور شده باشد هشتمی  
جبل است و آن جزئی از قشر زمین است که از سطح آن بسیار مرتفع است  
و اگر کمی ارتفاع داشته باشد از آنرا هضبه یا تل میگویند و در هر جا  
که کوهها بیکدیگر متصل باشند و بمسافت بعیده امتداد داشته  
باشند از آنرا سلسله جبال مینامند و ناچار میانه دو کوه زمین  
پستی واقع است پس اگر کوچک باشد از آنرا شعبه میگویند و اگر بزرگ  
باشد وادی مینامند و اگر تنگ باشد در میانه سنگهای سختی  
که از دو جانب قائمندان از مضیق میگویند همی سهل است و آن  
است که سطح آن مستوی باشد پس اگر کوچک باشد از آنرا چشمه  
سیراب شود از آنرا مرجع میگویند و اگر وسیع باشد و از آب باران  
سیراب شود و گیاه در آن روئیده باشد و درخت نداشته باشد

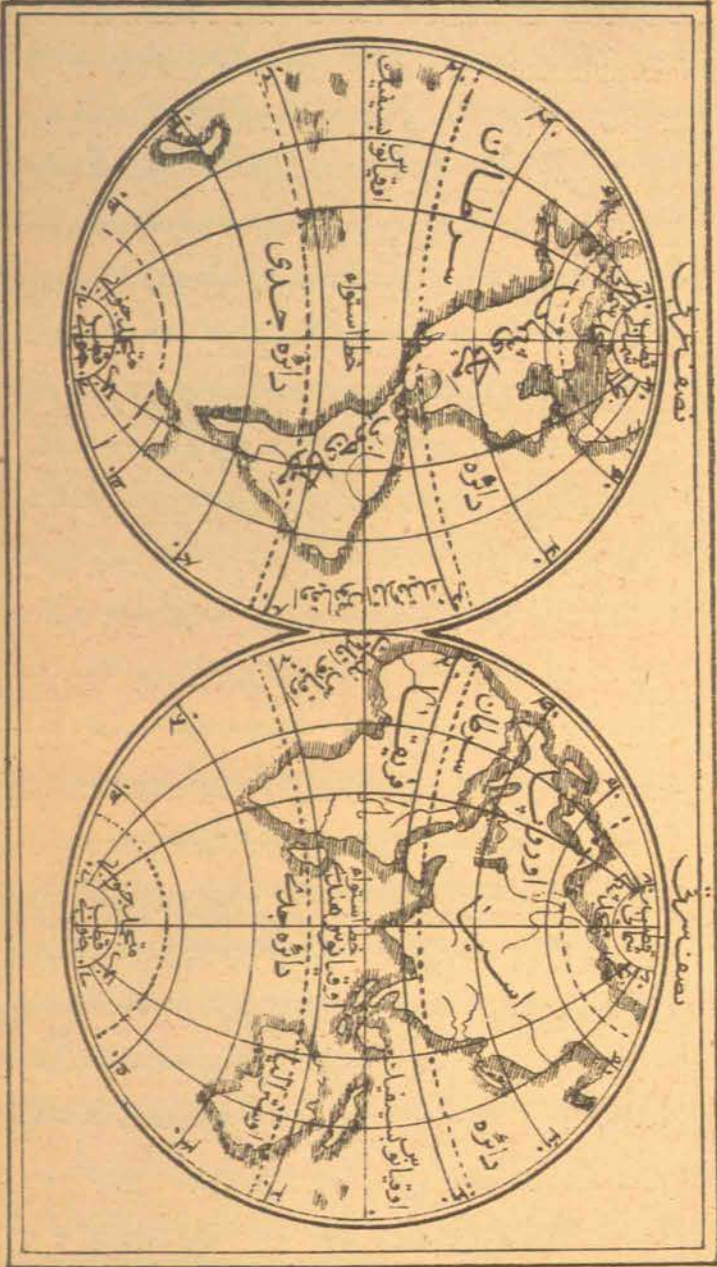
انرا

۹  
انرا بقعه مینامند و اگر ریک زار باشد و بناقات در آن روئید  
نباشد با دیمه یا صحرا مینامند و گاهی در صحراها قطعه هائی یافت  
میشود که آب باران از اطراف در آن جاری است و باین واسطه  
زمین با آنما میشود پس انرا روضه میگویند و اگر آب خریا چشمه در آن  
جاری باشد و درختهای بسیاری داشته باشد از آنرا غوطه مینامند  
از جمله آنها غوطه دمشق است در هر جبل نادر است که از آن بزرگان با بقا  
میگویند و آن کوهی است که در اوقات معینه یا غیر معینه آتش روئد  
و خاکستر و سنگهای آب شده یا نشده و معدنهای آب شده که به  
اطراف کوه جاری میشوند و پس از سرد شدن منجم میگردد و در آن  
خارج میشود و در روی زمین مقدار یا نصد کوه از این قبیل یافت  
میشود و آنها را بزرگه نیز میگویند فصل سیتم در آب و آن دو  
نوع است شور و شیرین و باعتبار وسعت و نسبت و خشکی به  
اقسام مختلفه منقسم میشود قسم اول دریای محیط است که  
انرا اوقیانوس میگویند و آن قسم عظیمی از آب شور است که بیشتر  
روی کوه زمین را فرا گرفته مثل محیطی که میانه امریکا و آسیا است  
طول آن از شرق بعرب فریب دو وزده هزار میل است و عرضش از مضیق  
بیرین تا ۵۵ عرض جنوبی فریب ۹۰۰۰ میل است و مثل اوقیانوس  
اتلانتیک که میانه عربی و اروپا و افریقا و شرقی امریکای شمالی و  
جنوبی است و معظم عرض آن از شرق بعرب ۵۰۰۰ میل و کثر عرض  
میانه شمالی و اروپا و شمالی امریکا ۹۰۰۰ میل و طولش از شمال به  
جنوب فریب ۹۰۰۰ میل است و مثل اوقیانوس هندی که میانه  
شرقی افریقا و جنوبی آسیا و شمالی اوسترالیا و غربی انست و مثل

در زمین و آب و خاک



خارقه كره زمين



تسطيح كره زمين





اوقیانوس شمالی که در شمال اور و پاد آسیا و امریکا است و اوقیانوس  
جنوبی که در جنوب افریقا و امریکا و اوسترالیا است و بعضی از این  
اقیانام بعضی دیگر متصل است و اما همیشه آنها با سامی مذکور محسن  
سهولت و صفت و قرب تحدید است و بدانکه هر دریا مثل خشکی  
پستی و بلندی و کوه و بیابان و وادی دارد و معدّل عمق اوقیانوس  
قریب هفت میل است و قریب بجز است و آن قسم عظیمی از آب شور است  
که کتر از اوقیانوس است مثل بحر متوسط و بحر روم که میانه اور و  
افریقا است و اکثر دریاها اجزاء اوقیانوس یا متصل بانند مگر بحر  
خزر و بحر ادال که در آسیا است که آنها از اوقیانوس منفصل اند  
سیّم خلیج است و آن جزء بزرگی از بحر یا اوقیانوس است که داخل  
در بر است و چون نیز از این قبیل است و لکن از خلیج کوچکتر است و  
از اخور نیز میگویند چهارم بوغاز است و آن جزئی از آب است که  
میانه دو بیابان محصور شده باشد و در دریا را بیکدیگر وصل کند  
مثل بوغاز کوه طارق که بحر متوسط و اوقیانوس اتلانیک را بیکدیگر  
وصل میکند پنجم بحیره است و آن قطعه از آب شیرین ایستاده است  
که از جمیع جهات زمین بان احاطه دارد و آنچه نیز از این قبیل است و  
لکن کوچکتر از بحیره است و معروفه بترکه است و آب بعضی از این بحیرات  
و برکه ها بواسطه داخل شدن نهری یا نهر جاری است مثل بحیره طبرستان  
و بعضی جاری نیست مثل بحیره مرج ششم نهر است و آن جاری  
عظیمی از آب شیرین است که بعد از جاری شدنش بمسافتی در بحر  
یا بحیره ریخته میشود و بعد از آنکه کوچکتر از آنست و آنرا نهر نیز میگویند  
و آن نهر کوچکی است که در نهر دیگری ریخته میشود و مکان داخل

شدن یکی از اینها را بدیگری ملتی انحرین و مکان داخل شدن آنرا  
بدی یا مصب میگویند و مکان خارج شدن آنرا از زمین عین یا ینبوع  
مینامند و زمینی که آب آن بدریائی جاری میشود آنرا حوض این دریا  
میگویند و وادی که آب از جوانبان نهر یا نهری جاری میشود آنرا  
حوض این نهر یا نهر میگویند و خطی که میانه دو حوضی را که بیکدیگر  
متصل اند فصل میگذارد آنرا خط تقسیم میانه میگویند و جایی که نهر یا  
جدول از مکان عالی سر اشیب میگذرد مثلاً له یا خاراره حادث می  
شود مثل شلالات نیل هفتم نهر عارض است و آن نهر مصنوعی عینی  
است که میانه دو دریا یاد و نهر را جمع میکند و بعضی از آن برای عبور  
کشتیهای بزرگ و بعضی برای زور قهای فقط صلاحیت دارند  
فصل چهارم در احکام و ادیان اما احکام مختلف است و لکن  
حصران در سه نوع ممکن است اول حکم ملکی مطلق که زمام امر و نهری در  
کف کفایت شخص واحد باشد و بشرایع و قوانینی مقید نباشد و ثانی  
حکم ملکی مقید که حکم سلطان از روی قوانین و شرائع مملکت باشد و  
از آن تجاوز نتواند بکنند سیّم حکم جمهوری است که زمام امر و نهری در  
دست اشخاصی باشد که رعایا آنها را اختیار مینمایند و بحسب احکام  
انها سلوک میکنند و اما ادیان در چهار نوع منحصر است اول  
دیانت یهودیه است و آن مبنی بر اسفار عهد عتیق و تقاسیر و اضافات  
است که از کتاب تلود با آنها شده و در آن دیانت مسیحیه است و آن  
مبنی بر اسفار عهد عتیق و جدید است و اتباع آن بنسب قسم منقسم  
است اول درومینه که عقائد و طرق آنها بحسب قوانین مجامع و اقوال  
اسلافشان است دویم با باوئیه که پای روی را رئیس کنیسه



نامی عناب مسیح میدانند و او را از غلط و اشتباه در امور دینیّه معصوم و مقدّس می پندارند سیم پر و ستانیه که عقائدشان بر اسفار مقدّسه فقط مبنی است و بقول دیگری اصلاً التفات ندارند و اما ارمن و یعاقبه و قباط و سناطره از هر نوع زو میانه اند که در زمان سابقه از ایشان جدا شده اند سیم ما سلام است و ان مبغی بران مجید و سنت است و اهل ان چهار قسم منقسم است سنی و شیعه و هابیه و صوفیه اما در وزن و نظریه و اسماعیلیه اگر چه در ظاهر مدعی اسلام اند و لکن فی الحقیقه هر طائفه از انها عقائد مخصوصه دارند که از عقائد مجوسیه و اسلامیّه و مسیحیه مزوج و مخلوط است چهارم و ثنیه است و ان چند نوع است که از جمله انها برهمنیه است انها بیک خداوند که او را ضابط کل میدانند معتقدند و میگویند که او سه خدا از جانب خود نصب کرده بر همه روشنو و سیوا و در تحت اینها خدايان بسیاری ثلثند که عدد انها چهار صد هزار میرسد اهل این مذهب چهار مرتبه منقسم اند که نه وجود و تجار و اهل صنایع و هیچ یک از این مراتب بدیگری مخلوط نمیشود و کسی که در یکی از انها از مادر متولد میشود بغیر ان انتقال نمی تواند کرد و این دیانت بیشتر در بلاد هند و ستان شائست و لکن حال بسیاری از ایشان در خط تمدن و تربیت داخل شده اند و باین رتبه ها اعتنائی ندارند و باریکتر آن که در رتبه دیگر متولد شده اند مخالطه میکنند و دیگران انواع دیانت و ثنیه بودندیه است و انها معتقدند که اول ما صدرات ماده عقل است و انرا بوده مینامند و بعد هیولی و سایر موجودات از اینها تکوین شده اند و از جمله عادات این طائفه است که اسلاف و

اعقاب

اعقاب خود را عبادت میکنند و بیشتر شیوع این دین در چین و سیام و برما و شرق هند و ستان و جزایر پان است و دیگران انواع و ثنیه فلتشیه است و ابنا طائفه هر چه را که نافع و ضار است عبادت میکنند و این مذهب بغیر از میان سودان در اواسط افریقا یافت نمی شود و عدد اصحاب این مذاهب را این قرار است که ثبت میشود

۱۲	اهل عالم تقریباً
۶۶	و ثنیه
۳۷	مسیحیه
۱۶۵	مسلمانان
۵	یهود

جدول عدد اصحاب ادیان

۳۵	بوزیه	دین
۱۶	برهمنیه	
۱۵	فلتشیه و بیگ انواع	
۱۱	سنی	اسلام
۵	شیعه	
۴۹	و هابیه	
۱	صوفیه	
۹	روم	مسیحیت
۹	پروتستانیه	
۱	سناطره و ارمن و قباط و غیره	



فصلک پنجم در اقسام بشر و لغات آنها چون بعضی از اجناس حیوانات  
از قبیل اسب و سگ و امثال اینها را ملاحظه نمائیم می بینیم که آنها  
با اتفاقشان در فصل قریب با نواح بسیاری منقسم اند که هر  
نوعی از آنها از غیر خود بهیئت مخصوص و تکوینی مخصوص ممتاز است  
از اینراه میتوان استدلال کرد باینکه اصل لغات یکی است و اختلافی  
که در میان آنهاست عرضی است که از اختلاف قایل و اطعمه و امثال  
اینها حادث شده و هم چنین هرگاه در جنس بشر ملاحظه شویم  
میگردیم که با اتفاق کلی در جوهریات که مقوم جنس اند با نواح مختلفه  
منقسم اند و آن فرق کمیا نه حیوانات است در آنها نیست و اختلاف  
لغات از حیثیت رنگ و شکل و هیئت با اتحاد اصل لغات مانع نیست  
لغات به قسم منقسم اند اول سفید یا قوقاسی باندیشابان به  
قوقاسی یا قوه قاف یعنی کوه قاف که در بلاد جرکس میان بحر خزر و بحر  
اسود است و این قسم از غیر خود بسفیدی اندام و نرمی گوشت و بلند  
چهره و نازکی دماغ و سفیدی صورت ممتاز اند مثل اهل اوروپا  
و نسل آنها در امریکا و سکان غرب آسیا یعنی عرب و فرس و یهود  
و سریان و قیمر دردیامغول باندیشابان بمغول که قسمی از تتر است  
و بعضی گفته اند که اصل لغات از کوهها آلتائی است که در شمال چین  
واقعست و این قسم از اقسام دیگر بر روی بشره و کمی و زبری موی  
و استوار صورت و تنگی چهره و ارتفاع استخوان صورت ممتاز اند  
و این قسم بحسب قیامت از قسم اول کوتاه تر اند مثل اهل چین و جاپان  
و شمالی آسیا و شمالی بلاد مسکوب در اوروپا و شمالی امریکا و کن  
سکان شمالی امریکا که معروف با سیکمو هستند فی الجمله رابطه با نواح

سیم دارند حتی اینکه بعضی کان کرده اند که آنها از نتایج قسم دوم  
سیم اند که درازدواج اختلاط کرده اند سیم سیاه و این قسم  
سایر اقسام بسیاری بشره ممتاز است و از برای آن سه فرع است  
اول ملتی بنسبت دادن انبشبه جزیره ملقا و آن برونک زیتونی  
و سیاهی و زیادتی موی با پیچیدگی و تنگی سر و بزرگی دماغ  
ممتاز است مثل ساکنین ملقا و جزایر بحر محیط و جزیره ماداگاسکار  
دوم امریکایی و آن برونک نحاسی و سیاهی موی و تنگی ریش و  
پستی چهره و ارتفاع استخوان صورت ممتاز است مثل ساکنین اصلیه  
امریکای سیم و تنگی و انبشدهت سیاهی بشره و پیچیدگی و سیاهی  
موی و پستی چهره و ضخامت لب و فراخی دهان ممتاز است مثل  
بیشتر ساکنین واسط افریقا و جنوبی آن و این اقسام در بعضی از بلاد  
با یکدیگر درازدواج مخالطه کردند و فروع بسیار و نتایج بیشمار  
از آنها پیدا شد که ملتی ساختن لغات را با اصلشان بسیا مشکل است  
اما لغات دنیا ادله بسیا با اتحاد اصل لغات دلالت میکنند و کن  
لغات اصلیه بالفعل مفقود است چه که بمرور ایام و تمامدای اجناس  
اندک اندک از میان رفته و اقرب لغات بان لغت چین و شمال لغات  
است که از دور حرف مرگباند پس لغات بحسب نسبت آنها بلغت  
اصلیه سبب فرع تقسیم میشود و لغات طورانیه و از جمله آنها  
لغت چینیه و تتریه است که از جمله آن ترکیه و جرکسیه و مجاریه  
و لغات قبائل شمالی روسیا و سیبیریا است و قیمر لغات رقیبا  
و از جمله آنها لغات هندیه و فارسیه و یونانیه و لاتینیه و مسکوتیه  
و نمساویه و فروعات آنها مثل ایطالیانیه و فرانسیزیه و



اسیانه بولیه و انگریزیه است سیماغات سامیه یعنی ارامیه و از جمله آنها عبرانیه و سریانییه و عربیه و قبطیه و حبشیه و اشورییه و بابلییه و بربریه و غزوغ ایضا است **فصل ششم در قاره آسیا**

اسیانه قاره آسیا از سایر قارات بزرگتر و وسیعتر و ساکنین آن زیاده تر است و در حسن اراضی و تنوع غلات از قارات دیگر اعتباراً کمتر نخواهد بود و از جمله چیزهاست که مزید اعتبار است نکه خداوند عزوجل آدم را از خاک آن خلق فرمود و از نسل نوح و اولاد او بعد از طوفان این سلسله تجرید شد و از آنجا بقارات دیگر متفرق و پراکنده شدند و در سنوات قدیمه اهل آن بمقامات عالییه و درجا سامیه از علوم و صنائع و تربیت و تمدن ارتقا جستند و اهالی قارات دیگر در بحر جهالت و خرافات شناور بودند اما حد و دین قاره از جهت شمال بجز متحد شمالی و از شرق باوقیانوس بسیفیکی و از غرب ببقاره اروپا و بحر متوسط و بحر احرار از جنوب باوقیانوس هندی محدود است و مساحت آن ۴۰ میلیون متر مربع است که هر متری یکدراع و ثلث آن میشود و سکن آن مقدار ۸۰۰ میلیون نفس است و اواسط این قاره بمقدار ۴۰۰۰ یا ۵۰۰۰ قدم از مساوات دریا ارتفاع است و کوههای بلندی که ارتفاع بعضی از آنها بمقدار ۲۸۰۰۰ قدم میرسد احاطه با آنها دارد چنانچه از جهت شمال سلسله کوههای آتاهای میان چین و سیدریات و از جنوب کوههای هالیاد در شمالی هندوستان و این سلسله از جهت غرب بمتداست تا اینکه ببحال کوه قاف و کوههای آسیا صغری میرسد و بدانکه بحر خزر و بحر ارال از سایر دریاهای

منفصل اند و بحر حیدرند اما بحر ارال طول آن مقدار ۲۷۰ میل و عرضش میان ۱۰۰ و ۳۰ میل است و آب آن شور است و مردمان پس از تخفیف آبش نمک از آن استخراج میکنند و در بیابانها و محالها آن اسب و حمار و وحشی و گوز و اهو یافت میشود و اما بحر خزر که از آن بحر قزلبین و بحر دیلم و بحر جرجان و بحر طبرستان نیز میگویند طول آن مقدار ۷۵۰ میل و عرضش مقدار ۲۵۰ میل است و آبش بواسطه امتزاج بنفط تلخ و شور است و در آن انواع بسیار از ماهیها و در کناره های آن بسیاری از پرندگان آب یافت میشود و عبور کشتی بواسطه شدت طوفان آن بسیار خطرناک است و این قاره بچند اقلیم که در هوا حاصل مختلف است تقسیم میشود چه که در جهات شمالیه سیدریا برودت شدت دارد و فزها از ماه ایلول تا ماه حزیران منجمد میمانند و در جنوبی آن برودت اندکی تلطیف میشود پس فزها از ماه تشرین اول تا ماه ایار منجمد میمانند و در جهات متوسطه قاره در کوهها برودت شدت دارد و بعضی از آنها در ایات سال خالی از برف میمانند و اما هوای بیابانها و وادیها در اکثر اوقات معتدل است و اما جهات جنوبیه که در منطقه جاره واقعست از ماه نیسان تا ماه تشرین دوم فصل زمستان و بقیه سال فصل تابستان است و بجز این این دو فصل فصلی ندارد و در این قاره اجناس بسیاری از حیوانات برپه یافت میشود چنانچه یوز و پلنگ و شیر و کرگدن و در بلاد هندوستان و هندک در فزهای آن و اصناف بسیاری از مار و هوام در آنجا یافت میشود و در جهات متوسطه روبا و کفتا و گوز و اهو و نوعی از یوز که از یوز هند و سنا کوچکتر است و همچنین



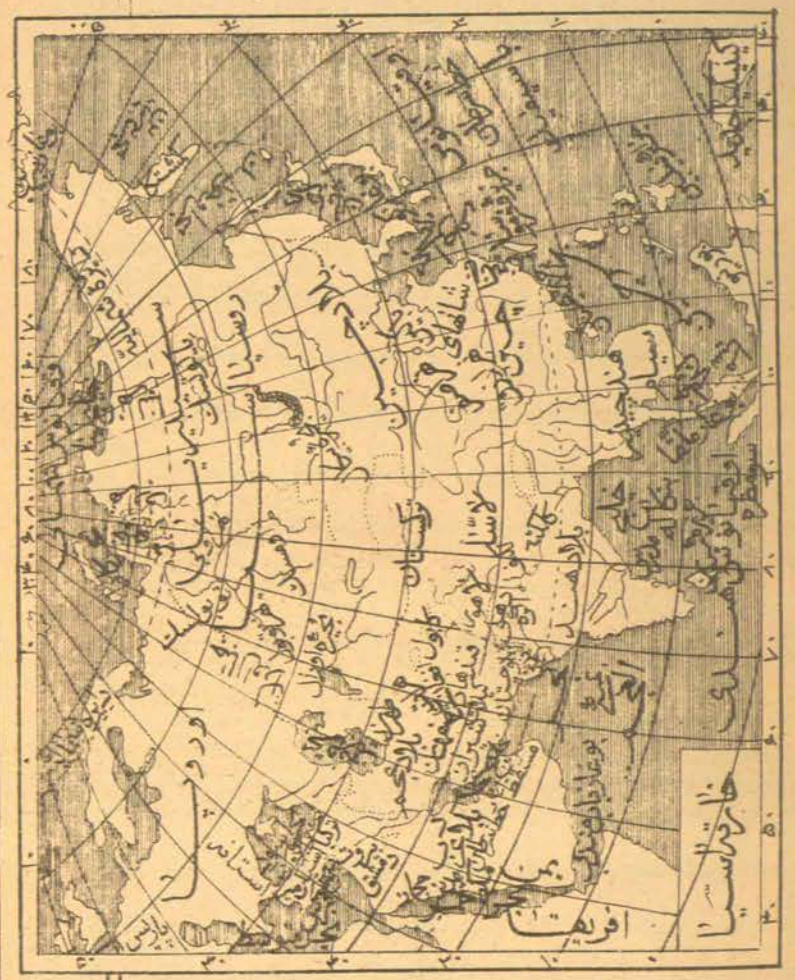
خوس در بعضی از کوهها یافت میشود و در بنیابهای بلاد ترو  
 سیدیر یا غزال مشک و انواع دیگر از احوان و در کوههای سیدیر یا  
 نوعی از روپاه که پوست آن از پوست روپاه جنوب نرم تر است یافت  
 میشود و در آنجا سمور و سنجاب بسیار است و اهل آن اناز اصد  
 میکنند و گاهی میشود که پوست سنجاب را هزار و پانصد غروش  
 و زیاده میفروشند و در بلاد عرب سبهای خوب و شتر قاعد  
 ۵۵ عرض شمالی و حمار وحشی تا حد ۴۰ یافت میشود و در این  
 قاره انواع طيور از قبیل بعام و طاووس و دژ و بان و بوم و انواع  
 دیگر یافت میشود و در آن از اشجار و نباتات غیر مالوفه درخت قهوه  
 در جنوبی بلاد عرب و قافله و فلفل و زنجبیل و نار جیل و جوز طیب  
 و انواع کل و ریاحین و نیلشگرد رهند و ستان و از عقاقیر اینون و  
 راوند و حر و صبر و مصطکی و خنظل و کافور و بسیاری از اشجار  
 مثل خرما و بلوط و تم هندی و صنوبر و سر و و صفصاف و کز و پسته  
 و بادام و انجیر و غیر اینها یافت میشود و در هند و ستان درخت  
 تیک که چوب آن برای ساختن کشتی خوب است و خیزران و صندل  
 و درخت بلیان که شاخه های آن بر زمین سر اشیب میشود و در  
 ریش می کند و هر شاخه در حق میگرد یافت میشود و بعضی از  
 اهل سیاحت ذکر کرده که یکی از این درختها را مشاهده کرده که در  
 سیصد شاخه داشته که هفت هزار نفر در زیر سایه آن میتوانند  
 که راحت کنند و اما معادن این قاره اگر چه قلیلی از آنها کشف  
 شده و لکن بسیار است چنانچه بلور در جاهای بسیاری از آن  
 یافت میشود و زبرجد در کوههای ادرال و لا جور در نزدیکی

بحره بیکال که در سیدیر یا است و یا قوت در جزیره کیلان و جزع  
 در بلاد فارس و خاک خرف چینی در چین و جاپان و الماس در هند  
 و لؤلؤ و در دریای هند بخصوص در دریای عمان و بحرین و بھرما  
 و نیز وزج و دیگر معدنهای طلا و نقره و سرب و مس و زغال سنگ  
 و نمک و نفط و زریق و قلع و سنگ مغناطیس و غیر اینها یافت  
 میشود و بدانکه بلاد آسیا در زمان قدیم معدن علوم و صنایع  
 بوده و لکن حال از حیثیت تمدن و تربیت و هیئت اجتماعیه از بلاد  
 او روپایست تر است مگر اینکه از جهت بعضی صنایع بخصوص از باب  
 بعضی از چیزها تیکه در آنها بافته میشود و منشأ تجارت کلی است متنا  
 است و در تفصیل این قاره از ابداء قسم تقسیم میکنیم اول ملانک  
 روسیا یا بلاد مسکوب در آسیا در نیمه بلاد ترک یا مملکت ال  
 عثمان در آسیا سیم بلاد عرب چهارم بلاد فارس غربیه پنجم بلاد  
 فارس شرقیه یا افغانستان ششم بلاد تر هفتم هند و ستن  
 هشتم هند چینیه نهم چین دهم جزایر فصل هفتم در املا  
 روسیا یعنی بلاد مسکوب که در آسیا واقعست و آن از جهت شمال  
 بحر متجد شمالی و از شرق بئوغاز برین و بحر کشتک و بحر و خوستک  
 و از جنوب بکوههای آلتای و بلاد ترو جزئی از بلاد بحر و بلاد ترو  
 که در آسیا است و بحر اسود و از غرب بحر اسود و نورد و کوهها  
 او را محدود است و این را ضعیف بحسب مساحت آن قاره او روپا  
 بزرگتر است چه که مساحت آن مقدار ۵۱۰۰۰۰۰۰ میل مربع و  
 مساحت قاره او روپا مقدار ۳۱۰۰۰۰۰۰ میل مربع است و آنرا  
 بسه قسمت کبری تقسیم میشوند اول بلاد سیدیر یا روسیا



کوه قاف یعنی بلاد کرج و قرق سیم جزائر هندی و اول از آنها  
 بلاد سیبیر است و این قسم مقدار ۳۰۰۰ ۶۰۰ ۵۰۰ میل مربع است  
 و آن مشتمل بر جمیع اراضی است که سابقاً ذکر شد سوای جزائر و جزئی  
 که از جهت شرق میان نهر اورال و بحر خزر و از جنوب میان بلاد عجم و بلاد  
 ترک و از شمال و غرب میان بحر اسود و نهر دون و نهر ولگا واقع است  
 این جزو تا او اخر جیل ۵ که اهل روسیا بجهت تجارت داخل آن شدند  
 مجهول بود و از آنوقت حکم مسکونی بتدریج در آن جاری شد تا اینکه  
 از ناحیه شرق بافضای اینقاره رسید و سکنان بلاد سیبیر یاد آن  
 وقت بیشتر از صد قبیله متوحشه بودند که طباع و عادات و لغات  
 و ادیان جمیع مختلف بود و مشهورترین آنها تر بودند که در نواحی  
 خزر ساکن میشدند و بعضی از آنها بت پرست و بعضی مسلمان بودند  
 و در نواحی جنوبیه منغول ساکن میشدند و آنها بوعی از دیانت  
 بوذیه بودند و در کناره های نهر لینا و نهر نیسی و نهر عامونند شوی  
 ساکن میشدند و در این آنها بت پرستی بود و در جهات شمالیه فین  
 ساکن میشدند و آنها نیز بت پرست بودند و در شمال غربی میان  
 نهر نیسی و نهر لینا همواید ساکن میشدند و آنها بت پرست  
 و بر بت بودند و در در و جانب نهر لینا یا کوت ساکن میشدند  
 و بیشتر بت پرست موافقی اعتقاد داشتند و در طبیعت شبیه تر  
 و در دیانت بمنغول شباهت داشتند و در ناحیه شمال شرقی  
 کناره های نهر نادیر کوریاک ساکن میشدند و اهل کشتکاز  
 جزیره کشتکاسکنی داشتند و بعد از آنکه مسکوب این بلاد را  
 شد بسیاری از اهل روسیا و هند و ستان و ارمن و یهود مسلمان

دلت





داخل آنها شدند و حکم مسکونی بعضی از اهالی اصلیه آنها را الزام کرد که بدیانت مسیحیه بگذارند و کهنسب شرقیه مندین شوند و کنگ بیشترینها بدیانت خود باقی ماندند و عدد سگان روسیادر آسیا از غرباء و اهالی اصلیه آنرا اینقدر است

اهل روسیا و غرباء	۷۵۱۶۰۰۰
قبائل بلاد کوه قاف	۱۰۱۰۰۰۰
تر	۱۱۰۰۰۰۰
منغول	۳۰۰۰۰۰۰
مندشور	۱۰۰۰۰۰۰
فین	۶۳۰۰۰۰۰
سمواید	۳۰۰۰۰۰۰
کوریاک	۳۴۰۰۰۰۰
اهل کشتکا	۶۰۰۰۰۰۰

مجموع

۱۲۲۴۰۰۰۰

اما عدد آنها باعتبار مذاهب بینه از اینقدر است

مضائق از هر طائفه	۱۲۲۴۰۰۰
مسلمان	۱۶۰۰۰۰۰
بودیه و غیرها	۱۴۴۰۰۰۰

مجموع

۱۱۲۶۴۰۰۰

و در این بلاد سلسله کوههای بسیاری ممتد است که از جمله آنها

کوههای او را است که میانه سیدریا و روسیا فاصله است و اول آنها از راس بحر کارا در ۱۶ عرض شمالی است و بعضی گفته اند که اول آنها از جزیره زمبلای جدید است و این سلسله از جهت جنوب مایل بغرب بمسافت ۱۲۰۰ میل ممتد است و از جمله کوههای سیدریا سلسله آلتائی است که میانه آن و چین واقعست و شعبه های آنرا از جهت واسطه قاره ممتد است که از جمله آنها کوههای بیگال است که بجزیره بیگال و جبال داور که از جهت شمال شرقی میانه بحر لیبنا و خزر عامور ممتد است و ببوغاز بپیرن منتهی میشود احاطه دارد و هر کجا این بلاد از اعظم فرهای آسیا است و از جمله آنها فر کارا است که از کوهها او را بپیرن میاید و بجهت شمال غربی جاری میگردد و در بحر کارا ریخته میشود و دیگر فرها و آب است که از کوههای آلتائی در ۱۶ عرض شمالی و ۹۶ طول شرقی بپیرن میاید و بجهت شمال غربی جاری میگردد و در خلیج اونی ریخته میشود و طول آن مقدار ۲۶۰۰ میل است چند فر در آن ریخته میشود که اعظم آنها فر ایرتیش است و طول آن مقدار ۲۲۰۰ میل است و در نزدیکی شهر سمرقند و فر او ریخته میشود و از جمله فرهای بزرگ سیدریا فر پینسی است که مخرج آن از کوههای آلتائی است و بجهت شمال جاری میگردد و در بحر ممتد شمالی ریخته میشود و طول آن مقدار ۱۹۰۰ میل است و فرهای بسیار از شرق و غرب در آن ریخته میشود و از جمله فرهای این بلاد فر لیبنا است که از کوههای او در جبال پیرن میاید و در بحر ممتد شمالی ریخته میشود و طول آن مقدار ۲۰۰۰ میل است و از جمله فرهای تیکه بجهت شرق جاری میشود فر افادیر است که از کوههای



استنوفوی بیرون میاید و در دریای ناد پر ریخته میشود و دیگر  
 هزار و داست که در دریای او خوشک ریخته میشود اما فرور  
 از کوههای اورال بیرون میاید و بجهت غرب جاری میشود پس بجهت  
 جنوب بر میگردد و در بحر خزر ریخته میشود و در هر جهتی از جهت  
 این بلاد بجزرات بسیار است که اعظم آنها بحیره بیکال است که در قطعه  
 ایرکوشک است و طول آن ۴۰۰ میل و عرضش میان ۲۰ و ۵۰  
 میل است و بان شیرین و ایستاده است و در جهت شمالی آن  
 جزیره ایست که از جزیره اول کههون میگویند و طول آن ۴۰ میل  
 و عرضش مقدار ۱۷ میل است و سگان بصلاح و تربیت  
 مواشی اعتماد دارند و در این بحیره چند فرس کوچک که از کوهها نیکه  
 محیط بالست بیرون میاینند ریخته میشود و از جمله بجزرات سیبیریا  
 بحیره جانفا است که طول آن مقدار ۱۰ میل است و در نزدیکی آن  
 بحیرات و بندشهای بسیاری است و جمیع آنها در بیابان وسیعی که  
 از اسهل برابا میگویند واقعست و طول آن مقدار ۷۰۰ میل و  
 عرضش میان ۶۰ و ۱۹۰ میل است و این بلاد باعتبار هوا و احوال  
 اقلیم قسمت میشود اول اقلیم خزمهر که هوای آن بسیار است  
 آن را ضعیف است که از عرض ۶۷ درجه شمال واقعست و در این  
 اقلیم برف روی زمین را میپوشاند و هر ماه مقدار آن ماه بسته است  
 در قیما اقلیم بار دوان میان ۶۰ و ۶۷ عرض شمالی واقعست و از  
 برای آن دو فصل است زمستان و تابستان و بجز از این دو فصل  
 فصلی ندارد سیم اراضی ایست که میان ۵۰ و ۶۰ عرض شمالی واقع  
 است و آنها هر چهار فصل را دارند چهارم اراضی ایست که در عرض

۵۰ شمالی واقعست و این اقلیم از اقلیم معتدله است اما در جهات  
 شرقیه و شمالیه از شدت برودت و فرط طوبت احراض غدد تیره و  
 هم چنین در چشم بواسطه تابش افتاب برف بسیار است و اهل  
 آنجا بواسطه دفع این مرض بوقوع میاندازند و از جمله حیوانات  
 بلاد سیبیریا حمار وحش است که در نواحی بحر خزر یافت میشود و  
 روباه سیبیا و غیر آن از انواع این جنس که در کوههای اورال یافت می  
 شود و دیگر کوبک بتری و سمور و سنجاب و خرس سفید است و دیگر  
 شمالی بعضی از اصناف ماهی و در کشتکاکون دریائی یافت میشود و  
 در این بلاد انواع بسیاری از پرندگان نیز یافت میشود و اما  
 زنبور عسل در سیبیریا یافت نمیشود و لکن انواع هوا و پیشه و  
 انواع ماهی در فرهای آن بسیار است و اما اشجار و بناق سیبیریا  
 از جمله آنها بلوط و صنوبر است که تا حد ۶۰ عرض شمالی میروید و  
 حور و صفصاف که در کناره کاهرها میروید و در جهات متوسطه  
 جنوبیه خوب بدو ن عیب ثمر میرسد و بنا بر آنچه که حسنا کرده اند  
 سه جنس بلاد سیبیریا اصلا قابل فلاح و زراعت نیست و اما  
 معادن و سنگهای قیمتی و جواهرات این بلاد بسیار است چنانچه  
 زبرجد و الماس و بلاتین در کوههای اورال و بلور و لاجورد در  
 کوههای آلتائی و نفط و طلا و نقره و سنک مغناطیس مس و زنج  
 و غیر آنها در جایهای بسیاری از آنها یافت میشود و احوال صنایع  
 سیبیریا چنانچه باید و نشاید نیست و لکن بسیاری از آلات  
 آهنی و آتشه صوف و کتان در آن یافت میشود و اما تجارت این بلاد  
 بدیشترا از راه بیابان بواسطه قافله هائی است که مسافتهای بعید



طی میکنند و سرمایه تجارت آنها بیشتر پوست و موی و پنبه و  
 چهارپایان است و با اهل چین بقاشهای صوف و مغادر و بارو  
 و جوب و مویشی تجارت میکنند و در عوض حریر و پنبه و تن  
 و راوند و مشک و غیر اینها از عقاقیر میگیرند و این بلاد بچند  
 قطعه مختلفه قسمت میشود که از جمله آنها قطعه تو بولسک است و  
 آن در جانب شرقی خراسان است و سکنان آن مقدار ۲۰۰۰۰  
 نفس است و دیگر قطعه تومسک است و اهل آن مقدار ۱۰۰۰۰  
 نفس است و دیگر قطعه ایرکوتسک است که در جهت غربی بخیرت بیک  
 واقعست و اهلش مقدار ۱۵۰۰۰ نفس است و از جمله شهرها  
 این قطعه شهر کیاخت است که محل اجتماع تجار مسکوب و اهل چین  
 و بعضی از آنرا مسکوب و بعضی دیگر را اهل چین بنا کرده اند و آنرا  
 میامین نیز میگویند و دیگر قطعه اوخوتسک است و اهل آن مقدار  
 ۱۵۰۰ نفس است و دیگر قطعه شب چیزه کشتک است و اهل  
 اصلیه آن تندخو و وحشی اند و بیشتر اعتماد آنها بصید حیوانات  
 است که در بلادشان بسیار است و هم چنین ماهیانی که دریا  
 از آنها پراست و عدد آنها بمقدار ۲۷۰۰ نفس میرسد و اما اهل  
 روسیا که انجا متوطن شده اند مقدار ۱۲۰۰ نفس است و  
 در میان املاک مسکوب روسیا اراضی ایست که از جهت شرق  
 میان کوههای اورال و خراسان و بحر خزر و از جنوب میان بلاد  
 عجم و بلاد ترک در آسیا و بحر اسود و از غرب و شمال میان بحر سو  
 و خزر و روسیا واقعست و این قسم بچهار قطعه قسمت می  
 شود کاسان و اورنبرج و استرخان و کوه قاف اما قطعه کاسان

که از کازان نیز میگویند در جانب غرب کاسان و خراسان واقعست و  
 از جمله شهرهای مشهوره آن کاسان است که میان آن و خراسان  
 مسافت سه میل است و سکنان آن مقدار ۴۰۰۰۰ نفس است  
 که ۱۲۰۰۰ نفس از آنها تراس است و تجارت آن با بطرسبرج و  
 از کانکل و استرخان و تو بولسک و موسکو و اورنبرج است و  
 تجارتش کندم و عسل و شمع و صابون و پوست و اسب است و  
 اما قطعه اورنبرج در زمان قدیم قصبه آن شهر اورنبرج بوده  
 و اهلش مقدار ۲۰۰۰۰ نفس است و از جمله شهرها آن اوقات  
 که مقدار ۵۰۰۰ نفس در آن ساکن است و آن حال قصبه این  
 قطعه است و اما قطعه استرخان قصبه آن شهر استرخان است  
 در آن چند کارخانه از برای ساختن قماشهای پنبه و بارود و استخراج  
 نمک و رنک کردن آتش موجود است و اهلش مقدار ۵۰۰۰۰  
 نفس است و سرمایه تجارتش پوست بز و پنبه و شراب و کاه و ماه  
 است و آن مرکز تجارت وسیعی است میان روسیا و بلاد عجم و  
 بخارا و اما خاکش چندان مرغوب نیست و لکن کندم و تن و تنوت  
 بدون عیب در آن ثمر میرسد و میوه هایش مشتمل و مقوی است  
 و در کناره های نهرها و جزایر نهر و لکا مرتفعهای بسیاری است  
 اهل این قطعه مقدار ۱۹۰۰۰۰ نفس از اسباط مختلفه مثل  
 روس و ارمن و تر و کلوک و قرق و هنود و کوچ است و از جمله  
 این قطعه نهر و لکا است که طول آن مقدار ۲۵۰۰ میل است و  
 کشتیها و زورقها مقدار ۲۰۰۰ میل در آن بالا میروند و دیگر  
 نهر اورال است که طولش مقدار ۴۵۰ میل است و دیگر نهر



کوماست و آن نهر کوچکی است و اما قطعه کوه قاف هوا و حاصل آن  
مختلف است چه که برودت در کوهها شدت دارد و بعضی از آنها  
مثل لبرز که مقدار ۵۰۰ قلم ارتفاع دارد در مدت سال خالی از  
برف نیست اما جهت جنوبیه و وادیها و بیا با ناهوای آنها معتدل  
جمیع غله های اقالیم معتدله در آنها یافت میشود و این قطعه بچند  
قسم مختلف تقسیم میشود که از جمله آنها بلاد کرج است در جهت  
جنوبیه کوه قاف و هوای این بلاد معتدل و خشک است و از جمله  
میوه های آنها بادام و زردالو و کلانی و انجیر و انار و انگور است  
از جمله معادن آنها مس و قلع و آهن است و از جمله نهرهای آنها نهر کوه  
و نهر ری است و اما اهل آنها مقدار ۲۳۱۰۰۰ نفر از طوائف  
کرج و ارمن و اتراک و یهود است و از شهرهای مشهوره این قسم  
تفلیس است و اهلیش بمقدار ۳۰۰۰۰ نفر میرسد و در زمان  
قدیم تفلیس و ایروان و قریه های آنها تابع قسمی از بلاد عجم بوده و  
در سنه ۱۸۲۹ قاجار مسکوب گردید و از جمله اقسام این قطعه  
قسمی است که آنرا ایمریتیا مینامند و حدود آن از شمال کوه قاف  
و از شرق بلاد کرج و از جنوب بلاد ترک و از غرب بحر اسود است  
این قسم در زمان قدیم جزئی از بلاد خلیس بوده و حاصلهای آن  
مثل کرجستان است و اهل آن مقدار ۱۶۵۰۰۰ نفر است  
در جهت شمال این قسم قبیله باسیه اند و ایشان صاحب مکر و  
حیل و شر و فتنداند و با ارمن و اتراک بیوست و رو باه و غسل  
و شمع و چوب بقیس تجارت میکنند و دیگر اقسام این قطعه بلاد  
جورکس است که در جهت شمالیه جبال کوه قاف است و نهر کوبان

که در بحر اسود ریخته میشود و نهر ترک و نهر کوما که در بحر خزر  
ریخته میشوند در این بلاد جاری میگردد و اهل این قطعه بقیه  
مختلفه منقسم اند و جمیع مقدار ۴۷۰۰۰۰ نفر اند که بظن  
در تحت حکم مسکوبی و فی الحقیقه اکابرشان بر آنها حکومت دارند  
و ایشان بسیار صاحب مکر و حیل و خباثت اند و بیشتر اعتماد  
با سب و چهارپایان است و بسرقت و هب و غارت اشتغال دارند  
و دیگر اقسام این قطعه بلاد داغستان است و اهل آن مقدار  
۲۰۰۰۰۰ نفر از جرکسیه و ترکان و ارمن و یهود است و از  
جمله نهرهای آن نهر سهر است و از جمله شهرهای آن دربند است  
و دیگر بلاد شر و آن است و حدود آنها از جهت شمال داغستان  
و از شرق بحر خزر و از جنوب قطعه کیلان و از دریا یجان و از غرب  
کرجستان است و عدد اهل آنها از فرس و ارمن و ترکان و یهود  
مقدار ۱۲۰۰۰۰ نفر است و سرمایه تجارت آنها تنگ و زعفران  
و ایون و نطف و ماهی است و از اصول شهرهای این قسم باکو است  
و تجارت آن در اشیاء مذکوره بخصوص در نطف و تنگ است  
مخمس فرس و هند از شهر مقدس میدانند و بواسطه فوآرت نطفی که  
در آنست قصد آن مینمایند و اهالی اصلیت این قطعه بحسن و جمال  
مشهور اند و از آنجا بسیاری از کنیزان و غلامان را میکشند و در  
بلاد عثمانیه و فارسیه میفروشند قسمی هم از بلاد مسکوب  
در آسیا جزائر است و از جمله آنها جزائر سبیلیای جدید است که  
در بحر شمالی واقعست و کسی در آنها ساکن نیست و بعضی از جزیره  
های کوچک که در بوغاز پیرین است و سلسله جزائر آلوتیان و



جزایر غالب که میان کشتکاست و جزایر کوریل که در جهت جنوب  
کشتکاست بمقدار ۲۶ جزیره مشتمل است و بزرگترین آنها  
که جنوبیهاست تابع مملکت بجاپان است **فصل نهم** در  
بلاد ترک و ان مملکت عثمانیه است در آسیا بدانکه املاک وسیع  
از دولت عثمانیه در آسیا واقعست و آنها از جهت شمال بجزر  
و بحر اسود و جزئی از کرهستان و از شرق نیز بجزئی از کرهستان  
و مملکت چین و از جنوب بخلیج چین و بادیه شام و بلاد عرب و بحر روم  
و از غرب نیز بجزر روم و بحر مرمر و بوعاز کلیبولی که در دیکل نیز از  
میگویند و بوعاز قسطنطنیه محدود است و معظم طول این بلاد  
مقدار ۱۰۰۰ میل اعتیادی و معظم عرض آنها مقدار ۹۲۰ میل  
مساحت آنها ۱۰۰۰۰۰۰ میل مربع و سکن آنها ۱۰۰۰۰۰۰۰  
نفوس است و این مملکت بشش قسم تقسیم میشود اول آسیای  
صغری و آن برناضول است در قیما زمینیا و آن بلاد ارمن است  
سیمرگردستان و آن بلاد آراد است چهار جزیره که میان  
فرات و دجله است پنجم عراق عربی که نزدیک خلیج چین است ششم  
سوریه و فلسطین که آنرا بترشام میگویند قسم اول آسیا صغیر  
و جزایر غالب است و آنرا برناضول مینامند و حد و آن از  
جهت شمال بجزر مرمر و بحر اسود است و از غرب بوعاز قسطنطنیه  
و بحر مرمر و بوعاز بیکه آنها را بیکدیگر وصل میکند و از جنوب بجزر روم  
و از شرق خط مفر و ضی از راس خلیج اسکندرون بجهت شمال شرق  
تا جائیکه کوه لکام و کوه کورین که قدماء آنرا کوه طور و سیاکوه ثور  
نامیده اند بیکدیگر میسرند و از آنجا بسرا این کوهها تا غر نو شرقا

نزدیکی فرات و از آنجا بکوهها تیکه تالی غربی فرات است تا نزدیک  
۴۰ عرض شمالی و ۲۲ طول شرقی تا اینکه بجد بلاد ارمنیای غربی  
برسد و حد شرقی بجزر اسود منتهی گردد و عرب این بلاد را ارض روم  
نامیده بواسطه آنکه تابع قیصر روم و قسطنطنیه بوده و در این  
ایام شهرها تیکه در نزدیک جدا بین املاک مسلمان و املاک روم  
واقعست ثغور شام و جزیره مینامند و از جمله آنها ملطیه و حدش و  
مرعش و هار و نیه و عین زربه و اذنه و طرطوس است و ابواسحق  
اصطخری در کتاب قایلیم ذکر کرده که در شام ثغوری است که بعض  
انها بثور شام معروف و بعض دیگر بثور جزیره موصوف و هر دو  
از شامند بواسطه آنکه هر چه ما وراء فرات است از شام محسوب میشود  
و آنرا این بلاد را بسه قسم تقسیم کرده اند اول فاضول در شمال  
عربی و قیما قرمان در جنوب شرقی سیما روم در شمال شرقی و  
هم چنین پایا القهای مختلفه نیز تقسیم شده مثل ایالت فاضول و قیما  
و سیواس و طرابزون و قونیا و مرعش و اذنه و بیدانکه در بلاد  
اسکیا صغری سلسله کوههای بلند است که از جمله آنها سلسله  
کوه ایداست در جهت شمال غربی که ترکها آنرا قرق طاع مینامند و در  
سلسله کوههای طور و س است که از جهت شرق در جهات جنوبیه  
ممتد است و میان این سلسله و دریای روم بیابانی فاصله است  
و این سلسله بکوه لکام که از جنوب در سوریه ممتد است متصل  
میشود و در شمالی این سلسله سلسله دیگری است که بچسبه  
طاق هسقی است و اما آنرا کی طاع که بمسافت ۱۱۰ میل در جنوبی شهر  
قیساریه است بلندترین کوههای اسکیا صغری است چه که ارتفاع



ان مقدار ۱۳۱۰۰ قدم است و از دور بمسافت ۱۵۰ یا ۱۸۰ میل نمایان میشود و اما کوه اولبوس که در کتب قدما مشهور است در نزدیکی شهر برسان است و حال آنرا اناضولی طاغ مینامند از تقاضا مقدار ۹۱۰۰ قدم است و اما از آنکه میان نهر سکاریا و قزل اوق واقعست بکوهها و شعبه هائیکه به الکس طاغ نامیده میشود مشتمل است و در این نواحی زلزله بسیار واقع میشود چنانچه بعضی ذکر کرده اند که در ایام طباریوس قیصر بواسطه زلزله سیزده شهر در آسیا صغری در ریختن و زخواب شد و از کوههای این بلاد نهرهای بسیار بدیها تیکه احاطه با آنها دارند سر اشیب میکردند و لکن بیشتر نهرهای کوچک است و بزرگترین آنها بطرف شمال جاری میشود و آن نهرها لیس است که حال بقزل اوق موسوم است و از دور نهر کج جمع است که یکی از آنها شرقی و دیگری جنوبی است که در نزدیکی شهر بستان از حسن طاغ بیرون میاید و اول بطرف غرب در وادی بستان جاری میشود تا اینکه بنهر بکل می رسد پس بجهت شمال بر میگردد اما مخرج شرقی در شمال شرقی سیواس است و بطرف غرب جاری میشود تا اینکه بجنوب می رسد و از آنجا میآید کوهها جاری میشود تا اینکه در ۲۵۲ ۳۴۱ عرض شمالی ۴۵ ۱۱۰ طول شرقی در بحر اسود ریخته میشود و طول آن با قطع نظر از انوجا مقدار ۴۰۰ میل است و اما نهر ایریسنا که حال به شیل اوق مستی است از نهرها لیس کوچکتر است و از التقاء سه نهر مجتمع است که دو نهر آنها از جنوب نزدیک شهر اما سینا بیکدیگر می رسند و سیم در وقت جریان از شرق بنزدیکی شهر شکم با آنها می رسد پس

بجهت شمال ماگل بشرق جاری میشود و در نزدیکی شهر سمسور که بحر اسود ریخته میشود و طول آن از مصبش تا مخرج نهر شرقی که در نزدیکی قره حصار است مقدار ۲۰۰ میل است و اما مخرج نهر فلتسا در کوههایی است که میان آنها تیکه بفراغ و بحر اسود جاری میشود فاصله است و بیشتر جریان آن در جهت شمال غربی بمسافت ۱۶۰۰ میل است و در بحر اسود ریخته میشود و اما نهر سکاریا مخرجش در واسط بلاد است و اول بجهت شمال غربی جاری میشود و پس از آن بشمال شرقی و در بحر اسود ریخته میشود و طولش مقدار ۲۵۰ میل است و نهرهای کوچک بسیاری بان می رسد و از جانب غربی مراد طاغ نهرهای بسیاری سر اشیب میگردد و در بحر روم ریخته میشود و از جانب غربی قره طاغ چند نهر در بحر مر را ریخته میشود اما نهرها تیکه در بحر روم ریخته میشود اعظم آنها نهر میاند است که حال نهر بکل نامیده میشود و دیگری بولک مندر است که مخرجش در مراد طاغ است و بجنوب غربی جاری میگردد و در نزدیکی ۲۰ ۳۷ عرض شمالی در بحر روم ریخته میشود و نهرهای کوچک بسیاری از شمال و جنوب بان می رسد اما نهرها تیکه بجهت جنوب جاری میشود اعظم آنها نهر سیگون است که مخرجش در وجه شمال کوه طوروس است و در بحر روم ریخته میشود و اما هوای این بلاد خوش و اعتدالش از هوای بلاد او روپا که در عرض معادل آنها بیشتر است و این بواسطه آنست که کوهها گرمی هوای تابستان و دریاها سردی هوای زمستان را تلطیف میکنند مگر اینکه در اماکن جنوبی حرارت شدت دارد و در نواحی بحر اسود رطوبت



زیاده است و در آسیای صغری در نزدیکی طوفات و قونیا و کوش  
خاصه تا جنوبی طرابزون معدنهای مس و نقره یافت میشود و لکن  
حال زیاده از ثلث آنچه قبل از آن استخراج میکردید استخراج  
نمیشود و در جمیع کوههای مجاوره نقره فرات و بحر اسود در لائل  
و آثاری بریافت شد که مس در آنها مشهود است و در نزدیکی شهر  
کیر معدنهای طلا و نقره یافت میشود و در کتاب عرفیال سعید  
مذکور است که تجارت قوم توبال و مسناخ در ظروف مس بوده  
و آنها در این زمین ساکن بوده اند و دیگر معدنهای آهن که اهالی  
انجا فولاد از آن میسازند نیز یافت میشود و در زمان قدیم و اخیر  
در افانولی و طلا در لیدیا و بلور در فطوس و انواع مرمر در جهات  
متوسطه یافت میشود و لکن بعضی از این معادن در این ایام خالی  
بعضی دیگر بواسطه عدم اعتناء دولت و اهالی بیفائده است و  
در زمان قدیم سنگ مغناطیس در لیدیا یافت میشده و این  
اسم از مغنیط اخذ شده و آنها قومی بودند که در نواحی شهر مغنیسیا  
ساکن میشدند و در آنجا سنگ لیدیا که سنگ محک است نیز  
یافت میشود و از جمله حاصله های این بلاد جمیع انواع  
حبوب و مصطکی و تمهندی و رز و پنبه و سر و و صنوبر و نوق  
از بلوط است که عصف از آن چیده میشود و آن در او نیست قابض  
و مجفف که اعضاء سست را محکم میکند و دیگر زرد لود و شفتالو  
و سیب و درخت بوق که از بوقیصان نیز مینامند و بتر که قره اغاخ  
میکویند و درخت و شیخ و صمصاف و گرد و لیمون و پرتقال  
انار و انواع خربزه و امثال اینهاست و بعضی ذکر کرده اند که

شاخه درخت رز در آن کاهی با اندازه غلظت جسم انسان میشود  
و در جنگلهای و بیشه ها بدرختها با لامیرود و این بلاد با وجود این  
که خاکش خوب و اشجار و نباتات و جمیع انواع حبوبات راها یافت  
میشود مع ذلك مخروبه و ساکنین آنها بالنسبه بوسعت و برکت  
و فراوانی نعمت آنها کم است و از جمله حیوانات آسیا صغیر اسبک  
ترکمانه و کاسی و کوسفند و بز است و در نواحی شهر آنکورا  
نوعی از بز یافت میشود که مویش دراز و در نازکی و لطافت شبیه  
حریر است و از آن شاهانه بافته میشود که معادل شاههای  
کشیمیر است و در آنجا نیز نوعی از کوسفند یافت میشود که پشمش  
خوب ممتاز است و در هر سال دو مرتبه از آن میبرند و دیگر نوعی  
از گربه که جثه اش بزرگ و مویش بسیار نرم است و در کوهها  
آن بسیاری از حیوانات پرندگانه بیابانی یافت میشود و  
اما تجارت این بلاد از طرف بر و بحر هر دو میشود و لکن بیشتر  
تجارت طرف دریا با فرنگها و رومیهاست و اما طرف خشکی با  
ارمن است و بیشتر مرکز آن شهر از میر است و سرمایه تجارت  
آن حریر و انجیر و موی بز و پشم کوسفند و شتر و پنبه و پوست  
بز و باغی شده و عصف و کهربا و لاجورد است و دیگر بعضی از  
عقاقیر مثل افیون و مشک در اوند و قنه که بلغت فارسینه  
از آن میبرد میکویند و بعضی از چیزها تنگ بافته میشود مثل طبا  
و فرش و از آن میر تا ایدین در داخل بلاد خط آهن کشیده شده  
و بواسطه آن تجارت آنها بسیار وسیع است و در شهر برسا  
مناصب حریر و در شهر اماسیا مناسج کتان فراهم و مهیاست



واهل سیای صغر ترک و ارمن و روم و ترکمان و کرداند و هرگاه  
 بلاد ارمن بان اضافه شود مقدار سه خمس اهلیش ارمن و روم اند  
 و ارمن زیاده تر از روم است و بعمل تجارت مشغول و محبت مال  
 منال موصوفند و اما در میما بعضی از آنها تجارت امور معاش خود  
 میکنند مانند و بالفطره صاحب مکر و حیل و دروغ و کینه اند و هر  
 وقت که مرد صالحی در میان ایشان ظاهر شد بقتل یا نفی او قیام  
 کردند چنانچه بسقراط حکیم و ارستیدس و غیر آنها نمودند و اینها  
 خوردن گوشت را در روز جمعه مذموم دانسته و کمال تجاشی از  
 آن دارند و اما ترکها بعضی از آنها بعمل زراعت و بعضی بخر و صنایع  
 اشتغال دارند و در عمل مس و فولاد یدوی طوی دارند و اما ترکها  
 قبائل مختلفه اند و از برای هر قبیله شیخ یا امیر بستی که بر دیگران  
 استیلا دارد و اعتماد آنها با سبب موافقتی است و فی الحقیقه اینها  
 ترک اند که بحالت اصلیه خود که در نواحی بلاد تتر بوده اند باقی  
 مانده اند و در زدی از ایشان کمتر دیده میشود بخلاف آنرا که  
 مشهورترین حاصلت آنها سرعت و هنجار است و بیشتر آنها  
 در نواحی مرعش و حد و جزیره ساکنند و اینها شهرها  
 آسیا صغری از معموریت سابقه تنزل نموده و جانب عظیمی از آن  
 خراب و ویران است چنانچه افسس و لاذقیه و سردیس و ملیطون  
 که از شهرها مشهوره بوده اند بغیر از آثار مندرسه چیزی از  
 آنها باقی نیست و مشهورترین شهرهای آن در این ایام شهر یونان  
 است که در رأس خلیج از میر و اقصیت و مولد هو میر و سوس  
 یونان نیست و یکی از هفت کنیسه که در سفر و زیاده کوراست

این شهر واقعست و این شهر قریب ده مرتبه بواسطه زلزله و جنگ  
 خراب شده و حال ساکنین آن مقدار ۴۰۰۰۰ نفر است که قتل  
 ۵۰۰۰ از آنها ترک و ۳۵۰۰۰ روم و ۱۰۰۰۰ ارمن و ۴۰۰۰  
 نفر فرنگ است و سرمایه تجارت آن حریر و پنبه و پشم و موی بز  
 طناب و فرش است و دیگر انجیر و مویز و بعضی از عقاقیر و بعضی  
 از جواهرات و در جنوبی از میر شهر افسس قدیم واقعست و از آن  
 سوای بعضی آثار و بعضی پلها که هیکل ارطامیس در روی آنها  
 بنا شده چیزی باقی مانده و اما شهر غزل حصان همان شهر مغنیسیا  
 قدیم است حال محیطش مقدار ۴ میل است و تجارت پنبه و  
 غزل در آن وسیع است و آثار هیکلی با سبب ارطامیس در آن باقی  
 مانده و بوستانهایش وسیع و بدرخت سرو و پرتقال مشحون  
 است و اما شهر ملیطس قدیم در نزدیکی مصب نهر میندر در  
 جانب جنوبی آن واقعست و حال بغیر از بعضی آثار چیزی دیگر از  
 آن باقی نیست و در جهت شرقی از میر همسافت ۵۰ میل  
 بلده ایست که آنرا سرت میگویند و این بلده همان سردیس قدیم  
 است که قصه مملکت لیدی بوده و از آثار قدیمه آن که حال باقی  
 مانده معلوم میشود که زمان قدیم بلد عظیمی بوده و در جهت  
 شمالی سردیس قریه اقصا واقعست و این همان شهر ثیاتیه  
 قدیم است و طول آن ۲۷۴۱۵ شرقی و عرضش ۳۹۵۱۰  
 شمالیست و در آن مقدار ۱۰۰۰ خانده است که مقدار ۳۵۰  
 از آنها روم و ۲۵۰ یا ۳۰۰ ارمن و باقی ترک اند و در جهت شرقی  
 سردیس قریه الله شهر واقعست و این همان شهر فیلا دلفیایه



قدیم است و اهلس در عمل صباغت مشهور و معروفند و بواسطه  
آنکه در یکی از طرفان میر واقعست تجارتش کم نیست و در جنوب  
شرقی الله شهر شهر لاذقیه قدیم است که حال آنرا اسکی حصاری  
نامند و در نزدیکی آن شهر دژ لواز است که غوطه شبیه بغوطه دمشق  
دارد و در سنه ۱۷۱۵ بزلزله عظیمی که مقدار ۲۰۰۰ نفس در آن  
هلاک شدند خواب گردید و در این وادی علامات آثار بزرگیه  
بسیاری است و بواسطه کثرت حدوث زلزله در این راضی آنها را  
بلاد محترقه نامیده اند و در جهت شرقیه اسکی حصا بمسافت چند  
میل شهر کولوسایس قدیم واقعست و در جهت شمالیه از میر شهر  
برغا واقعست و این همان شهر برغاموس قدیم است و اهالی آن مقدار  
۵۰۰۰ نفس از ترک و ارمن و روم و یهود است و در آن جامع  
بزرگی است که بعضی گفته اند کنیسه بشارائی است که یوحنا  
کاتب معلم آنها بوده و در زمان قدیم کتابخانه در آن بوده که  
بمقدار ۲۰۰۰۰ مجلد کتاب مشتمل بوده و بحسب آنچه مشهور و  
معروف است جالینوس حکیم در این شهر تولد یافته و اما شهر بر  
طولش مقدار ۲۷۱۵۸۱ شرقی و عرضش مقدار ۲۷۲۴  
شمالیست و در طرف جنوبی شرقی وادی یا بقعه واقعست که  
طولش مقدار ۲۰ میل و عرضش مقدار ۴ میل است و بناهای  
این شهر از خوب است و از این جهت غالباً التمش میگرد و بازارها  
آن تنگ و اهلس مقدار ۴۰۰۰ و بعضی ۶۰۰۰ نفس ذکر کرده اند  
و در زمان سابق پای تخت سلاطین عثمانیه بوده و در آن کار  
خانه های بسیاری است که قاشهای حریر در آنها بافته میشود

و اما شهر نیقیای قدیم که حال آنرا از نیک مینا مند در طرف شرقی  
بحیره که متصل بخلیج جنوبی بحر مر است واقعست و از سنگها  
شهر قدیم بنا شده و قابل ذکر نیست و در طرف شرقی خلیج دیگری  
که از بحر مر امتدادست شهر نیکومیدیا قدیم واقعست که حال  
آنرا از نکید مینا مند و قسطنطین ملک در آن وفات یافته و به  
مقدار ۷۰۰۰ خانه مشتمل است و در جهت شمال غربی آن شهر  
خلکیدون قدیم واقعست و حال در آن غیر از بوستانها و درخت  
رز چیزی نیست و اما شهر اسکودار که متجه قسطنطنیه است  
اهلس مقدار ۳۰۰۰۰ نفس است و قافله هائیکه از داخل بلاد  
می آیند و بقسطنطنیه میر و نذازان عبور میکنند و اما شهر هائ  
که در دریف بحر اسود واقعست از جمله آنها شهر سمسون است که  
در ۳۸ طول شرقی و ۳۴ عرض شمالیست و اهلس مقدار ۳۸  
نفس است و دیگر شهر طرابزون است که اهلس مقدار ۲۵۰۰۰  
نفس است و آنرا دریا نوس ملک بنا کرده و سلطان سلیم اول  
مدتی در آن اقامت داشته و از جمله شهر هائیکه در دریف بحر روم  
یا نزدیکی آن در جنوبی بلاد واقعست شهر اذنا است و بوستانها  
وسیعته که از جمله اشجار آنها رز و توت و زرد الو و انجیر و زیتون  
است احاطه بان دارد و اهلس مقدار ۳۰۰۰۰ نفس است و  
ابوالفداء ذکر کرده که احمد کاتب گفته که این شهر از بناهای رشید  
است که طروس را نیز بنا کرده و شاید که مقصود احمد از بنا  
اصلاح و تعمیر باشد چه که آنها پیش از زمان رشید بنا شده اند  
و یا قوت در مشرتک ذکر کرده که اذنه شهر مشهوری است و



از جمله ثغور بوده و این هو قل گفته که اذنه شهری است که در غری  
 نهر سیحان واقعست و در روی این نهر پل طولانی کشیده شده  
 که بنای آن عجیب است و اذنه بمسافت دوازده میل از مصیصه  
 واقع است و میان آن و طرطوس ۱۰ میل است انتهی کلام ابی الفداء  
 اما طرطوس در زمان قدیم قصبه کیلیکیا بوده و پولس رسول در  
 آن تولد یافته و سناکین حالیه آن مقدار ۳۰۰۰۰ نفر است سر قریبا  
 تجارت آن کندم و جو و پنجه و مس است و ابو الفداء ذکر کرده که  
 طرطوس شهری مشهور و ثغری از ناحیه بلاد روم است که در  
 کنار دریای شامی واقعست و زمین آن بسیار خوب و مرغوب است  
 آنچه و این شهر در دانات و بک ابره و اوشبیه با اسکندرونه  
 است و دیگر از شهرهای جنوبیه ادالیه است که در ۳۵۴ میل  
 طول شرقی و ۳۵۰ عرض شمالیست و اهلس مقدار ۱۰۰۰  
 نفر است و در رأس خلیج ادالیه واقعست و شهر مفرود در رأس  
 خلیج مفری در نزدیکی آن واقعست و خرابه ویران است و از  
 آنجا چوب بصر و نمک و مواشی و چوب بجزیره رودس میرود و خلیج  
 مرمریس محاذی جزیره رودس است و بندر امینی است از برای  
 کشتیها و محیطش مقدار ۲۰ میل است و از جمله شهرهایی که در  
 داخل بلاد واقعست کوتاهیه است و اهلس مقدار ۵۰۰۰  
 نفر است و آن مفر و الی یالت اناضولیهست و در جانب غربی  
 نهر کوچکی که بجهت شمال شرقی جاری میشود و در بحر سکاریا  
 ریخته میشود واقعست و در جهت شمال شرقی آن شهر اسکلی  
 شهر واقعست و در شمال غربی اسکلی شهر شعوت نیز یکی

شطر نهر سکاریا واقعست و در جهت جنوبیه کوتاهیه که مائل  
 بشرق است شهر قره افیون حصار است و بواسطه آنکه تجارتش  
 در افیون است باین اسم مسمی شده و در آن مقدار ۲۰۰۰ خان  
 است و هر سال مقدار ۱۰۰۰۰۰۰۰ افیون در آن فروخته میشود  
 و طول این شهر ۳۲۱۳ شرقی و عرضش ۳۱۳ شمالیست  
 بمسافت ۱۴۰ میل از امیر و ۱۰۴ میل از انکوره واقعست و  
 بیشتر فرزندهای آن در امیر فروخته میشود در بلاد بیکه میان  
 آن و افیون قره حصار واقعست ساخته میشود و اما شهر قونیا  
 بارونی که طولش مقدار سه میل است بان احاطه دارد و نزدیک  
 آن بوستانهای وسیعی است که انواع میوه ها در آنجا یافت  
 شود و از نهرهای کوچکی که از کوههای ناحیه غرب جاری میشود  
 و در بجزیره از ناحیه شمال شرقی ریخته میشود سیراب میگردند  
 و این بجزیره در فضل زمستان مسافت زیادی از بیابانهاست  
 که مجاور آنست فز و میگرد و از جمله حاصلها ی آن کندم و پنجه  
 و کتان است و در این شهر طناب و فرشها بافته میشود و دیگر  
 پوستها نیکه برنک بود و زرد باغی شده از آنجا میگردند  
 اهلس مقدار ۳۰۰۰۰۰ نفر است و در سمت جنوب شرقی قونیا  
 بمسافت ۵۰ میل شهر قرمان واقعست و در زمان قدیم محل  
 اقامت سلطان مملکت قرمان بوده که سابقا ذکر شد و اما شهر  
 انقره که آنرا انکوریه نیز میگویند عرضش ۹۳۱ شمالی و طولش  
 ۲۴۲ ۲۴۱ شرقیست و در بیابانیکه از مسافات سطح در  
 بسیار واقعست واقع شده و در آن قلعه بزرگی است و آذانات



شهر قدیم خرابه های هیکل جویتیر و هیکل دیگری باقی است و  
اهلش مقدار ۱۰۰۰۰ نفس از مسلمان و ۵۰۰۰۰ از نصاری  
و ۲۰۰۰ از یهود است و هر سال مقدار ۵۰۰۰۰ افه پشم و  
مقدار زیادی مصطکی و صمغ و شمع و عسل و پوست بزبان  
انجا بلاد دیگر میرود و از جمله شهرهای آسیای صغری شهر  
اما سیاست در طول شرقی ۲۶۱۲ عرض شمالی ۴۰۲۰ و  
در وادی که در دو طرف نهر ابرساست واقعست و بوستانها  
بسیاری دارد که بادلواها را آب میدهند و اهلش مقدار ۵۰۰۰  
نفس است و بیشتر آنها نصاری هستند و استرابون مشهور  
که در جغرافیا صاحب مؤلفات کثیره است در آن تولد یافته و از  
جمله شهرهای آن توقات است در عرض ۵۵۹۵ شمالی و طول  
۳۶۳ شرقی و بمسافت ۱ ساعت از اما سیاد در جهت جنوب  
شرقی واقعست و تجارت برتیه آن وسیع است و سرمایه اش مسینه  
المان و اقمشه حویر و پوستهای بز است که بزرگ بود در باغی  
و اهلش مقدار ۶۰۰۰۰ نفس است و از امتهات شهرها آسیا  
صغری سیواس است که در جهت جنوبی توقات بمسافت ۴۰ میل  
در نزدیکی یکی از مخزجهای نهر فرل ارمق واقعست و اهلش به  
تربیت اسب اعتماد دارند اما شهر قلیساریه در جهت جنوب  
غربی سیواس بمسافت ۳ ساعت واقعست و اهلش مقدار  
۲۵۰۰۰ نفس است که ۵۰۰ از آنها از من و ۳۰۰ روم و  
۵۰ یهود و مابقی ترک است و این شهر مرکز تجارت و سیاحت  
بخصوص در پنبه و انجرازان یافته میشود و اما شهر ملطیه در

نزدیکی فرات و مصب نهر قره صو واقعست و اهلش مقدار ۱۱۰۰۰  
نفس است که ۱۰۰۰ از آنها اسلام و ۳۰۰۰ از من است و  
در زمان قدیم از شهرهای مشهوره بوده و لکن حال از عظمت  
قبل بسیار تنزل کرده و ابوالفداء ذکر کرده که آن شهر بیست ضا  
اشجار و میوه ها و نهرها و در نزدیکی کتخا و کرکر و شمالی زبیره  
واقعست و مسافت میان آن و کتخا و کرکر دو منزل و میان آن  
و زبیره منزل بزرگ است و از برای ملطیه قناتهای بسیاری است  
که داخل آن میشود و در خانه ها و کوچه ها میکند و کوهها  
بعیده بان احاطه دارد انتقی و ابوالستحق اصطخری ذکر کرده که  
ملطیه شهری بزرگ و از بزرگترین ثغور و ستورا است و کوهها  
بسیاری که گرد و وسایر میوه های آنها فراوان و بیضا است  
بان احاطه دارد انتقی و ظاهر آنست که موقع حالیه آن غیر از  
موقع قدیمی است و در جنوب ملطیه شهر سمیلساط و در غربی  
سمیلساط شهر مرعش و در جنوب غربی مرعش عین زریه واقع  
است و جمیع اینها از جمله ثغور و ستورا اند و بعضی آنها را از شکار  
و بعضی از اسبها شمرده اند و لکن بحسب حدیثیکه در اول  
این فصل ذکر شد از اسبها صغری محسوب میشوند و از این جمعه  
در این قسم ذکر شد اما جزاثر تابعه این قسم از املاک  
عثمانیه در آسیا جزیره مرمر و جزیره ارتاقوی و غیر اینهاست  
که در بحر مرمر واقع است و دیگر جزیره تیلند و س است که در  
نزدیکی مدخل بوعاز در درنیل است و بواسطه آنکه در اشعار  
هومیر و س یونانی و فرجیلدوس رومانی ذکر شده مشهور و معروفست



وایشان آنرا بغنی و برکت و فراوانی نعمت و صف کرده اند و دیگر جزیره  
جزیره متینواست که آنرا السبوس نیز میگویند و از زمان قدیم به  
خوبی شراب و حسن زنان و خوش اوازی مغنیان مشهور و تا  
حال هم همین منوال باقی است و هوایش بسیار خوبست به قسمی که  
کویا تمام سال فصل بهار است و در آن درخت رز و زیتون و  
مصطکی و دیگر انواع میوه ها بسیار است و زمینش بچشمه ها و  
جویهای بسیاری که از کوهها سرایش میشود سیراب میگردد  
و طول این جزیره مقدار ۳۶ میل از میلهای جغرافیة است و  
عرضش مقدار ۲۵ میل و محیطش مقدار ۱۰۰ میل و اهلیش مقدار  
۴۰۰۰۰ نفس است و دیگر جزیره شیواست که بواسطه زیادتی  
مصطکی آنرا جزیره مصطکی نیز میگویند و در آن انواع میوه های  
میشود و دیگر جزیره ساموس است که مولد فیثاغورس فیلسوف  
معروف است و بمسافت ۴۲ میل در جنوب شرقی شیو واقع  
است و طولش مقدار ۲۴ میل و عرضش مقدار ۱۲ میل و  
محیطش ۷۰ میل است و در آن دو سلسله کوهست که ارتفاع  
بعضی آنها مقدار ۴۷۵۲ قدم میرسد و از جمله حاصلهای آن  
جوب و انکور و انجیر و انواع خربزه و انار و امثال اینهاست و  
اهلیش مقدار ۶۰۰۰۰ نفس است و در جهت غربی آن جزیره  
نیکاریاست و اهلیش فقیر و بی بضاعت و صاحب کبر و نخوت و  
خودشانرا از سلاله قسطنطین ملک میدانند و از آن در زمان  
میشمارند و مثل معروف که میگویند از استر سؤال کردند که  
پدر تو کیست جواب داد که حصان خالوی من است در حق آنها

صادق است و عدد آنها مقدار ۳۰۰۰ نفس است و دیگر جزیره  
ستانکیواست که مولد بقراط طبیب مشهور است و دیگر جزیره  
بطس است و آن جزیره ایست که یوحنا ی رسول را بان نفی کردند  
و کتاب روایا در آنجا نوشت و دیگر جزیره کریدا است که آنرا  
قریطش نیز میگویند و طول آن مقدار ۱۷۲ میل و عرضش مقدار  
۲۵ میل و محیطش ۵۰۰ میل است و میوه و چوب و سایر  
حاصلهای آن بخصوص زیتون بسیار است و از جمله شهرها آن  
کانیا است که در جهت شمال غربی واقعست و اهلیش مقدار  
۱۵۰۰۰ نفس است و دیگر جزیره کنديا است که در جهت شمالیه  
واقعست و اهلیش مطابق کانیا است و در زمان قدیم قومی از عرب  
داخلان شدند که تا هنوز در نواحی کوه ای باقی اند و بلغت  
عربیة تکلم میکنند و بیشتر اهل این جزیره ترك و روم و مردمان  
جاهل و نادانند و دیگر جزیره رودس است که طولش مقدار ۴۰  
میل و عرضش مقدار ۱۵ میل و محیطش مقدار ۱۲۰ میل است  
و هوایش خوش و معتدل و خاکش خوب و مرغوب و در زمان قدیم  
حاصلهای آن بسیار بوده و حال بسیار از لوازم معیشت محتاج  
بخارج است و لکن شراب و بعضی میوه هادران یافت میشود  
و نشیمن آن شهر رودس است که در جهت شمال شرقی واقعست  
و اهلیش مقدار ۵۰۰۰ نفس از ترك و ۱۰۰۰ نفس از یهود است  
و دیگر جزیره قبرس است که از حیثیت و سعیت سیاهی جزایر بحر  
متوسطست و طولش مقدار ۱۴۰ میل و معظم عرضش ۶۰ میل  
است و ساکنین حالیه آن مقدار ۷۰۰۰۰ نفس است و از جمله



شهرهای آن نيقوسیه یا فقسیه است و آن در اواسط جزیره در بیا با نیکه کوهها بان احاطه دارد و قعست و زمان قدیم مقر مایوک قبرس بوده و دیگر شهرهای رینکه است که در جنوب شرقی واقعست و مقر قونسلوهای دول خارجه است و از جمله حاصلگها قبرس توت و زیتون و سر و صنوبر و اس و شقائق نغان و زنبق و خشخاش و انواع بسیاری از میوهها و حبوب و پنبه است شربش مشهور و معروف و حریرش خوب و بسیاری از حیوانات و طیور اهلیه و چند نوع از طیور بزیه و از حیوانات بزیه روباه و خرگوش در آن یافت میشود و مارش بسیار است و زهر بعضی از آنها مهلك است قسمی در قیماز املاک عثمانیه در آسیا ارمینیه یعنی بلاد ارمن است و آن از جهت شمال بحر اسود و کرجستان و از شرق بکرجستان و جزئی از بلاد عجم و از جنوب بکردستان و جزیره و از غرب با سیای صغری محدود است اما مملکت ارمینیه قدیمه و سعنتش از مملکت حالیه زیاده تر بود و لکن قبل از تاریخ مسیحی مبدت کی جانی از آن مملکت رومانیه اضافه شد و بعد از آن استقلال یافت و با استقلال خود باقی بود تا اینکه ترکها آنرا مالک شدند پس جزئی از آن بلاد عجم اضافه شد و کوههای بلند بسیاری در آن ممتد است چنانچه میانها شهر ارز روم و طرابزون پنج سلسله بمجاذات یکدیگر ممتد است و در جهت شرقی آن کوه اراط است که کشتی نوح بان قرار گرفته و آن فی الحقیقه دو کوه است که یکی از آنها بزرگتر از دیگر است اما آنکه بزرگتر است ارتفاعش مقدار ۱۷۳۰۰ قدم است و شرق

در ۳۹۴۲ عرض شمالی و ۵۵۵۶ طول شرقی است اما کوچکتر ارتفاعش مقدار ۱۳۵۰۰ قدم است و در ۳۹۳۹ عرض شمالی و ۶۲۲ طول شرقی در جهت جنوب شرقی کوه بزرگتر واقعست و میانها وادی عریض و وسیعی است و بعضی از ستیاها با بستر و مشقت بالای آن رفته و ابواسحق صطری این دو کوه را تابع بلاد اذربایجان قرار داده و آنها را حرث و خویرت نامیده چنانچه گفته که در ارمینیه کوههای بسیاری ممتد است که از جمله آنها کوه بزرگی است که از حرث مینامند و بالا رفتن بان بسیار مشکل است و هیچ وقت خالی از برف نیست و پائین آن کوه کوچکتر نیست که خویرت نامیده میشود آنچه و کوه بزرگتر بمسافت بسیاری از دور دیده میشود و در سفح شمالی آن همیشه های وسیعی است که خنجرهای بزی و طیور در آن مسکن میکنند و در آن مغارهها بسیاری است که ماوای دزدگها اگر است و از جمله نهرهای این بلاد فرات است و آن از دشت مجتمع است که مخرج یکی از آنها نزدیک شهر ارز روم است و قشر صونا میده میشود و مخرج دیگری در کوهها جنوب غربی دارد است و مراد صونا میده میشود و بجهت جنوب غربی جاری می گردد و نزدیک شهر کبان بیکدیگر میرسند و از آنجا بجنوب شرق درین جاری میشوند و از آنجا بجهت جنوب بر میگردند و تا نزدیک ملطیه میرود و میانها جزیره واسکیا صغری فاصله می شود و دیگر نهر رس است که از کوهها شمالی ارز روم بیرون آید و بجهت شرق جاری میشود و در بلاد کرجستان میگذرد



و ذکوان پیش گذشت و از جمله بحیرات آن بحیره و آن است که در  
 حدود ارمینیه و کردستان است و آنرا بحیره ارجیش نیز مینامند  
 طولش مقدار ۳۰ میل و عرضش میان ۹ میل و ۱۲ میل است  
 دیگر بحیره نزل است که در شمالی بحیره و آن است و میان آن  
 سلسله کوههای بلند است اما هوای این بلاد سرد و بعض  
 کوهها آنقدر ایام سال خالی از برف نمیماند مگر کاهی در فاجری  
 و تموز که برف آن زایل میشود و لکن در ناحیه حد و دجزیره هوا  
 معتدل و مرتعهایش خوب و مواشی بسیار و حبوب و گرد و سیب  
 آن فراوان است و در شطهای فرات درخت رز و زیتون  
 یافت میشود و از جمله معدنهای آن آهن و مس است اما سنگ  
 ارمینیه ارمن و ترک و ترکمان و کرد است و ساکنین اصلیه آن  
 ارمن اند که در سال ۴ دین مسیحی را قبول کردند و از جمله شهرها  
 ارمینیه از روم است که آنرا از رن روم نیز میگویند و در آن  
 بیابان وسیعی است که از مسوات دریا بمقدار ۷۰ قدم  
 مرتفع است و اهالش مقدار ۵۰۰۰ نفس است و ابو القدا  
 ذکر کرده که این همان شهر است که در بعضی از کتب عربیه انواقالی  
 قلا نامیده اند و دیگر شهر ایازید است که نزدیک کوه اراط  
 در جهت شمال غربی حد و بلاد عجم بمسافت ۱۰۰ میل واقعست  
 اهالش مقدار ۳۰۰۰۰ نفس است و دیگر شهر موش است که  
 در جهت جنوبیه قره صو واقعست و شهر وان که در جهت شرقیه  
 و آن است قسم بسیار از املاک عثمانیه در آسیا کرمینا  
 است و آن در جهت شمال با ارمینیه و از شرق بسلسله کوهها که

میان آن و بلاد عجم فاصله میشوند و از جنوب بجزر اب صغرو  
 از غرب بجزر جله محد و است و بیشتر او اهل آن کواد و نساطره  
 اند و بیشتر نساطره در کوهها شمال شرقی موصل تا حد بحیره  
 که در بلاد عجم است ساکنند و در چند سال اگراد با آنها هجوم آورد  
 و جماعت بسیاری از آنها را کشتند و اسیر کردند و ایشان قبائل  
 متفرقه بودند که اکابرشان بر آنها حکومت داشتند و بعد از آن  
 که نساطره را مخدول و منکوب کردند دولت عثمانی سپاه خود را  
 فرستاد و بر آنها ظفر یافت و جمیع را در تحت طاعت خود آورد  
 و از جمله نهرهای این بلاد خابور است که از کوهها نیکه میناشهر  
 تبلیس و بحیره و آن واقعست بیرون میاید و بجنوب غربی جاری  
 میشود و از تبلیس و سرعت میکند و در نهر جله بمسافت  
 ۵۰ امیل از شهر زخور یخته میشود و دیگر نهر زابا علی است که  
 از کوهها حد از ریجان بیرون میاید و بجهت جنوب جاری میشود  
 و نزدیک موضعی که آنرا سن میگویند در جله ریخته میشود  
 بواسطه حد و شدت جریان آنرا زاب مجنون نیز مینامند و اما  
 خاک این بلاد خوب و مرغوب و انواع حبوب و میوه ها در آنها  
 بثمر میرسد و بیشتر کوهها آنها بد رخت بلوط که بعضی از آن  
 چیده میشود مکتسی است و فقراء اگراد از این بلوط بجهت خود  
 نانی طبخ میکنند و دیگر از شهرها کردستان تبلیس یا بدلیس  
 که در غربی بحیره و آن نزدیک محل التقاء دو نهر که نهر خابور  
 آنها مجتمع است واقعست و آن شهرها قدیم و مقرا اهل اگراد  
 بوده و اهالی آن مقدار ۱۲۰۰۰ نفس است که نصف آنها ارمن اند



و این شهر در ۴۲۵۰ طول شرقی و ۳۷۳۰ عرض شمالی واقع است و میان آن و بجزیره وان مسافت ۲۰ میل است و دیگر شهر سعرت است که بمسافت ۵۴ میل در جنوب غربی تبلیس در بیابانی که از نهر خابور سیراب میشود واقعست و اهلیش به مقدار ۳۰۰۰ نفس از کراد وارمن و یعقوبیه و سناطره مید و عرضش ۳۱ شمالی و طولش ۴۲۴۰ شرقی است و در نزدیکی آن درخت ناز و انجیر و زرد بسیار است و تمام آنها از آب باران سیراب میشوند و دیگر شهر زاکواست که بمسافت ۵۱ میل از مصتب خابور در دجله واقع است و زمینهای اطراف آن خصیب و میوه های آنها بسیار است و دیگر شهر عمادیه است که به مسافت ۳۳ منزل در شمال شرقی موصل واقعست و در آن قلعه است که ابجاری از زیر آن میکزدد و بیشتر ساکنین حالیه آن یهود و سناطره اند و در عرض شمالی ۴۶۲۹ واقعست و ارتفاعش از مساوات دریا مقدار ۴۲۵۵ قدم است و بیشتر خانه هایش منهدم و بازار هایش مخروبه است و در شمال شرقی آن در یکی از وادیها نیکی داخل وادی ذاب اکبر است شهر چهار واقعست که از اجولامرت میکویند و مقر بطریق سناطره است قسم چهارم از املاک عثمانیه در آسیا جزیره است بدلی که از اضی واقع مینافرات و دجله بدو قسم منقسم است یکی جنوبی که عراق عرب نامیده میشود و دیگری شمالی و انجزیره است که از جهت شمال بامیدیه و از شرق بکردستان و از جنوب بعراق عرب و از غرب باسیکیا صغری و سوریا و بادیه شام

محدود است و در توریته ما بین النهرین نامیده شده و بعضی ذکر کرده اند که بواسطه آنکه قبیله ربیعیه و بکر و مضر ازین رحلت کردند و در شمالی ما بین النهرین ساکن شدند این نواحی را دیار بکر و ربیعیه و مضر میگویند و از جمله نهرهای این قسم فرات و دجله و خابور است و این غیر از نهر خابور است که سابقا ذکر شد و مخرج آن نزدیک موضعی است که از آراس همین و عین ورده نیز میکویند و نزدیک شهر قرقلیسا در فرات ریخته میشود و در دو جانب آن درختهای بسیار است و شعر خا رجیبه در مرثیه ابن طریف گفته ایاشجر الحی بو رمالک مورقا کاذک لم تجزع علی ابن طریف اساده بانست یعنی ای درخت خابور چرا برکهای تو ریخته کو باد مصیبت این طریف جزع و ناله نکرده اما خالت این بلاد بخصوص از اضی که نزدیک نهرهاست خوب و مرغوب است و لکن هوا آنها بواسطه وزیدن باد سموم خور نیست و در بیابانهای آنها شیر و نوعی از درنده کان که در غیر آنها معهود نیست و حمار و حشیق و اهو یافت میشود و اشجار آنها سرو و صفصاف و پرتقال و لیمو و توت و تمر هندی است و اهل آنها کراد و یعاقبه و سناطره وارمن و آترش و یزیدیه و عربی است اما شهرها جزیره از جمله آنها سروج است که ابو زید سروجی منسوب بدان است و در زمان قدیم آب بوستانها و میوه ها آن بسیار بوده و لکن حال قابل ذکر نیست و بنهایت نزد اخطاط یافته و دیگر شهرها ردین است که اهلیش مقدار ۱۱۰۰۰ نفس از رضاری و اسلام و افتاب پرست و اتش پرست است و دیگر از شهرها آن رحبه است که در غربی فرات نزدیک موضع



رحبه مالک بن طوق که از نوادگان هرون الرشید بوده واقعت  
 و رحبه جدید در یک فرسخی فرات است و از دیار بکر محسوب  
 شود و دیگر شهر قر قیسا است که از دیار مضر شمرده میشود اما  
 شهر داره در اصل کوه ماردین واقعت و در نزد یکوان قبرها  
 بسیار است که روی بعضی از آنها بخط یونانی نوشته شده و بواسطه  
 آنکه نزدیک بمحوشدن است خوانده نمیشود و مواضعیکه باین  
 اسم موسوم است بسینا است چنانچه یا قوت در مشتولک زیاده  
 از ۴۰ از آنها را ذکر کرده و فیروز آبادی در قاموس زیاده از ۲۰  
 از آنها را تعداد نموده و شیخ ابو حسین احمد بن فارس در خصوص  
 جاها نیکه باین اسم معروف است کنایه تالیف کرده و آنرا نیز داره  
 نامیده است و دیگر شهر دیار بکر است که از سنگهای سیاه  
 بنا شده و از این جهت ترکها آنرا قرم امید مینامند و محیطش مقد  
 سه میل است و در آن قلعه ایست که مشرف بدجله است اهلیتر  
 ارمن و اتراک و یعقوبیه و نسا طره است و قاشهای حریر و پنبه  
 در آن بافته میشود و دجله آن شهر کوچکی است که بد و ن جسر  
 و قق که اربابان جمع نشده باشد از آن میکند رند و طول این شهر  
 ۲۹۵۲ شرقی و عرضش ۵۵۷۵ شمالی است و بمقتا ۱۸  
 ساعت از ماردین واقعت و دیگر شهر رضیدین است که در  
 جنوب شرقی داره بمقتا ۱۸ میل واقعت و ابواسحق اصطخری که  
 کرده که آن شهر بیست عظیم و وسیع و خصیب و باخیر و برکت و  
 لکن عقرهای موزی و مهلك دارد و با و بسیاری از اراض  
 در آن حادث میشود و کل آنرا با فاق میسرنند آنچه و این شهران

دیار ربیعیه است و مختص بکل سفید است و کل سرخ در آن یافت  
 نمیشود و دیگر شهر موصل است که در جانب غربی دجله واقع است  
 و اهانش مقدار ۵۰۰۰۰ نفس است و در جانب شرقی دجله موقع  
 شهر نینوا است که یونان رسول را خداوند بان مبعوث نمود و  
 دیگر جزیره ابن عمر است و آن شهر کوچکی است در غربی دجله و  
 یا قوت در مشتولک ذکر کرده که طائفه بزرگی از اهل علم بآنستند  
 که از جمله آنها بنی اثیر اند که مبارک صاحب کتاب جامع الاصول  
 فی احادیث الرسول و نضر الله صاحب انشاء و بلاغت و علی حنا  
 تاریخ است و بواسطه نسبت آنها باین جزیره هر یک را جزیری می  
 گویند و دیگر شهر عانما است که شراپش بخوبی موصوف است و  
 دیگر بوازج است که میانه اربل و تکریت است و بعضی از علما  
 بان منسوبند و دیگر سن است که نزدیک مصب زابل واقع  
 است و دیگر تکریت است و آن آخر شهرها جزیره است که تالی  
 عراق است و در غربی دجله بمقتا ۱۸ روز از موصل واقعت  
 و در جنوبی آن ترعه ایست که فزاسحاقی نامیده میشود و این شهر  
 اول حد سواد عراق است و در آن قلعه بوده که شاپور پسر اردشیر  
 ابن بابک آنرا بنا کرده و حال خراب و ویران است قسم پنجم  
 از املاک قفقازیه در آسیا عراق است و آن از جهت شمال بخزیره  
 و کردستان و از شرق ببلاد عجم و از جنوب ببادیه و خلیج عجم  
 که بحر فارس نیز نامیده میشود و از غرب ببادیه محد و داست  
 و در آن چند ترعه و نهر مینمازات و دجله است که بیابانها و  
 جاها نیکه محل سیل است از آنها سیراب میشود و از جمله آنها



فهر عیسی است که منسوب بعیسی بن عبدالله عباسی است و آن  
 از حضرت بیرون میاید و در دجله ریخته میشود و دیگر فرض  
 است در جنوبی فخر عیسی و فخرها که در جنوبی فخر صر و جمیع اینها  
 در دجله ریخته میشوند و از جمله شهرهای عراق بغداد است که  
 از شهر سلام نیز میگویند و در عرض شمالی ۴۰ ۳۱ ۴۳ و طول  
 شرقی ۴۵ ۴۴ ۴۳ در دو جانب دجله واقعست و بعضی گفته  
 اند که جانب غربی کوخ نامیده میشود و آن جایی است که ابن زریق  
 بغدادی اشاره بان کرده است و در بغدادی قرآنی با  
 لکوخ من فلان از راه مطلع و ابی جعفر منصور در آن ساکن بود  
 و بعد از آنکه بغداد بنا شد ملقب بزوراء گردید چنانچه شیخ عمر  
 ابن فارض گفته ارج النسیم سر من الزوراء صحرا فاحیا میت  
 الاحیاء و یا قوت در مشترک گفته که زوراء اسم دجله بغداد  
 است بمناسبت میل و عروج آن و جانب شرقی آن از اهر و ن رشید  
 و صافه نامیده است و در آن قصری از برای خود بنا کرده بود و  
 در آنوقت صنایع عظیمی داشت و تا انقراض دولت بنی عباس  
 بهمین حالت باقی بود و پس از آن از عظمت قدیم انحطاط یافت و  
 بنای این شهر از خونی است که معروف بقریه است و اهل آن در  
 فصل تابستان از شدت گرمی هوا روزها در سردابها و شبها  
 بالای بامها میخوابند و از عمارات و قصرها خلفاء بقیه باقی ماند  
 و اهل آن مقدار ۶۰۰۰۰ نفس است و این شهر معد علماء و شعرا  
 و فقهاء و مشاهیر در هر علم و فنی بوده و از متأخرین آنها که عهد  
 نزدیکتر از هم است شیخ عبدالباقی افندگ عمری است که در

مدح داود پاشا وزیر بغداد قصیده نظم کرده که در توفی آن لفظ  
 خال را ملترنم شده و مطلع آن اینست الی الروم اصبو کما اومض  
 الخال فاسکب معادون نسکا به الخال و از جمله آنها شیخ عبد  
 الحمید موصلی و شیخ صالح تمیمی است اما تجارت بغداد بیشتر  
 در چیزها ثقیست که از هند و بنگاله واردان میشود و اهلش  
 عرب فارس و ترک و هندو است و از جمله شهرهای عراق هیت  
 است که در غربی فرات واقعست و دیگر جمله است که شیخ صفی  
 الدین بن سراپای حلی صاحب یوان مشهور و محبوب کار ارتقیه  
 منسوب دانست اما شهر کوفه سعد بن ابی وقاص که از جمله صحابه  
 حضرت رسول ص بود در زمان خلافت عمر بن خطاب از ابناء کرد و عجم  
 از نخبین منسوب بانند و اهلش در عربیت محل و ثوق و اعتماد  
 بوده اند و احمد بن حسین که معروف بمثنوی است سنه ۳۳ هجری  
 هجری در آن تولد یافته و در نزدیکی آن مسجد امیر المؤمنین علی بن  
 ابیطالب است و آن مدفن آنحضرت و فرزندان دلبند او حضرت  
 سیدالشهداء علیه السلام است و طائفه باطنیه که در روز  
 از آنها پیدا شد و طائفه قرامطه که از جمله آنها نصیری است  
 در این نواحی ظاهر شدند و اما انبار در شرقی فرات نزدیک  
 نخرج فخر عیسی است و جماعت بسیاری از فخر من منسوب بانند  
 و احمد سفاح که اول خلفاء بنی عباس است در آن مقر داشته  
 و در نزدیکی بغداد در جهت شمالیه آن موضعی است که از آنجا  
 من رأی میگفته اند و بعد مردم آنرا مخفف کرده سامره گفتند  
 چنانچه ابوطیب مثنوی در باره کاتبی از اهل آن که نزد سیف الد



عدوی بوده گفته اسامی ضحکه کل راء فطنت و کنت غبی  
 الاغیاء و معتصم عباسی از بنا کرد و حال خراب و ویران و  
 بناء معوران که است و بردان قره دیدگری است در کنار شرقی  
 در جله و صرصر در نزدیکی آن واقعست و اما مدائن در جهت  
 جنوبی بغداد بمسافت یکمتری آن واقعست و بقیه ها ایواکس  
 در آن بوده و بعضی از قدماء ذکر کرده اند که وسعت آن از کفی  
 تا رکن دیگر ۹۵ ذراع و ارتفاعش ۱۰ ذراع بوده و اما واسط  
 در مجرای دجله قدیم واقعست و حال خشک و بجا بست و اما شهر  
 بصره در غربی هضوی که از التقاء هضوات و دجله حادث میشود  
 بمسافت ۷۰ میل از نصبان در خلیج عجم واقعست و بعضی گفته  
 اند که بناء آن در زمان خلافت عمر بن خطاب یکسال پیش از کوفه  
 شده و هر دو راعرا قین میکفنه اند و اهلسر حال مقلد ۵۰۰۰  
 نفس است و درخت خرما ی آن بسیا است و از جمیع نواحی بلاد  
 عرب سبب آن میاورند و در صحت عربیت هالی آن و اعتماد  
 و استشهاد با قوال ایشان نظیر کوفه بوده مگر اینکه اهل آن در  
 بسیاری از مسائل لغویة با کوفین مخالف بوده اند و لکن بعضی  
 از فضلا گفته که در مسائل خلافت ما بین آنها مذهب بصرین  
 از حیث لفظ و مذهب کوفین از حیث معنی صحیح تر است و عجم  
 از ادباء باین شهر منسوبند که از جمله آنها شیخ حریری صاحب  
 مقامات معروف است و در جنوبی بصره کوهیست که از اسنا  
 میکوبند و در جنوب غربی آن وادی است که از اوادی سناء  
 میکوبند و در نزدیکی بصره در جهت غربی آن قره ابله است

و میان بغداد و واسط بلده ایست که از اجبل میکوبند و خلق  
 بسیاری بان منسوبند که از جمله آنها ابو الخطاب شاعر جبلی است  
 قسم ششم از املاک عثمانیه در آسیا بر شام است و آن  
 از جهت شمال باسیکا صغری و از شرق بقرات و بادیه و از جنوب  
 بحرئی از بلاد عرب که از اتیه بنی اسرائیل میکوبند و از غرب  
 بحر روم محدود است و در زمان قدیم بدو قسم منقسم بود  
 سوریا و فلسطین و لکن در وقت اضافه شدن آنها بملکند و زمان  
 قبل از تاریخ مسیحی بدت کی هر دو را سوریا میکفتند و زمان  
 که اعراب مسلمین در اثناء سنه ۶۲۲ مسیحی از آن فتح کردند  
 هر دو را شام میکفتند و این بلاد را بچهار چند تقسیم میکنیم  
 اول حلب قدیم دمشق سیم بیروت چهارم اورشلیم یعنی قدس  
 شریف و قبل از شروع در تفصیل این اقسام بدانکه آنها را آن  
 شمال بجنوب سلسله کوهها بنیکه از جمله آنها کوه لکام است خرق  
 میکند و آن از جنوبی کوه طور و س که در آسیا صغری است در  
 بر شام ممتد است و ابواسحق صطری گفته که این سلسله را تا  
 اینکه از لاذقیه تجاوز کند لکام و ناحص را کوه هراء و پسران  
 آنرا کوه لبنان مینامند انچه و لکن حق اینست که کوه لکام نزد  
 مصب هرعاصی بجهت شمال آن بقرب سویدیه منتهی میشود و  
 در جنوبی مصب هرعاصی کوه بلند ای است که آنرا کوه اقرع می  
 گویند و از آنجا از جهت جنوب این سلسله بوادی قلعه حسن  
 و دیر حمیرا ممتد میشود و آن کوههای ضحیریه است و از اینجا  
 ابتداء کوه لبنان است که بلندترین سرهای آن در مکانی است



که انرا فم المیزاب میکوبند و ارتفاع آن مقدار ۱۱۰۰۰ قدم است  
 و رأس صتین کی پست تر از آنست و این سلسله در وادی لیطانی  
 قلعه شقیف منتهی میشود که ملک صلاح الدین اویغین منتهی ۱۱۹۰  
 انرا از فرنگها گرفت و این را ضی با جبل عامل میکوبند و از آنجا از  
 جهت جنوب سلسله بنواحی صفد و ناصره تمتد میشود و بعد  
 از جهت شرق بنواحی نابلس بر میگردد و در جنوبی ناصره بیابان  
 وسیعی است که انرا مرج ابن عامر میکوبند و آن میانه کوههای  
 مذکوره و کوه کومل فاصله است و قطعه از این بیابان بجهت  
 واردن کشیده میشود و در آن کوه منفرد نیست که انرا کوه طور  
 مینامند و بعضی انرا کوه تجلی میدانند که خداوند در آن بهوسنی  
 عمران تجلی فرمود و لکن کوه تجلی غیر از آنست اما کوه کومل اول آن  
 نزدیک ریاد نزدیک حیفاست و بجنوب شرقی تمتد میشود تا  
 اینکه بکوههای نابلس میرسد و از آنجا بجنوب تا کوه شراه بجز  
 بجزیره لوط تمتد میشود و اما کوه معروف بکوه شرقی اول آن در  
 جنوبی حصص بمسافت یکمتر از میا حسیاء و شمسین محاذ کوهها  
 نصیرتیاست و از آنجا این سلسله بجنوب غربی تمتد میشود و  
 میانه آن و کوه لبنان بیابان وسیعی است که انرا بقاع <sup>مندان</sup>  
 و میانه آن و کوه شیخ وادی تیم اسفل است و این شعبه را  
 کوه حیش مینامند و در جهت جنوبی آن در شرقی اردن کوه  
 عجلون است و در جنوبی آن کوه کوه جلعاد است که انرا کوه  
 صلت نیز میکوبند و در جنوبی آن کوه بلقاء است و در جنوبی  
 آن کوهها مواج شرقی بجزیره لوط تمتد است و از جمله کوههای

این بلاد کوه حلب است که از کوهها آنکه نزدیک عین قابست  
 بیرون میاید و بجهت جنوب جاری میشود و دیگر کوه عاصی است  
 که انرا از نظر میکوبند و از موضعیکه انرا نبع اللبوه میکوبند و  
 در شمالی بجلبک بمساکمی واقعست بیرون میاید و در نزدیکی  
 سویدیه در دریای روم ریخته میشود و دیگر کوه عفرین و  
 یغرا و اسود است که مخزج انها در شرقی کوه لکام است و در  
 بجزیره انطاکیه ریخته میشوند و دیگر کوه کبیر است که مخزج آن  
 در کوههای نصیرتیه است و در نزدیکی آن قیه در بحر روم  
 ریخته میشود و در جنوبی آن کوه صنوبر و کوه ملکست و در  
 جنوبی کوه ملک کوه حسین است و پس از آن کوه کبیر است و  
 این غیر از کوه کبیری است که ذکر شد و پس از آن کوه بار دامت  
 و جمیع این کوهها از کوهها نصیرتیه بیرون میاید و در بحر روم  
 ریخته میشود اما کوهی علی آن کوه لبنان بیرون میاید و در  
 بحر روم ریخته میشود و اما کوه ابرهیم در نزدیکی عاقوره از  
 کوه لبنان بیرون میاید و در بحر روم ریخته میشود و اما  
 کوه کلب از کوه لبنان بیرون میاید و در بحر روم ریخته می  
 شود و اما کوه بیروت از کوه مجمع است که مخزج یکی از انها  
 نزدیک ترشیش و کفر سلوان در کوه لبنان است مخزج دیگر  
 در نزدیکی فالوغا و حمانا است و در وایکه تحت دیو قلعه است  
 بیکدیگر میسرند و بجهت غرب جاری میشوند و پس از آن  
 بشمال بر میگردند و در نزدیکی بیروت در خلیج مار جرجس  
 ریخته میشوند اما کوهها در چند کوه کوچک مجمع است



که یکی از آنها غابون است و دیگر صفاست و هر کویک  
 دیگری از وادی عین داره بطرف آنها میاید و نزد جسر قاضی  
 با آنها میرسد و جمیع بجهت غرب جاری میشوند و در نزد یکی  
 معلقه داور در بحر روم ریخته میشوند و اما هر اولی از کوه  
 لبنان بیرون میاید و در بحر روم ریخته میشود و اما هر لیکن  
 بحر جیش در نزد یکی بعلبک است و در بحر روم ریخته میشود  
 و از آنها قاسمیه میگویند و اما هر مقطع از کوهها نیکه در شرق  
 مرجع ابن عامر است بیرون میاید و نزد یکی حیفاد در بحر روم  
 ریخته میشود و اما هر عوج بحر جیش در نزد یکی لداست و  
 در شمالی یا فادر بحر روم ریخته میشود و اما هر بردی بحر جیش  
 در نزد یکی زبدان نیست و در بحر جیش ریخته میشود و اما  
 هر عوج غیر از آنکه ذکر شد بحر جیش از عین دوریه است و در  
 بحر جیش ریخته میشود و اما هر اردن از چند شهر بزرگ و  
 کوچک مجتمع است که از جمله آنها هر حاصبانی است و در بحر  
 لوط ریخته میشود اما بحیرات بر شام از جمله آنها بحر انطاکیه  
 است و دیگر بحیره افامیا است که از چند بحیره مجتمع است و  
 دیگر بحیره حمص است که از بحیره قدس میگویند و طولش مقدار  
 ۱۰ میل و عرضش مقدار ۵ میل است و دیگر بحیره مرجع است  
 که در جنوب شرقی دمشق در جهت غوطه ان واقعست و در  
 جهت شمال شرقی بانیا س بحیره ایست که از آن بر که ان میگویند  
 و ماهیان بسیاری در آن یافت میشود و دیگر بحیره حوله است  
 که هر حاصبانی در آن ریخته میشود و هر شریعه از آن بیرون

میاید

میاید و در بحیره طبریه ریخته میشود و بحیره طبریه اعظم بحیرت  
 بر شام است و در کتب مقدسه بحر جلیل و بحیره جناثر نامیده  
 شده و از جنوبی آن هزاردن بیرون میاید و دیگر بحیره لوط است  
 که از بحیره میت و بحیره زعر میگویند و هزاردن در آن ریخته  
 میشود و هیچ فیزی از آن خارج نمیشود و طولش مقدار ۵۰  
 میل و عرضش مقدار ۱۰ میل است اما هوای بر شام باختلاف  
 مواقع مختلف است چنانچه در کنار دریای کرم و ترو بعضی اماکن  
 ان مثل اسکندرونه و بانی است که ناخوشی و تبهای رذیه  
 بواسطه فساد هوای ان بسیار است و در هر جا که آب بر فصل  
 تابستان زیاد میشود مثل طرابلس و رأس العین اراض نریز  
 انجامز زیاد میگرد اما کوهها هوای آنها خوب و مقوی بدن است  
 و سرهای آنها در فصل زمستان شدت ندارد مثل کرمان  
 آنها در فصل تابستان و اما بیابانهای داخله بلاد هوای آنها  
 در فصل بهار و خزان خوب و سرهای آنها در زمستان و کوهها  
 آنها در تابستان شدت دارد و در بعضی اوقات بادهای کرم  
 از جهت بادیه با آنها مسلط میشود و از جمله حیوانات بر شام  
 شتر و گاو میش و اهو و روباه و کفتار و نوعی از پلنگ است و  
 خرس در بعضی از کوهها مثل کوه سنین و کوه شیخ و خنزیر  
 در کوه ریحان و نزد یکی ان یافت میشود و در آن انواع بسیار  
 از طيور اهلیه و بتریه یافت میشود و در بعضی از سالها ملخ  
 در آن میاید و گاهی از اوقات پرنده کوچکی که از اسم مرجع  
 گویند با آنها غلبه میکند و آنها را هلاک میکند اما اهل این



بلاد از اصول مختلفه اند که الحاق طائفه از ایشان بساکنین  
اصلیه آنها مشکل است و این بلاد در زمان سابق بلاد کنعان  
بوده و غیر آنها از نسل حام بن نوح و نسل سام در نواحی آنها  
ساکن بوده اند پس بنی اسرائیل کنعانیین را از ارض فلسطین  
بیرون کردند و بعد از آن ملوک آشور با آنها استیلا یافتند  
و بعد ملوک مادی و فارس و بعد ملوک مصر و پس از آن استقلال  
یافتند و بعد بملکت مکه و نیه اضافه شدند و پس از آن بم  
ملکت رومانیه و بعد اعراب در اثناء سنه ۶۲۲ مسیحی  
انها را فتح کردند و بعد از آن تر و اترک عثمانیه مالک شدند  
و ساکنین آنها بواسطه تواتر تقلبات دول از جنسها بسیاری  
ممزوج و مخلوط گردیدند و آنها با عقوبت مذاهب یئیه دوازده  
طائفه اند مسلمان و متاقله و دروز و نصیری و اسماعیلیه  
و روم و پروتستانی و موارنه و سریان و ارمن و یهود و  
سامره اما مسلمین آنها عرب و ترک است و اعراب در سنه  
۶۲۲ که این بلاد را فتح کردند داخل آنها شدند و در همانجا  
ساکن گردیدند و تمام اطراف آنها را تصرف کردند و لغت  
عربی به بلغت سریانیه که لغت متداوله آن بلاد بود غلبه  
کرد و اما ترکها در نوع اند عثمانیه و توکان و این دو فرقه  
در اصل تراند که از بلاد تر و شمالی بحر خزر آمدند و بعضی  
گفته اند که طائفه از تر در خراسان نزل کردند و با زنان  
انجا مقاربت کرده جنسی از آنها تولد یافت که انرا توکان می  
گویند یعنی شبیه بترک و اسم ترک از ترک که از نسل یافت

بن نوح است اخذ شده و اما اترک عثمانیه ذکر آنها در طی کلام  
در آسیای صغری گذشت و اما متاقله که آنها را شیعه میگویند  
ظاهر هیئات آنها است که از اصل فارسی بوده اند و اما نصیری  
مزوع قرامطه اند که در ارض کوفه ظاهر شدند و این لقب  
حمدان بن قرامطه که ملقب بصاحب الحمال و مدثر و مطوق بود  
شده و او در اثناء سنه ۶۴۶ ظاهر شد و تعلیم او را علم باطن  
نام نهادند و از این جهت طائفه او را باطنیه نامیدند و او  
مبشرین خود را در بسیاری از جاها فرستاد که مردم را دعوت  
کنند و اصحاب او زیاد شد و از میان این طائفه مردی که از  
نصیر نمری میگفتند ظاهر شد و او شیخی بود عابد و زاهد و  
نوزدها از اولیاء شمرده میشد پس او از میان اصحاب خود  
دوازده نفر انتخاب کرد که بتعلیم او مردم را برسانند و چونکه  
امر او شیوع یافت و الی او را گرفته بزندان انداخت و زندان  
بان کیزی داشت که بالنسبه بشیخ شفقت پیدا کرده بود تا  
اینکه روزی زندان بان شراب خورده مست شد و مستغرق  
خواب گردید کیزی فرصت یافته در زندان را باز کرد و شیخ را  
رها نمود و کلید را بجای خود گذاشت چون زندان بان بیدار شد  
دید که شیخ نیست و علامتی از برای باز کردن در زندان  
نیافت کمان کرد که ملائکه او را رها کرده اند و بواسطه آنکه  
از بازخواست ملک خلاصی یابد این مطلب را شهرت داد تا  
اینکه بگوش شیخ نیز رسید پس او در اشتهار تعلیمها خود  
بیشتر جری شد و بعضی ذکر کرده اند که این شیخ از ارض



کوفه به بزشام رفت و تعلیمهای او در آنجا میان مردم ساده لوح شهرت گرفت و اخرا لامر پنهان کردید و خبری از او نشد و از جمله طائفه باطنیه اسماعیلیه است و دولتی از آنها در عجم قوت یافت و هشت سلطان از آنها مدت هفتاد و یکسال در این بلاد سلطنت کرد و فرس آنها را اشیاخ جبل می گفتند و دولتی از آنها در مصر قوی شد و در آنجا بدولت فاطمیه نامید شدند و جعفری ذکر کرده که در او اواخر سنه ۴۰۷ هجری مردی که او را محمد بن اسمعیل درزی می گفتند بمصر رفت و او از جمله دُعا طائفه باطنیه بود و در کتب دروزنشستگین در آن نامیده شده پس اینمرد خدمت الحاکم یا مرانته ابو علی منصور بن العزیز بن ابی الله که خلیفه ششم از دولت فاطمیه بود رفت و با او موافقت کرد و کتابی نوشت که در آن میگوید ان نفس ادم جائز الی علی بن ابیطالب و منه الی اسلاف الحاکم منقسمه من واحد الی اخر حقی انتهت الی الحاکم و هو خالق الکون الی اخر بیانیه و این کتاب را در یکی از جوامع خواند پس مردم آن بسرا و هجوم کردند که او را بکشند و او فرار کرده پنهان شد و حادثه عظیمی در قهمن ظاهر گردید و خانه درزی را غارت کردند و بسیاری از اصحاب او را کشتند و پس از آن حاکم شرع او را به بزشام فرستاد و او در وادی تیم اسفل که نزدیکی کوه شیخ است فرود آمد و در آنجا با الوهیت حاکم ندان کرد و چونکه امر او توخیمین که از عراق بزشام آمده بودند از طائفه باطنیه بودند مطیع و منقاد او شدند و از این سبب آنها را طائفه دروزمینا مندرکند

مذکور

مذکور در واقع تریسنه ۴۱۰ هجری کشته شد این اصل طائفه دروز و کیفیت امتداد شان در بزشام بود که ذکر شد و اما عقائد آنها هر که بخواهد بتفصیل آگاه شود بکتاب مختصر البیان فی مجری الزمان و کتاب کشف دیانته الدرور که در پارسی طبع شده رجوع نماید و اما عدد ساکنین بزشام از جمیع طوائف اجماگه مقدار ۱۶۶۰۰۰۰ نفر است که مقدار ۵۶۰۰۰۰ از آنها اهل حضر و بقیه اعراب بادیه اند و اما تفصیل

انها از اینقرار است	
مسلمان	۸۱۵۰۰۰
روم	۲۴۰۰۰۰
موارنه	۲۲۰۰۰۰
روم ملکیت و غیر آنها از طوائف و ما	۴۰۰۰۰
دروز	۱۰۰۰۰۰
مناوله	۲۵۰۰۰۰
نصیریه و اسماعیلیه	۲۰۰۰۰۰
ارمن و بقیه طوائف	۲۰۰۰۰۰

و از جمله حاصلهای بزشام درخت صنوبر و زیتون و خرما و دروز و کز و توت و بادام و سرو و کوز و صفصاف است و از جنوب کندم و جوع و عدس و ماش و نخود و باقلا و دیگر سوسن و عناب و نیلشکر و درخت حناء و انواع گل و یاسمین و زنبق و قرنفل و زرجس و امثال اینها و اکثر سبزیها و بقول ماکوله در آن یافت میشود و اما پنبه آن برای ساختن اقمشه



چندان مرغوب نیست و اما شراب برشام کمتر مرغوب است مگر  
 سیاه مزئی آن که عفو صفتش گسست و بعضی از زده های آن که  
 در نواحی کسروان و تالی آن تا اعمال طرابلس است بخصوص  
 شراب سبعل که بعضی مشایخ در وصف آن گفته کل النبید  
 محرم الا النبید السبعلی و از جمله حاصله های این بلاد تیغ  
 است که معروف به تنق است و بهترین انواع آن در جبل و بتر  
 و جبل ریحان است و بسیاری از آن بقسطنطنیه و مصر و  
 دمشق میرود و در بعضی از اراضی آن قنبر روئید میشود  
 و در ارضی حلب کوهها بتر و سفونیا که معروف بمجوده است  
 یافت میشود و غالباً نشاء و صمغ خز داخل آن میکنند و خالص  
 کتر یافت میشود و اما معادن برشام از جمله آنها معدن نقره  
 و قلع است در کوههای شمالی اسکندرونه و معدن آهن در  
 کوه آفرع و کوه لبنان و زغال سنگ در نزدیکی قرنایل از  
 اعمال بیروت و نمک در بعضی از جاهای آن و بیشتر از نواحی  
 تدمر و فرات میاورند و همچنین نمک بارود و اما سرمایه  
 تجارت آن صمغ عربی که غالباً بصمغ پیسته و زردالو مغشوش  
 است و صمغ قتاد و سنا و فیون و پوست رو بابه و خرکوش  
 و عفسر است و از جمله مصنوعات آن نسجه حریر و پنبه و صوف  
 و قصب طلا و نقره است و در نواحی اورشلیم و بیت لحم مشا  
 و صور بسیاری از صد فیکه از عراق اللؤلؤه مینامند و از بحر  
 احمر میاورند میسازند و غالباً تحتها را بان مرصع میکنند  
 و بلاد ایطالیا و فرانس میفرستند و از امتهات شهرهای

برشام حلب است و آن شهری است قدیمی و از برای آن نهری  
 است که آنرا قویق میگویند و بوستانها از آن سیراب میشود  
 و اهل آن از آبیکه از دو جا در شمالی شهر بمسافت ۴ میل می  
 جو شد میاشامند و آن در قناتها نیکه در خانه و بازارها  
 و کاروانسراها و حمامها منشعب است جاری میشود و در کوهستان  
 های آن درخت پیسته بسیار است و در آن میوه یافت می  
 شود که بیار درخت خرما نزدیک است و بسیار شیرین است  
 و بازارهای آن تنک و بناهایش خوش منظر است و لکن در  
 و ثباتی ندارد و بار و روی آن محکم است و لکن بواسطه زلزله  
 منهدم شده و محیطش مقدار ۷ میل است و در زمین آن  
 علامت کوههای آتش نشان که علت حدوث زلزله میشود  
 ظاهر است و از بسیاری آنها این شهر چند مرتبه خراب شده  
 و در سنه ۱۸۲۲ مسیحی در ۳۱ ماه آب زلزله عظیمی  
 حادث شد که جهت عظیمی از حلب انطاکیه و قریه ها مجاوره  
 آنها را خراب کرد و از جمله بناهای مشهوره حلب برج قدیمی  
 است که آنرا سرایه بنی جنبلاط میگویند و اما هوای آن خوب  
 و موافق صحیح است و لکن در بدنهای آن و غریبی که  
 در آنجا مکت میکند بثره که آنرا کینه و سالک میگویند پیدای  
 شود و آنها از حاجت السنه میگویند زیرا که قبل از یکسال  
 علاج پذیر نیست و اما تجارت حلب از زمان قدیم بسیار  
 کتر است و حال قافلهها از بغداد و دمشق و موصل و دیار  
 بگردان جمع میشوند و در او اسط سال ۱۶ اهلش بمقدار



۳۰۲۰۰ نفر می رسید و لکن حال نصف عدد مذکور در آن نیست  
 و آن در عرض شمالی ۳۶۱۲۵ و طول شرقی ۳۷۹ و اقصی  
 و در ناحیه جنوبی حلب بمسافت منزل کوچکی قنشرین واقع است  
 و آن در اوائل اسلام شهری بزرگتر از حلب بوده و لکن حال  
 خراب و ویرانست و در نزدیکی آن قریه ایست که آنرا حاضر  
 قنشرین میگویند و در نزدیکی آن موضعی است که آنرا فرادین  
 میگویند و در جنوب شرقی حلب بمقدار ۲۰ میل قریه ایست که  
 آنرا صغیره میگویند و در آن مقدار ۳۰ خانه است و در  
 جهت شرقی آن بمقدار ۴ میل وادی نمک است که محیطش  
 مقدار فستاق ۴ روز راهست و زمینش تمام نمک است و از  
 دور مثل بجز آب صافه بنظر میاید و اهوان سفید بجهت غرب  
 زدن نمک در آن می آیند و در جنوب شرقی این وادی خرابه  
 قدیمی است که آنرا زوبا می نامند و در نزدیکی قنشرین شهر  
 خناصره واقعست و آن قلعه ایست در طرف بتریه و حال در  
 این نواحی قبیله از عرب ساکنند که ملقب بسلیب اند و بفلان  
 و مواشی اعتنائی ندارند و غذای آنها گوشت اهو است اما شهر  
 عین تاب در شمالی حلب بمسافت سه منزل واقعست و آن شهری  
 است معمر و صاحبان بوستان و اهلان مقدار ۲۰۰۰۰  
 نفس از ارمن و اتراک و پروستانیه است و در جنوب شرقی  
 آن قریه نرب است و در جنوب غربی عین تاب شهر کلتر است  
 میان حلب و اسود و اطراف آن املاک و قریه های بسیار  
 است و اهلیان عرب و کرد و ترکمان و یزیدیه و نصیری و نصاری

است و بیشتر نصاری از طائفه ارمن اند اما شهر انطاکیه در  
 زمان قدیم از جمله شهرهای مشهور عالم بوده و در عصر سلوکیه  
 قضیه مملکت سوریا بوده و آنرا سلوقس ملک که ملقب بغالبا  
 بود بنا کرد و در اوایل اردین مسیحی در آن قوت یافت و پس از  
 آن مسلمان در سنه ۶۳۷ آنرا فتح کردند و بعد از آن فرنگها  
 در سنه ۱۰۹۱ آنرا پس گرفتند و بعد از خروج آنها از برشام  
 سلطان مصر سنه ۱۲۶۱ آنرا خراب کرد و بسیاری از اهلسن  
 بقتل رسانید و کناش آنها را خراب کرد و بعد از آن بواسطه کثرت  
 زلزله خراب و ویران شد و حال بحالت پستی است و از عظمت  
 قدیمه آن بغیر از بار و نمیکه بسه جهت آن احاطه دارد چیزی باقی  
 نمانده و جهت چهارم آن نهر عاصی است که اهلان مقدار ۹۰۰۰  
 نفس از اتراک و نصیری و روم و ارمن و یهود است و در جهت  
 غربی آن شهر دونه است که حال آنرا بیت الما میگویند و در  
 جنوبی عاصی واقعست و کوهها نیک چشمه های بسیاری از  
 آنها جاری میشود بان احاطه دارند اما سویدیه در نزدیکی  
 مصیبه نهر عاصی است و در شمال غربی آن موقع شهر سلوکیه  
 است و آن در سنه کوهیکه آنرا کوه موسی میگویند واقعست  
 و اما اسکندرونه در شمال انطاکیه نزدیک دریای اقصی  
 و در میان انطاکیه و اسکندرونه قریه بیلان است در شمال  
 اسکندرونه بایاس است و در شمال شرقی بایاس کنیسه  
 سوداء و هرونیه است و چنانچه یا قوت حموی در مشرق  
 ذکر کرده آنها از جمله ثغور و ستور بوده اند و در جهت



شرقی نطاکیه بمسافت یکم جمله قریه حارم واقعت و در  
 شرقی ان قریه داناست و در شمال ان کوه سمعان است و  
 اکثر ساکنین این نواحی داعیان مواشی و از طائفه یزیدیه اند  
 از حارم بجهت جنوب سلسله کوهها تا شرقی عاصی ممتد است  
 و از جمله قریه ها ان سقار است و ان مقدار ۵۰ خان است  
 اهلش نصیریه اند و دیگر سلقین است و ان مقدار ۴۰۰ خانه  
 از نصیریه است و دیگر علانی است و ان مقدار ۲۰ خانه است  
 و اهلش نصیریه اند و دیگر دیرکوش است و ان نیز مقدار ۱۰۰  
 خانه از نصیریه است و در شرقی ان کوه قطعه ایست که ان  
 روح مینامند و در ان چند قریه است و تمام ان بمقدار ۱۲۰۰  
 خانه مشتمل است و بیشتر اهل ان نصیریه اند و در شرقی  
 روح کوه اعلی است و در ان و توابعش مقدار ۵۰ قریه است  
 و اکثر اهالی ان در روز اند و از جمله این قریه ها کفتین است که  
 در بیابانی که در غربی موقع قلنترین است واقعت و در جنوب  
 کفتین بمسافت ۶ میل مغرب مصرین است که انرا مغرب لسنین  
 نیز میگویند و اهلش مقدار ۳۰۰۰ نفس است و در کوه  
 اعلی تا شرقی ان ماکن خرابه ها وسیع است و در جنوبی  
 قریه بشد لای است و در جنوبی کفتین بمقدار ۱۱ میل قریه  
 ادلب است و اهلش مقدار ۱۰۰۰۰ نفس است و در جنوبی  
 ادلب بمسافت ۳ ساعت ریحا است و اهلش مقدار ۳۰۰۰  
 نفس است و در جنوبی ریحا بمقدار نصف مرجه باره است و  
 ان قابل ذکر نیست اما مغرب نغان در جنوب شرقی باره واقع است

و یاقوت در مشترک گفته که نغان بن بشیر انصاری در وقتی  
 که از انجا میگذشت پسرش وفات کرد پس در انجا توقف نمود  
 باین سبب ضعیف او منسوب شد و در جنوب غربی ان کفرط  
 است و در نزدیکی کفرط اب مغرب حرمه است اما موقع شهر  
 افامیه در نزدیکی بحیره افامیه است که سابقا ذکر شد و در  
 ان قلعه ایست که انرا مضیق میگویند و در جنوبی ان بمسافت ۴  
 ساعت قلعه شیر راست و از ان تا حاه ۵ ساعت است  
 اما شهر حاه در دو جانب نهر عاصی است و اهلش مقدار ۳۰۰۰  
 نفس است و ابو الفداء ذکر کرده که ان نزه بلاد شام است  
 و جماعتی از ادباء مثل یاقوت و ابو الفداء که اهل تاریخند و  
 شیخ تقی الدین بن حجه الشاعر و خیرایشان بان منسوبند و  
 میان حاه و حمص موقع شهر رستان است و ان حال خرابه  
 ویران است و در جهت شرقی ان بمسافت یکساعت زفرون  
 واقعت و در شرقی حاه بمسافت ۴ ساعت خرابه ها شهر  
 سلیمه است که در ایام یونانین و اوائل اسلام مشهور بوده  
 اما شهر حمص در نزدیکی عاصی بمسافت ۲۵ میل در جنوب شرقی  
 حاه واقعت و در سنه ۶۳۷ مسلمانان در تحت دایت خالد  
 بن ولید و ابی عبیده جراح انرا فتح کردند و اهلش مقدار  
 ۲۰۰۰۰ نفس است که مقدار ۶۰۰۰ از انها روم است و در  
 جنوب غربی حمص بمقدار ۲۵ میل قریه ربله در شرقی عاصی  
 واقعت و در جنوب غربی ان هرمل است و از اماکن مشهور  
 این نواحی ندر است و ان بمسافت ۹۰ میل در شرقی حمص واقع



است و بعضی گفته اند که انرا سلیمان بن داود بنا کرده و شکی  
که مقصود از بناء تعمیر آن باشد اما چند مشهورترین آنها  
دمشق شام است و آن در طول شرقی ۳۳ و عرض شمالی  
۳۳ و ۳۳ و قدیم ترین شهرهای عالمست و مسلمان من  
۱۱۴ هجری در زمان خلافت عمر بن خطاب در تحت رایت خالد  
بن ولید انرا فتح کردند و خلفاء بنی عباس تحت خلافت خود را بنا  
نقل کردند و غوطه آن تمام محل تفریح و تماشاها ی روی زمین  
بر تری دارد و در شمالی آن کوهیست که معروف بجبل قاسیون است  
و از بنیه قدیمه که قابل ذکر باشد در دمشق یافت نمیشود و اکثر  
خانه ها آن از خشت خام بنا شده و منظری از خارج ندارد و اهل  
آن مقدار ۵۰۰۰۰ نفس است و غالب آنها با مانت و سلامت  
نفس موصوفند و خاک آن خوب لکن هوایش بد است و آب آن  
بالطبیعه دافع مرض جذام است و از این جهت اهل آن هیچ وقت  
با نمرض مبتلا نمیشوند و مرد غریبی هم که بان مبتلا باشد چون  
در آنجا توقف کند بمان درجه میماند و زیاد نمیشود و جماعتی  
از مشاهیر علمای و متادین در آن ظاهر شدند که از جمله آنها  
محمد بن مالک اندلسی صاحب الفیه مشهور در نحو و شیخ محمد  
حریری صاحب جاشیه شرح فاکهی بر قطر و شیخ حسن بوزنجی  
شارح دیوان فارض و عائشه باعونیة صاحب بدیعیه مشهور  
است و در شمالی دمشق قطعه ایست که انرا جبهه عسال می  
گویند و مشهورترین قریه های آن صیدنا یا است و در شمال  
شرقی قطعه معلوله است و در اطراف آن چند قریه است مثل

التینه و نجعه و غیر آنها و در شمال شرقی معلولا قطعه بی رود  
است و در حوران رأس عین و معزم باش کردی و فلیطه و کل  
و فسطل است و در شمال شرقی فسطل نینک است و ما بین  
نینک و غوطه را ارض تحتیه مینامند و در حوران نینک قاره آ  
و هر دو معتدلترین قطعات این دیارند و در خوبی و هوا  
ضرب المثل اند و در شمال شرقی نینک دیر عطیه است و مینا  
دیر عطیه و تدمر حمیره و حفر و صدد است و میان تدمر و  
دیر حیر و طیبه و سجنه و اراک است و در غربی حفر مسکنا و  
حمام و رضاه شام و رجبه و اقعست و در وادی حفر بردی  
و جهت شمالی و جنوبی آن ضیاع و قریه های بسیاری است که  
از جمله آنها فحج است و دیگر بلودان و زبدانی است و در این  
نواحی سیب بسیار است و بوستانها از آنجا تا دمشق بیک  
دیگر متصل است و آب و میوه و محل تفریح و تماشاها ی این  
دیا که مردمان قصد آنها میکنند از سایر بلاد بیشتر است  
مثل صالحیه و قاره و نینک و نیرب و ربوه و منشار و بیت  
راس و آن موضعی است که کنیز یزید بن عبدالملک اموی باراد  
الهی رخا لافه در آن وفات یافت و آن در وقتی بود که بجهت  
تفریح و عیش در بیت راس آمده بود و گفت که مردم چنین  
کمان دارند که از برای احدی ممکن نیست که یکروز عیش کامل  
بکند که منعص نکردد و من اینمطلب با تجربه میکنم و علی الصبا  
امر کرد که از واقعات و حوادث مملکت اصلا باو خبر ندهند  
باکنیز خود جنابه که بسیا مایل باو بود خلوت کرد و او از برای



ملك تغنی میگرد تا اینکه طعام حاضر کردند پس ملك با حجاب مشغول  
بطعام خوردن شدند و از برای ملك قدری از انار بیت داس  
که دانه ها درشتی داشت آورده بودند حبابه یکی از انهارا  
شکست و دانه از انرا تناول کرد از قضایای الهیه اندانده کلوی  
اورا گرفته هماندم وفات یافت پس ملك در مافترا و جزع و فرغ  
شدیدی کرد تا اینکه مرخص شد و در همان ماه وفات یافت  
اما بعلبک در زمان قدیم شهر عظیمی بوده و بعد از استیلاء  
مسلمین تا مقدار هفت سال از تاریخ هجری نیز ب عظمت قدیم خود  
باقی بود و پس از ان انحطاط یافت و حال از ان قلعه باقی مانده  
که از بناهای عجیبه شمرده میشود و مردم انرا از بناهای  
سلیمن بن داود میدانند و موقع این شهر در شمال شرقی شهر  
بقاع است در نزدیکی ان مخزج هزلیطانی است و ابهای نضر  
بر روی که مخزجش در کوه لیمان است بان اضافه میشود و  
میانة رخله و معلقه جاری میگردد و هزلیطوفه و هزلیطان  
جهت جبل شرقی بان اضافه میشود و بلده انرا ابو الفداء عین  
انجر نامیده و در نزدیکی ان قریه مجدل است که انرا محمد بن عمر  
میگویند و اکثر اهل بلاد بعلبک متاوله اند و اما جبل شرقی  
که در جهت عجم است وادی حریر انرا فرق میکند و بعد از ان  
وادی تنکی است که انرا وادی قرن مینامند و در جنوبی ان  
وادی بکه است و در جنوب این وادی جبل شرقی بدو قسم  
میشود که عزبان در جهت هزلیطانی است و شرقی بکوه  
شیخ منتهی میشود و انرا دیکه میانة انهاست وادی تیم اعلی می

گویند و از قریه های ان دیر عشاثر و نیطه و کفر قوق و بکیفا و  
راشیاست و وادی تیم اسفل متصل بان است و از قریه های  
ان میمس و کفر و حاصدیا و عین جرفا و شعبه و راشیا فخر و  
هتاریه است و حکام این بلاد احرار شاهان بیتین بوده اند و  
اهل ان از مسلمان و نصاری و در روز مخلوط است و در جنوب  
ان موضعی است که انرا تل قاضی میگویند و در شرقی ان  
بانیا س است اما جبل شیخ کوهیست که در کتب مقدسه کوه  
حرهون نامیده شده و در جنوب شرقی ان قلم بلان است و از قریه  
های این قلم عرنه و بیت جن و در بل و قلعه چندل و غیر اینهاست  
و در جهت جنوب مشرق وادی عجم است و از قریه ها ان خلدیه  
و قطن و عرطوز و داریا و دیر علی و عادلیه و صحنایا است و در  
جنوب وادی عجم قطعاً ایست که انرا جید ورمی گویند و از قریه ها  
ان بواریث و دیر بخت و دیر عدس و صنمین و کفر شمس و غیر اینها  
و در شرق بجزیره حوله و بجزیره طبریه ارض جولان است اما ارض  
حوران در جنوب شرقی دمشق است و ان بنقره و لحا و جبل  
حوران تقسیم میشود و در شرقی کوه حوران ارض بئینه است  
ان زمین است که در کتب مقدسه ارض باشان نامیده شده  
و از قریه ها ان بئینه و دومه و عیون و مجدل و صلحی است  
و اهل این بلاد عرب و نصاری و دروز است و اما قلعه کوه  
عجلون باراضی که از جهت شمال میانة هزلیطان و از جنوب میانة  
هزلیطان واقعست مشتمل است و حالك ان حوب و مرتعهایش  
بسیاست این قطعه بهشت قسم منقسم است کفار او سر



وجهامنه و واسطیه و بنوعبید و کوره و جبل عجولون و معراض  
است و لکن حال اکثر آنها ویران است و از جمله آنها کداره است که  
انرا ام قلیس میگویند و دیگر ابیلا و اربیل که حال انرا از بد میگویند  
و بد آنکه انرا کفر بیل میگویند و محنام که انرا محنه میگویند و از  
که انرا راحب میگویند و کراسا که حال جرش میگویند و بنزدیکی  
قریه عجولون قلعه ربحا است که انرا با عوثه نیز میگویند و از  
جنوبی خمر ز قاء قاهره موجب بقاء است و در شمالی آن کوه صلت  
است و از مواضع قدیم آن جلعاد و عمون است که حال عمان میگویند  
و حشبون که حال حسان میگویند و دیگر عال و نبا و ماعین و عرا  
و دینبان است و در زمان قدیم ارض بنی عمون در جنوبی این قطعه  
بوده و از جنوبی نیز موجب که انرا خمر نون میگویند تا احساء  
ارض کرک است که ارض موآب یا قوم لوط بوده و از قریه های آن  
کرک است که انرا کیرهواب میگویند و دیگر رابه و زغرا است و  
از جمله شهرها نیکه در کنار بحر متوسط از جهت شمال بان بتدای  
شود لاذقیه است و در زمان قدیم از شهرهای معتبره بوده  
و احراء توخین در آن مسکن داشته اند و محمد بن اسمعیل توخین  
انجا وفات یافته و در زمان قدیم تجارت شراب در آن وسیع بود  
و لکن حال بیشتر تجارت آن در تن و پنبه و کندم و جو و زیت  
عسل و شمع و پشم است و زلزله در آن بسیار حادث میشود  
و در سنه ۱۷۶ بسیار از آن بواسطه زلزله خراب گردید  
اهلش مقدار ۴۰۰۰ نفس از مسلمان و روم است اما شهر چیل  
چیزی که قابل ذکر باشد بغیر از جامعیکه سلطان ابرهیم انرا بنا

کرده در آن نیست اهلش مقدار ۱۰۰۰ نفس است اما شهر  
طرس که در زمان قدیم انرا انترادوس مینامیدند و ابوالفدا  
انرا انظرطوس نامیده اهلش مقدار ۶۰۰ نفس است حال قریه  
بحر ابیست و در جهت شمال شرقی طرس بمسء ساعت قلعه  
حرقباست و آن در سر کوهی واقعست که بمقدار هزار قدم از  
مساء و ات دریا حرقباست و اما جزیره رواد در جنوب غربی  
طرس بمسافت ۳ میل واقعست و آن جزیره کوچکی است که  
محیطش مقدار ۵۰۰ قدم است و اهلش مقدار قلیلی است اما  
جبال نصیریه در شرقی اما کن مذکوره است و آن چند قطعه است  
که از جمله آنها خوانی است و این قطعه در جنوب شرقی حرقباست  
و در آن مقدار ۵۵ قریه است که اهل آنها نصیریه و اسماعیلیه  
و مسلمان و روم است و دیگر قطعه حرقباست و در آن مقدار  
۹۰ قریه است که اهل آنها نصیریه و مسلمان و نصاری ز طائفه  
موارنه و روم است و حکام این دو قطعه احراء بنی عذر اند  
و دیگر قطعه قدموس است و حکام آن اسماعیلیه اند و آنها  
دو طائفه اند حجاویه و سویدانیه و تمام بلقبا احراء خوانده  
میشوند و در این قطعه مقدار ۱۷۷ قریه است که اهل آنها  
اسماعیلیه و نصیریه است و در جهت شرقی حرقباست  
و در شمالی آن قطعه سمت قبله است و بمقدار ۱۰ قریه مشتمل  
است و جمیع اهالی آن نصیریه است و دیگر قطعه بنی علی است  
و در آن مقدار ۳۰ قریه است که اهل آنها نصیریه است و  
دیگر قطعه قریاحه است و در آن مقدار ۱۰ قریه است که



اهالی آن نصیریه اند و دیگر قطعه جبل مهالیه است و در  
 آن مقدار ۴۷ قریه است و اهل آن نصیریه است و دیگر قطعه  
 جزیره است و این قطعه بسه قسم منقسم است جزیره و عمار  
 و ساحل جزیره و در جمیع آنها مقدار ۱۱۰ خانه و جزیره است  
 و دیگر قطعه صهیون است و در آن مقدار ۴۷ قریه است  
 اهل آنها مسلمانند اما ساحل لاذقیه مقدار ۶۰ قریه از قریه  
 های نصیریه در آن واقعست و در شمال شرقی لاذقیه قطعه  
 بطلویه واقعست و در آن مقدار ۴۷ قریه است و اهل آنها  
 نصیریه اند و در شمال شرقی آن قطعه کوه اکراد است و در آن  
 مقدار ۱۲۰ خانه و جزیره است و اهل آن نصیریه و اکراد و  
 ازمن است و در شرقی طوس صفیظه واقعست و اهل آن  
 مقدار ۵۰۰ نفر از روم و ۳۰۰ از مسلمان است و در تمام این  
 قطعه مقدار ۳۵۰۰ نفر است که مقدار ۱۰۰۰ از آنها نصیریه  
 و ۱۰۰ روم و ۱۰۰ موارنه و باقی مسلمانند و در جنوب شرقی  
 آن دیر جمیل است و در نزدیکی آن عین دوریه است که مقدار  
 آبش جاری و مدتی قطع میشود و جریان و انقطاع آن بحسب  
 اختلاف فصول است و این همان نهر سببی است که بعضی از  
 مورخین اشاره بان کرده و در جنوب شرقی این نهر قلعه حصین  
 است که در زمان قدیم بحصن اکراد معروف بوده اما بلاد عکا  
 بجنوبی قطعه حصین متصل است و در آن مقدار ۱۴۰ قریه است  
 و اهلش مقدار ۷۰۰ نفر از متاوله و ۵۰۰ از نصیریه و ۶۰  
 از روم و ۴۵۰۰ از موارنه است و شهر قریه عکا آن عکا است

که در زمان قدیم مقام احرار بنی سیفا بوده و حال زیاده از ۳  
 خانه در آن نیست اما شهر طرابلس در طول شرقی ۲۰ ۴۴ ۳۵  
 و عرض شمالی ۲۶ ۲۶ ۳۳ است و مسلمان در سنه ۸۱۸  
 از فتح کردند و بوستانهای آن بسیار است و اهلش بیشتر  
 باس و عزت نفس موصوفند و تجارت آن وسعتی ندارد و اما  
 بترون که یونانیان آنرا بترسین نامیده اند اهلش مقدار ۳۰۰۰  
 نفر است و اکثر آنها موارنه اند و اما شهر جبیل اهلش مقدار  
 ۶۰۰ نفر است و در نزدیکی آن آثار قدیمه معتبره یافت می  
 شود و اما شهر بیروت در طول شرقی ۲۸ ۵۳ و عرض شمالی  
 ۳۳ ۳۵ واقعست و بنای آن خوب و آبش خوشگوار است  
 هوای آن لطیف و پاکیزه است مگر در نواحی نهر بیروت که در  
 ایام تابستان امراض بسیار در آنجا حادث میشود و اهل آن  
 مقدار ۱۰۰۰۰ نفر است و تجارت آن خوب است و اما صیدا  
 در جنوبی بیروت واقعست و اهلش مقدار ۶۰۰۰ نفر است  
 و در زمان قدیم تجارت وسیعی داشته و لکن حال به بیروت  
 محول شده و در جنوبی صیدا در طریق صور قریه صیدا است  
 و در نزدیکی آن موقع صیدا است و اما صور در جنوبی  
 صیدا است و میان آن و عکا فاصله یک روز و نصف است و  
 اهلش مقدار ۳۰۰۰ نفر از متاوله و بزاری است و اما  
 عکا در جنوبی صور واقعست و اهلش مقدار ۶۰۰۰ نفر از  
 مسلمان و بزاری است و در جنوبی آن شهر حیف است و آن  
 قابل ذکر نیست و بدانکه بلاد تابعه جبل لبنان ۲۱ قطعه



قطعاً اولی از جهت شمال ذویه است تا شرقی طرابلس و در آن  
 کوهیست که انرا تر بل میگویند در قریه کوره است تا جنوبی طرابلس  
 و آن دو قسم است علیا و سفلی و از قریه های کوره علیا امیون  
 و از قریه های کوره سفلی نخله و قلوب و فیه و بلندا است سیم  
 جنبه بشره است تا جنوبی طرابلس و از قریه های آن بشره و  
 اهدن و طراز و حصرن و کرم سده و بزغون و حدشبت و حدث  
 است چهارم جنبه منیطره است و از قریه های آن منیطره و میر و با  
 و عاقوره و تنورین است پنجم بلاد بترون است و از قریه های  
 آن عرفه و کفر خلنس و بقنمیا و بشعله و دو ما و صورات و اصیا  
 و حلتا و حردین و پشتود است ششم بلاد جبیل است و از قریه  
 های آن شیت و بر باره و غرزوز و منصف و کفور و نجعاز است  
 هفتم فتوح است و از قریه های آن بوار و غنیه است هشتم  
 کسروان است و از قریه های آن حرزعه کفر ذبیان و شب روح و  
 ریغون و جعینا و مجلتون و غزیر و عرمون و غسسطا و ساحل علما  
 و عین طوره و زوق مکاید و زوق مصبح و زوق کراد است نهم  
 متن است و آن در شرقی بیروت است و از جمله قریه های آن غازیبا  
 و عبادیه و هلالیه و رأس المتن و خویبه و شبانیه و صلیما و  
 فالوقا و کفر سلوان و متین و شویر و بسکنتا است دهم ساحل  
 بیروت است و از قریه های آن سن الفیل و بوشریه و شیاح و بجر  
 و حدثا است یازدهم غرب است و آن دو قسم است اسفل و اعلی  
 و از قریه های اسفل شوئیفات و بشامون و عین عنوب و دیروف  
 و سر محول است و از قریه های اعلی عالیه و بسوس و کحاله و سو

غرب و عیناث و شمالان و عیناب است و از دهر جداست  
 شرقی غرب و از قریه های آن بشاثر و بجدون و شارون و بدنگل  
 و عین داره و رشمیا و بجواره است سیزدهم شرق است و از  
 قریه های آن عبیه و کفر منی و عین درافید و بوم و ناعرا است  
 چهاردهم قطعه مناصفا است و از قریه های آن دیو قمر و بیت  
 الدین است پانزدهم عرب قوب است و آن دو قسم است اعلی و ادنی  
 و از قریه های آن علی عین زحلتا و بمهریه و ورهائنه است و از  
 قریه های ادنی باروک و فریدیس و کفر نبرخ است شانزدهم  
 شوف است و از قریه های آن مختاره و عین قنیه و بعدن ران و  
 عین ما طور و عزیزه و عین بال و جدیده و ستمقانیه و بعقلین  
 است هفدهم عربی بقاع است تا شرقی شوف و عرب قوب و از  
 قریه های آن زحله و معلقه و مکسر و جدیده و مشغره و سغبین  
 است هیجدهم اقلیم جزین است و از قریه های آن جزین و کفر خونه  
 و جرجوع و بکاسین و روم و لیمه و قیوله است نوزدهم اقلیم  
 تقاح است و از قریه های آن برامیه و حبابیه و عبرا و صالحیه  
 و هلالیه است بیست و یکم اقلیم خرنوب است تا غربی شوف و از  
 قریه های آن برغوشیه و حسانیه و مغیریه و دبنیه و زغر و زیه  
 و برجاست بیست و یکم جبل ریحان است تا جنوبی این اقلیم  
 و از قریه های آن میدون و ردیه و غیر اینهاست و اقلیم کوه  
 و جبل ریحان در تحت ایالت مشایخ جنبه لاطیه بوده و آنها  
 بزرگترین مشایخ این بلاد بوده اند و عدد نفوس در این دو  
 قسم که احصا شده انرا بقدر است که ثبت میشود



فصل هشتم

عدد نفوس در قسم شمالی			
مقاطعات	مسلمین متاله	دروز	نضاری
مقاطعه کسریا	۱۹		۱۰۰۴۴
بلاد جلیل و جنبه منطوق	۳۱۹۶		۷۴۷۰
بلاد بترون	۱۶۶		۶۱۰۳
فتوح			۲۰۹۹
زاریه	۶۰		۱۷۳۱
فوتیح	۱۳۹		۴۱۵
جبه بشره			۱۰۲۰۰
کوره	۱۲۶		۲۵۰۰
قاطع المتن			۴۱۸۱
متن خلیفان اهل بیت	۲۰۰	۲۱۵۴	۱۴۶۱۷
بسکنتا و تالیان	۵		۲۱۲
عدد مجموع			
مسلمین و متاوله	۳۹۳۳	۲۱۵۴	۶۰۴۱۲۲
عدد نفوس در قسم جنوبی			
مقاطعات	مسلمین متاله	دروز	نضاری
ساحل بیروت			۸۷۲
عرب اسفل		۱۰۸۱	۱۴۵۱
عرب علی		۷۷۱	۱۵۶۳
جرد		۸۹۱	۲۰۱۶

در بلاد ترک در آسیا

عرب علی و اسفل	۱۱۵۳	۱۳۰۵
مناصف	۸۳۸	۱۱۱۷
شخار	۹۹۰	۱۶۳۱
جبل ریحان	۶۸۶	۳۲۷
شیوف	۳۵۱۷	۱۳۲۵
اقلیم جزین	۹۷	۳۲۷۱
اقلیم تفاح	۳۱	۱۷۸۴
اقلیم خزوب	۱۰۱۵	۱۵۰۲
دیرفر	۳۰۰	۱۷۷۷
مجموع	۱۱۳۷۰	۱۹۹۴۱
مجموع قسم شمالی	۶۰۸۷	۶۰۴۱۲
مجموع هر دو قسم	۱۷۴۵۷	۸۰۳۵۳

اما بلاد شقیف را صافی است که میان نهرهای وقاسمینه و تق است و اما بلاد بشاره در جنوب شرقی صورت است و اکثر اهل آن متاوله اند و از قریه‌ها این بلاد بنت جبیل و حدیث و طیبه و زریه و بدیاس و قانا است و مرج عیون تابع بلاد بشاره است و از قریه‌ها آن ابل قح و مظله و کفر کل و قلیعه و جدیده و ضیم و ابل الهوا است که آنرا ابل و مرج عیون میگویند و اما بلاد صغد که آنرا صفت نیز میگویند از اصول قریه‌های آن قدس است و دیگر صفاست و اهل آن مسلمین و یهود و قلیلی نضاری است و دیگر عکبره و میرون و کفر برعم و جش است و در غربی بلاد صغد



قطعه ایست که انرا جبل میگویند و از قریه ها آن ترشیه و  
 سعسع و غیر اینهاست و اهل آن نصاری و در روز و مسلمانان  
 و در جنوبی جبل میانه عکا و طبریه قطعه شاغور است و از  
 قریه ها آن منصوره و مغار و مجدکوم و راقه و کفر عمان  
 غیر اینهاست و اهل آن در روز و نصاری و مسلمانانند و اما  
 بلاد ناصره از قریه ها آن ناصره و کفر کنا و صفوریه و اکسک  
 ام جبیل و قانای جلیل است و اما بلاد طبریه از جمله الهاطریه  
 است که از بناهای هیرودس است و در زمان خلافت عمر بن  
 خطاب سنه ۳۷ و مسیحی مسلمانان این بلاد را فتح کردند  
 از جمله قریه ها این قطعه مجدک و کفر سبت و عولمه و قو  
 و سیرین و حطین است و اما بلاد نابلس قطعه است اقل  
 قطعه جانین است و از قریه ها آن جانین و عراقه و جبلون و  
 نوس و زرعی و سوله و نین و بیسان و برقین است قدیم  
 حارثه است و از قریه ها آن طوباس و سیرس و جدیده و کفر  
 و میثلون است سیم شعراویه است و آن در وقتم است  
 شرقیه و غربیه و از جمله قریه ها شرقیه مندومیه و سیله  
 الظهر و دبر و رماه و فحجه و جبع و سانا و است و اما شعراویه  
 غربیه در میانه شرقیه و بحر و اقصی و از جمله قریه های آن  
 قانوق و دبر و محالد و زیتا و عتیل و غیر اینهاست چهارم واد  
 شعراست و از جمله قریه ها آن بیتا و حرمین و برفه و رامین و  
 طول کرم و سبطیه است پنجم بیتا و ای است در شرق نابلس  
 از جمله قریه ها آن بیتا و هودکی و سالم و بیتا و جن و عقربه

و سیلون است ششم قطعه بی صعبا است و از جمله قریه ها  
 آن حجه و فندق و عزون و جلیجوله و کفر سا با و ارسوف و غیر  
 اینهاست هفتم حوره عمره است و از جمله قریه های آن بورین  
 و بیتا و ارفندیه و غیر اینهاست هشتم حوره مرد است  
 و از جمله قریه های آن عین ابوس و حواره و فرخه و لبن و سنا  
 و غیر اینهاست اما شهر نابلس همان شهر شکیم است و میانه  
 کوه عیبال و کوه جریم واقعست و اکثر اهل این بلاد مسلمانانند  
 و اما شهر یا فادر کنار دریا واقعست و بوستانهایش بسیار  
 است و میانه آن و اورشلیم مسافت ۴۰ میل است و اهلیش  
 مقدار ۹۰۰۰ نفر است و اما رمله در جنوب شرقی یا فو واقع  
 است و شیخ خیرالدین صاحب فتاوی الحزیه که پیش فقها و علما  
 مشهور است منسوب بانست و اما لدد در شمال شرقی رمله  
 واقعست و در زمان قدیم شهر عظیمی بوده و اما شهر اورشلیم  
 که بقدم شریف معروفست مشهورترین شهرهای عالم است  
 و لکن حال از عظمت قدیمه انحطاط یافته و اعتباری از برای آن  
 نیست مگر بجهت اماکن مقدسه مشهوره که در آن اطراف  
 انست که نصاری از جمیع اقطار برای زیارت آنها می آیند و واد  
 های بسیاری بان احاطه دارد که از جمله آنها وادی بن هیوم و  
 وادی یوشاط است در جنوب غربی اورشلیم بمسافت ۵۰  
 قریه بیت لحم است که مولد حضرت عیسی است اما شهر حرمین  
 که انرا خلیل میگویند در جنوبی اورشلیم بمسافت یک روز راه  
 است و حضرت ابراهیم و اسحق و یعقوب در آن ساکن بوده اند و اما



شهر غزه در جنوب غربی خلیل بمسافت یک روز راه واقعست  
 و ابن حوقل ذکر کرده که قبر هاشم بن عبد مناف در آنجا است و  
 امام شافعی در آن تولد یافته و عمر بن خطاب در زمان جاهلیت  
 در آن سیر شده و در شمالی آن شهر عسقلان است و در آن  
 آثار قدیمه یافت میشود و اما عربش بعضی آنرا از مصر و بعضی از  
 فلسطین میدانند و آن در جنوب غربی غزه واقعست و آثار قدیمه  
 در آن یافت میشود **فصل هفتم در بلاد عرب** و آن از  
 جهت شمال بفلسطین و بعضی سوریا و جزیره و از شرق بحزیره  
 و عراق عرب بحر فارس که آنرا خلیج عجم میگویند و بعضی بحر هند  
 و از جنوب بباقی بحر هند و از غرب ببوغاز باب مندب و  
 بحر احمر که آنرا بحر قلزم میگویند و بوغاز سویس و بعضی شام  
 محدود است و میان آن ۱۲۱۲ و ۳۵۵ عرض شمالی و ۱۲۰ و ۳۳  
 و ۵۹ طول شرقی است و معظم عرض آن مقدار ۱۱۵۰ امیل و  
 معظم طولش مقدار ۱۱۰۰۰۰ امیل است و عدد اهوان مقدار  
 ۱۰۰۰۰۰۰۰ نفر است و این بلاد پنج قسم تقسیم میشود  
 یمن و حجاز و قحطیه و نجد و یامه اما ارض بحرین نزدیک اکثر آنرا  
 شمرده میشود و لکن فی الحقیقه از بلاد عرب است مگر این که  
 متصل عراق است اما یمن از سه جهت بدریای قلزم محدودست  
 و جهت چهارم قحطیه و یامه و بحرین است و اقسام آن حضون  
 و شحر و مهران و عمان و بحرین است و بعضی گفته اند که وجه تسمیه  
 آن یمن و وقوع آنست از یمن کعبه در وقت استقبال مشرق مثل  
 وقوع شام از شمال آن و اما حجاز در جنب بحر احمر واقعست و

وجه تسمیه آن بحجاز حجاز بود و آن میان نجد و قحطیه است اما  
 نجد از جهت شمال بشام و از شرق بعراق و از غرب بحجاز و از جنوب  
 بیامه متصل است و بهترین اراضی بلاد عرب است و اما یامه  
 میان نجد و یمن است و از شرق بحزیره و از غرب بحجاز متصل است  
 و ابو اسحق صحرای ذکر کرده که در ناحیه ایله بریه ایست که آنرا  
 تیه بنی اسرائیل میگویند و آن اگر چه بدیاری عرب متصل است  
 لکن از دیار آنها نیست و عرب در آن آب مرتعی ندارد اما آنها  
 این بلاد حلالشان کماکان معلوم نیست چه که در اعصار قدیمه  
 تاریخی بی اعتبار تر از تاریخ آنها نبوده و لکن آنچه معلوم است  
 اینست که بعضی از اولاد سام بن نوح در عراق متوطن بودند  
 و بنو حام آنها را از آنجا بیرون کردند پس بعضی در جهت شمال  
 با شور رفتند و برخی در سمت غرب ساکن شدند و چونکه  
 در لغت اصلیه حرف غین نبود آنها را عرب نامیدند پس عرب  
 بمعنی غرب است و نسل آنها بنسل اسمعیل و مدیان و عیسو  
 و لوط مخلوط گردید و در جهات جنوبیه با قبایلیکه از نسل  
 حام بودند مخلوط شدند و از آنها قبایله و نسلهای بسیاری  
 پیدا شد که بعضی از آنها منقطع و برخی در تحت نسلهای دیگر  
 مندرج شد و در زمان جاهلیت با انواع مختلفه عباد آباطله  
 کردند و خداوندان و بتهای بسیار مثل لات و عزیز و هبل و  
 نسر و سواع و یغوث و غیر اینها داشتند و اکثر آنها پرستش افنا  
 و مراه و ستاره گان میکردند و از این جهت ساهی آنها عبد العز  
 و عبد یغوث و عبد الشمس و عبد المشتی و امثال اینها بود و



در زمان قدیم در فصاحت و بلاغت و حدیث و کرم و شجاعت  
 و نظم اشعار شهرت عظیمی داشتند و در اوقات معلوم در  
 اماکن معینه از برای بیع و شری و معاشرت بیکدیگر و انشا اشعار  
 جمع میشدند و از جمله اشعار آنها معلقات سبع است که بخانه  
 کعبه او میخواندند و علمای اسلام بواسطه فصاحت و صنایع شعریه  
 که در آنها بود شرح آنها بسیار اتمام کردند و در اثناء سنه  
 ۲۲ مسیحی که سنه هجرت است دین اسلام قوت گرفت و رعایا  
 از اعراب مسلمان شدند و در سنه ۲۷۷ هجری طائفه قریظ  
 قوت گرفتند و بکوفه و بصره و ارض بحرین غلبه کردند و لشکر  
 عظیمی از آنها را تحت دایت ابی طاهر خلیفه فرستیدند که مدد از آنها  
 و عزبای آن مقدار ۳۰۰۰۰ نفس را بقتل رسانیدند و از خانه  
 کعبه حجره را سود را گرفتند و در اواخر قرن ماضی طائفه و هاشمی  
 قوت گرفتند تا اینکه بالآخره ابرهیم پاشا با آنها نظریافت و  
 بدانکه جانب عظیمی از بلاد عرب صحراهای آن است که باران در آنها  
 بندرت میبارد و چیزی در آنها نمیرود مگر گیاه کمی که مرتجع هوا  
 اهل بادیه است و لکن وادیهای خوب که صاحبان و درختان  
 بخصوص در نواحی حضرموت و شحر که از بلاد یمن است بسیار است  
 و از جمله کوههای این بلاد کوه عارض است که از جهت شمال و  
 جنوب ممتاز است و طرف جنوبی آن در نزدیکی صعد بلایمن  
 متصل است و از آنجا از جهت شمال تا نزدیکی خلیج عجم متصل است  
 و دیگر کوه احد و کوههای مکه و منی است که آنها را اخاشبی  
 گویند و کوههای سودا که در نزدیکی کوه اجاست نیز اخاشبی

گویند

گویند و میانه آنها بیابان ریت زار است اما هر یک که کشتی از آن  
 عبور کند در بلاد عرب نیست از کوههای آنها جوهای بسیاری  
 سراسیمه میشود و لکن در ریههای کرم فرو میرود و بدریا  
 نمیرسد و در نزدیکی صنعاء و یمن هر کوهی است که بدریای هندی  
 متصل میشود و هر دیگری در بلاد مکه است که آن نیز در آنها  
 دریا داخل میشود و اما هوای این بلاد در کوهها معتدل و در  
 بیابانها بسیار گرم است و در شمال یمن از ماه حزی بران تا اثنین  
 در قیم باران میبارد و در شرق آن از تشرین در قیم تا شباط و  
 در حضرموت و عمان از شباط تا نسیان و در اکثر صحراهای آنکه  
 باران بسیار میبارد بعضی از نباتات بر تپه در آنها میروید و  
 احیاناً باد سموم با آنها میوزد و تمام را میسوزاند و اما اشجار در  
 بادیها غیر از بعضی از اشجار که آبکی آنها را کفایت میکند نمیرود  
 و لکن در بعضی از وادیها کوهها کز و حناء و زنجبیل و یاسمین  
 و ترهندی و خرما و نخی و کندم و جو و قهوه و تان و فلفل و صبر  
 باد نجان و انار و بادام و پسته و زردالو و سیب کلابی و لیمو  
 و انجیر و شقایق و نرگس و خربزه و موز و طلح که صمغ عربی از  
 آن است و نارچیل و لبان یافته میشود و اما حیوانات بلاد عرب  
 از جمله آنها است که در خوبی مشهور و معروف است و دیگر  
 شتر و گاو میش و گاو وحشی و خر و بز و گوسفند و چهارپای  
 و بربری و خنزیر و خرگوش و اهو و شیر و کفتار و بوز و کرکس  
 و روباه است و در جهت جنوبی سناسر یافت میشود و از جانور  
 موزی مار و عقرب و انواع مورچه و رقیلا یافت میشود و در



غالباً اوقات ملخ باین بلاد هجوم میکند و غله و اشجار آنها را تلف مینماید و اما معدنهای بلاد عرب حال کم است و لکن در زمان قدیم بسببیا بوده و الان در بعضی از اماکن آنها آهن مس و آرزیز و جزع و عقیق و لؤلؤ یافت میشود و شکی نیست که در انجا معدنهای بیاری است که تاکنون کشف نشده بخصوص در نواحی طور سینا و اما تجارت این بلاد در زمان قدیم وسیع بوده و حال کم است و از جمله چیزهایی که از انجا به بلاد دیگر می رود قهوه و صمغ عربی و صبر و حر و سنا و فلفل و حناء و عود و غیر اینها از عتبات است اما شهرهای این بلاد مشهورترین آنها مکه است و آن از حجاز است و بعضی چاه زخم چشمه ای در آن نیست و آن برای شامیدن خوب نیست چه که مورث فرجه بنورات میشود و مقتدر بالله که از خلفای بنی عباس بود از مسافت بعیده ای در آن جاری کرد و مسجد الحرام که خانه کعبه در میان آن واقعست در آنست و اهلیش مقدار ۵۰۰۰ نفس است و از تجارت با حجاج امور معیشت خود میکند و در عرب مکه در کنار دریای قلمر شهر جدا است و آن بندر مکه است و در طول شرقی ۳۹ و عرض شمالی ۳۱ و ۳۲ واقعست و اهلیش مقدار ۱۲۰۰۰ نفس است و از اهلهند و بمن و مصر و شام و مغرب و بلاد ترک مخلوطند و از اماکن مشهور مکه صفا و مروه است و دیگر وادی منی و کوه عرفات و حزدلفه است که از اجماع و بطن محسرنیز میگویند و در جنوب مکه کوه ثور است و ثلیر کوه دیگری است که از منی و حزدلفه دیده میشود

و نیز اسم چند کوه است نزدیک مکه سوای کوه مذکور مثل ثلیر بنج و ثلیر اعرج و ثلیر خضراء و ثلیر نضع و ثلیر عنیاء و ثلیر احد بکه انرا اشرع میگویند و غار مشهور که حضرت رسول با ابی بکر در آن مخفی شدند در کوه ثور واقعست و شیخ محمد بوسیری در قصیده که معروف به برده است اشاره بان کرده و ما حوی الغار من خیر و من کرم و کل طرف من الکفار عنه عی فالصدق فی الغار والصدق لم یر ما وهم یقولون ما بالغار من ارم و در شمال غربی مکه قریه حدیبیه است و بعضی گفته اند که بعضی آن در حله و بعضی در حرم است اما تبوک در شرقی ایله واقعست و در سنه ۹ هجری واقع عظیمی میان مسلمان و روم در آن حادث شد و در شرقی تبوک دو مهنه جنل است و در همان سنه که غزوه تبوک واقع شد خالد بن ولید از آن فتح کرد اما حجر بکسر جاء در جنوبی دو مهنه جنل است و بعضی گفته اند که دیار ثمود انجا بوده و اما حجر بفتح حاء در نزدیکی شهر میامه است و هر دو منزل قبیله بنی حنیفه و بعضی از فضا است و بنی حنیفه از قبیله بکر بن وائلند که سبیل کذاب که ادعای نبوت کرد از آنها بود و ایشان از عرب مستعربه اند از قبیله ربیعہ فرس که هریری صاحب مقامات مشهور از آنهاست و اصل او از قریه مشان بوده و قبور اشخاصیکه در حرب مسیله کذاب در زمان خلافت ابی بکر کشته شدند در حجر مذکور واقعست و در بلاد عرب مواضع عدیده باین اسم مشتمل است مثل حجر راشد در دیار بنی عقیل و حجر بنی سلیم و حجر دوس و وادی دیگری در بلاد عذره و غطفان و مو



دیگری درین و حدام جدیسیه که او را زرقاء جو نیز میگویند  
و مسافت سه روز را هر امیدیده و کروتیت زمین پیش و چیر  
نبوده چنانچه درباره او گفته اند اذنا قلت حدام فصد قوها  
فان القول ما قلت حدام اصل او از میامد از مکانی است که انرا  
میگویند او و ما بن مردم ضرب المثل است چنانچه ابو طیب گفته

برقی الشری المذکر ذنی	خف علی المکوب من فنی عری
و ابصر من زرقاء جو لانی	متی نظر عینای سا و اهای علی

و بعضی گفته اند که اسم او میامه بوده و بلد میامه با اسم او نامیده  
شده و بواسطه کبودی رنگ او ملقب بزرقاء کرده و ما تیماء  
در شرقی حجر واقعت در زمان قدیم معجور تر از آن بوده و در  
قلعه ایست که معروف با بلق من است و منسوب بسهموال بن  
عادیاء یهودی است و اما ثعلبیه در شمال شرقی تیماء است  
در شمال شرقی آن فید واقعت و آن از نجد است و در نصف  
راه قاصدین عراق از کوفه نزدیک کوه اجا و سلما واقعت و  
در غربی حجر مدین واقعت و در آنجا چاهی است که بعضی گفته  
اند که آن چاهی است که موسی کوسفندان شعیب از آن سیر  
میکرده اما مدینه اسمش یثرب است و لکن غالب آنرا مدینه  
میگویند و آن در زمینی مستوی واقعت و در شمالی آن کوه  
اخذ و در جنوبیش کوه غیر است و درخت خرمای آن بسیار  
و اکثر ارضی آن قابل زرع نیست و بیشتر چیزها نیک در آن  
محل احتیاج است از مصر میاید و آنرا مدینه الرسول و ام القری  
و طینه نیز میگویند چنانچه شیخ عمر فارض گفته تیقتان لا

دار من بعد طیبه تطیبان لا عتره بعد عتره و اما خیر به جهت  
شمال شرقی مدینه بمسافت ۴ منزل واقعت و قبائل یهودی  
که بکمر وحیل و خیانت موصوفند در آن ساکنند و بعضی گفته  
اند که آن از عالفه بوده و بعد به بنی عتره بن اسد بن ربیع  
و هوای آن بد و مورث نهجای شدید است و درخت خرمای  
آن بسیار است و تمرش بجهات بعیده میرود و اما جارد و جو  
شرقی مدینه بمسافت یک روز و یک شب واقعت و آن بند  
مدینه است و جماعتی بان منسوبند که از جمله آنها عبد الملك  
بن حسن جاردی حوال است و در جنوب شرقی آن ای است که انرا  
بدر میگویند و در نزدیکی آن قریه بدر است که واقعه مشهور  
میان مسلمان و مشرکین قریش در آن واقعت و بالاخره اهل  
اسلام ظفر یافتند و از جمله اشخاصیکه در آن روز از مشرکین  
کشته شد بدر بن اسود بن رفعة بن مطلب بن نوفل قرشی  
بود و اما حجه در جنوب شرقی بدر است و حال خرمای آن  
است و میان حجه و مکه عسفان است و آن منزلی است در  
راه قاصدین مصر و شام و آنرا مدیج عثمان نیز میگویند و اما  
طائف در شرقی مکه واقعت و سردترین ماکن حجاز است و  
میوه ها آن بسیار است و در نزدیکی آن بوستانها نیست که  
از چشمه ها و جویها نیک از کوهها سر اشیب میشود سیرابی  
کرد و کل و درخت در آن بسیار است و اهل آن قبیله  
ثقیف اند که کلب بن یوسف ثقیفی ملک شام که معروف بجاح مت  
از آنهاست و اما عکاظ در نزدیکی حد میان میامه و قاهم است



در زمان قلیم در ایام یکشنبه بازاری در آن برپا میشود  
 هر سال قبائل عرب با زبرای تفاعل بیکدیگر و انشاد اشعار در آن  
 جمع میشوند و مدت یکماه یا بلیست روز در آنجا میمانند  
 و اما صنعا ین شهر و انزه شهرهای عربستان است و قصبه  
 ین است در عرض ۵۲۱ شمالی واقعست و در کثرت آثار و  
 اشجار شبیه بدمشق است و هوای آن معتدل و بازارهایش  
 خوب و تجارتش وسیع است در زمان قدیم پای تخت ملوک  
 ین بوده و در جنوب شرقی صنعا موقع شهر ماری است که آنرا  
 سببا میگویند با اسم عبدالشمس که ملقب به سببا بود و بعضی  
 گفته اند که در آنجا سدر عظیمی بناخت و سیلابها را از منته  
 بعیده در آن جاری کرد و در جهت شمال غربی صنعا صعد است  
 که پوستهای مدبوغه از آنجا بساثر بلاد میرود و در غربی صنعا  
 بمسافت یکمتر از شط بحر احمر شهر زبید واقعست که قهوه آن  
 با طرا فمیرود و نسبتش اصلا با آن داده میشود مگر اینکه  
 عامه ناشر از روی اشتباه نسبت آنرا بمکه میدهند و آن در  
 عرض شمالی ۲۰۱۳ و طول شرقی ۴۳۲ واقعست بناهایش  
 از خشت خام است و اهلیش مقدار ۵۰۰۰ نفس است در  
 ۴ منزلی آن و منزی صنعا بیت فقیه است و آن در اراضی  
 که قهوه در آنجا میرود واقعست و اما شهر عدن در کنار  
 دریای هند واقعست و در زمان قدیم تجارت وسیعی داشته  
 و لکن حال اعتباری از برای آن باقی نمانده و در تصرف آنکریز  
 محط کشتیهای آنهاست که میان هند و سویس جاری میشود

و جزیره سقطره که صبر سقطری معروف از آن بسیار بلاد میرود  
 تابع ین و در تحت حکومت آن است اما شهر مسقط قصبه بلاد  
 عمان است و اهلیش مقدار ۱۰۰۰۰ نفس است و اما احساء عظیم  
 بلاد بحرین است و صاحبانهای جاری و چشمه ها بسیار گرم است  
 و درخت خرمایش بسیار است و از آنجا تر بنواحی یمنه میدرند  
 و با کندم معاوضه میکنند و در شمالی احساء در کنار خلیج  
 عجم قطیف واقعست و درخت خرما ین آن کثر از احساء است  
 و میانها هم مسافت دور و ز راه است و از بصره بمسافت روز  
 راه واقعست و میانها آن و کاظمه ۴ روز راه است و بنزدیکی  
 آن در خلیج عجم جزایر بحرین است اما کاظمه در شط خلیج عجم  
 است و اما شهر میامه در جنوبی احساء واقعست و مسافت  
 کذاب منسوب بان است و در نزدیکی آن وادی است که آنرا  
 خرج میگویند و در آن چند قریه است و در شمال یمنه شهر  
 ریاض است که پای تخت و هابیتین و مرکز سطوت آنهاست  
 تجارت از احساء و قطیف و عمان و مکه و وادی بحران و ین در  
 آن جمع میشوند و آنها با عالی درجه ترفض و تشیع بمذهب  
 و هابیتین اند که ابتدا شراب نمیخوردن و تن و سنای بردخانیات  
 استعمال نمیکند و استعمال آنرا از اعظم گناهان میدانند  
 رخصت داخل کردن آنرا در بلادشان نمیدهند و از حال  
 قصبه بلاد نجد است و ین بلاد بخوبی سب و شتر و گوسفند  
 مشهور است و در شمالی آن رمول است و در شمالی آن کوه  
 شماست که قصبه آن شهر حائل است و بنزدیکی آن در سلما



قبر حاتم طائی است و آن در تحت حکومت ریاض بوده و حال صاحب حکومت مستقل است اما وادی چون در حدود بادیه شام است و قصبه آن شهر جوف است و آن نیز تحت حکومت کوه شمر است که شهر حائل قصبه آن است و از جمله شهرهای قدیمه بلایه عرب هم است که در شمال شرقی زبید واقعست و میانه آن در صنعاء منزل است و در جنوب زبید قلعه تفر است که مقام ملوک بن بوده و آن بالای کوهی است که محیط باراضی تمام زبید است و در شرقی صنعاء شهر ظفار واقعست و آن قصبه بلاد شیخ است و تجارتش با هند است و در اراضی آن بسیاری از اشجار هند مثل نار عجل و قندیل یافت میشود و اما بجز آن بمسافت ده منزل از صنعاء واقعست و اراضی آن از قبیله همدان بوده و آنها در زمان جاهلیت بی داشتند که آنرا یغومینا مینامیدند و همدان پسر کهلان بن سبأ بود **فصل دهم** در بلاد فارس عربیه یعنی مملکت ایران بدانکه بلاد عجم در این ایام بچند قسم تقسیم میشود مملکت ایران یا مملکت فارس و افغانستان یا کابل و بلوچستان اما مملکت ایران قسم غربی آنهاست و آنرا بلاد فارس نیز میگویند و آن از جهت شمال ببعض از میدیه و کرجستان و بحر خزر و بعض بلاد تتر و از شرق با افغانستان و بلوچستان و از جنوب بحر هند و خلیج فارس و از غرب بخلیج فارس و عراق عرب و کردستان و بعض جزیره محند و است و مساحت آن مقدار پانصد هزار میل مربع و اهلیش مقدار دوازده هزار هزار نفر است و آن هشت قسم است از ریاجان و کیلان

و در

و مازندران و عراق عجم و خوزستان و فارس و کرمان و خراسان و اکثر اراضی این مملکت از مسناوات دریا بسیار مرتفع است جبال و وادیها و بیابانهای آن بسیار است و در آن بسیاری از نخل شورا است که از جمله آنها بحیره از میه است که در شمال غربی از ریاجان است و طولش مقدار ۹۰ میل و عرضش ۳۲ میل و عمقش زیاده از چهار ذراع نیست و مقدار ۱۴ هزار جبال مجاوره آن داخل آن میشود و هر وقت که آب این نهرها زیاده میشود آب این دریا مقدار ۳۰ قدم مرتفع میگردد بعضی گفته اند که آب آن شور و تلخ است و ماهی در آن تعیش نمی تواند بکنند و آنرا بحیره تلال نیز میگویند و دیگر بحیره ایست که در شرقی فارس است و طولش مقدار ۶۰ میل است و دیگر بحیره شیراز و غیر اینهاست که حاجتی بدگر آنها نیست و از جمله نهرهای این بلاد قزلبازان است که مخرجش در کوهها عراق عجم است و بجهت شمال جاری میشود پس بجهت شرقی برمی گردد و در بحر خزر ریخته میشود و طول آن مقدار ۱۰۰ میل است و دیگر نهر قره صواست و شاید که این همان نهر نیست که عرب آنرا نهر هود و دجله اهواز میگویند و آن از کوهها عراق عجم بیرون میاید و میانه کوههای خوزستان میگذرد و در دجله ریخته میشود و دیگر نهرها و نداد است که از کوهها عراق عجم بیرون میاید و بجهت جنوب جاری میگردد و در مزار ریخته میشود و دیگر نهر طاب است که از کوههای غربی شیراز بیرون میاید و در خلیج فارس ریخته میشود و طول آن مقدار ۱۰۰



میل است و در وصفان بعضی گفته اند ما طایفه قط عیش  
 الا علی خراطاب و دیگر خرقا و ن است و ان نخری است که  
 بلاد خورستان را خرق میکند و در رأس خلیج فارس ریخته  
 میشود و این نخر از التقاء دو نخر مجتمع است که یکی از آنها نخر  
 اولی است که در نبوت دانیال مذکور است و اما هوا مملکت  
 ایران مختلف است چنانچه در نواحی بحر خزر به نهایت بتری است  
 و سرعت از گرمی بسردی منقلب میشود و باین واسطه در اینجا  
 درد مفاصل و حرص استسقاء و چشم درد بسیار عارض می  
 شود و اما در جهات متوسطه برودت آن در فصل زمستان  
 شدید و حرارتش در موسم تابستان بقسبی است که اهالی  
 آن حتی لامکان در آن قامه نمیکند و در اصفهان در اوایل  
 تابستان تب بسیار عارض میشود و اما در همدان و شیراز  
 هوا خوب است بخلاف سایر بلاد و اما نواحی خلیج فارس و بحر  
 هند حرارتش شدید است و باد سهموم در آن بسیار میوزد  
 و اما خاک این بلاد اکثر آن قابل کشت و زرع است بخصوص  
 در نواحی اصفهان و همدان و شیراز و اذربایجان و خراسان  
 و در غالب بلاد بسیاری از میوه ها مثل انجیر و انار و الو  
 زردالو و شفتالو و سیب کلابی و انکور و کیلاس و بادام  
 و انواع خربره و هندوانه و لیمو و پرتقال و غیر اینها یافت می  
 شود و بعضی ذکر کرده اند که در آن مقدار ۲۰ نوع از جنس  
 خربره و مقدار ۱۴ نوع از انکور یافت میشود و از جمله حاصلات  
 آن کندم و جو و عدس و نخود و باقلا و ارزن و ماش و لوبیا

و برنج و تنباکو و افیون و راوند و زعفران و پنبه و مصطکی  
 و بعضی صمغهای عطریه است و در بسیاری از بلاد کرز و  
 چقندر و کلمه و کدو و شلغم و کندنا و پودنه و شبت و غیر  
 اینها از سبزیها یافت میشود و در کیلان و مازندران  
 بوستانهای بسیاری است که از نخرها نیکه از کوههای  
 مجاوره آنها سر اشیب میشود سیراب میگردد و لیمو و تو  
 و پرتقال آنها بسیار است و بیشتر اعتناء اهل کیلان بحیر  
 است و آن در مازندران که است و از جمله حیوانات این  
 بلاد اسبها خوب است از اسبان عربی و ترکمانی و دیگر اسب  
 و حمار است که اهالی آن بتر بیت آنها بسیار اعتناء دارند و اما  
 کارهای آن صغیر الحثه است و لکن کوسفندان آن فربه و عظیم  
 الحثه است و بهترین پشمها در نواحی کرمان است که از آن  
 چیزهایی بافته میشود که معادل انسجه کشمیر است و از حیوانات  
 بریه حمار وحش و کرک و پلنگ و روباه و شیر و خرگوش و  
 خرس و عنتر و نوعی از کر به که عظیم الحثه است و اهویا فتی  
 شود و هم چنین از طیور اهلیه و بریه انواع بسیاری در این  
 بلاد یافت میشود و در بحر خزر و نخرهای مازندران ماهی  
 بسیار است و از معادن نمک در این مملکت بسیار است و  
 مس در کوههای کرمان و مازندران و از زیز و کبریت در  
 کرمان و فارس و آهن در اذربایجان و از زیز و نقره و مس  
 و نیز و زنج در کوههای بحر خزر و حرمر در نواحی همدان و  
 نغظ میانند شیراز و بوشهر یافت میشود و در کرمان معادن







شده و از جمله این شهرها که ما نشاء است و از اقرمیسین نیز می  
گویند و از اعظم شهرهای عراق هم شمرده میشود و محیط آن  
مقدار ۳ میل و اهلش مقدار ۱۲۰۰۰ نفس است و در آن  
بسیاری از فواکه و میوه های ایت میشود و در ادای آن زعفران  
بجوی بعمل میاید و آلات حربیه از مس و غیره و فرش و جامه از  
پنبه در آن ساخته میشود و دیگر زنجان است که در حد و د  
اذربایجان واقعست و اهلش مقدار ۱۰۰۰۰ نفس است و اما  
شهر همدان در وسط بلاد جبل است و کوه الوند مشرف بآنست  
صاحب خرها و بوستانهای بسیاری است و بعضی گفته اند  
که این همان شهر آبتانای قدیم است و اهلش مقدار ۴۰۰۰۰  
نفس است و جماعتی از شعراء و علماء بان منسوبند که از جمله آنها  
ابن خلوون همدانی شاعر و شیخ احمد بن حسین معروف بیدیع الزمان  
صاحب مقامات است و در جنوبی همدان موقع نهادند است  
و آن شهر بیست صاحبانهار و بسا تین و فواکه و در زمان خلافت  
عمر بن خطاب واقعه عظیمه میان مسلمانین و فرس در آن واقع  
شد و اما طهران در ۳۵۴۰ عرض شمالی و ۵۱۲۲ طول  
شمالی واقعست و مقر سلطان عجم است مگر در ایاتنا است  
که بجهت حرارت و کثافت هوا موکب های یونی از آنجا بنواحی آن حرکت  
مینمایند و اهلش مقدار ۹۰۰۰۰ نفس است و اما شهر صفهان  
در ۳۲۳۹ عرض شمالی و ۵۱۴۴ طول شرقی  
واقعست و در زمان قدیم قصبه مملکت ایران و دار السلطنه  
ان بوده و لکن حال از عظمت قدیمه بسبب انحطاط یافته و اهل

ان مقدار ۶۰۰۰۰ نفس است و جماعتی از علماء بان منسوبند  
که از جمله آنها ابو الفرج علی بن حسین صاحب کتاب غانی است  
از قریبه که مشهوره آن را و ند است که بعضی از علماء بان منسوبند  
و اما شهر قرزین در طول شرقی ۳۱۵۳ عرض شمالی ۳۹۳  
واقعست و از اقرمیسین نیز میگویند و از این جهت بسا میشود که  
بجز قرزین در بحر قرزین میگویند و جماعتی از علماء بان منسوبند که  
از جمله آنها شیخ محمد قرزویی صاحب کتاب عجائب المخلوقات و آثار  
البلدان و تلخیص المفتاح در علم بیان است و اما کاشان در  
جنوب غربی قم است و اهلش مقدار ۳۰۰۰۰ نفس است و در  
۱۱۷۵ طول شرقی و ۳۴۳ عرض شمالی واقعست و اما  
شیراز در طول شرقی ۲۲۲۵ عرض شمالی ۲۹۳۷  
واقعست و در زمان قدیم شهر خوبی بوده و بوستانهای بسیار  
داشته و حال از وضع قدیم تنزل یافته و جانی از آن بواسطه زلزله  
که در سنه ۱۲۲۴ مسیحی واقع شد خراب گردید و قبر سیبویه  
و خواجه حافظ و شیخ سعدی در آن واقعست و بلبل در آن  
بسیار یافت میشود و اهلش مقدار ۲۰۰۰۰ نفس است و معادل  
شیراز در عظمت و بزرگی نیز و زاباد است که شیخ مجدالدین  
فیر و زابادی صاحب قاموس اللغة منسوب بان است و آن در  
جنوب غربی شیراز واقعست و در شمال شرقی شیراز مسافت  
۳۴ میل بقایای شهر فرس بولیس است که اسکندر مگردونی  
زمان رجوع او از هند بان عود کرد و از قریبه های قدیمه فارس  
اصطخر است که سیبویه و ابواسحق اصطخری صاحب مؤلفات



جغرافیا منسوب بانست و اما شهر یزد در جنوبی خراسان واقع  
 است و از شهرها معتبره است اهلیش مقدار ۲۰۰۰۰ نفوس است  
 و قافله ها از سایر بلاد در آن می آیند و مرکز تجارت و سیاحت  
 و در شمال شرقی خراسان شهر مشهد است که مرقد منور امامان  
 حضرت علی بن موسی الرضا علیهما الاف التحیه و الشاء در آن  
 واقعست شیعیان از اقطار بلاد بزیارت آنحضرت می آیند و اهل  
 آن مقدار ۲۰۰۰۰ نفوس است و در ۵۲۷ ۵۹۳ طول شرقی و  
 ۳۶۱ ۷۴۰ عرض شمالی است و اما نیشابور در طول شرقی  
 ۵۱۴ ۹۲۷ و عرض شمالی ۳۶۱ ۲۲۰ واقعست اهلیش  
 مقدار ۵۰۰۰ نفوس است و دیگر از شهرها آن کرمان است که  
 کرمانی و زیره بان منسوبست و ما بین مردم ضرب المثل است که  
 میگویند مثل بردن زیره بکرمان و قطره بجمان و اهلیش مقدار  
 ۲۰۰۰۰ نفوس است و دیگر بوشهر است در خلیج فارس در آن  
 در طول شرقی ۵۰۵۰ و عرض شمالی ۲۱۵۹۳ واقع است  
 و اهلیش مقدار ۲۰۰۰۰ نفوس است و مرکز تجارت و سیاحت  
 و دیگر آراستان قصبه قسبی از بلاد جنوبیه فارس و کرمان  
 است که آراستان نامیده میشود و آن در خلیج فارس است و  
 دیگر شهر استرا با است در بحر خزر و آن در طول شرقی ۵۰۵  
 ۵۲۴ ۴ و عرض شمالی ۳۱۵ ۳۳۶ واقعست و از جمله  
 بلاد دیلم که تالی از ریجان است شهر ری است که مدفن محمد  
 بن حسن فقیه و کسائی مقری است و محمد بن زکریای رازی  
 طبیب مشهور منسوب بان است و انتساب او بر ازی بنا بر قول

سیوطی است در کتاب نسب ابن خلدون گفته که زاء آن زائد  
 است چنانچه در مروزی که نسبت بمرو شاهجان است نیز زیا  
 کرده اند فصل کل نیز در بلاد فارس شرقیه و آن از  
 جهت شمال بلخ و از شرق بچین و هند و از جنوب بدریای هند  
 و از غرب بکرمان و خراسان محدود است و بچهار قسم تقسیم میشود  
 هرات و کابل و بلوچستان و مسناحتش مقدار ۴۰۰۰۰  
 میل مربع است اما مملکت هرات در شمال غربی بلاد فارس شرقیه  
 است و طرف شمال غربی آن بحرای خوارزم متصل است و در  
 آنجا اسوا بعضی قبائل ترکمان کسی ساکن نیست و در جنوبی این  
 صحرا سلسله کوهها نیست که از جهت غرب همند است و در آن  
 وادیهایی خصیب و مرتعهای خوب یافت میشود و این سلسله  
 از شرقی شهر هرات عربستان و عرضش بمقدار ۲۰۰ میل می  
 رسد و طولش مقدار ۳۰۰ میل است و از جهت شرق بکوهها  
 قوهستان در نواحی شهر کابل ملحق میشود و در آن چشمهها  
 و جوگیا بسیاری است و در وادیهها و مرتعهای آن گندم و جو  
 زرع میکنند و بعضی از میوهها مثل انار و بادام در آن یافت  
 و برون مقدار کم ماد در آن باقی میماند و اما هوای این بلاد خوب  
 لطیف است و در زمستان سردی آن سخت است و در تابستان  
 حرارت شدت ندارد و اکثر ارضی آن مرتع مواشی است و در نواحی  
 شهر هرات بوستانها و درخت توت و حر برسیبیا است و آنها  
 آن از فرس و عرب اترک مخلوطست و اکثر توجه آنها بفلاحت  
 و زراعت است اما شهرهای این بلاد در زمان قدیم مشهور



و معروف بوده و حال اکثر آنها مثل شهرستان و مرو و شاهجان و  
 مرور و زباد عیس و غیر اینها خراب و ویران و قابل ذکر نیست  
 و اما شهر هرات طولش مقدار ۲۰ میل و عرضش مقدار ۵  
 میل است و از آب نهر سیوا می شود و تجارتش با کابل و بخارا  
 و کشمیر و هند و بلاد فارس غربیه و سیح است و از نواحی  
 شرقیند و شکر و شال کشمیری و اقشه پنبه و پوست کوه خند  
 و اردان می شود و از آنجا بیزد و مشهد و اصفهان و طهران می  
 فرستند و از جمله حاصله های آن زعفران و بادام و کلابه حری  
 است و در آن قاشهای حری و تیغه شمشیر و غیر آن آلات  
 قطعه ساخته می شود و پای تحت این مملکت است و جماعتی بیایا  
 از علما از هرفرن بان منسوبند و ابو الفداء گفته که هر در زمان  
 عثمان فتح و در مقام نسبت دادن بان هر وی گفته می شود انجی  
 و قول جعفر بن شمس الخلافه در باره یکی از کتاب بنا بر آنست که  
 گفته او را کدیته فی بلیت کل فتی علی تفاق معاً و اختلا  
 رو قد طبت الارض من سهل الی جبل کانه خط ذک السائح  
 الهم و مقصود او شیخ علی بن ابی بکر سنیاح است که در زمان  
 هردیوار یکم میر سید اسم خود را بان می نوشت و او از اهل هرات  
 بود و این شهر از خراسان شمرده می شود و اهلیش مقدار صد  
 هزار نفس است اما شهر مرو و شاهجان حال اعتباری ندارد و در  
 زمانیکه مأمون در خراسان بود در آن مسکن داشت و بعضی ذکر  
 کرده اند که بزرگوار از ملوک فرس در آن کشته شد و کتاب  
 خلافت و جماعتی از علما و پیشوایان از آن بیرون آمدند و اما

سجستان از جهت غرب صحراهای کرمان و از شمال بهرات و  
 از شرق با فغانستان و از جنوب بلوچستان محدود است  
 و در جنوب غربی آن در حد و قسمیکه میان بلوچستان و  
 کرمان واقعست صحرای بیابانیه است که آنرا کوهستان  
 میگویند و این غیر از کوهستانی است که سابق ذکر شد و در  
 آن بحیره زرنج است که محیطش مقدار ۵۰ میل است و چند  
 از نواحی فغانستان بان منظم می شود که اعظم آنها هلمند است  
 و آبش قدری شور است که بغیر از وقت ضرورت قابل شامیدن  
 نیست و در وسط آن جزیره کوچکی است و مساحت سجستان  
 مقدار ۲۵۰۰۰ میل مربع است و بسیاری از جزایر کوهها  
 قدیم در آنست و مقر سلطان آن در جلال آباد است و اما مملکت  
 فغانستان از جنوب بلوچستان و از شرق بهرلمند و از غرب  
 بسجستان و هرات و از شمال بهرات و کوههای هند کوش که میان  
 آن و بلخ فاصله است محدود است و مساحتش مقدار ۵۰۰۰  
 میل مربع است و جمیع اینها با هرات و سجستان در ایام نادر شاه  
 تابع مملکت ایران بودند و بعد مستقل شدند و پس از وفات احمد  
 شاه بچند قسم تقسیم شدند و حال بهمین منوال باقی است و در  
 جهات شمالیه آن کوههای بلند و وادیهای عمیق و بیابانهای  
 خصیلی است و جمیع قریب بیکدیگرند بقسمیکه در دو ساعت  
 از امکانه حازه بمواضعیکه خالی از برف نمیند انتقال ممکن است  
 و نهرهای آنها بسیار است اما در جهات جنوبیه آن بنا بر  
 کست و خالی از آب است و از کوهها جهات شمالیه سلسله



هندکوش است و این سلسله تا محاذی کشمیر هندکوش نامیده  
 میشود و از آنجا بطرف شرق همالیا موسوم است و از جمله نهرهای  
 آن نهر هند است که در طی کلام در هندوستان ذکر خواهد شد  
 و دیگر نهر المند است که در بجه زرنج ریخته میشود و طولش  
 مقدار ۶۰۰ میل است و دیگر نهر غناب است که مسافت ۸۰  
 میل از شمال شرقی قندهار بیرون میآید و بجنوب غربی جاری می  
 گردد و در نهر المند ریخته میشود و طولش مقدار ۵۰۰ میل است  
 و دیگر نهر خوشخو است که از کوهها حد و چین بیرون میآید  
 و بجنوب بایل بخریب جاری میشود و در جبال هندکوش نفوذ  
 میکند و از آنجا بطرف شرق بر میگردد و در نهر هند ریخته  
 میشود و در افغانستان سوی بجه که در جنوبی شهر غرغری است  
 بحر نیست و محیط آن مقدار ۱۲ میل است و آبش شور است  
 و بسیاری از پرندگان آنجا یافت میشود اما هوای  
 افغانستان بواسطه اختلاف علو اماکن مختلف است و در  
 زمستان سردت آن شدید است و در تابستان حرارت و لکن  
 سرمای جهات غربیه سخت تر از شرقیه است و امراض و بایته  
 در این بلاد بسیار که حادث میشود و غالب امراض ریه و چشم  
 درد و امثال اینها در آن عارض میگردد و از جمله حیوانات این  
 بلاد پلنگ و یوز و کرک و کفتار و روباه و خرس و اهوت  
 و اما شیر بسیار کم است و بزتری در جهات شرقیه و سگ  
 بتری و خاریشت در نواحی نهر خوشخو و نوعی از گربه که مویش  
 دراز است و نزد اهالی آن اعتبار دارد و ببلا مجاوره خود شلن

میکنند

میفرستند و از طیور سرباز و عقاب و کلنگ و غیره یافت میشود  
 و از جمله درختها آن شفتالو و امرود و سیب کلابی و انار و بادام  
 و عناب گرد و و پرتقال است و در کوهها آن صنوبر و مصطکی  
 سندجان و حور در بعضی بیاها و نی شکر یافت میشود و کلنگ  
 بسیار است و شربش خوب است و آنکور غزنه مشهور است و  
 در سال در فصل در آن زرع میشود یکی در بهار که در موسم خزان  
 آنرا درو میکنند و دیگری در خزان که در فصل تابستان آنرا می  
 دروند و اکثر تجارت آن با بخارا است و اما اهل این بلاد از قبایل  
 مختلفه اند و عدداً آنها بمقدار چهار هزار نفس میرسد و قریب  
 بده لغت از عربی و فارسی و هندی و ترکی و منغولی و افغانی و غیره  
 تکلم میکنند و نزد علمای آنها اعتبار لغت فارسیه از سایر لغات  
 بیشتر است و دین آنها اسلام است بمذهب سنت و در میانه  
 آنها بعضی از طوائف جدیده محدثه نیز یافت میشود و اما شهرهای  
 این بلاد مشهورترین آنها قندهار است و آن در عرض شمالی  
 ۳۲۲ و طول شرقی ۶۶۳۰ واقعست و در ایام احمد شاه قصبه  
 این مملکت بوده و بعد از آنکه تیمور پسر و بجایش نشست تحت  
 سلطنت دابکا بل نقل کرد و اهل آن افغان و خرس و هونود و تتر  
 بلوچستانیه و عربی و من و یهود است و عدداً آنها مقدار صد  
 هزار نفس است و در اطراف آن بوستانهای بسیار است که میوه  
 و اشجار آنها بسیار است اما کابل در عرض شمالی ۳۴۱۰ و طول  
 شرقی ۶۹۱۵ واقعست و تیمور شاه آنرا قصبه این مملکت قرار  
 داد و اهلیش مقدار ۶۰۰۰۰ نفس است و مسافت میان آن و



قندهار مقدار ۲۳۲ میل است و اما شهر غزنه قریب بدو  
سال پای تخت بود که دولت غزنوی و خوارزمیه در آن سلطنت  
میکردند و در عرض شمالی ۳۳۱۰ و طول شرقی ۶۸۵۷ واقع  
و میان آن و کابل مسافت ۸۰ میل است و در آن مقدار ۵۰۰ خانها  
و بمسافت ۳ میل از آن مدفن سلطان محمود غزنوی است و اما  
شهر جلال آباد در جنوبی نهر کابل است و در جنوبی هرات بمقدار  
یازده منزل شهر فرة واقعست و اهل آن مقدار ۴۰۰۰۰ نفس  
است اما بلوچستان از جنوب بدرگیا هند و از شرق بسند  
از شمال بافغانستان و سیستان و از غرب بکرمان و لارستان  
محدود است و عرضش مقدار ۳۵۰ میل و مساحتش مقدار  
۱۴۶۰۰۰ میل مربع است و اکثر این بلاد کوه و صحراهای آب  
است مگر بلاد بلخ و ماوراء آن از شمال و نهرهای این بلاد که  
است و اکثر آنها سیلاب است که در زمستان جاری و در  
تابستان قطع میشود و هوای آنها کثیف و بد و در زمیهای  
پست حرارت و در کوهها و اراضی مرتفعه برودت شدت دارد و  
اشجار کم است و از جمله معادن آنها نمک و کبریت و رخام است  
و از حیوانات شتر و اسب و کوسفند و بز و گاو و در آنها یافت  
میشود و اهل آنها مقدار ۲۰۰۰۰۰ نفس است و ایشان از عرب  
و هند و تر و افغان و اگراد مخلوطند و بعضی از لغات آنها مشابه  
لغت هندیه و بعضی مشابه لغت فارسیه است و اکثر آنها از  
اهل سنت و جماعت اند و در مکران طائفه لودییه ساکنند و  
جمله عادات آنها است که چون کسی از ایشان وفات میکند تمام

چیزها نیکه مختص با بوده با او دفن میکنند که ذکر او از میان آنها  
فرا موش شود و علت فسرده کی خاطرشان نگردد و در میان آنها  
ترویج نیست بلکه بزنا و فسق عیش میکنند و ایشان از اصل فارسی  
اند و لغتشان فرع فارسی قدیم است **فصل دوازدهم**  
در ترکستان و آن از شمال بسیدریه یا و از شرق ببعض سیدریه یا  
چین و از جنوب ببعض چین و افغانستان و هرات و ایران و از  
غرب بجز خزر و نهر اورال محدود است و مساحتش مقدار  
۷۷۵۰۰۰ میل مربع است و بسه قسم منقسم است اول ترکستان  
جنوبی که در جنوبی نهر چین واقع است و نوزد اعراب این قسم  
بطغارستان و بدخشان و بعض خوارزم منقسم است دوم  
ترکستان وسطی و آن اراضی ایست که در شمالی چین و در وادی  
نهر سیر واقع است و اعراب آنرا ماوراء النهر میگویند سیم ترکستان  
شمالی و اکثر این بلاد صحرا و بیابانهای بیاب است مگر نواحی  
نهر سیر و نهر چین و جها جنوبیه شرقیه و میانه آن و ایران و  
افغانستان سلسله کوهها هندکوش فاصله است از این سلسله  
سلسلهای چندی بجهت شمال منشعب است و میانه آن چین  
سلسله بلور طاغ یعنی کوهها بلور که متصل بکوهها آلتائی است  
فاصله است و طول آن مقدار ۵۰۰ میل است و وسط این بلاد از  
چند سلسله غرق میکند که از جمله آنها اصفراطاغ و اقراطاغ و قره  
طاغ و کوهها اسم قند است و از جمله نهرهای این بلاد نهر سیر  
است که از کوهها بلور بیرون میاید و بجهت شمال جاری میگردد  
و در نجره ارال ریخته میشود و آنرا نهر سیحون نیز میگویند



نهر چون از جبال بلور بیرون میاید و بطرف غرب جاری میگردد  
 پس بشمال غربی منعطف میشود و در بحیره اداال ریخته میشود  
 نهرهای بسیار یکی از کوهها هند کوش سر اشیب میگردد دران  
 ریخته میشود و طولش مقدار ۱۰۰ میل است و اما بدخشان اسم  
 اقلیم و شهر خاصی از انست و دران معدن یا قوت و لا جو را هن  
 و کبریت و نمک یافت میشود و بلور و پاد زهران بسیار بلاد میرود  
 و اهالی ان از اصل تر و متدین بدین اسلامند و اما بلاد خوارزم  
 در شمالی خراسان و شرقی بحر فرز و غربی و اراء النهر است و اگر اهل  
 ان قبائل ترکمانیه اند و عدد آنها مقدار ۸۰۰۰۰۰ و بعضی ۵۰۰۰۰  
 نفس گفته اند اما بلاد بلخ قالی شمالی جبال هند کوش و از شرقی  
 ان بدخشان و از شمالی ان ما و اراء النهر است و قصبه ان شهر  
 بلخ است و اما بلاد ما و اراء النهر از جمله شهرها ان بخارا است که  
 پای تخت دولت صفاریه و سامانیه و غزنویه و سلجوقیه و خوارزم  
 بوده و اما شهر سمرقند بمسافت ۱۱۲ میل در شرقی بخارا است و طول  
 ۳۵۳ و عرض ۴۰۴ شمالی و محیطش مقدار ۸  
 میل بوده و لکن حال چنین نیست و اهلیت مقدار ۶۰۰۰۰ نفس است  
 و اما سغد سمرقند یکی از محل تفرجهای عالم است و نهر انرا قیجی  
 گویند و از ان شعبه ها بسیاری منشعب میگردد که در این راه  
 الی حدود بخارا متفرع میشود و شیخ رئیس ابوعلی حسن بن عبد  
 الله بن سینا سنه ۳۷۰ هجری در دهها بخارا تولد یافت و اما  
 وادی نهر سیر که معروف ببلاد فرغانه است از جمله شهرها ان  
 تخنده است و دران مقدار ۳۰۰۰۰ خانه است و دیگر خوانند

است

است و ان حال قصبه این نواحی است و دران مقدار ۵۰۰۰۰۰  
 خانه است و اما ترکستان شمالی اهل ان قبائل بادیه از تر و ترک  
 است و با مسکوب و رمواشی تجارت میکنند و در عوض اقمش و  
 آلات و ادوات زینت میگیرند **فصل سیزدهم در هندستان**  
 و ان از شمال بسلسله کوههای هملایا و از شرق بخط مفروضی از  
 سلسله مذکوره به نهر برهم پوترا و هم چنین به نهر مذکور و خلیج بنگاله  
 و از جنوب بدریا هند و از غرب نیز بدریا هند و نهر هند و سند  
 محدود است و معظم عرضش ۱۶۲۰ میل و معظم طولش ۱۴۰۰  
 میل جغرافیه و مساحتش مقدار ۱۱۰۰۰۰۰۰ میل مربع جغرافیه  
 و اهلیت مقدار ۱۵۰۰۰۰۰۰۰ نفس است و اما کوههای ان  
 از جمله آنها کوهها هملایا است که میان هند و بلاد تبت فاصله  
 است و ارتفاع بعضی آنها مقدار ۲۹۰۰۰ قدم است و از مسافت  
 ۲۶۶ میل نمایان میشود و درخت صنوبر و سندجیان دران  
 بار ارتفاع ۱۲۰۰۰ قدم میرسد و از معدنها طلا و آهن و مس و  
 سرب و نمک و اهاک و کبریت و انتمون دران یافت میشود و هیچ  
 وقت خالی از برف نمی ماند و دیگر سلسله الغات است که ارتفاع  
 ان میانه ۵۰۰۰ و ۶۰۰۰ قدم است و الغات شرقیه متجه غربیه است  
 و میانه ۱۱ و ۶ عرض شمالی است و ارتفاع بعضی ان مقدار ۳۰۰۰  
 قدم است و میانه این دو سلسله از جنوب به عرض ۱۱ شمالی اجبال  
 نیلغیری یعنی کوههای ذرق است که ارتفاع بعضی آنها مقدار ۶۰۰۰  
 قدم است و بعضی ۵۰۰ قدم ذکر کرده اند و اما نهرهای این بلاد  
 طولانی و وسیع و بطبی الحریان و عمیق است بقسمیکه بسیار



از آنها قابل عبور کشتی است و از جمله آنها نهر هند است که از  
 نهر سند و نهر مهران نیز میگویند و از شمالی کوههای هملایا در  
 طول شرقی ۱۰۵۵ شرقی و عرض شمالی ۳۱۲۲ بیرون میاید  
 و شمال غربی جاری میگردد پس بجنوب غربی منحرف میشود و  
 نهر کابل و نهرهای دیگر از نواحی افغانستان و چند نهر بزرگ  
 از طرف شرق بان صافه میگردد و تمام در دریا هند ریخته می  
 شود و از وادی کشمیر و کوهها هملایا پنج نهر در این نواحی جاری  
 میگردد که طول بعضی آنها مقدار ۵۰۰ میل است و این پنج نهر نهر  
 شوناب که در شهر ملتان میگردد متصل میشود و در جنوب  
 غربی ملتان بمسافت ۱۰۰ میل نهر بیاج و نهر ستلج که از کوهها  
 هملایا سراسیمب میشوند بان صافه میگردد و در دریای هند  
 ریخته میشود و اما نهر الکنک از کوهها هملایا بیرون میاید و به  
 جهت غرب جاری میگردد و پس از آن بجنوب و بعد بجنوب شرقی  
 منحرف میشود و چند نهر از کوههای مجاوره آن منظم بان میگردد  
 و در قنوج و اله آباد و بنارس و غیر اینها میگذرد و یازده نهر  
 بزرگ بان صافه میشود و در اله آباد نهر جمنه بان منظم میگردد  
 و بمسافت ۲۲۰ میل از بحر بدو قسم تقسیم میشود یکی کوچکتر که  
 از هوجل میگویند و در کلکته عبور میکند و دیگری بزرگتر و  
 آن در جهت اصلیه باقی میماند و بمسافت ۱۰۰ میل از مصب هوجل  
 خلیج بنکاله ریخته میشود و اما نهر برهم بو ترا نهر جیش در شمالی  
 جبال هملایا در بلاد تبت است و اول بطرف شرق جاری میشود  
 پس بجنوب بر میگردد و بعد بجنوب غربی و پس از آن بجنوب و قبل

از وصول آن بحر بمقدار ۳۰ میل در نهر الکنک ریخته میشود  
 اما نهر صون نخر جیش در واسط بلاد است و بشمال شرقی جاری می  
 گردد و بزرگی یکی شهر بطنه در نهر الکنک ریخته میشود و اما  
 نهر بزده نخر جیش در نزدیکی نهر صون است و بسمت غربی  
 مائل بجنوب جاری میگردد و در خلیج کمبای ریخته میشود و در  
 نزدیکی آن مصب نهر صورت و طول آن مقدار ۶۰۰ میل است  
 و اما نهر کوردوری از کوهها الغات غربیه بیرون میاید و بطرف  
 جاری میگردد پس بجنوب شرقی بمقدار ۱۵۰ میل و در خلیج بنکاله  
 ریخته میشود و اما نهر کریشنه از کوهها الغات غربیه بیرون  
 میاید و بمقدار ۶۵۰ میل بجهت شرق جاری میگردد و در خلیج  
 بنکاله ریخته میشود و در جنوبی آن نهر بنا راست و طول آن  
 مقدار ۳۵۰ میل است و دیگر نهر قرون و نهرهای بسیاری  
 که حاجتی بزرگ آنها نیست و اما هوای هند وستان با اختلاف  
 عرض و ارتفاع آن و مجاورت کوهها و نهرها مختلف است و در  
 نواحی کلکته و رأس خلیج بنکاله تب و اسهال و امراض کبد و هم  
 چنین در نواحی مدرس مخصوصا از ماه ابق تا تشرین دوم بسیار  
 عارض میشود و در جهات شمالیه امراض ریه و تب و در نواحی  
 کوهها هملایا در در نقرس حادث میشود و اما اشجار و نباتات آن  
 زیاده از ۱۰۰۰ نوع از نباتات و ۶۵۰ نوع از اشجار در آن  
 یافت میشود و از جمله حاصله های آن کندم و جو و غیر اینها از جنوب  
 و فی شکر و پنبه و توت و نارچیل و خرما و خیزران و تنبل و تینک  
 است که چوب آن برای ساختن کشتی بکار میاید و از جمله میوه های آن



موز و انار و بادام و انکور و تمهندی و پرتقال و لیمو است و  
 در جهات شمالیه سیب و صندل و خشخاش که افیون از آن گرفته  
 میشود و در کوههای هلالیا یا اشجار و نباتات و در اقالیم باره  
 انواع صنوبر و بلوط و غیر اینها یافت میشود و اما حیوانات آن  
 از جمله آنها اسب و گاو و گاو میش و گوسفند و شتر و فیل و شیر  
 و پلنگ و کرگدن و کرفتار و یوز و خرس و خنزیر بزرگ و روباه  
 و انواع اهو و نهنگ و عقرب و مار و انواع صباب و حشرات است  
 و از طیور بزرگ طاوس و خروس و کبوتر و غیر اینها یافت میشود  
 و از جمله معدنهای آن الماس و یاقوت و نقره و مس و آهن و از آن  
 است و اما ساکنین این بلاد سه صنفند هندو و مسلمان و فرس  
 و از اهل او و پامقدار ۴۰۰۰۰ نفس در آنها ساکن اند و اما  
 لغات هندی که حال در اکثر بلاد شائع است مخلوط از هندی  
 و فارسی و عربی است و غالباً بجزو عربی بشکل خط فارسی نوشته  
 میشود اما شهرها آن از جمله آنها کشمیر است که در جهت شمال  
 غربی است و اهلش مقدار ۱۵۰۰۰۰ نفس است و در نزدیکی  
 آن دریا کوچکی است که طولش مقدار ۶ میل است و اما آلهو  
 در جنوب کشمیر واقعست و اهلش مقدار ۱۰۰۰۰۰ نفس است  
 و در جنوب غربی لا هور ملتان است و در آن بسیار ری از انبسه  
 حریر و فرش و طناب بساخته میشود و اما احمد آباد از شهرها  
 مشهوره هندوستان است و بعضی ذکر کرده اند که در آن هزار  
 جامع بوده که هر یک دو مناره داشته و اعظم آنها جامع سلطانی  
 احمد بوده که تا حال نیز باقی است و اهل آن مقدار ۱۰۰۰۰۰ نفس

است و اما دهلی در طول شرقی ۷۷۵ و عرض شمالی ۲۱۴  
 واقعست و اهلش مقدار ۲۰۰۰۰۰ نفس است و اما آله آباد  
 در نزدیکی موضعیکه نجر جنه بنهر الکنک میرسد واقعست و  
 اهلش مقدار ۲۰۰۰۰ نفس است و اما بنارس در عرض شمالی  
 ۲۵۳ و طول شرقی ۱۳۱ واقعست و بر اهل آنرا شهر مقدس  
 میدانند و از اقطار بلاد قصدان میکنند و بناهای آن بهتر از  
 بناهای اکثر شهرها هندوستان است و اهلش در صیانت طلا  
 و نقره و ترصیع بد طولانی دارند و اما بطنه بمبای ۴۰۰ میل در  
 شمال غربی کلکته واقعست و تجارت نمک و بار و در آن وسیع  
 است و اهلش مقدار ۳۰۰۰۰۰۰ نفس است و اما اغره بمبای  
 ۱۳۷ میل از دهلی واقعست و از شهرها قدیمه است و اهلش  
 مقدار ۶۰۰۰۰۰ نفس است و اما کلکته قصبه بلاد هند است  
 و در طول شرقی ۱۲۱ و عرض شمالی ۲۲۳ واقعست و  
 میان آن و دریا مقدار ۱۰۰ میل است و تجارتش از طرف بر و بحر  
 وسیع است و اهلش مقدار ۲۳۰۰۰۰۰ نفس است و اما بمبای  
 در طول شرقی ۱۲۵ و عرض شمالی ۱۸۵ واقعست و اهلش  
 مقدار ۱۷۰۰۰۰۰ نفس است و اعظم بندرات جهات غربی است  
 و تجارتش وسیع است و اما مدرس در طول شرقی ۱۲۱ و عرض  
 شمالی ۳۱۵ واقعست و آنگز بزرگ در سنه ۱۶۳۹ از افخ کرد  
 و اما جزیره سیلان در طی کلام در جزایر آسیا ذکر خواهد شد  
**فصل چهاردهم در هند چینیه** و آن را صنی ایست که از  
 جهت شمال چین و قسمی از هندوستان که دود و جانب فر برها





بو تو از شرق دریا چین و از جنوب دریا مذکور و بوغاز  
ملقا و از غرب بنکاله و دریا آن بانها احاطه دارد و میان  
۹۲ و ۱۰۱ طول شرقی و ۷ و ۶ عرض شمالی واقعست این بلاد  
بسه قسم تقسیم میشود بورما و صیام و کوشین چین و هوای  
انها گرم و تر و بدیشه و جنگلهای آنها بسیار است و در کوههای  
انها چوهای بسیاری یافت میشود و ساکنین آنها کم است از  
جمله اشجار آنها صندل و تیک و بنوس و درخت خرماست و در  
کنار ریزه های آنها موز و زنجبیل و قاقله و جوز طیب و انواع لعل  
و سقونیا و کافور و ترمندی و نارجیل و ناردان و خیزران  
اکثر میوه های هندوستان یافت میشود و از جمله حیوانات این  
بلاد فیل است و اما شتر یافت نمیشود و اسب در وجود است  
و هم چنین کار و بز کم است و کوسفند اصلا یافت نمیشود و لکن  
کامیش و خنزیر بسیار است و کرکدن و پلنگ و یوز و حرس و خلد  
پشت نیز در آن یافت میشود و اما حیوانات دیگر از قبیل روباه  
و کفتار و کرک و اهوک در اکثر بلاد یافت میشود در آن دیده  
نشده و اما اهل این بلاد قاتلشان از اهل هندوستان و چین  
کوتاه تر و سیاه بدیشان از آنها کمتر است و لغات آنها مختلف  
است و یکی از مذاهب یاننت بودیه معتقدند اما مملکت بورما  
از شمال باسام و تبت و از شرق بچین و کوشین چین و صیام  
از جنوب بصیام و ملقا و بحر و از غرب بجز بنکاله محدود است  
و از جمله حاصله های آن کندم و تن و پنبه است و از معادن طلا  
و نقره و آهن و انیمون و زرنیخ و کبریت و کربا و یا قوت و رخام

و مقناطیس در آن یافت میشود و چشمه ها نطفان بسیار است و  
در هر سال مقدار هزار هزار لیره انگریزی از دخل آنها وارد خزین  
سلطان میشود و عدد نفوس حالیه آن بمقدار ۵۰۰۰۰۰۰۰  
میرسد و در زمان قدیم زیاده از این بوده و آنها باختلاف عادت  
و هیئات و طباع بد و از ده قسم منقسم اند و بدیشتر آنها کوتاه  
قامت و صاحب مکر و حیل اند و موافق شرع خود زیاده از یک  
زن نمیتوانند گرفت و لکن از کنیزان هر قدر که بخواهند میکینند  
و مرده کان خود را میسوزانند و استخوانهای آنها که باقی میماند  
دفن میکنند و بنوعی از دیانت بودیه اند و بعضی از آنها خدای  
که او را خدا مینامند ستایش و نیایش میکنند و از برای او  
هیكلها بنا میکنند و در آنجا تماشاها از نقره یا مس یا رخام می  
گذارند و اما لغت اهل بورما ۳۳ حرف است و از شمال بهمین  
نوشته میشود و در نوشتن طرق بسیاری بجهت اختصار  
استعمال میکنند بعضی که کاتب سرعی که تکلم میکند می  
تواند نوشت و قصص و تواریخ و قصائد شرعیه در نزد آنها  
بسیار یافت میشود و لکن معرفت آنها در علوم کمتر از اهل هند  
است و سال آنها تری است و از آن روز و ماه و نسیا است  
و در سحر و جحوم زیاده اعتقاد دارند و لکن معرفت آنها در صنایع  
کم است و زنان آنها بساختن قماشهای حریر و پنبه اشتغال  
دارند و بصناعت تجارتشان شکر و پنبه و نیل و قاقله و صبر  
فلزل و نمک و شوره و عسل و شمع و عاج و معادن مذکوره  
است و سلطان آن بنفسه مستقل در حکم است اما شهرها آن



از جمله آنها شهر فاست در شرقی هزی که در هزار اودنی ریخته  
 میشود و آن در عرض شمالی ۲۱۵۱ و اعست و در شمالی  
 آن بمسافت ۶ میل شهر امیر ابوراس که از سنه ۱۷۸۳ تا  
 سنه ۱۸۲۴ مسیحی پای تخت این مملکت بوده و اهالی این در  
 شهر مقدار ۷۰۰۰۰۰ نفر است و دیگر شهر بیکو است که قصبه  
 مملکت بوده و در آن وقت محیطش ۲۰ میل بوده و دیگر رانگون  
 است که اعظم بندرات این مملکت است و از شهرهای جدید  
 است و اهالش مقدار ۳۰۰۰۰ نفر است اما بلاد از کان متنی  
 بورماست و در شط بربنکاله میانه ۲۱ و ۱۸ عرض شمالی است  
 و اما مملکت صیام از غرب و شمال بمملکت بورما و از شرق بکوشین  
 چین و از جنوب بخلیج صیا و شبه جزیره ملقا محدود است و مساحت  
 آن بمقدار ۲۵۰۰۰۰ میل مربع میرسد و اهلان با توابعش  
 مقدار ۵۰۰۰۰۰ نفر است و هوایش بواسطه نزدیکی بحظ  
 استواء بسیار گرم است و لکن از ماه نیسان تا ایلول که باران  
 میبارد لطیف است و خاکش خوب است و از معادن طلا و نقره  
 و آهن و مس و ارزیز و اندیمون در آن یافت میشود و حیوانات  
 مثل بورماست و طیورش خوش منظر و در هر مینام گند یافت  
 میشود اما لغت اهل صیا ۳۷ حرف است و علوم در نزد اهلبلیا  
 که یافت میشود و در دیانت و حکم مانند اهل بورما هستند  
 بضاعت تجارت آنها معدلهای مذکوره و پنبه و تندباکو و چوبها  
 بناست و از جمله شهرها آن صیا است که از ایوئیه میگویند و  
 در زمان قدیم پای تخت این مملکت بوده و دیگر بنکوک است

عرض شمالی ۴۰ و ۳۱ و طول شرقی ۱۰۱۱ و اکثر بناهای آن از  
 چوب است و اهالش مقدار ۴۱۲۰۰۰ نفر است و بسیار  
 از آنها در زور قها در روی هزی بسر میبرند اما مملکت لاوس  
 از شمال بچین و از شرق بتونکین و کوشین چین و از جنوب بکوک  
 و از غرب بصیام و بورما محدود و میانه ۲۲ و ۱۹ عرض شمالی  
 و اعست و از جمله حاصلهای آن عاج و شمع و عسل و بعضی  
 از عقاقیر طبیه است و در بعضی از کوههای آن معدن آهن و  
 در دیگرهای هزیهای آن چیزی از طلا یافت میشود و معدن مس  
 از یاقوت و زرد در آن است و این مملکت تابع صیام است  
 اهالش بمقدار ۱۴۰۰۰۰ نفر میرسد و با مانته و دیانت  
 موصوفند و اما کوشین چین میانه ۲۲ و ۱۸ عرض شمالی و ۱۰۳  
 و ۱۰۱ طول شرقی است و هوا حاصل آن مثل بورما و صیام است  
 و هر پر و عطریات و چوبهای بنا آن بسیار است و معدنهای  
 وسیعه از طلا و نقره در آن یافت میشود و حیواناتش مثل  
 بورماست و دیگر کاکاو و استر و بز و گاو میش و خنزیر نیز  
 در آن یافت میشود و اهالش مقدار ۹۱۰۰۰۰ نفر است  
 و بنوعی از دیانت بودیه اند و قصبه این بلاد شهر هوئیفو است  
 که هر هوی از دو جانب و ترعه که عرضش هفتاد ذراع است  
 از دو جانب دیگر بان احاطه دارد و اما بلاد تونکین میانه ۱۷  
 و ۲۳ عرض شمالی و ۱۰۱ و ۱۰۱ طول شرقی و اعست و در  
 قرون سابقه تابع چین بوده و در سال ۱۳ استقلال یافت  
 و در سنه ۳۵۵۵ مسیحی اهل تونکین بکوشین چین استیلا



یافتند و در سنه ۱۸۰۰ اهل کوشین چین بتونکین غلبه کردند و بیازده قسم تقسیم شد و در این قسام هیچ شهر است که عدد نفوس بعضی از آنها بمقدار ۴۰۰۰۰ و بعضی ۷۰۰۰ میرسد و قصبه این بلاد شهر کیهواست که در ۲۱ عرض شمال واقعست و میان آن و دریا مسافت ۱۰۰ میل است اما هوای این بلاد معتدل و خاکش خوب و کار فلاحه و زراعت بر زنان آنها راجع است و جمیع حاصلهای قایم حازه در آن موجودست و حیوانات و میوه همان مثل بورما و صیام است و بصناعت تجارت آن حریر و اقمشه و ظروف و عاج و صدف و خیزران است و اما اهالی آن بعضی شبیه باهل چین و بعضی از اصل تر اند و دین غالب آنها دینت بودیه است اما بلاد کبودیا مینا خلیج تونکین و خلیج صیام واقعست و هوایش معتدل و اکثر حاصلها قایم استوائیه در آن موجود و اهلیش مقدار ۱۰۰۰۰۰ نفس است و بدیانت بودیه اند و از جمله شهرها آن سائیکو است و اهلیش مقدار ۱۸۰۰۰۰ نفس است که ۱۰۰۰۰ آن آنها چینی است و دیگر شهر لویک است و اهلیش مقدار ۳۰۰۰۰ نفس است و دیگر هولیسون است که بسا ختن نسبی هر بر مشهور است اما شبیه جزیره ملقا طولش ۷۷۵ میل و معتدل عرضش ۱۲۵ میل است و میان ۱۲۲ و ۱۲۷ عرض شمالی واقع و از معادن طلا و آهن در آن یافت میشود و حیواناتش مثل صیام و بورماست و هر سال مقدار زیادی از انیون آن چین می رود و اهلیش کوتاه قامت و شجاع و زبردست و لغت آنها

بجز عربی نوشته میشود و الفاظ بسیاری از لغت عرب گرفته اند و دین غالب آنها اسلام است بمذاهب اهل سنت و جماعت و از جمله جاهها نیکه در این نواحی در تصرف نکرین است شهر ملقا در جنوبی این بلاد و دیگر جزیره بیدیان است که در ۲۵ عرض شمالی و ۱۰۱۹ طول شرقی است و دیگر شهر سنکا بور است که در سنه ۱۸۱۹ مسیحی بان استیلا یافت و عدد نفوس آن بمقدار ۳۰۰۰۰ میرسد **فصل پنجم در ملکت چین** و آن از شمال بلاد سیدیریا و از شرق بوغاز سغالیان و دریای جاپان و بحر صفر و از جنوب بدریای چین و خلیج تونکین و هندوستان و هند چینیه و از غرب هندوستان و افغانستان و ترکستان محدود و میان ۲ و ۶ عرض شمالی و ۷۳ و ۱۴۴ طول شرقی واقعست و مساحت آن ۵۳۰۰۰۰۰ میل مربع است و محیطش مقدار ۱۲۵۰۰۰۰ میل و اهلیش مقدار ۳۶۰۰۰۰۰۰ نفس است و بسبب قسم منقسم است منشوریه در جهت شمال شرقی و چین اصلیه و املاک اضافیه مثل منغولیه و ایلی و تبت تاحد ترکستان و افغانستان و کوههای بلند کبان احاطه دارد که از جمله آنها کوهها التائی است و بیشتر آنها میان ۴۷ و ۵۲ عرض شمالی واقعست و دیگر سلسله بلور طاغ است که میان آن و بدخشان فاصله است و چند شعبه از آن بجهت جنوب ممتد است و بعضی دیگر میان آن و تونکین فاصله است و دیگر سلسله دیگری است از شبه جزیره کوریا تا نزدیکی مصب



هزر عامورا اما سلسله هائیکه واسط این بلاد را خرق میکند از جمله  
 آنها سلسله ایست که اهل چین از این شان میگویند و اولش در  
 طرف شمالی بلور طاغ در عرض ۴ شمالی است و از آنجا جنوب شرقی  
 بر میگردد و قطعه ایلی را بدو قسم میکند شمالی و جنوبی و از جمله  
 آنها سلسله نان شان است در عرض ۳۳ عرض شمالی که میان ذیلا  
 تبت و صحراء کونی فاصله است و دیگر سلسله ها و شعبه های  
 بسیار است که حاجتی بذكر آنها نیست اما صحرائ مذکور در وسط  
 این مملکت است و طولش مقدار ۱۱۰۰ و عرضش میانه ۳۵۰ و  
 ۴۰۰ میل و مساحتش مقدار ۱۲۰۰۰۰۰ میل مربع است اما  
 هزهای این مملکت از جمله آنها هز صفر است که از آنها هز میگویند  
 و محزش در ۳۵/۳ عرض شمالی و ۹ طول شرقی است و در  
 بحر صفر ریخته میشود و بواسطه آنکه در مجرای آن خاک زردی  
 که در وقت جریان آب آن خاک مخلوط میشود و رنگین میکند  
 از هز صفر میگویند و دیگر هزهای و هز لو و هز فان است که  
 در هز صفر ریخته میشود و دیگر هز کبیر است که از آنجا کیان  
 میگویند و از چند هز مجتمع است و در ۳۲ عرض شمالی در بحر  
 صفر ریخته میشود و اما هز کان کیان که از آنجا شوکیان نیز میگویند  
 هزی است که نزدیک شهر کنتون در دریای چین ریخته میشود  
 و طولش مقدار ۷۰۰ میل است و دیگر هز بهیوا است که در  
 شهر باکین میکند و در بحر صفر ریخته میشود و دیگر هز  
 عامورا است که از بلاد سیدیر یا پرون میآید و در بوغار  
 سخالیان ریخته میشود اما بحیرات چین از جمله آنها بحیره بویا

است

است که طولش مقدار ۹۰ میل و عرضش مقدار ۲۰ میل است و  
 دیگر بحیره تنگینهوا است که محیطش مقدار ۲۲۰ میل است و در  
 نواحی این دو بحیره بحیرات بسیاری است و میانه هز صفر و هز  
 کبیر بحیره هولسیهوا است و در منشویه بحیره هنکای و بحیره هوز  
 است و در اطراف صحرائ کوی چند بحیره شورا است و از جمله غراب  
 بلاد چین باروی مشهوری است که میانه چین اصلیه و منغولیه  
 فاصله است و از آن یکی از سلاطین آنها بمقدار ۲۲۰ سال قبل از  
 تاریخ مسیحی بجهت حفظ این بلاد از هجوم قبائل شمالیه بنا  
 کرده و اول آن نزدیک دریا در ۴۰ عرض شمالی و ۱۲۰  
 طول شرقی است و نزدیک ۹۹ طول شرقی و ۴۰ عرض شمالی  
 منتهی میشود اما هوای این مملکت اجمالا میتوان گفت که معتدل  
 خوب است و لکن در مثل چین مملکت وسیعی لا بد از اختلاف  
 است چنانچه در جهات شمالیه و کوهها ارتفاعه برودت شدت  
 دارد و در جهات جنوبیه و وادیها و بیابانها حرارت در نواحی  
 هزها و بحیرات تبلیعا عرض میشود و در نواحی کنتون درجه حرارت  
 در تابستان میانه ۱۰ و ۱۱ و در زمستان میانه ۵ و ۶  
 است و از جمله معدنهای آن زغال سنگ و طلا و نقره و زینق  
 و زرنیخ و لاجورد است و از جمله حیوانات این بلاد فیل و پلنگ  
 و خنزیر و نوعی از کاکامیش و گاو و اسبهای صغیر الحثه و شتر  
 و کوسفند و بز و انواع اهواست و از جمله اشجار آن صنوبر و  
 و خیزران و بدیان و درخت خرما و صفصاف و انواع توت است  
 و اما حکم این مملکت بسططان واحد راجع لکن نه مطلقا چه که تا



انها شراخ و قوانین مقرر است که غالباً جرات نقص و انحراف از انها ندارد و لکن در عزل و نصب هر که بخواهد و تعیین و تبعید بعد از خود شرمختار است و اما لغت چين مقدم ترين لغات است و از وضع قدیم کتر تغییر یافته بخلاف کثر لغات و از بالا پائین نوشته میشود و بجای حروف علامات و اشاراتی استعمال میکنند که بعضی از انها اصلیّه و بعضی فرعیّه است و عدد این علامات بمقدار ۲۵۰۰۰ میرسد و قصص و اشعار و تواریخ انها بسیا است و لکن تواریخ قدیمه انها بندرت محل وثوق و اعتماد است و از جمله عادات انها آنست که موی سرشان را میزدند و میان سر را میکذارند تا اینکه بلند شود پس میانند و بعقب سر میاندازند و دیگر از دایه های انها آنست که پای دختران خود سال را در قالبی میکذارند که بجان کوچکی باقی بماند و این نوع آنست که کوچکی پای را در زن مستحسن میداند و کثرت کار نرد انها مباح و جایز است و لکن غالباً مردان انها زیاده از زن ندارند و اگر کثرت داشته باشند بمنزله خدمت کار است برای زنانها و دین غالب در این مملکت دیانت بودیست و معرفت انها در علوم کم است و لکن بواسطه قلت مخالفت و معاشرت با سایر طوائف و عدم اطلاع با آنچه که در نرد غیر خودشان از طوائف و طبقات اهل عالم است بجز دشان مغرور و چنان گمان میکنند که در معرفت و حکمت و مدنیّت و عقلا و فهم بخصایت درجه ان فائز شده اند اما شهرها این مملکت را جمله انها باکین است که در عرض شمالی ۳۱۴۳ و ۳۹۵ طول

شرقی ۱۱۶۲۷ واقعست و قصبه این مملکت است و محیطش مقدار ۲۵ میل و اهالش مقدار ۴۰۰۰۰۰۰ نفس است و ان برای ان بارونی است که ارتفاع ان بمقدار ۳۰ قدم میرسد و اما شهر نائیکین قبل از سنه ۱۴۲۳ مسیحی قصبه این مملکت بوده و بعد از عظمت قدیم انحطاط یافت و اهالی حالیه ان بمقدار ۵۰۰۰۰۰۰ نفس میرسد و در ان کارخانه ها از برای ساختن قماشها حریر و پنبه فراهم است در شمالی ان شهر سوشاوست و در ان کارخانه ها از برای ساختن اقمشه حریر و پنبه و کاغذ و آلات و ادوات مصنوعه از عاج و استخوان و چوب رامثال اینها مهیا است و اهالش مقدار ۱۵۰۰۰۰۰۰ نفس است و دیگر شهر نائوان است که در ۳۸ عرض شمالی و ۱۱۰۳۷ طول شرقی واقعست و دیگر شهر فوشو و تاپتون و هوان است که اهل چین گمان دارند که ان در وسط کره زمین واقعست اما شهر کنینگ در عرض شمالی ۲۳۷۱۰ و طول شرقی ۱۱۳۱۴۳۰ واقع است و میان ان و مکا و مقدار ۷۰ میل است و اهالش مقدار ۱۰۰۰۰۰۰۰ نفس است و بارونی ان حاطه دارد که طولش مقدار ۶ میل است و ان اعظم بندت چين و مقر قونسولها و دول خارجه است اما شهر کاشغر در عرض شمالی ۲۹۲۵ و طول شرقی ۸۵ واقع است و در رفان قدیم تابع بلاد ماوراء النهر بوده و لکن حال تابع بلاد چين است و اهالش مقدار ۸۰۰۰۰۰۰ نفس است و اما شهر ختن در عرض شمالی ۳۷ و طول شرقی ۸۵۳۱ واقعست و ان نیز یک رفان قدیم تابع ماوراء النهر بوده و حال تابع چين است و اهالش



مقدار ۵۰۰ ۴۴ نفس است و از جمله شهرهای بلاد تیبِت  
 لا ساست و آن در عرض شمالی ۳۰ ۲۹ و طول شرقی ۴۰ ۹۱  
 واقعست و از جمله عادات این بلاد آنست که جمیع برادرانی که در  
 یک خانه ساکنند در یک زن شرکت میکنند و او بالسویه زوجه  
 آنهاست مگر اینکه برادر بزرگتر احوق و اقدم است **فصل**  
**شانزدهم در جزائر آسیا** و این جزائر بزرگترین جزایر جهانند  
 و اعظم آنها جزائر جاپان است که در اوقیانوس محیط میانه ۳۵  
 ۲۶ و ۴۹ عرض شمالی واقعست و جمیع آنها در تحت حکومت واحد  
 داخل و اول آنها از جهت جنوب جزیره کریموست و در اطراف آن  
 چند جزیره کوچک است و مساحت جمیع آنها ۵۵ ۲۸۵ میل  
 مربع است و دیگر جزیره سیکوکو است با چند جزیره کوچک  
 که مساحت تمام آنها مقدار ۲۷۳ ۱۷۳ میل مربع است و دیگر  
 جزیره نیغون است با چند جزیره دیگر که مساحت جمیع آنها مقدار  
 ۱۰۷ ۶۸۱ میل مربع است و دیگر جزیره جبتواست با چند  
 جزیره دیگر که مساحت جمیع آنها مقدار ۴۴ ۴۳ ۶ میل  
 مربع است و دیگر جزیره سغالیان است که مساحتش مقدار  
 ۴۶ ۲۴ ۴ میل مربع است و دیگر جزائر بونین است که مساحت  
 جمیع آنها بمقدار ۲۷ ۱۸۱ میل مربع میرسد و مساحت مجموع  
 این جزائر ۲۷۰۲۱۱ میل مربع است و بوغاز کوریا و دریای  
 جاپان و بوغاز سغالیان میانه این جزائر و چین فاصله است  
 و اهالی آنها مقدار ۵۰۰۰۰۰۰۰ نفس است و در هیئت  
 عادت باهل چین شباهت دارند و جمیع در تحت حکومت واحد

اقاهوای آنها مختلف است و در فضل زمستان برودت و در  
 موسم تابستان حرارت شدید است و نهرهای آنها بسیار است  
 و حاصله های آنها مثل حاصله های چین است و آن معادن طلا و  
 نقره و مس در آنها یافت میشود و اهالی آنها بجز از علوم ندارند  
 و لکن قصص و اشعار و تواریخ نزد آنها یافت میشود و تجارتش  
 وسیع است و از جمله عادات آنها آنست که کسی که از بلادشان  
 بیرون میرود چون بازگشت کند او را قبول نمیکند و را نمیدهند  
 و میانه جزیره کریمو و فرموسا سلسله جزائر است که عدد آنها  
 بمقدار ۳ جزیره میرسد و این سلسله را لوشو میگویند و  
 اعظم آنها در عرض شمالی ۴۱ ۲۶ و طول شرقی ۲۱ ۱۲۵ واقع  
 است و هوای آنها خوب و لطیف و مواشی و حاصله های آنها بسیار است  
 و اهالی آنها در بعضی از چیزها باهل جاپان و در بعضی دیگر باهل  
 کوریا شباهت دارند اما جزائر فینلیبه مقدار ۱۲۰۰ جزیره  
 است و جبال و کوهها انش نشان آنها بسیار است و زلزله در  
 آنها بسیار حادث میشود و بادهای سخت زیاده میوزد و هوا  
 آنها تراست و از این جهت با وجود واقع شدن آنها در منطقه  
 حاره تمام اوقات فصل بهار است و میوه و غله آنها منقطع نمی  
 شود و اهل آنها مقدار ۵۰۰۰۰۰۰۰ نفس است و اعظم آنها  
 جزیره میندا است که آنرا لوزون نیز میگویند و در طول شرقی  
 ۵۰ ۱۲۰ و عرض شمالی ۳۱ ۱۴ واقعست و جمیع حاصله های  
 اقالیم استوائیه در آن یافت میشود اما جزیره بورنیو که آن را  
 جزیره مهراج و جزیره سریر میگویند میانه ۴۰ ۶ عرض شمالی ۴۰

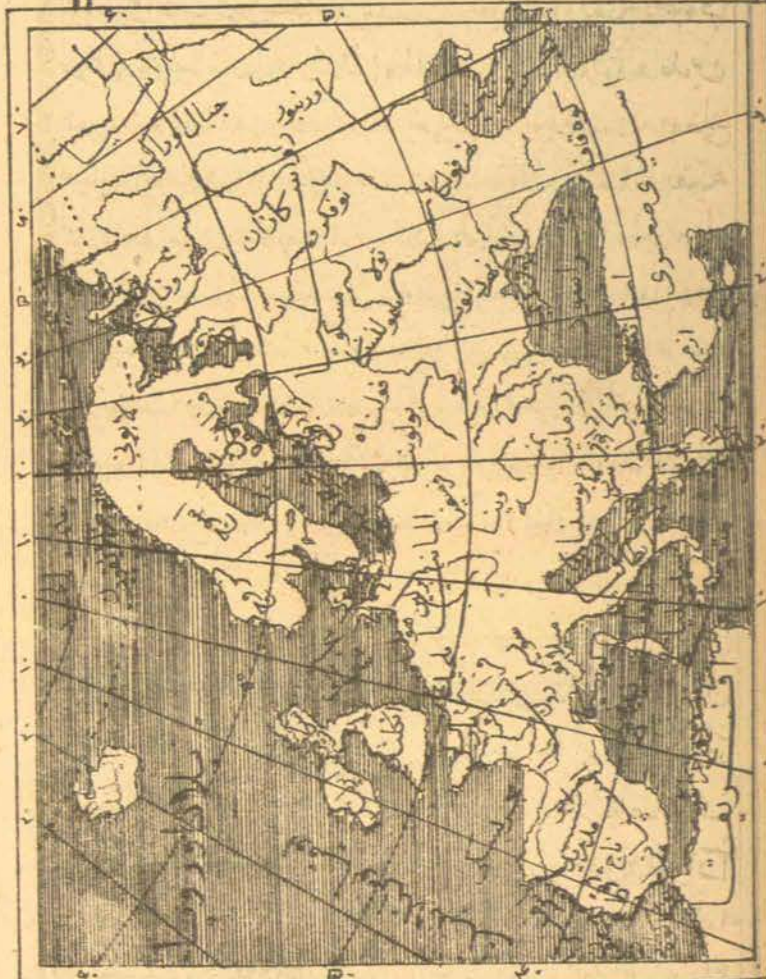


عرض جنوبی و ۱۰۹۵ و ۱۱۹۲۰ طول شرقی واقعست و مساحت  
 آن مقدار ۲۱۲۷۰۰ میل مربع و اهلیش مقدار ۳۵۰۰۰۰  
 نفس است و در آن فلفل و پنبه و قرنفل و صندل و ابوسوس  
 کافور و عسل و از معادن طلا و آهن و مس و الماس و انتمون  
 یافت میشود و حیوانات آن مثل هندوستان و بورماست  
 و میانه بورنیو و کینیا یکی جدید جزایر ملکا است و اعظم آنها  
 جزیره جیلنس است و آنها را جزایر طیب نیز میگویند و اهالی  
 آنها مردمانی وحشی و تندخو هستند که عبادت اجرام فلکیه  
 میکردند و بعد بعضی از مذاهب هندیه در میانه آنها پیدا  
 شد و از دیست سال قبل بعضی از آنها در دین اسلام داخل  
 شدند و اما جزیره جاوه که آنرا یافز میگویند یکی از جزایر هندوستان  
 و در جنوب بورنیو واقع است و طول آن مقدار ۶۶۰ و عرضش  
 میان ۵۰ و ۱۳۵ میل و مساحتش ۵۲۳۵۰۰  
 میل مربع است و تابع مملکت هولاند است و در آن کوههایی  
 ممتاز است که ارتفاع بعضی از آنها بمقدار ۱۲۰۰۰ قدم میرسد  
 و در آن کوههای کوه بیای از آنها سراسیمب میگردند و حیوانات  
 حاصله ای آن مثل جزیره بورنیو است و قصبه اش شهر بتاوه  
 است و اما جزیره تیمورا جزایر شرقیه هندوستان و اهالی آن  
 مردمانی وحشی و بی تربیت و عبادت بتها میکنند و اما جزیره  
 سومطره میان ۳۵ عرض جنوبی و ۵۴۰ عرض شمالی است و  
 طولش مقدار ۱۰۵۰ میل و عرضش میان ۵۰ و ۲۰۰ میل  
 و حاصل و حیوانات آن مثل بقیه اقالم استوائیه است و اهالی

آن کوتاه قامت و زرد رنگند و در جهات متوسطه قوی هستند  
 که گوشت انسان میخورند و دین آنها بت پرستی است و شهر  
 بنکولن قصبه این بلاد است و آن در عرض جنوبی ۴۹ و ۳ و  
 طول شرقی ۱۰۲۱۷ واقعست و هوایش کثیف و بد است و در  
 بحر بنگاله در شمالی سومطره جزایر نیکوبارا است و در شمالی  
 آنها جزایر اندامان است و جمیع آنها خاکشان خوب حیوانات  
 و نباتات نیکه در اقالیم استوائیه موجود است و آنها یافت می  
 شود و در شمالی جزایر اندامان کوه انتر فشان است که ارتفاع  
 آن مقدار ۱۰۰۰ قدم است و اما جزیره سیلان که آنرا سیراند  
 نیز میگویند میان ۶۵ و ۹۵ عرض شمالی و ۷۹۵۰ و  
 ۱۵۵ طول شرقی واقعست و معظم طول آن مقدار ۲۷۰ میل  
 و عرضش میان ۴۰ و ۱۴۰ میل و مساحتش مقدار ۲۷۰۰۰  
 میل مربع است و ارتفاع بلندترین کوهها آن بمقدار ۷۰۰۰ قدم  
 میرسد و در آن کوههای کوه بیای و در آن بزرگ از آنها سراسیمب  
 میگردند و جمیع حاصله ای اقالیم استوائیه در آن یافت میشود  
 و حیواناتش مثل هندوستان و بورماست و اهلیش مقدار  
 ۱۰۰۰۰۰ نفس است و از جمله شهرها آن جفنا با تام است  
 و آن در عرض شمالی ۳۹ و طول شرقی ۷۹۵۰ واقعست  
 و دیگر شهر گامبو است در جنوب غربی و اهلیش مقدار ۵۰۰۰  
 نفس است و در شمالی آن جزیره کوچکی است که محیطش مقدار  
 ۲۰۰ میل است و جمیع اینها تابع دولت انگریز است و در جنوب  
 غربی هندوستان جزایر لکار دینا است که بعضی از آنها غیر مسکون



است و اهالی آنها فقیر و بی بضاعت و در ۹ جزیره متفرقند  
 و عدد آنها مقدار ۱۰۰۰۰ نفس است و دین آنها اسلام است  
 و این جزائر در تحت حکم انگریز است اما جزائر ملدیف در جنوبی  
 جزائر مذکور است و اهالی آنها از اصول مختلفه اند و بدین  
 اسلام متدین و در خلیج فارس نیز چند جزیره است که بعضی  
 آنها در طی کلام در بلاد فارس و عربستان ذکر شد و بقیه  
 قابل ذکر نیست **فصل هفدهم** در قاره اوروپا و  
 آن از جهت شمال بجز پنج شمالی و از شرق بکوهها اوردال و  
 و لکا و هزدون و بحر اسود و بوغاز قسطنطنیه و بحر مرمر  
 بحر جزائر روم و از جنوب ببحر روم و بوغاز کوه طارق و از غرب  
 باوقیانوسا اتلانتيکي محدود است و معظم طول آن از مصیبه  
 کارا قاراس فلسنت بمقدار ۴۹۰ میل میرسد و معظم  
 عرضش از رأس شمالی تا رأس متیان مقدار ۲۰ میل است  
 مساحت سطحش مقدار ۴۵۰۰۰۰ میل مربع و اهلیش  
 مقدار ۳۲۰ میلیون است و میان قارات از حیث سع حال  
 اگر چه صاحب رتبه اولیه است و لکن آن بواسطه سعی و اهتمام  
 اهل آنست نه بجهت کثرت حاصله ایش چه که اکثر حاصله ای  
 معتبره آن را از قارات دیگر میاوردند و دریا های آن بسیار است  
 و از جمله آنها بحر ایض است که سیزده هزار بزرگ در آن ریخته  
 میشود و هر سال از شدت برودت هوا منجمد میشود و دیگر  
 شمالی است که انرا بحر جرمانی میگویند و مساحتش مقدار ۷۰۹  
 ۳۵۰ میل مربع است و دیگر بحر بلتیک است میان سه اسوج





روسیا و مساحت آن مقدار ۱۹۰۰ میل مربع است و دیگر  
 بحر متوسط است و طول آن مقدار ۲۱ میل و کمتر عرضش مقدار  
 ۱۱ میل است و مساحتش بمقدار ۱۶۰۰۰۰ میل مربع میسر  
 و عرضش میان افلس و افریقا مقدار ۵۰ میل است و دیگر  
 بحر اسود است و مساحت آن با بحر اوقیانوس بمقدار ۲۳۳۰۰۰  
 میل مربع میسر است و اما بحیرات او و پانیسیا است و اکثر آنها در  
 بلاد سولیس و ایتالیا و المانیا و روسیا و اسوج است اعظم  
 آنها بحیره لادوکاست در روسیا و مساحت آن مقدار ۴۰  
 ۳۰ میل مربع است و اما نهرهای آن بسیا است و اعظم آنها  
 در جهات شرقیه است و نهرهای کوچک بسیاری با آنها منضم می  
 شود و اما کوههای آن از جمله آنها کوههای آلیا است در بلاد  
 سولیس و شمالی ایتالیا و بلندترین آنها کوه بلانک است در بلاد  
 سولیس که ارتفاعش مقدار ۱۵۷۰۰ قدم است و دیگر کوهها  
 اینست که از طرف جنوب از کوههای آلیا ممتد است و در  
 بلاد ایتالیا میگرد و دیگر کوههای کربات است که بلاد  
 اوستریا را تا شمالی نهر دنیوب خرق میکند و دیگر کوهها بلکان  
 است در بلاد عثمانیه و کوهها اورال که میان او و روسیا  
 فاصله است و کوهها اسکندناویه که میان اسوج و نروج  
 فاصله است و کوه آتش نشان آن سه است اول کوه آتاند  
 سیسیلیا و دوم کوه بزوند و نزدیک شهر ناپولی سیم کوه  
 هکل در جزیره ایسلاند اما هوای او و پادریها شمالیه  
 سرد است چه که در منطقه بارده واقعست اما در جهات متوسطه

و جنوبیه معتدل است و اما حیوانات و معادن آن در طی کلام  
 در اولیات مفرد ذکر خواهد شد و اما اهالی آن باعتبار اصلش  
 بچهار قسم منقسم اند اول شعوب جرمانیه یعنی ساکنین پروسیا  
 و جرمانیا و هولاند و بلجیک و دینمارک و اسوج و نروج و لغات  
 آنها فرع لغت جرمانیه است و اهالی جزائر بریطانیه نیز در این قسم  
 داخل است در غیر شعوب رومانیه و لغت آنها فرع لغت لاتینیه  
 است و از اصل رومانی اند که بقباثل شمالیه از اهل فرانسا و  
 ایتالیا و غیر آنها مخلوط شده اند سیم شعوب سقلبیه یعنی اکثر  
 ساکنین روسیا و بعضی از سکان اوستریا چهارم شعوب تیر  
 یعنی تارک و اهل شمالی روسیا و دین غالب در این قاره نصرانیت  
 است مگر در بلاد تارک که دین غالب اسلام است و اما یهود  
 اکثر جمالت این قاره متفرقتند و بعضی از قبائل شمالیه بکیش بت  
 پرستی باقی اند و بدانکه این قاره هفده حاکمت تقسیم میشود اول  
 روسیا یعنی بلاد مسکوب در قریما اسوج و نروج سیم دینمارک  
 چهارم جزائر بریطانیه یعنی انگلستان پنجم فرانسا ششم هولاند  
 هفتم بلجیک هشتم جرمانیا نهم پروسیا دهم بلاد سولیس یازدهم  
 اوستریا دوازدهم پرتوگال سیزدهم اسپانیا چهاردهم ایتالیا  
 پانزدهم بلاد عثمانیه شانزدهم بلاد روم هفدهم جزائر  
 قسم اول روسیا است و آن از جهت شمال بجزایر شمالی و از  
 شرق بکوهها اورال و نهر ولگا و نهر دون و از جنوب بحر اسود و  
 بلاد عثمانیه و اوستریا و از غرب بلاد عثمانیه و اوستریا و  
 پروسیا و بحر بلتیک و نروج محدود و مساحتش مقدار



۳۰۶۶۶ میل مربع و اهلیش مقدار ۶۰۰۰۰۰۰۰ نفسا  
 و کوهها و درال و کوه قاف میانه ان و اسیا فاصله است اما کوهها  
 الفیذیه سلسله ایست که از کوهها اسکندناویه ممتد است و  
 دران بعضی از نباتات و بسیاری از معدن آهن و مس و رخام  
 یافت میشود و واسط این بلاد اراضی عالیه ایست که ارتفاع  
 انها بمقدار ۱۲۵۰ قدم میرسد و مخرج خزر و کاکا و دینبر و در  
 که بجهت جنوب جاری میشوند و چند خزر دیگر که بطرف شمال  
 جاری میگردد در انهاست و بسیاری از معدن آهن و زاج  
 و زغال سنگ و غیره در این جهات یافت میشود و اما کوهها  
 کرباشان از استریا ممتد است و در انها معدن آهن و کبریت و  
 غیره یافت میشود و در این مملکت بیشه ها وسیعی است که بپای  
 از چوگها انها را بجهت ساختن کشتی بسایر محالک اروپا میبرد  
 بیشتر انها در جغاشه لیه است و اما نهرهای روسیا از جمله  
 انها خزر و ویناست که طولش مقدار ۶۰۰ میل است و در جنوب  
 ریخته میشود و دیگر خزر بتثوره است که طولش مقدار ۷۰۰  
 میل است و دیگر خزر و نیکا است که از بجزه او نیکا جاری میشود  
 و نهر طورینا که میانه روسیا و نروج فاصله است و در خلیج بونیا  
 که طولش مقدار ۳۰۰ میل و عرضش مقدار ۱۰۰ میل است و  
 نهرهای بسیاری دران ریخته میشود داخل میگردد و اما خلیج  
 فینلانده طولش مقدار ۶۰۰ میل و عرضش میا ۲۲ و ۴۴ میل  
 است و نهرهای بسیاری دران ریخته میشود که از جمله انها  
 نهر نیفاست که از بجزه لاد و کاکا جاری میگردد و دیگر خزر و

عربی است که طولش مقدار ۶۰۰ میل است و نهر دینبر و نهر  
 دینستر که طولش مقدار ۴۸۰ میل است در بحر اسود داخل  
 میشود و نهر و نو میانه روسیا و بلاد عثمانیه فاصله است  
 از نهر دینوب نیز میگویند و نهر کوبان که از جبال کوه قاف بیرون  
 میاید در بحر ازوف داخل میشود و اما بحر ازوف که از بحر ازوف  
 نیز میگویند معظم طولش مقدار ۱۲۱۰ میل و معظم عرضش مقدار  
 ۱۲۰ میل و معظم عمقش ۴۸ قدم است و میانه ان و بحر اسود  
 شبه جزیره حادث میشود که از اقزم میگویند و اما بحیرات  
 روسیا بسیار است و از جمله انها بحیره سامن است که طولش  
 ۶۰۰ میل و عرضش ۳۰۰ میل است و دیگر بحیره لاد و کاست که  
 طولش ۱۲۰ میل و عرضش مقدار ۲۵۰ میل است و دیگر بحیره  
 او نیکا است که طولش مقدار ۱۵۰ میل است اما هو این مملکت  
 بحسب اختلاف مواقع مختلف است چه گمانی از ان در منطقه باره  
 یعنی داتره شمالیه واقع و جزئی در منطقه معتدله و در بیا با نهار  
 ان مرتعهای خوب از جهت مواشی قباثل تراست و از معدن طلا و  
 نقره و الماس و آهن بخصوص در جانب شرقی کوهها و درال یافتی  
 شود اما شهرها و روسیا از جمله انها پترزبورغ است که قصبه این  
 مملکت است و در کنار خلیج فینلانده واقعست و در حوضی نظر  
 بجزیرین شهرها او روپاست و دران کتابخانه ایست که بمقدار  
 ۳۰۰۰۰۰ مجلد کتاب مشتمل است و اهلیش مقدار ۵۰۰۰۰۰  
 نفس است و دیگر مسکو است که بمسافت ۴۸۷ میل در جنوب  
 شرقی پترزبورغ است و در رفان قدیم قصبه این مملکت و اعظم



شهرهای او روپا بوده و اهالش مقدار ۳۰۰۰۰۰ نفس است  
 و از طرف تجارتش بدنیست و دیگر شهر او دسناست که اهالی  
 آن بمقدار ۵۰۰۰۰ نفس میرسد و شهرها مذکوره اعظم شهرها  
 این مملکت است و اکثر اهالی از طائفه روم است و جماعتی از  
 لاتیئیه و پروستتانیه و مسلمان و بت پرست و مجوس نیز در  
 آن ساکنند و اما حکم روسیا از نوع ملکی مطلق است و سلطان  
 آن صاحب سلطنت عمومی است و عسکر این مملکت در طرف  
 بر ۷۰۰۰۰۰ و کشتیها جنکیش ۴۰۰ است و اما شعوبان  
 از طوائف عدیده مخلوط است و از این جهت این مملکت را روسیا  
 میگویند یعنی قباثل متفرقه و اکثر اهالی اصلاً از صقالیه اند و لکن  
 میانها تتر و ترک و مغول و قلم نیز یافت میشود و اکثر اهالی  
 این مملکت بحالت خشونت و درشتی و عادات متوحشه قدیمه  
 باقی اند مگر اهالی بعضی از شهرها مذکوره که در ظل تربیت یافتند  
 غنوده و آسوده اند و از حیثیت طبع مردم مالی قانع و سهل الشعاعه  
 و لهو و لعبه حوادث جدید را دوست میدارند و اکابر آنها  
 بملاهی و لعبه مایل و چونکه تازه از حالت بربریت و توختر خارج  
 شده اند لذا هنوز بدرجه سامیه ادب و تمدن و تربیت فائز  
 نگردیده اند و عوام آنها غالباً بحالت کثافت مشاهده میشوند  
 و زنان آنها بمنزله بندکان از برای مردانند چنانچه مردان بمنزله  
 بندکان از برای اشرافند و اما بلاد لیبیا و اندلیا و یونیا در جهت  
 شمال غربی در کنار بحر متجدد واقع است و از این هوا ایش سرد است  
 و اهالی آن مثل بعض قباثل سوچ و نروج و شمال امریکا کوتاه

قامت و غلیظ العقل و اعتماد آنها در معیشت بنوعی از کاه و حیثی  
 است که انرا نمیکویند که شیر و گوشت انرا میخورند و از پوست  
 کسب میکنند و بنهایت درجه نادانی و کند ذهنی اند و بعض  
 اعتقادات مسیحیه که با اعتقادات بت پرستان مخلوط است  
 معتقدند و املاک شمالی آسیا و طرف غربی بحر قره بن و جانب  
 شمال غربی امریکا در تحت این ولایت است و وسعت جمیع آنها  
 مقدار ۱۰۰۰۰۰۰ میل مربع است و اهالی آنها مقدار ۰۰۰  
 ۷۰۰۰۰۰ نفس است قسمی در مملکت اسوج و نروج است  
 و از جهت شمال باوقیانوس شمالی و از شرق بروسیا و خلیج  
 بوئنیاز و بحر بلتیک و از جنوب بحر بلتیک و بوغاز کاتیغات و از  
 غرب بحر شمالی و اوقیانوس اتلانٹیک محدود و مساحت سطح  
 آن مقدار ۳۰۰۰۰۰۰ میل مربع است و اهالش بمقدار ۰۰۰  
 ۵۰۰۰۰۰ نفس میرسد و کوهها اسکندناف ویرمیانده اسوج و نروج  
 فاصله است و طول آنها مقدار ۱۰۰۰ میل و ارتفاع بلندترین  
 سرها آنها بمقدار ۴۰۰۰ قدم میرسد و اعظم نهرهای آن نوردال  
 است که طولش مقدار ۲۰۰۰ میل است و دیگر نهرها یونیاست  
 که میان اسوج و روسیا فاصله است و در رأس خلیج بوئنیاز بحته  
 میشود و دیگر نهر عوثا است که از بحیره وینز بیرون میاید و از  
 جمله بحیرات آن بحیره وینز است که در آن شد و طول آن مقدار ۱۰۰  
 میل و عرضش مقدار ۶۰ میل است و از جمله جزائر آن در بحر  
 بلتیک کوتلاندا و ایلانداست و در بحر اتلانٹیک در ناحیه  
 شمال غربی جزیره لادن و افعست و اما هوای این ولایت سرد است



و فضل زمستان آن طولانی و تابستانش کوتاه است و در جهت  
شمالی بواسطه آنکه داخل دایره شمالیه است دو ماه و نیم در فصل  
تابستان قناب بان میتابد و دو ماه و نیم در زمستان از آن  
غائب میشود که جمیع اوقات شب است و از این جهت فصل بهار  
ندارد و اما خاک این ولایت قابل زرع نیست مگر قلیلی از آن بجهت  
کثرت بیشه و کوه و ضرر و بجزایر لطافت و سردی هوای آن در  
اکثر اوقات سیاحان بواسطه تفریح و رفع هم و غم قصد آنرا میکنند  
و در آن معدنهای نقره و مس و آهن و قلع و کبریت و غیر اینها  
یافت میشود و این مملکت بدو ولایت تقسیم میشود اسوج و  
نروج اما اسوج به ۲۴ قطعه منقسم است و ثانی به ۱۷ قطعه  
و در آن چند ترعه است که اعظم آنها ترعه کوتا است و طول آن  
مقدار ۶۴ میل است و از جمله شهرها آن است که اسم آن است  
اسوج و آن قصبه این مملکت است و اهلیش مقدار ۱۰۰۰۰۰ نفر  
است و مرکز تجارت تمامی این مملکت است و دیگر شهر کریتیان  
و آن قصبه نروج است و اهلیش مقدار ۳۰۰۰۰ نفر است  
نائب سلطان در آن قامت دارد و مقر خود او در است که اسم آن است  
و اکثر اهل این مملکت بمنزله پسر و نستانیه اند و لکن در جهت  
شمالی آن کمی از بت پرستان ساکنند و آنها بجهت درجه نادانی  
و جهالت اند و در هر بلدی از بلاد این مملکت مدرسه عامه  
از برای تحصیل علوم برپاست و سه مدرسه کلیه و بیست  
و سه مدرسه متوسطه در تمام این مملکت برپاست و اکثر اهل  
فلاحت و زراعت از خواندن و نوشتن با بهره و نصیب اند و حکم

این مملکت از نوع ملکی مقید است و مجلس احکام آنها یکی در شهر  
است که هر دو یکی در کریتیان است و اهالی آن صاحب  
و شجاعت و امانت و حشمت و بشاشند و اکثر طعام اهل  
فلاحت آن شیر و پنیر و ماهی است و در بعضی از جاها بخوردن  
نان و گوشت فخریه و مباحات میکنند و ببلاد خود شباسیان  
مایل و راغب اند و اما ولایت نروج تابع ولایت دینمارک بوده  
و در سنه ۱۸۱۴ مسیحی بمملکت اسوج اضافه شد قسمی  
سیمی مملکت دینمارک است و آن از شمال بمضیق سکا جراک  
و از شرق با اسوج و از جنوب بحر مانیا و بحر بلتیک و از غرب نیز بحر مانیا  
محدود است و طولش از شمال بجنوب ۳۰۰ میل و عرضش  
مقدار ۱۰۰ میل و سطحش ۲۲۰۰۰ میل مربع و اهلیش مقدار  
۲۰۰۰۰۰ نفر است و اعظم شهرهای آن هر ایدراست که  
مخربش در نزدیکی بحر بلتیک است و در بحر مانیا ریخته میشود  
و طولش مقدار ۵۰ میل است و بجزایر آن زیاده از ۵۰۰ جزیره  
است و بزرگترین آنها بحیره بلوین است که محیطش مقدار ۱۰۰ میل  
است و چند جزیره تابع آنست و بهترین آنها جزایر تریست که در بحر  
بلتیک واقعست و اعظم آنها جزیره زیلانداست که سطحش  
مقدار ۲۸۰۰۰ میل مربع و اهلیش مقدار ۴۰۰۰۰۰ نفر است و  
دیگر جزیره فوین است در نزدیکی زیلاندا که سطحش ۲۰۰۰  
میل مربع است و هوای این ولایت رطوبت دار تر از هوای بلاد  
است که در این قاره از حیث عرض مساوی با آنست و زیاده  
از دو ثلث ایام سال در آن باران میبارد و تابستانش گرم است



و اکثر ارضی آن ریک زار است و بسه قسم منقسم است در بنامک  
 اصلیه و مقاطعات سلسویک و این دو قسم داخل در مملکت  
 جرمانیه است و سیم جزائر فار و است در شمال اسکا تلند و در  
 مملکت اصلیه سه ترعه است که اعظم آنها ترعه کمال است که  
 میان بحر بلتیک و بحر جزایر را بیکدیگر وصل میکند و دیگر ترعه  
 سینکنین است که میان جزیره اود نیسی و بحر را بیکدیگر وصل  
 میکند و از امتهات شهرهای این ولایت کوبلیخاغن است و آن  
 قصبه این ولایت است و بحسن منظر و کثرت بنیه جمیله مشهور  
 و معروف است و در آن سه مدرسه کلیه و چند مدرسه دیگر  
 و یک کتابخانه است که بمقدار ۱۰۰۰۰ مجلد کتاب مشتمل است  
 اهلسر مقدار ۵۰۰۰۰ نفس است و دیگر شهر السنور است  
 و اهل آن مقدار ۱۰۰۰۰ نفس است و دیگر شهر الطون است  
 اهل آن بمقدار ۳۰۰۰۰ نفس میرسد و از جمله املاک خاز  
 این ولایت جزائر فار و است که بمقدار ۲ جزیره مشتمل است  
 و دیگر جزیره ایسلاند و غرینلاند در امریکای شمالی و جزائر  
 صلیب رهند غربی و سه قطعه از قطعات جرمانیا است و  
 اهالی جمیع املاک خارجیّه ان مقدار ۲۰۰۰۰۰ نفر است  
 و اکثر اهل این بلاد بصید ماهی اشتغال دارند و دین غالب  
 میان آنها مذهب پروتستانیّه است و کمی از لاتینیّه و غیره  
 نیز در میان آنها یافت میشود و حریت و آزادی از برای جمیع  
 مذاهب حاصل است و از برای آنها دو مدرسه کلیه یکی در  
 کوبلیخاغن و دیگری در کمال است و در قلعه کریستیانبرگ که

از جمله املاک خارجیّه نسبت زیاده از ۵۰۰۰۰ مدرسه  
 متوسطه و یک کتابخانه است که بمقدار ۳۰۰۰۰۰ مجلد کتاب  
 مشتمل است و اهالی آن در تعلیم و تربیت طفل خود بسیار  
 اهتمام دارند و اما حکم این مملکت از نوع ملکی مطلق است و اهالی  
 آن از اصل طوطونی اند و لغت آنها بلغت سوچ و نزوج شباهت  
 دارد و مثل سایر اهل شمال استعمال مسکرات میکنند و در  
 تمدن و تربیت از بقیه طوائف اروپا نیست تراند و در سالی  
 هشتم و نهم با اهالی سوچ و نزوج در جنب غارت در دریا  
 متفق شدند و اهل او روپا کمال خوف و بیم از آنها داشتند و  
 مدت مدید ملوک این ولایت بر بلاد انگلیس استیلا یافتند  
 و لکن حال سطوت آنها محمود و دست تعدییشان کوتاه است  
 قسم چهارم جزائر بریطانیّه یعنی انگلستان است و این  
 مملکت بدو جزیره بزرگ که در جهت شمال غربی و روپا واقع  
 است و یکی از آنها را بریطانیّه کبیره و دیگری را ایرلند می  
 گویند مشتمل است و اولی از آنها بدو قسم منقسم است که کند  
 و اسکاتلند و چند جزیره که در نزدیکی آن واقع است مثل  
 جزائر شتلند و جزائر هبریدن و جزیره مان و جزیره وایت  
 تابع است این مملکت بحسب سعت هفتی مالک و روپا  
 و از حیثیت جمعیت چهارمی و باعتبار تمدن و هیئت اجتماعیه  
 و قوه بحریّه و امتداد املاک خارجیّه و تجارت و صنایع و  
 علوم اولی آنها محسوب میشود و قلعه کوه طارق و جزیره مالطه  
 و هفت جزیره در بحر متوسط که معروف بلیند قیّه است



واملاک وسیعہ دیگر در ہند شرقی و افریقا و امریکا و  
چند جزیرہ در اوقیانوس فلانتیک و اوقیانوس محیط و قارہ  
ہالند جدید تابع انست و حکم ان از نوع ملکی مقید است  
و حریت و آزادی و انصاف و عدل و داد ان از سایر ممالک  
بیشتر و مساحت دو جزیرہ اصلیه مقدار ۱۲۰۰۰۰۰  
میل مربع و اہالی ان مقدار ۲۷۰۰۰۰۰۰ نفس است  
و اکثر اہل پروتستانہ اند و حریت و آزادی ز برای جمیع  
مذہب حاصل است و دخل ان مملکت از کرک و جزیرہ بمقدار  
۵۰۰۰۰۰۰ لیرہ انگلیسیہ میرسد و لکن دولت مقدار  
۱۰۰۰۰۰۰۰ لیرہ انگلیسیہ یا اہالی ان مدیون است و  
ان بواسطہ کثرت حربہائی است کہ میانہ ان و بعض دولت دیگر  
بخصوص مملکت فرانسہ واقع شد و مردم در بر و بحر بالطوع  
و الرغبۃ خدمت و رامیکنند و عدد عساکر ان بمقدار  
۱۵۰۰۰۰۰ نفر میرسد کہ غالباً در یولند یاد راملاک  
خارجیہ اند و عساکر دیگری در ہند و غیرہ دارد و اما  
کشتیہا جنگی ان مقدار ۲۰۰ کشتی است و چونکہ حکم  
ان مملکت از نوع ملکی مقید است لذا در مجلس ان برای  
ترتیب احکام و قوانین ان کہ یکی از اہل راجع باشارف و اعیان  
مملکت است و اجراء ان ۳۰۰ نفر است و دیگر بجامہ فاسق  
اجراء ان ۷۰۰ نفر است و رلندن منعقد میشود و بجهت  
اجراء ان قوانین در ہر بلدہ و قطعہ از ان مملکت مجالس و  
محافل معین و مقرر است اما انگلیتر کہ انرا انگلند میگویند

ترکی

بزرگترین اقسام انگلستان است و اہلش بیشتر و در اہل  
فلاحت و زراعت کمال اہتمام دارند و از ان جهت اراضی اہل  
معمور و خصیب است و در زمستان و تابستان از آب باران  
سیراب میشوند و اما نخرہای ان از جملہ اہل نخرہا و زمین  
کہ در نزدیکی شہر بریستل در خلیجی کہ از اوقیانوس فلانتیک  
ممتد است ریختہ میشود و دیگر نخرہا سی است کہ نزد شہر  
لیورپول در بحر ایرلند ریختہ میشود و دیگر نخرہا سی است  
و میانہ ان نخرہا ترعہ ہا بسیا است کہ فیما ہل انرا بسکدیکر  
وصل میکنند و باین واسطہ سفر کردن ان جانی بجا می آید  
و اسان است و چونکہ ان جزیرہ در کنار دریا واقع است  
ہوایش تر و معتدل و بنا تا تیکہ محتاج بحجارت شدیدہ است  
در ان نمیروید و لکن خوبان بسیا است اسب کو سفند  
و مواشی دیگر ان خوب در ان معدن زغال سنگ و مس و  
سرب قلع بسیا است و اہالی ان در علوم و فنون و صنایع  
با علی درجہ ان فائز شدہ اند و مدارس عامہ و خاصہ بسیا  
و کتب رزان و فراوان و از ان جهت تحصیل علوم و معارف  
فنون و صنایع بر ہر کسی سہل و اسان است و قصبہ ان  
مملکت شہر لندن است و ان در غنی و تجارت و جمعیت اعظم  
شہر ہا عالم است طولش ۵۰ میل عرضش ۷۰ میل و اہلش  
مقدار ۲۰۰۰۰۰۰۰ نفس و بازار ہایش بمقدار ۱۰۰۰۰۰۰۰  
و در دو جانب نخرہا سی مس مسافت ۳۰ میل از مصب ان بنا  
شدہ و مردم از جانبی بجانب دیگر ان از روی پنج جسکہ



سه جسر آنها از سنک و دو جسر دیگر از آهن است عبور میکنند و زیر زمین نهر دهلین و سیعی از سنک بسته شده و آن راه آنهاست و زیر پایه بناهای عظیمه این شهر بسیار است و مشهورترین آنها کنیسه سنت پولس و کنیسه و ستمینستر است اما شهر لیورپول بحسب تجارت و بی شهرها انگلند است و اهلیش مقدار ۲۵۰۰۰ نفر است و بمسافت ۳۲ میل از آن شهر مجیستر است و آن شهر عظیمی است که انواع امشده از پنبه در آن بافته میشود و دیگر از شهرها آن بر مینکام شفیلد است و در آنها انواع آلات آهن ساخته میشود و دیگر لیدس و اکثر تیرا است که قاشهای پشمینه در آنها بافته میشود و دیگر که رملستر است که فرش در آن بافته میشود و در انگلند چند بجزیره کوچک در جهت شمال است که در فضک تابستان بجهت تفریح و تماشا قصد آنها میکنند اما جهات غربیه انگلند در زمان قدیم مملکت مستقلی بوده و زمانیکه رومانیین در عصر یولیوس قیصر که ۵۵ سال قبل از حضرت عیسی بود آنرا فتح کردند اهلیش بنهایت توخس و بر بریت بود و از شیر مویشی و گوشت آنها معیشت میکردند و حکومت رومانیین مدت ۴۷ سال طول کشید و پس از آن طاقه سکسنیه در انگلند آمدند و باهالی اصلیه آن غلب کردند و با آنها امیرش نمودند و این بلاد در آنوقت بجهت مملکت مستقله منقسم بود تا اینکه در سنه ۱۲۸۱ مملکت غربت انرا یک مملکت ساختا و اما اسکولتیا یعنی سکاوت کند در جهت

شمالی انگلند واقعست و اهلیش از آن کمتر و هوایش سردتر و کوههایش بیشتر و بواسطه کوههای اغز میان بد و قسم تقسیم میشود اعلی و اسفل اما قسم اعلی در جهت شمال غربی است و آن کوهها بلند سردی است که سوای تربیت بعضی از مویشی قابل چیز دیگر نیست و در آن چند بجزیره است که از جمله آنها بجزیره نس و لومند است که طولش مقدار ۳۰ میل است و اهل سیاحت از هر ولایت بجهت تفریح در فصل تابستان قصد آن میکنند و اما قسم اسفل در جهت جنوبی واقع است و در خوبی معادل انگلند است و زمین آن قابل زرع و برای مرتع مویشی خوب است و اهالی آن ببلاد خودشان بسیار مایل و راعب و آنها را بسیار بلاد مسکونه تفضیلی دهند و علوم و شیوع معارف در بلاد آنها بسیار اهتمام دارند اما اهل کوهها و سکان جزائر ارکاده و هبریدن و شتلند غالباً مردمانی فقیر و بی بضاعتند و در اسکاوتلند معدن زغال سنگ و قلع بسیار است و کارخانههای عظیمه از برای ساختن امشده از پنبه و پشم و کتان و آلات آهن فراهم است و در آن سه مدرسه جامعه و چند مدرسه عامه برپا و مدرسه ایدنبرگ مشهورترین مدارس انگلستان است در علم طب و اما نهرهای اسکاوتلند از جمله آنها نهر فورث است که در نزدیکی شهر ایدنبرگ در خلیجیکه از بحر متد است یخته میشود و دیگر نهر کلاید و نهر تویداست که میانه آن و انگلند فاصله است و از جمله ترعههای آن



ترعه کلاسکو است که میانه نهر کلاید و نهر فورث را بیکدیگر  
 وصل میکند و دیگر ترعه کالید و نیاست که میا خلیج مور  
 و اوقیانوس اتلانٹیک را جمع میکند و از آنها ت شهرهای  
 اسکا تلند اید نرک و بردین و دندی و کلاسکو است  
 شهرهای مذکوره از حیث تجارت و جمعیت اعظم شهرها انت  
 و اسکا تلند در زمان قدیم مملکت مستقلی بود تا اینکه در سنه  
 ۱۰۳۰ مسیحیه که الیزابت ملکه انگلند وفات یافت بواسطه  
 آنکه نسلی از او باقی نمانده بود سلطنت یعقوب ملک که از  
 اقارب او بود را جمع شد و از آنوقت بمملکت انگلند منضم گردید  
 و این دو مملکت مملکت واحد و در تحت یک حکومت داخل  
 شد و اهالی آن مقدار ۳۰۰۰۰۰۰ نفر است و بدینانت  
 عیسویه بمذهب پروتستانیه متدین اند و اما ایرلند جزیره  
 خوبی است و مساحتش مقدار ۳۰۴۰۰ میل مربع است و  
 بخلج سنت جارج و ایرلند از انگلند و اسکا تلند منضم  
 است بچهار قطعه تقسیم میشود اول ولسر در جهت شمال  
 اعظم شهرها ان بلفاست است دوم یلینستر در جهت شرق  
 اعظم شهرهای ان دبلین است سیم منستر در جهت جنوب  
 اعظم شهرها ان کارک است چهارم کانت در جهت غرب و اعظم  
 شهرهای ان کالوه است و خاک این جزیره خوب و قابل کشت  
 و زرع و هوایش معتدل و تراست و خوب و کتان که انواع  
 عدیده از آنش از ان ملیس از ندر را بحال بسیار است اعظم  
 نهرهای ان نهر شین است که طولش مقدار ۱۷۰ میل است

و بعد از گذشتن ان از چند بحیره در اوقیانوس اتلانٹیک بختر  
 میشود و اعظم بحیرات ان بحیره نیاغ است در جهت شمال شرقی  
 و طول ان مقدار ۱۵ میل و عرضش ۷ میل است دیگر بحیره  
 ان است وان دو بحیره است که متصل بترعه ایست از جمله  
 ترعه ها ان ترعه ملکیه است که میانه بحر ایرلند و اوقیانوس  
 اتلانٹیک را بیکدیگر وصل میکند و این بحیرات بصفا اب  
 حسن منظر مشهور و معروفند و از این جهت اهل سیاحت  
 در فصل تابستان محض تفریح و تماشا و عیش قصد آنها می  
 کنند و در ایرلند یک مدرسه جامعه است که در علم طب  
 مشهور است و ان مدرسه دبلین است و مدرسه دیگر  
 در مینوت از برای کاتولیکها است و سه مدرسه عمومی یکی  
 در بلفاست و دیگری در کالوه و سیم در کارک است بواسطه  
 آنکه اکثر ارضی ان ملک کابرو اشرف این بلاد است و بیشتر  
 اهالی شرکاء آنها هستند از این جهت اکثر آنها فقیر و بی بضاعت  
 و از علوم و فنون و صنایع بی بهره اند و اکثر اهل ایرلند باطنه  
 کاتولیکیه اند و مقدار ربع آنها پروتستانیه است و آنها  
 غالباً در جهت شمالیه ساکنند و اما شهر دبلین و کارک و  
 بلفاست اعظم شهرها است و ان در زمان قدیم مستقل بود  
 و در سنه ۱۱۷۲ عیسویه انگلیس بان استیلا یافت  
 قسمی بجز مملکت فرانسه است و ان از جهت شمال بخلجیک  
 و خلیج انگریزی و از شرق بسپروسیا و یوریا و بادن و بلاد  
 سولیس و سردینیا و از جنوب بجز متوسط و اسپانیا و از غرب



بخلیج بسکی محدود و مسافت سطح آن ۲۵۰۰۰ میل مربع و  
 اهلیش مقدار ۳۰۰۰۰۰۰ نفر است از جمله کوهها  
 آن سلسله کوهها سفراست که از طرف شرقی این مملکت جنوب  
 غربی تمتد است تا اینکه بطرف شرقی کوهها نیکه میانه فرانسوا  
 اسپانیا فاصله است متصل میشود و شعبه های جنوبیه را  
 کانتال می نامند و بلندترین کوههای فرانسوا کوه اوراست که  
 ارتفاع آن بمقدار ۶۲۳۰ قدم میرسد و در نزدیکی بلاد شو  
 کوههای جورا و کوههای الپاست که میان فرانسوا و بلاد سویس  
 و ایتالیا واقعست و اما نهرهای این مملکت بسیار است از جمله  
 آنها نهر سین است که طولش مقدار ۵۰۰ میل است از وسط  
 پارلیس میگذرد و دیگر نهرها بسیار است که اعظم نهرها فرانسوا  
 طول آن مقدار ۶۰۰ میل است از کوهها سفرا بیرون میاید  
 و در خلیج بسکی ریخته میشود و دیگر نهر گرن است که طولش  
 ۴۰۰ میل است و در بحر بسکی ریخته میشود و دیگر نهر روین  
 است که طولش ۵۴۰ میل و بحر جسر در کوهها الپا و عمیق  
 سریع جریان است و در بحر متوسط ریخته میشود و اما خلیجها  
 آن از جمله آنها خلیج انکی بری است که گذشتن کشتی از آن محل خطر  
 است در جهت غرب خلیج دیگری است که آنرا خلیج بسکی می  
 گویند و دیگر خلیج لایون است و آن جزئی از بحر متوسط است  
 و اما ترعه ها این مملکت بمقدار ۶۰۰ ترعه میرسد و طول جمیع آنها  
 ۲۳۵۰ میل است و اکثر نهرها را بیکدیگر وصل میکنند  
 بواسطه آن انتقال از جانی بجای دیگر سهل و آسان است اما

جزائر آن از جمله آنها جزائر الیریان وری و ناپرموتیر و بلی و  
 است در خلیج بسکی و جزائرهای سر در جهت جنوبی و جزیره  
 کارسیکا در بحر متوسط که طولش مقدار ۱۱۰ میل و عرضش  
 ۵۰ میل است و در آنها سلسله کوهها نیست که ارتفاع آن  
 آنها بمقدار ۹۰۶۰ قدم میرسد و از جمله شهرها آنها باستییا  
 که اهلیش مقدار ۱۰۰۰۰ نفر است دیگر شهرها باستییا که  
 مولد ناپلیون است و معدن آن بسیار است و اهلیش مقدار  
 ۱۰۰۰۰ نفر است از زمین این مملکت خضید خوب بهترین  
 آن را صنی شمالیه است که قابل تربیت حبوب است و وادی  
 لیمان خضید را صنی دنیا است در جهت جنوب غربی بیابانها  
 است که ابدان باغات در آنها نمیروید و اما هوای فرانسوا خوب  
 و لطیف و نواهی شمالیه آن بسیار سرد است بقیه ممالک نهر  
 سین که قریب پارلیس است منجم میشود و در اماکن متوسطه  
 آن هوا معتدل و پاکیزه و مقوی بدن است و در ماه تموز  
 شروع بدروید زراعتهای آن میشود و اما نواهی جنوبیه هوا  
 گرم است و مع ذلك بد نیست و اما اشجار و نباتات آن از  
 جمله آنها انجیر و امرود و شفتالو و صنوبر و صفا و بلوط و  
 زیتون و لیمو و قوت سفید و سیاه و زردالو و بادام و گردو و نا  
 و خرزبره و انار و انواع حبوب بقول است و مشهورترین شرابها  
 آن شراب شمپین و برغندی است که آنرا برندی میگویند و  
 از جمله معادن آن نقره و قلع و توتیا و انواع رخام و زغال سنگ  
 است از آنها هم اسب است و خر و گاو و گوسفند و رو با کرک



و کر به بتری و سکا بی و غیر اینها از حیوانات دریا یافت می شود  
 و از امتهات شهرها این مملکت پاریس است که قصبه آن و در  
 جمعیت دوی شهرها او روپاست و در دو جانب نهر سین  
 واقعست و محیطش ۲۰ میل و اهلیش مقدار ۱۰۰۰۰۰ نفر  
 است و از جمله قصرها آن قصر عظیمی است که آنرا لوفیر میگویند  
 و در آن تصویرهای خوب کمرانها و چیزهای تازه که قابل دیدن  
 است که از زمان قدیم تا حال از اقطار عالم جمع کرده اند موجود  
 است و کتابش و مدارس و دیرهای آن بسیار است و از جمله  
 مدرسه ها آن مدرسه کلیه ایست که تلامیذ آن بمقدار  
 ۱۰۰۰ نفر میرسد و از جمله کتابخانه های آن کتابخانه ایست که  
 بمقدار ۵۰۰۰۰ مجلد کتاب شتمل است و این شهر بکثرت  
 مطبعه و سهولت کتساب علوم و فنون معروف و مشهور است  
 و اکثر مدارس آن برای استفاده جمهور ناس مفتوح و مانعی از  
 دخول نه و دیگر از شهرهای آن لایسنس است که دوی شهرها  
 فرانساشمرده میشود و کارخانه های آن بسیار و در ساختن  
 اقمشه هر پر مشهور و تجارتش وسیع و اهلیش مقدار ۲۰۰  
 نفر است و دیگر شهرها سلس است و آن قدیم ترین  
 شهرهای فرانساست و اهلیش مقدار ۵۰۰۰۰ نفر است  
 و دیگر شهر طولان است در جهت جنوبی و اهل آن مقدار ۳۰۰  
 نفر است و دیگر شهر بارد و است در جهت غربی و تجارت  
 آن وسیع و اهلیش مقدار ۱۰۰۰۰ نفر است و دیگر شهر  
 روان است که بمسافت ۷۰ میل از مصتب نهر سین واقع است و

کارخانه هایش متعدد و اهلیش مقدار ۱۰۰۰۰۰ نفر است  
 و اما اهل این مملکت کثرت بفلاحت و زراعت اعتنا دارند و در  
 این عمل بنهایت درجه آن رسیده اند و اکثر آنها صاحب ملکند  
 و با الطبع مایل بتجارت نیستند و لکن در مدتی در آن تقدم  
 یافتند بقسمی که در امور تجارتیه مشهورترین اهل او باشندند  
 و کارخانه های آنها بسیار است و از باب آنها در انواع صنایع  
 دقیقه کمال مهارت دارند و لکن در اکثر مصنوعات عایت  
 ملاحظه نظر افت را بدیشتر از منفعت متانت میکنند و اما  
 املاک خارجیه آن از جمله آنها بوندی شاری و تاریک  
 بانان و ماها ایست در آسیا و جزیره بریون در اوقیانوس  
 هند و جزیره مریم در نزدیکی جزیره مدکاسکر و جزایر غریبه  
 افریقا و منزله سینغال در کنار بحر عربی و جزیره پطرس و  
 میکیلون و مارتیکا و غوادیلوب و جزئی از جزیره مارتین و جزیره  
 غیانا و اما عسکر این مملکت مقدار ۳۰۰۰۰ نفر است  
 و لکن در وقت جنگ سو عسکر ردیف بمقدار ۵۰۰۰۰  
 نفر میرسد و کشتیهای جنگی آن مقدار ۴۰۰ است و حال در  
 ساختن کشتیها تجارتی سعی و اهتمام دارند و عسکر آن بطریق  
 قرع گرفته میشود و تا مدت پنج سال باید که خدمت کند و یا  
 آنکه دیگر بر اعوض خود بدهد که بجای او خدمت کند و اهل  
 این مملکت صاحب نخوت و شجاعت و انصاف و حرقت تمدن  
 و تربیت و بله و ولعبه غنا و رفص مایل و راغب در جمع  
 علوم و فنون سعی و اهتمام دارند چنانچه مدارس پاریس و



کتابخانه های آن در همه جا مشهور و معروف است در  
این مملکت برجها و قصرها و قلعه ها و بناهای خوبیافت  
میشود که در دنیا شبهه و مثل آنها نیست و اهالی آن به  
سفر میل و رغبت ندارند و حکمران جمهوری است و اکثر  
اهالی آن از طائفه لاتینیه است و لکن نمیا اهالی بیاری  
از پروتستانیة نیز یافت میشود و حریت و آزادی زیبا  
جمع مذاهب حاصل است قسم ششم و هفتم  
بلجیم و هالند است اما مملکت بلجیم که آنرا بلجیک میگویند  
از جهت جنوب بفرانسا و از غرب نیز بفرانسا و بحر شمالی  
و از شمال ببالند و از شرق ببحر انیا محدود و مساحت سطح آن  
۱۵۰۰ میل مربع و اهالش مقدار ۴۰۰۰۰۰ نفر است  
است و اکثر ارضی آن خوب خصیبه هوایش معتدل  
و خشک و مقوی بدن است از طرف فرانسا هر شلت  
داخل آن میشود و از شهر کنت و انورین میکند و در بحر  
شمالی ریخته میشود و همچنین هر میوسی یا ماس که از آن بیلا  
هالند میکند و در بحر شمالی ریخته میشود و ترعه های  
آن بسیار است و از این جهت اکثر نهرهای آن بیکدیگر وصل  
است و سفر کردن از شهر به شهر دیگر بجمال آسانی ممکن و  
میسر است و از آنها شهرها آن برسل است که در دو جانب  
نهر سن که در هر شلت ریخته میشود واقعست و آن  
شهر بسیار خوش منظر و بسیار خن فرس و انواع اقمشته  
مشهور و معروف است و در آن کتابخانه ایست که بمقدار

۱۰۰۰۰۰ مجلد کتاب مشتمل است و در مجلس از جهت ترتیب  
قوانین و شرائع و احکام و قواعد مملکت در آن مقرراست و اهالش  
مقدار ۱۰۰۰۰۰ نفر است و مقر سلطان مملکت در آنجاست  
و دیگر شهر انورین است که در دو جانب هر شلت بنا شده  
و آن شهری است خوش منظر و بناهایش خوب اهالش مقدار  
۱۰۰۰۰۰ نفر است و از جمله بناهای آن کنیسه ایست که  
بشکل خاصی بنا شده که معروف ببناء غوثی است دیگر  
مناره ایست که ارتفاع آن بمقدار ۴۴۴ قدم میرسد  
و اهالی آن در امور فلاحه و زراعت با علی درجه ان فائز  
شده اند و بیشتر زراعت آنها حبوب است و در صنایع و  
امور تجارت یدی طولی دارند و چیزهای خوب و پاکیزه میبندند  
و بواسطه حریت و آزادی ایشان در تجارت آنها را بقتی ارزانی  
از آنچه دیگران میفروشند میدهند و اکثر آنها از طائفه  
لاتینیه اند و مابقی پروتستانیة است و سرمایه کلیه  
دارند و تحصیل علوم و معارف از برای خاص و عام سهولت  
است و جنگهای بسیار در آن واقع شده و حکمران از نوع  
ملکی مقید است و در مجلس از برای ترتیب حکام و قوانین  
در شهر برسل مقرراست که اجزای آنها از قباائل و طوایف  
انتخاب میشود و اجزای مجلس اول هشت سال و اجزا مجلس  
دوم چهار سال بوظیفه خود قیام میکنند و اصل اهالی  
این مملکت از قباائل متفرقه است و لکن بدیشتر باهل فرانسا  
و فلند شباهت دارند و بعضی از آنها بلغت فرانساوی و



بعضی بلغت فلانکی تکلم میکنند و اما حاکمیت هالند که معروف  
 بفلند است و ندرلند نیز آنرا میگویند از جهت شمال و غرب  
 بحر مانیان و از شرق بمملکت جرمانیا و از جنوب بمملکت باژیک  
 محدود و مساحت سطح آن ۱۳۰۰۰ میل مربع و اهلیش مقدار  
 ۳۰۰۰۰۰ نفر است و از جهت شرق نیز این داخل آن می  
 شود و از آن میگذرد و در بحر شمالی ریخته میشود و هر میوسوی  
 هر شلت از بلجیک داخل آن میشود و از آن میگذرد و در بحر  
 شمالی ریخته میشود و از بحر مانیان خلیج زویدر داخل آن میشود  
 و طولش مقدار ۶۰ میل است و از جمله بجزایر آن بجزه هارلم است  
 که طولش مقدار ۱۳ میل است و اعظم جزایران جزیره بیولند  
 واکرن است و اما هوای آن تر و اکثر از ارضیش ریک زار و  
 حرتهایش چون بواسطه آنکه قسمی از آن مساحت سطح دریا  
 اهل آن ناچارند که در کنار دریا و هر هائیکه در جنب بلاد  
 آنها واقعست سدهای عظیم بنا کنند که در وقت مد دریا  
 آنها را از صرب کاهداری کند و مع ذلك کرازا و حرارا بلاد  
 ایشانرا فر و گرفته و از امتهات شهرهای این مملکت هک است  
 که قصبه آن است و در آن چند قصر و مجلس از برای ترتیب  
 احکام و قوانین این مملکت مقرر و معین است و اهلیش مقدار  
 ۶۰۰۰۰ نفر میرسد و دیگر شهر امستردم است که در  
 زمان قدیم از حیثیت تجارت و قوه بحریه اعظم شهرها عالم  
 بوده و حال در آن کتابخانهها و مدارس و مجالس و محافل  
 عدیده از برای صنایع غریبه مهیا و موجود است و اهلیش

مقدار ۲۰۰۰۰۰ نفر است و دیگر شهر لیون است که  
 مدرسه کلیه و علماء آن مشهور است و اهلیش مقدار  
 ۳۰۰۰۰ نفر است و اهل این مملکت بواسطه همین دریا  
 باراضی آنها و کثافت و رطوبت هوا و بدی آب در امور فلاحه  
 زراعت عسرت و مشقت بسیار دارند و مع ذلك بلاد آنها  
 خصیصه نباتات بسیار و حرث مواشی آنها خوب است و تجارت  
 آن در ایام قدیمه وسیع بوده و لکن حال که است کارخانهها  
 بسیار از برای ساختن قماشه صوف و کتان و حریر و پنبه در  
 آن مهیا و فراهم است و از جمله املاک خارجیّه آن جزایر کوراسو  
 و یوسینیا نیاست و جزئی از سورینام در کیانا که در امریکاست  
 و چند قلعه و کارخانه در افریقا و جزایر یافا و سومطره و بوزنیو  
 و جیلبس و تیمور و غیر اینها از جزایر که در او قیام و نوس محیط  
 است و اهالی جمیع املاک خارجیّه آن مقدار ۱۰۰۰۰۰۰  
 نفر است و اکثر اهل این مملکت پروتستانیه و کاتولیکین  
 و یهود است چند مدرسه کلیه در لیون و غیره و بدین  
 و ترتیب آرد و بتحصیل علوم و فنون و معارف راغب و  
 مائل و بواسطه کثرت مدارس اکتساب تعلم از برای آنها  
 بکمال سهولت و آسانی ممکن و میسر و مانعی نه و حکمران از نوع  
 ملکی مقید است و در مجلس از برای ترتیب قوانین و احکام  
 مقرر و معین است که اجراء یکی از آنها را سلطان بنفسه  
 اختیار میکند و اجزای دیگر بر سایر ناس انتخاب میکنند  
 و اینها احکام و شرائع مملکت را بموافقت سلطان ترتیب می



دهند و اصل اهالی آن از جنس اهل جرمانیا است مردمانی  
 نظیف و ظریف و بعمل خیر و احسان و بنا و مدارس راغب ماثل  
 راههای آنها خوب و قریه هایشان نیکو و بازارهای آنها وسیع  
 و پاکیزه است قسم هشتم جرمانیا است که آنرا المانیا  
 نیز میگویند و آن از جهت شمال بحر جرمانی و تخوم دینارک و  
 بحر بلتیک و از شرق پروسیا و اوستریا و از جنوب باواریا  
 و بلاد سولیس و از غرب بفرانسا و بلجیک و هالند محدود  
 و مساحت سطح آن ۲۴۵۰۰۰ میل مربع و اهلیت مقدار  
 ۳۷۰۰۰۰ نفر است و در آن سلسله کوههایی  
 است که از جمله آنها شعبه از کوههای الپا و شعبه از کوهها  
 کربا است و نهرهای آن بمقدار ۵۰۰ میرسد و مخرج نهر  
 الطونا و ویسروال در آن است اما هوای آن مختلف است  
 و خاکش خضید خوب در ناحیه جنوبیه اشجاریکه در  
 اقلیم جنوبیه نمود میکند در آن یافت میشود و نصف اهالی  
 آن پروتستانی و نصف دیگر لاتینی و از یهود اکثر از  
 ۳۰۰۰۰ نفر در آن ساکن و حریت و آزادی از برای جمیع  
 مذاهب حاصل است و حکم آن از نوع جمهوری است هر طائفه  
 و کیلی از جانب خود بدیوان عمومی که در شهر فرانک فارت  
 منعقد میشود میفرستد و عساکر آن بمقدار ۳۰۰۰۰  
 نفر میرسد و اهالی آن صاحب همت و حرص و امانت و ثبات  
 در اعمال و در ابداع و اختراع موهبتی الهیه دارند چنانچه  
 ساختن بارود و صنعت چاپ و عمل ساعت را استنباط

کردند و علمای آنها در تالیف و تصنیف کتب صاحب غیرت و  
 همت اند و ۲۰ مدرسه کلیه و ۵۰ کتابخانه که بمقدار ۵۰۰۰۰  
 مجلد کتاب مشتمل است از برای تحصیل علوم و فنون  
 و معارف در آن موجود و فراهم و از علماء صاحب تالیف مقدار  
 ۱۰۰۰۰ عالم در آن است که هر سال قریب ۵۰۰۰ کتاب  
 تالیف میکنند و بواسطه کثرت و سائلا کتاب علوم از برای  
 آنها سهل و آسان است و از جمله شهرهای آن فرنگفورت و  
 لیدسک و درسدن و مونخ و اوگسبرج و استراسبرج و  
 غیر اینها است قسم نهم مملکت پروسیا است و آن از جهت  
 شمال بحر بلتیک و از شرق پروسیا و از جنوب باواریا و  
 جرمانیا و از غرب نیز بحرمانیا محدود و مساحت سطحش مقدار  
 ۱۰۶۰۰۰۰ میل مربع و اهلیت مقدار ۵۰۰۰۰۰۰ نفر  
 است و از جمله نهرهای آن نهر او در است که طولش مقدار ۵۶۰  
 میل است در بحر بلتیک ریخته میشود و دیگر نهر الباست که  
 طولش ۵۸۰ میل است و در بحر شمالی ریخته میشود و دیگر  
 نهر فیستولا است که طولش ۵۰۰ میل است در بحر بلتیک  
 ریخته میشود و از جمیع این نهرها کشتی بسهولت و آسانی عبور  
 میکند و اما بجزرات آن کوچک و قابل ذکر نیست و جزیره روچین  
 در بحر بلتیک تابع آنست و سطح آن ۳۷۰۰۰ میل مربع و اهلیت  
 مقدار ۲۵۰۰۰ نفر است و در حول آن چند جزیره کوچک  
 واقعست اما هوای این مملکت معتدل و در نواحی جنوبیه  
 موافق صحت اعزجه و در نزدیکی بحر بلتیک سرد و تر است و



از جمله معادن آن نقره و مس و آهن و قلع و نمک و کهربا است  
 و از امهات شهرهای آن برلین است و آن شهری است خوش منظر  
 و بازارهایش وسیع و مستقیم و بناهایش عالی و فاخر و در آن  
 یک مدرسه کلیه و چند مدرسه دیگر از برای تحصیل علوم  
 فنون و معارف مهیا و موجود است و اهلیش بمقدار ۳۰۰۰۰  
 ۲۵۰ نفس میرسد و دیگر شهر بولندام است که بناها  
 عظیمه است و اهلیش بمقدار ۴۰۰۰۰ نفس میرسد و دیگر  
 شهر کولون است و اهلیش بمقدار ۷۰۰۰۰ نفس است و  
 دیگر شهر کونیخسبرج است در عرض شمالی ۴۲ ۴۴ ۵ و  
 طول شرقی ۲۰ ۴۱ و میان آن و دریای مسافت ۲۴ میل  
 و بارونی بان خاطر دارد که طولش مقدار ۱۷ میل است و  
 آن بمقدار ۴۰۰۰۰ نفس میرسد و دیگر شهر دانتریک  
 است که در طول شرقی ۱۳ ۱۱ و عرض شمالی ۴۱ ۵۴  
 واقعست و اما اهل این مملکت از امور فلاحت و زراعت  
 چنانچه باید و شاید کاهی ندارند و در تربیت مواشی بکلی  
 اعتنا و اهتمام مینمایند و در آن قماشهای صوف و کتان و پنبه  
 ساخته میشود و چنانچه از آن بسیا و تجارتش در موا  
 و حبوب است و اکثر تجارت بحری آن در دست غرب است و  
 بیشتر اهالی آن پروتستانیست و طائفه از لاتینیست و  
 یهود نیز در آن ساکن است و حریت و آزادی از برای جمیع  
 مذاهب حاصل است و در آن شش مدرسه کلیه که بهترین  
 مدارس و روپاست و چند مدرسه متوسطه ۲۲۰۰۰

مدرسه عمومیّه از برای تحصیل علوم و معارف مهیا و فراهم  
 است و بحسب معرفت عمومیّه بهترین ممالک و روپاست و  
 اهالی آن در تعلیم و تربیت اطفال خود کمال سعی و اهتمام دارند  
 و اما حکم آن از نوع مالکی مطلق است و عساکران بمقدار  
 ۳۰۰۰۰ نفر میرسد و هر یک از اهالی آن که بپسندند هفده  
 سالگی رسیده باشد سه سال باید که در میان عسکر تعلیم  
 بگیرد و خدمت کند و تا سن سی سالگی عسکر ردیفند و در  
 هر هفته یک مرتبه از برای تعلیم و مشق حاضر میشوند و در هر  
 سال سه هفته خیمه هایشان را از برای تعلیم و مشق نصب  
 میکنند پس در الحقیقه عساکران بعد از اهالی آن است آنها  
 بهترین عساکران و روپاستند چنانچه از جنگها تیکه میان  
 آنها و مملکت و ستربا و فرانسوا واقع شد مشهور و معلوم  
 میشود و اول کسیکه سبب شهرت و اعتبار این مملکت گردید  
 فریدریک اول بود و فریدریک ثانی بعضی از اراضی بان اضا  
 کرد و لکن تا سنه ۱۸۱۵ از ممالک معظمه شمرده نمیشد و  
 از جمله توابع آن بعضی از مقاطعات جرمانیاست قسم دوم  
 بلاد سولیس است و این ولایت کوچک و از جهت شمال جرمانیا  
 و از شرق با وستربا و از جنوب بسربیدنیا و اوستربا و از غرب  
 بفرانسوا محدود و مساحت سطحش ۱۷۵۰۰ میل مربع و  
 اهلیش مقدار ۲۲۰۰۰۰۰ نفس است و کوههای آلیا که  
 مرتفع ترین کوههای او روپاست و آن ممتد است از ارتفاع  
 اعلاى آنها بمقدار ۵۷۰۰۰ اقدام میرسد و هیچ وقت خالی



از برف نیست و چند هزارانها برون میاید که اعظم آنها نهر  
 راین است که از شمال در جرمانیا جاری میشود و دیگر نهر  
 رون است که از جهت جنوب در فرانسا جاری میشود و  
 دیگر نهر بو است که میان ایتالیا و اوستریا جاری میگردد  
 و در خلیج بندقی ریخته میشود و اعظم حیرات آن بحیره جنیفه  
 است که طولش مقدار ۴۰ میل و عمقش ۱۰۰۰ قدم و آبش  
 زلال و صافی است و دیگر نهر قنستانس است که طولش ۴  
 میل و عرضش ۱۵ میل است و اما هوای این مملکت بواسطه  
 ارتفاع آن خوب و موافق صحت است و در کوههای  
 آلیا سرد و در بیا باها معتدل و در مقاطعه طیسین گرم  
 و در وادیها بحسب بلندی و پستی آنها مختلف است و بالا  
 رفتن از کوههای آن بواسطه زیادتی برف و پستیهای خطرناک  
 آنها بسیا صعب و مشکل است و گاهی از اوقات تیکه های  
 بزرگ برف بطرف وادیها سراسیمه میشود و قریه ها تیکه  
 میان راه واقعست خراب میکنند و در آن انواع وحوش و بوی  
 از گرس که کودکان خورد سال را چنگال گرفته پرواز میکند  
 یافت میشود و این مملکت به بلیست و دو قطعه تقسیم میشود  
 و از امهات شهرهای آن زوریک و برن و لوسرن و جنیفه  
 است که صاحب بناهای عالی و فاخر و اهلس بر غبت در تحصیل  
 علوم و معارف مشهور و معروفند و از باب فلاحه زراعت  
 آنها کمال خیرت در این عمل دارند و در آن قاشهای حریر و پنبه  
 و کتان و آلات آهن ساخته میشود و بواسطه آنکه کمرک از آنها

مرفوع است تجارت آنها بسیا خوب و ربح و سود آنها بیشتر است  
 و نصفها لی آن پر و رستانیه و نصف دیگر لاتیینه است و  
 اما حکمران از نوع جمهوری است قسمی از این مملکت  
 اوستریا است و آن از جهت شمال به بافاریا و سا سکونیا و  
 پروسیا و روسیا و از شرق نیز بروسیا و مملدانیان و از  
 جنوب بولاخیا و سربیا و بلاد ترک و بجا دریا و نهر بو و از غرب  
 بسردینیا و بلاد سویس و بافاریا محدود و مساحت سطحش  
 ۲۵۱۰۰۰ میل مربع و اهلس ۵۰۰۰۰۰ نفر است  
 و کوههای کربات و آلیا از شرق بجز برفان ممتد است و دیگر  
 کوه اورتلو که ارتفاعش بمقدار ۱۲۱۵۰ قدم میرسد و کوه  
 دیگری که ارتفاعش ۱۲۷۷۵ قدم است و کوه البینا که  
 ارتفاعش ۱۱۵۰۰ قدم است در آن ممتد است و اعظم  
 نهرهای آن نهر درنو است که از ادا نیوب میگویند و دیگر نهر  
 الطونا است که در بحر اسود ریخته میشود و دیگر نهر البلت  
 که در بحر شمالی ریخته میشود و اعظم حیرات آن بحیره بلاتینون  
 است که طولش ۵۴ میل و عرضش ۱۰ میل است و دیگر  
 بحیره نیوسیدال است که طولش ۲۰ میل و عرضش ۶ میل  
 است اما هوای این مملکت مختلف است چنانچه در جهات  
 شرقیه معتدل و در ناحیه غربیه سرد و در بقاع نهر الطونا  
 گرم است و اما خاک آن خوب و بعضی از آن قابل زرع و بعضی  
 مرتع مواشی است و از معادن طلا و نقره و مس و آهن و قلع  
 زغال سنگ و نمک در آن یافت میشود و از چشمه های معدنی







و اینها اعظم نهرهای اسپانیا هستند و چشمه‌های معدن آن  
 بمقدار ۱۲۰۰ میرسد و اما هوای آن معتدل و مقوی بدن و  
 خاکش خوب بسیاری از معدن در آن یافت میشود و اسب  
 خر و گاو و کوسفند و بز آن به نهایت خوب و بسیاری از فنون  
 لغویه در نزد اهالی آن یافت میشود و حکم آن از نوع ملکی  
 است و دخلش بمقدار ۵۰۰۰۰۰ لیره انگلیسیه و قرض  
 آن بمقدار ۲۰۰۰۰۰۰ لیره انگلیسیه میرسد و عسکر  
 آن مقدار ۲۰۰۰۰ نفر است و کشتیهای جنگی آن قابل ذکر  
 نیست و اما شهرهای این مملکت از جمله آنها قرطبه است و اهل  
 آن مقدار ۵۰۰۰۰ نفر است و دیگر اشبیلیه است و آن  
 از شهرهای معتبره بوده و دیگر طلیطله است که از شهرهای  
 مشهوره آن است و دیگر مادریداست و آن قصبه این مملکت  
 و شهری خوب صاحب بناهای عالی و کنائش و مدارس و قصرها و  
 کتابخانه است و اهلش مقدار ۱۷۰۰۰۰ نفر است و دیگر  
 بلیوس و قادس و ملاغه و مرسیه و بلنسیه و طرطوشه  
 و برشلونه و سلنکه و لیوس و قستلیون و سر قسطه است  
 و اما مملکت پرتوگال از جهت شمال و شرق بمملکت اسپانیا و از  
 جنوب غرب با و قیانوس اتلانیک محدود و مساحت سطح  
 آن ۳۰۰۰۰ میل مربع و اهلش مقدار ۳۰۰۰۰۰۰  
 نفس است و اعظم نهرهای آن نهر دور و نهر لودیان و نهر  
 تاغوس است و اما هوایش خوب و معتدل و موافق صحت است  
 است و حکم آن از نوع ملکی مقتداست و بلادش بد و از ده

قطعه تقسیم میشود و اعظم شهرهای آن لیسبون است و آن  
 شهر زیست خوب صاحب بناهای عالی و قصورش بهترین قصرها  
 اور و پیاوردان ۱۴۰ کنیسه و ۷ دیویک کتابخانه است  
 که بمقدار ۸۰۰۰ مجلد کتاب مشتمل است و اهلش مقدار  
 ۲۶۰۰۰۰ نفر است و دیگر شهر ایورتواست و اهل آن  
 مقدار ۷۰۰۰۰ نفر است و تجارتش در لیمو و پرتقال و شراب است  
 و اهل این مملکت با وجود اینکه از اخنی آنها خوب و خصیصت  
 بفلاحهت و زراعت اعتنائی ندارند و کارخانه‌های آنها کم  
 است و بمذهب لاتینه اند و یک مدرسه کلیه در کومینا  
 دارند و مدارس عامه آنها کم است و در زمان قدیم املاک  
 خارجیّه آن وسیع بوده و لکن در این عصر مگر قلیلی در امریکا  
 و هند و جزائر آسیا باقی نمانده و اهالی آن از اصل اهل اسپانیا  
 هستند و در لغت و خلق و عادت با آنها شبیه اند و این مملکت  
 سابقا در تحت حکومت رومانیین بوده و در سنه ۱۱۳۹  
 استقلال یافت و در سال ۱۵ مشهور شد و املاک آن در  
 شرق و امریکا امتداد یافت و در سال ۱۶ مملکت عظیمی گردید  
 و در سنه ۱۵۷۸ بمملکت اسپانیا اضافه شد و پس از آن  
 در سنه ۱۶۴۰ استقلال یافت و لکن حریت و سطوت و  
 برتری و بحریه قبل را حاصل نکرد و قسم چهارم مملکت  
 ایتالیا است و آن از جهت شمال بفرانسا و سویسرا و اوستریا  
 محدود و از شرق بجزا دریا و از جنوب غرب بجز متوسط و  
 مساحت سطح آن ۱۲۰۰۰۰۰ میل مربع و اهلش مقدار ۰۰۰



۲۰۰۰۰ نفر است و کوههای آلیا و پینین و کوه کورنو که  
 ارتفاعش مقدار ۹۵۲۰ قدم است و کوه فیلینو که ارتفاع  
 آن مقدار ۸۱۸۳ قدم است در آن حتماست و اعظم  
 نهرهای آن نهر یواست که میان ایتالیا و اوستریا فاصله است  
 و دیگر نهر تیر است که در شهر رومیه جاری میگردد و از  
 جمله خلیجهای آن خلیج بندقی و خلیج تریسته است و از جمله  
 جزایران جزیره سیسیلیا و سر دینیا و کاسیکا است و نهر  
 های آن بسیار است و اعظم شهرها آن شهر رومیه است  
 که صاحب بناهای عالییه و قصرهای عظیمه است و کنیسه پتر  
 و پولس رسول در آن واقعست و آن بزرگترین کنائش عالم و  
 بهترین آنهاست مگر یا که رئیس کنیسه لاتینیه است  
 آنجاست و اهل آن مقدار ۱۷۰۰۰۰ نفر است و دیگر  
 شهر ناپولی است و اهل آن مقدار ۴۰۰۰۰۰ نفر است  
 و دیگر شهر یالیرمو است و اهل آن مقدار ۲۰۰۰۰۰ نفر  
 است و دیگر شهر یولونیا است و اهل آن مقدار ۸۰۰۰۰  
 نفر است و دیگر شهر یادواست و اهل آن مقدار ۵۰۰۰۰  
 نفر است و بواسطه فقدان حریت در این مملکت اکثر  
 اهالی آن بحالت جهل و عبادت مشاهده میشوند و بمذهب  
 لاتینیه اند و در آن بناهای فاخره جمیله یافت میشود که بشد  
 آنها در عالم نیست و اکثر اهالی آن کندم کون و چشمهای آنها  
 درخشنده و مویشان سیاه و زنان آنها خوش صورت اند  
 و این مملکت بچند قسم منقسم است و احکام مختلفه در آنها

جاری و از جمله آنها سردینیا است که آنرا سارود میگویند و  
 در شمال مملکت است و مساحتش مقدار ۱۹۱۲۵ میل مربع  
 و از جمله شهرهای آن جنوا و نیکا و تورین است و دیگر لومباردیا  
 است و از جمله شهرهای آن میلانو و فیرونا و فیلیس است و دیگر  
 بارماست و قصبه آن شهر بارماست و دیگر مودینا است و  
 قصبه آن شهر مودینا است و دیگر توسکانیا است و قصبه  
 آن شهر فیورنسا است و دیگر ناپولی است و قصبه آن شهر  
 ناپولی است قسم پانزدهم مملکت عثمانیه است و در او  
 و آن از جهت شمال با و ستریا و روسیا و از شرق بحر اسود و بحر  
 مرمره و بونغاز در دندیل و بونغاز قسطنطنیه و از جنوب بلاد  
 روم و از غرب بحر روم و اوستریا محدود و مساحت سطح آن  
 ۱۴۰۰۰۰۰ میل مربع و اهلیش مقدار ۹۵۰۰۰۰۰ نفر است  
 است و کوههای بلقان آنرا حرق میکنند و ارتفاع رؤس آنها به  
 مقدار ۱۰۰۰۰ قدم میرسد و از جمله نهرهای آن نهرهای آن است  
 که از کوههای بلقان بیرون میآید و در بحر جزایر روم ریخته  
 میشود و طول آن ۲۵۰ میل است و دیگر نهر دینیواست  
 که در بحر ادریا ریخته میشود و دیگر نهر وردار است که آن  
 کوهها بلقان بیرون میآید و در بحر سالونیکیه ریخته می  
 شود و طول آن مقدار ۲۰۰ میل است و دیگر نهر مالاست  
 که از کوهها بلقان بیرون میآید و در بحر جزایر روم ریخته  
 میشود و اما هوای آن بهتر از هوای بقیه بلاد او رویاست  
 اراضی و وباها نیکه در آن حادث میشود نه بواسطه بدی



کثافت هواست بلکه بواسطه عدم اعتناء اهالی آن بنظافت  
 ابدان و بیوت و بازارهایشان است و زمین این مملکت خوب  
 و در آن پنبه و پرتقال و انار و انگور و انجیر و بادام و زیتون و  
 اشجار برتیه مثل بلوط و صنوبر و صمصاف و غیره روئیده می  
 شود و از جمله معدنهای آن آهن و مس و قلع و کبریت و رخام  
 است و از امتهات شهرها آن قسطنطنیه است که مشهور  
 باسلامبول است و قسطنطین ملک سنه ۳۰۳ م آنرا بنا  
 کرد و در آن ۳۰۰ م خام و ۴۰۰ م جامع است و اهلیش مقدار  
 ۶۰۰۰۰۰ نفوس است و دیگر شهر ادریانوبلی است که در  
 شهرهای این مملکت است و مقام قدما سلاطین بوده و تجارت  
 آن وسیع و صاحب بناهای عالییه و قصور قدیمه و جامعههای  
 خوب اهلیش مقدار ۱۰۰۰۰۰ نفوس است و دیگر شهر ک  
 فیلیبولی است که بواسطه تجارتش مشهور است و اهلیان  
 مقدار ۳۰۰۰۰۰ نفوس است و دیگر شهر عالیبولی است  
 اهلیان مقدار ۱۰۰۰۰۰ نفوس است و دیگر شهر سالونیکیه  
 است که محل تجارت و بعل امتشه و پوست مشهور و اهلیش  
 مقدار ۷۰۰۰۰۰ نفوس است و در نزدیکی آن کوه اتوس است  
 که آنرا کوه مقدس میخوانند و در آن ۲۲ دیر و ۵۰۰ کنیه  
 و یک مغاره است و اهلیان مملکت با اینکه اراضی آنها خوب  
 قابل انواع زراعت است عمل فلاحت آنها خوب نیست و تجارت  
 چندان التفاتی ندارند بلکه اکثر تجارت در دست روم و  
 ارمن و غریباست و کارخانههای آنها قابل ذکر نیست و علوا

در نزد آنها کمتر یافت میشود و لکن چند سال میشود که شروع  
 با قامه مدارس در قسطنطنیه کرده اند و در تحصیل علوم  
 جد و جهد مینمایند و اما دیانت تراث اسلام است و لکن  
 میان آنها روم و ارمن و لاتینیه و یهود و پروتستانییه نیز  
 یافت میشود و حریت و آزادی از برای جمیع مذاهب حاصل  
 است و حکمران از نوع ملکی مطلق است و اکثر اهالی آن حردمان  
 کبریا و امین و در این عصر شروع بتحصیل معارف و تمدن و  
 تربیت کرده اند قسمی نشانها هم جزا و روبا است که بعضی  
 از آنها در بحر ثلج شمالی بعضی در او قیا نوس اتلانیک و بعضی  
 در بحر متوسط و اقیانوس و از جمله آنها جزایر سیسیلی است که  
 ثلج شمالی که میان ۷۶ و ۸۰ عرض شمالی و ۹ و ۲۴ طول  
 شرقی و بزرگترین این جزا طولش بمقدار ۳۰۰ میل میرسد  
 و در آنها کوههایی است که ارتفاع بعضی از آنها بمقدار ۴۵۰۰  
 قدم میرسد و اینها تابع مملکت مسکوب است و دیگر جزیره  
 ایسلند است که طولش مقدار ۲۸۰ میل و عرضش مقدار  
 ۲۱۰ میل و مساحتش مقدار ۳۰۰۵۰۰ میل مربع و اهلیش  
 مقدار ۵۰۰۰۰۰ نفوس است و این جزیره تابع مملکت دانمارک  
 است و در آن کوههایی است که ارتفاع بعضی از آنها بمقدار  
 ۶۰۰۰ قدم میرسد و چشمهها آن بسیار است و آب بعضی از  
 آنها بد رحه غلیان میرسد و از جمله حیوانات آن روباه و خرگوش  
 سفید و کوساله دریائی و امثال اینها است و اکثر نباتات  
 ماکوله شمالیه در آن یافت میشود و از کنارهها آن بسیار میانی





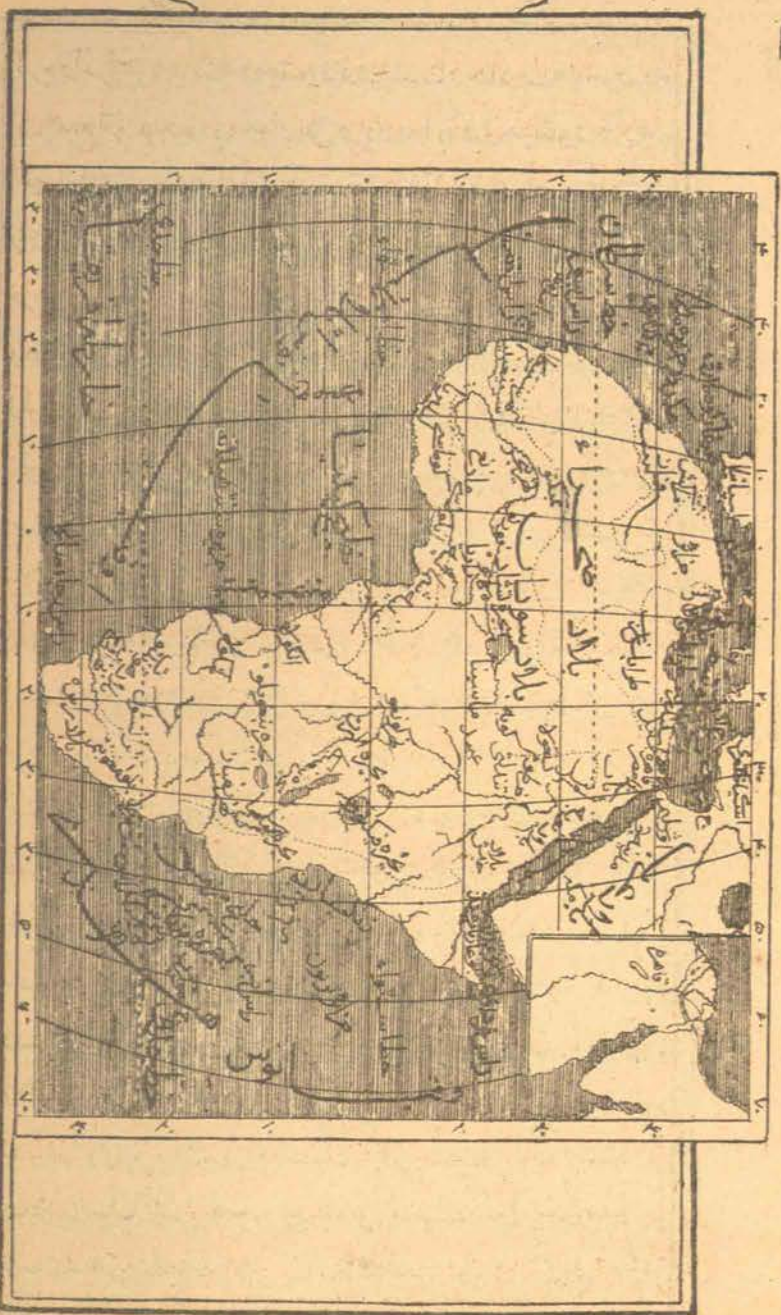


ریخته میشود و طولش مقدار ۱۰۰ میل است و دیگر فزونی  
 است که از کوهها تیکه در جنوبی صحرا کبیر است بیرون میاید  
 و چند شعبه میشود و اعظم آنها در اوقیانوس اتلانٹیک  
 داخل میگردد و طول آن مقدار ۱۴۴۰ میل جغرافی است  
 و دیگر فزاونیا است که مصبش در ۲۹ عرض جنوبی است  
 و دیگر فز کویلیمان است که در اوقیانوس هندی ریخته  
 میشود و اما بحیرات افریقا از جمله آنها بحیره تشاد است که در  
 اواسط اینقاره در ۱۳ عرض شمالی واقعست و چند فز از جنوب  
 و غرب اخلان میگردد و در آن ماهی بسیاری یافت میشود و  
 در اطراف آن راضی خضیب خوبی است و دیگر بحیره بواسط  
 در نزدیکی تنبکتو و بحیره قارون در مصر و بحیره دنبیه در بلاد  
 حبش و اما هوای افریقا بواسطه واقعشدن در اقلیم  
 استوائیه و کثرت صحراهایش گرم و خشک است و در بعضی  
 از جایهای آن باد سهموم میوزد و بواسطه قلت آب و کثرت یک  
 در صحراهای آن سفر کردن در آنها صعب است و از حیوانات  
 برقیه و درندگان شیر و پلنگ و یوز و کفتار و کرکدن و فیل  
 و شتر و زرافه و اسبانی و خر و فھنک و ۴۲ صنف از  
 طیور و اقسام بسیاری از ما در آن یافت میشود و از جمله  
 معادن آن طلا و آهن و مس و زینق و نمک و زغال سنگ است  
 و اما اهل آن سودان و برابره است اما سودان در تمام اماکن  
 آن یافت میشود و اما برابره در جهت شمالیه ساکنند و درین  
 آنها اسلام است و سودان بمذاهب مختلفه از بت پرستی

و در آن بمقدار ۱۵۰ لغت تکلم میشود و بواسطه عدم تعیین  
 حدود ولایات و عمالک و قلت معرفت بانها باعتبار وضع انرا  
 بصفت قسم تقسیم میکنیم قسم اول بلاد نیلیه است که مشتمل  
 بمصر و نوبه و حبش و بعضی ولایات کوچک است قسم دوم بلاد  
 مغرب است که مشتمل بصحرا کبیر و برقه و قران و تونس و طرابلس  
 و جزائر و مراکش و توابع آنها است سیم افریقای شرقی است که  
 مشتمل بزنگبار و جز مبق و صوفالا و غیر اینهاست چهارم  
 افریقای وسطی است که مشتمل ببلاد سودان است پنجم  
 افریقای غربی است که مشتمل بسنیکا مبیه و کوبینه است  
 ششم افریقای جنوبی است که مشتمل ببلاد راس و بلاد کفره  
 است هفتم جزائر است قسم اول بلاد نیلیه است و از  
 جمله آنها بلاد مصر است که از جهت شمال بحر متوسط و از شرق  
 بحر احمر و از جنوب بلاد نوبه و از غرب بحیرا کبیر و بلاد برقه  
 محدود است و میانہ ۴۰ ۳۰ و ۱۲ ۳۱ عرض شمالی و ۳۰  
 و ۳۴ طول شرقی واقعست پس معظم عرض آنها ۴۶  
 میل و معظم طول آنها ۲۳۰ میل جغرافی است و مساحت آنها  
 مقدار ۸۰۰۰۰۰ میل مربع و اهل آنها مقدار ۲۰۰۰۰۰۰  
 نفس است اما فز نیل مخربش بتحقیق معلوم نیست و چند  
 از بلاد حبش در آن ریخته میشود و آب آن قابل اشامیدن  
 نیست و انواع ماهی و فھنک بسیاری در آن یافت میشود و  
 اما هوای این قلم با اختلاف فصول مختلف میگردد چنانچه  
 از ماه کانون تا اذار سرد و از ماه اذار تا وقت فیضان نیل بسیار



## خارته افریقا



## در قاره افریقا

کرم و اراض و بائیه و چشم درد بسیار حادث میشود و در  
 ان جمیع انواع حبوب و جوارش و بزرهایاقت میشود و از جمله  
 اشجار ان سیب و کلابی و شفتالو و لیمو و عناب و نارنج و  
 زردالو و انار و موز و تمر هندی و حناء و خیارشیر و  
 خرما و غیر اینهاست و مواشیش ان گماست و لکن شتر است  
 و غزان بسیار است و حیوانات بریه اش نیز قلیل است  
 لکن کفتار و اهو و اسبانی و شغال و هذک در ان یافت می  
 شود و از طیور اهلیه و بریه انواع بسیاری در ان موجود  
 است و از جمله معادن ان رخام و یشم و نظرون و نمک یافت  
 و لا جورد و غیر اینهاست و اهل ان قبطی و عرب و ترک است  
 اما شهرها مصر و اماکن مشهوره اش از جمله انها اسکندریه  
 است که در زمان قدیم باعتبار تجارت و علوم و فنون مشهور  
 ترین شهرها عالم بوده و در ان کتابخانه عظیمی بود که در اول  
 استیلاء مسلمانین سوخته شد و در ان وقت قصبه بلاد  
 مصر بود و اهالی ان از آب چاهها بیکه از آب نیل پر میکنند  
 اشامند و دیگر شهر رشید است که میان ان و اسکندریه  
 مقدار ۴۰ میل و میان ان و دریا مقدار ۴ میل است  
 و در نزدیکی ان بوستانهای بسیاری است که درخت خرما  
 و لیمو و موز و حناء و غیر اینها در انها غرس شده و اهلیش  
 مقدار ۱۰۰۰۰ نفس است و دیگر شهر میاط است و  
 اهل ان مقدار ۴۰۰۰۰ نفس است و دیگر شهر منوف  
 است و اهل ان مقدار ۵۰۰۰۰ نفس است و اکثر انها بخترا



حصیر اشتغال دارند و از جمله قریه های این ناحیه برنبال و  
رحمانیه و دمخور و طرانه و وردان و غیر اینهاست اما شهر  
قاهره قصبه این ولایت است و جوامع و مساجد آن بسیار  
است و مشهورترین جوامع آن جامع ازهر است که اکثران  
علوم موجوده در لغت عربیه در آنجا درس داده میشود و  
دیگر شهر فیوم است و آن بلده ایست خضیدک اهلش مقدار  
۵۹۰۰۰ نفس است و شیخ فیومی صاحب کتاب مشهور در  
لغت عربیه منسوب بآنست و بعضی از اقمشه و کلاب زیت  
و شراب در آن ساخته میشود و لکن شرابش خوب نیست و  
از برای آن ترعه از نیل است که آنرا خلیج یوسف میگویند و  
نزدیکی آن برکه قارون است که طولش مقدار ۳۰ میل و  
عرضش مقدار ۶ میل است اما صعید که آنرا مصر عالی می  
گویند از جمله شهرهایش اسیوط است که شیخ جلال الدین  
اسیوطی صاحب مصنفات کثیره در جمیع فنون منسوب بآن  
است و اهلش مقدار ۱۵۰۰۰ نفس است و جمع قوافل  
نوبه و بلاد سودان است و ایون نواحی آن خوب است و دیگر  
از بلاد نیلیه بلاد نوبه و حبش است اما بلاد نوبه از  
جهت شمال بمصر و از شرق بحجر احمر و از جنوب ببلاد حبش و  
از غرب ببلاد سودان محدود و بعضی ذکر کرده اند که دیار  
عیسویه در سال هفتم داخل آن شد و اهالی آن از اصول  
مختلفه و هیئات متنوعه و طبقات متفرقه که بعضی از آنها برتر  
و بعضی متفرع از لغت عربیه است حکم میکنند و اراضی آن

خورده خورده از حدود مصر بناحیه جنوب مرتفع میشود و  
اما هوای نوبه گرم و امراض مسریه در آن حادث نمیشود مگر  
طاعون در بعض اوقات و ابتداء فصل باران در جهات جنوبیه  
در ماه حزیران است و در وادی نیل گرمی است و در وادی  
جمله حیوانات این جهات اسب کاه و کوسفند و بز و شتر  
و قیل و زرافه و اهو و کفتار و اسبابی است و از جمله طیور  
انها کرکس و کلاغ و انواع طیورابی است و از جمله اشجار و نباتات  
انها ابوس و کز و سنا و پنبه و تن و تری و انواع حبوبات  
و بصناعت تجارت انها طلا و عاج و مشک و ابوس و قهوه و  
تمر و عسل و حبوبات است و اما اهل نوبه مقدار ۵۰۰۰۰۰  
نفس و مساحتش مقدار ۱۷۰۰۰۰۰ میل مربع است اما  
شهرهای آن از جمله انها در است اهلش مقدار ۳۰۰۰۰ نفس  
است و دیگر ستار است و اهلش مقدار ۱۰۰۰۰۰ نفس است  
و دیگر دنکله قدیم است که بالکلیه خراب شد و دیگر دنکله  
جدید است در جانب یسائیل و اما بلاد حبش از جهت شمال  
بستار و از شرق بحجر احمر و خلیج عدن و از جنوب باراضی حبشه  
که شعبه هائی از کوههای قمر در انها منشعب است و از غرب  
ببلاد شاولک محدود و این مملکت در زمان قدیم صاحب  
شوکت و اقتدار بوده و دین عیسوی در سال ۴ داخل آن  
گردید و مقدار ۷۰ سال بلاد یمن را مالک شد و ندانند که  
سیف بن ذی یزن آنها را بیرون کرد و لکن حال مملکت انها ضعیف  
و خراب است و حکم انها از نوع ملکی مطلق است و کوهها



این بلاد بسیار است و از جمله آنها سلسله ایست که بر  
محاذات شط بحر احمر متداست و طول آن مقدار ۳۰ میل است  
و از جمله نهرهای آنها نیل ازرق است که از بحر ازرق میگویند  
و نیل ابیض در ۱۰ عرض شمالی بان میرسد و نهرهای بسیار  
از کوهها آنها سر اشیب میشود که مجال ذکر آنها در این مختصر  
نیست و این بلاد با وجود اینکه در منطقه حاره واقعست  
که های آنها شدت ندارد مگر در کناره ها بحر احمر و فصل باران  
از زمان نیسایش شروع میشود و خاک آنها خوب و خوب میوهها  
مثل انگور و لیمو و نارنج و غیر اینها بخوبی بثمر میرسد و از جمله  
حیوانات آنها اسب کاک و وکامیش و کوسفند و نیل شیر  
و پلنگ و کفتار و کرکدن و یوز و زرافه و هفتک و اسب آبی  
است و طیور و دبا باتها مثل کتر اقالیم استوائیه است  
و معادن آنها سوای نمک که است و اهالی آنها در هیئت بحر  
شبا هت دارند و در لغت شای بسیاری از الفاظ عربیه  
استعمال میکنند و باعتبار اصل و دیانت باقسام مختلفه  
منقسم اند و اما شهرها این مملکت از جمله آنها تیغری است  
و اهلیش مقدار ۱۰۰۰ نفر است و دیگر ایتالواست که  
پای تخت این مملکت است و اهلیان مقدار ۱۰۰۰ نفر است  
و دیگر غندار است در ۱۲ ۳ ۵ عرض شمالی و ۳ ۳ ۳  
طول شرقی و اهلیان مقدار ۱۰۰۰۰ خانه است و اما مملکت  
عادل که از بلاد زیلع میگویند اهلیش از جلش بر برودین  
انها اسلام و تجارتشان در بنده کان و طلا و نقره و عاج

زیت و عسل و نوعی از فلفل است و اعظم شهرهای آن زیلع و  
بربره است و این بلاد سابقاً تابع جلش بود و در سنه  
۱۵۳۵ در تحت حمایت ولت عثمانیه داخل گردید و اما  
مملکت اجان میانه عادل و زنگبار واقعست و اهلیش بعضی  
عرب بعضی سودان است و اما مملکت دارفور میانه ۱۱ و  
۱۶ عرض شمالی است و طولش مقدار ۳۴ ۴ ۵ میل و عرض  
مقدار ۲۳ ۰ میل است و از آب باران سیراب میشود و  
بیشتر اعتناء اهالی آن بفلاحت و زراعت است و بواسطه  
قوافل با مصر تجارت میکنند و بضاعت تجارت آنها بنده کان  
و عاج و پوست کرکدن و اسب آبی است و دین غالب راجح  
اسلام است و اهلیش مقدار ۲۰۰۰۰۰ نفر است و نصیب  
آن شهر قنه است در ۱۴ ۱۱ عرض شمالی و ۲۱ ۱ طول  
شرقی و اهلیان مقدار ۶۰۰۰ نفر است قسم در قی  
بلاد مغرب است و آن از جهت شمال باوقیانوس تلتیک  
و بوغاز کوه طارق و بحر متوسط و از شرق ببلاد مصر و بحر متوسط  
و از جنوب بحیر و کبیر و از غرب باوقیانوس محدود و معظم طول  
آن از شرق بجزب مقدار ۲۶۰۰ میل و عرضش در بعضی از  
جایها ۵۵ ۵ میل و در بعضی دیگر ۱۴۰ میل است و اما  
قدیم بلاد بربره نامیده میشود و هفت قسم منقسم است  
بر قرقیزان و تونس و طرابلس و جزائر و مراکش و فاس اما  
برقه از جمله شهرهای آن برقه و ابن غازی و در تادجی است  
و اما بلاد طرابلس حاصله های آنها بسیار است و مویشی آنها



خوب درخت خرما در آن بمقدار صد قدم نمو میکند و تمرش  
مشهور است و در آنجا درخت سدر بسیار است در کنار  
های دریای طایافت میشود و با مالطه و بلاد یونان و جزائر  
انها تجارت بسیاری دارد و بواسطه قوافل بافران و واغذا مسر  
و بلاد صحراء تجارت میکنند و با نخا اقمشه و اسلحه میفروشند  
و بعضی بنده کان و عاج و طلا و غیر اینها میآورند و از جمله  
شهرهای آن طرابلس است و اهل آن مقدار ۲۰۰۰۰۰ نفس  
است و دیگر شهر لیبیا است که حال قابل ذکر نیست و دیگر  
شهر مسوراته است و اهل آن مقدار ۴۰۰۰۰۰ نفس است  
و اما بلاد فران از جهت شمال بطرابلس و از شرق بوادی برقه  
و از جنوب غرب بصره کبیر محدود و معظم عرض آن از شمال  
بجنوب مقدار ۲۵۵ میل و معظم طولش از شرق بغرب مقدار  
۲۰۰ میل است و در شمالی آن سه سلسله کوه است که آنها را  
جبال سود میگویند و علوا آنها بمقدار ۵۰۰ قدم میرسد  
و طولشان از شمال بجنوب مقدار ۱۰۰ میل است و اما هوای  
فران گرم و باران در آن کم میبارد و بیشتر اعتماد اهالی آن  
بدرخت خرماست و لیمو و نار و انجیر نیز یافت میشود و از  
جمله حیوانات آن هو و پلنگ و کفتار است و اهالی این بلاد  
بنا بر قول بعضی ۷۵۰۰۰۰ نفس و بحسب آنچه دیگران گفته  
اند مقدار ۱۵۰۰۰۰۰ نفس است و از جمله شهرهای آنها  
سقا است و اهل آن مقدار ۲۰۰۰۰۰۰ نفس است و در نزدیکی  
آن مقدار ۲۰۰۰۰۰۰ درخت خرماست که خرماهای آنها دارد

بازار طرابلس میفروشند اما بلاد تونس از شمال بجز متوسط و  
از شرق بجز مذکور و طرابلس و از جنوب ببلاد بعض قبائل  
متبذیه و از غرب ببلاد جزائر محدود و مساحت آنها مقدار  
۷۰۰۰۰۰ میل مربع است و از جمله حاصله های آنها حبوب و  
انواع میوه ها و صابون و پشم و اسفنج است و حکم این مملکت  
از نوع مملکی مطلق است و در زمان سابق تابع مملکت عثمانیه  
بوده و الان بنفسه مستقل است و از جمله شهرهای آن  
تونس است و اهل آن مقدار ۱۳۰۰۰۰۰ نفس است و دیگر  
شهر قیروان است که در صد ساله بنا شده و در نزدیکی  
آن شهر رقاده است که اول خلفاء فاطمیین که معروف بمهدی  
بود در آن اقامت داشت و دیگر شهر صفاقس است و اهل  
آن مقدار ۶۰۰۰۰۰ نفس است اما بلاد جزائر از جهت شمال  
بجز متوسط و از شرق بتونس و از جنوب بجزیره کبیر و از غرب  
بمراکش محدود و میان آن ۸۳۰ طول شرقی و ۱۳۰ طول  
غربی واقع و طولش مقدار ۶۰۰ میل و عرضش میان ۳۰  
و ۱۰۰ میل است و سابقا تابع مملکت عثمانیه بوده و پیشتر  
آن در سنه ۱۵۸۵ استقلال یافت و بعدا کثرتها در  
تحت حکومت فرسنا و یه داخل گردید و در آنها چند هزار  
کارا کوهها اطلس بیرون میاید و در بحر متوسط ریخته می  
شود و اعظم آنها نهر سلف است و اما هوای این بلاد خوب جمع  
حاصله های اقالیم حاره در آنها یافت میشود و اهل آنها به  
مقدار ۲۵۰۰۰۰۰۰ نفس میرسد و از جمله شهرهای آنها



مستغانه و قسطنطنیه و تلسان است و اما بلاد حرکتش  
 از جهت شمال باوقیانوس تلانیک و بوغاز کوه طارق و  
 متوسط و از شرق بمقاطعه تلسان و از جنوب بحیراء کبیر  
 از غرب نیز باوقیانوس محدود و مساحت آنها مقدار ۴۲  
 ۳۰۱۵ میل مربع است و بچهار قسم تقسیم میشوند اول  
 فاس در جهت شمال دوم حرکت در جهات متوسطه سیم  
 سوس در جهت جنوب چهارم طفیله در جنوب شرقی و  
 کوههای آنها از شعبه های جبال اطلس است و از جمله آنها  
 کوه درن و غاره و مدیونه و لیس و نیشیش است و از جمله  
 نهرهای آنها نهر سوس و ملویه و قلقل است و اما هوای این  
 بلاد خوب معتدل و لطیف خاک آنها مرغوب حاصله های آنها  
 مثل دیامبر و سایر بلاد مغرب است از جمله صنوعات آنها  
 اقمشه حریر و صوف و فرش است و اهالی آنها مقدار ۱۰۰  
 ۱۵۰۰ نفس است و از جمله شهرهای آنها حرکتش است که  
 بعضی گفته اند که یوسف بن تاشفین از اینا کرده و دیگر شهر  
 مغادر است و آن بندر عظیمی است که در سنه ۱۷۶۰  
 بنا شده و دیگر شهر فاس است و اهالی آن مقدار ۳۰۰۰  
 نفس است و دیگر مکناسه و طنجه است که مقر قونسوهای  
 دول خارجه است اما مقاطعه طفیله قصبه آن شهر طفیله  
 است که بمسافت ۲۰ مایل از حرکتش واقع است و اما بلاد  
 صحراء از جهت شمال ببلاد مغرب و از شرق بمصر و یونیه و از  
 جنوب ببلاد سودان و از غرب باوقیانوس تلانیک محدود

و در آن شیر و پلنگ واقعی بسیار است و اهالی آن قبائل  
 متوحشه است و اما اجزاء شرقیه و وسطی از این قاره چنانچه  
 باید و شاید معلوم نیست و از جمله آنها ننگار است که قریبا  
 ۳ عرض شمالی و ۱۰ عرض جنوبی واقع است و دیگر مکنز است  
 که از نوموتیا نیز میگویند و اهلیش سودان است و از جمله  
 بندرهای آن صوفال است و دیگر جز مبیق است در عرض  
 جنوبی ۲۵ و طول شرقی ۴۰ و اکثر تجارتان در کنیز و  
 غلام است و دیگر دنگوا است که طلا و عاج در آن یافتی  
 شود و در داخل این بلاد اکثر حاصله های قایلیم حاره و حیوانات  
 آنها یافت میشود و اهالی آنها مردمانی وحشی و جاهل است  
 اما آفریقای وسطی که عبارت از بلاد سودان است از جهت شمال  
 بحیراء کبیر و از غرب بسینیکبیه و کینه محدود و بقیه حدود  
 آن غیر معروف است در منطقه حاره در دو جانب خط استوا  
 واقع است پس هوا حاصل و حیوانات آن مثل سایر اقالیم است  
 است و جانب بزرگی از آن غیر معلوم است چه کسی از اهل  
 سیاحت داخل آن نشده و اما اجزائی که داخل آن شده اند به  
 چند ولایت و مملکت تقسیم میشود که از جمله آنها بخرمی و  
 برغو و برنوا است و آن مملکتی است صاحب شوکت و اقتدار  
 و اهالی آن مسلمان و بجز شاد در ۱۴۲۰ عرض شمالی در آن  
 واقع است و طول این بجزه مقدار ۲۰۰ میل و عرضش مقدار  
 ۵۰ میل است و اما اهالی آن مقدار ۱۰۰۰۰۰۰ نفس  
 است و بلخت عربیه تکلم میکنند و با مصر و مغرب و یونیه



در طلا و عاج و اسب کینز و غلام و نمک و غیر اینها تجارت می  
کنند و از جمله اقنوم این نواحی بلاد مندره است در جنوبی  
و پای تخت آن در مکانی است که انرا موره میگویند و بمسافت  
۱۸۰ میل از کوکا واقعست و در ناحیه غربیه بر نوبت قومی  
وحشی و جاهل ساکن است که پرستش و نیایش بت میکنند  
و در غربی بلاد آنها بلاد فلاقه است که جمیع حبوب و انواع  
میوه های اقالیم استوائیه در آنها یافت میشود و اهالی آنها  
مسلمان و نماز شان را ببلغت عربیه میخوانند بدو اینکه  
معانی انرا ملتفت باشند و بوضو اعتنائی ندارند مگر در  
روز بوقت صبح یک مرتبه وضو میسازند و بسیاری از بلاد  
مجاوره آنها خاضع و خاشع و مقهور و جزیه با آنها میدهند  
اما بلاد کافوا حزیب و اهلش بسیار و قصبه آنها شهر کافوا  
در ۳۴۱ عرض شمالی و ۹۱۲ طول شرقی و اهلش قحط  
۳۰۰۰۰ نفر است و بیشتر آنها بنده اند و این شهر در  
این نواحی بزرگ کردن نقشه مشهور و معروف است اما  
شهر سکا تو قصبه بلاد فلاقه است و طولش ۱۲۶ شرقی  
و عرضش ۲۵۴ شمالی است اما شهر تمبکتوا از بلاد  
سودان محسوب و بسیاری از اهل بلاد مغرب بواسطه عمل  
تجارت در آن ساکنند و لکن غالباً پس از آنکه متمول و صاحب  
میشوند ببلاد خود معاودت میکنند و لغت عربیه در آنجا  
و ذائق است و لکن لغت اهالی اصلیه ان نیست و این شهر به  
شکل مثلث غیر قیاسی بنا شده و محیط ان مقدار ۳ میل است

و خانه هایش از خشت خام است و اهلش مقدار ۱۰۰۰۰  
نفس است و اراضی اطراف ان قابل زراعت نیست بلکه  
لوازم معیشت خود را از اماکن بعیده میاورند اما مملکت  
برغودر جنوب شرقی تمبکتواست و طولش مقدار ۳۰۰ حمله  
و عرضش مقدار ۱۱ حمله است و بچهار قسم تقسیم میشود  
اول بصره و از جمله شهرهای ان بصره است در ۱۰۱  
عرض شمالی و ۱۱۶ طول شرقی و اهالی ان بادهاش مقدار  
۱۲۰۰۰ نفر است در قیم کیاما و از جمله شهرها ان کیاما  
در ۳۳۷ عرض شمالی و ۹۵۵ طول شرقی  
و اهالی ان مقدار ۳۰۰۰۰ نفر است تیم و اما در ۴۵  
عرض شمالی و ۵۵۵ طول شرقی و اهالی ان مقدار  
۱۸۰۰۰ نفر است چهار مرتبگی و اهالی این مملکت جمیعاً  
پرستش و ستایش بت میکنند و اما مملکت یورینا در جنوب  
برغودر واقعست و اهلش نوعی از سودان و صاحب سلامت  
و دیانت بت پرستی است و حکم ان از نوع ملکی مطلق است  
و از جمله شهرهای ان کاتونکا است در ۹۵ عرض شمالی و  
۱۲۶ طول شرقی و اما مملکت بمباره در جنوب غربی تمبکتوا  
و طولش مقدار ۵۰ فرسخ و عرضش مقدار ۱۰۰ فرسخ  
است و هر جلیبا انرا خرق میکنند و اکثر اهالی ان سودان  
و جماعتی از اهل بلاد مغرب نیز در میان آنها ساکن و از جمله  
شهرهای ان سیکواست و اهل ان مقدار ۱۰۰۰۰ نفر  
است و اما افریقای غربی بولایات متفرقه تقسیم میشود که



از جمله آنها سنیکبیه است که بواسطه گذشتن نهر سنیکال  
و نهر کبیه در آن باین اسم نامیده شده و حد و دان از جهت  
شمال صحراء کبیر و از شرق بلاد سودان و از جنوب کینیه علیا  
و از غرب و قیافوس اتلانیک است و آن نیز بچند قسم تقسیم  
میشود که جمیع آنها در میان ۹ و ۱۰ عرض شمالی واقعست  
و اکثر اراضی آنها پست و جنگل و بیشه آنها بسیار و درخت  
غرم و نار جیل و نمر هندی و مورز و انجیر و لیمو و پرتقال آنها  
زیاد و معاد و درختان مودیه و حیوانات و طیور مألوفه آنها  
بسیار و هوای آنها گرم و باران از ماه حنیران تا نشین در ویم  
مبارد و در تمام سال نمر و رطوبت باقی است و از جمله نهرها  
این ولایت سنیکال و کبیه است که ذکر شد و چند نهر در  
انهار ریخته میشود و اما اهالی این بلاد بعضی از جنس سودا  
و برخی مسلمان و بعضی بت پرست و عدد آنها بمقدار ۷۰۰۰  
۱۰۰۰۰ نفر میرسد و آنها قبائل و طوائف بسیار میهند  
که بعضی با بعض دیگر محاربه و منازعه میکنند و نهب غارت  
و اسیری میان آنها نسبتا اتفاق میافتد و از جمله امتسام  
افریقای غرب کینیه است و آن اجزای است که میان ۷ و ۱۰  
عرض جنوبی و مقدار ۱۰ عرض شمالی واقعست و اراضی آن  
خوب و حاصل و حیواناتش مثل سایر اقالیم استوائیه است  
و اهالی آن سودان و عدد آنها مقدار ۷۰۰۰۰۰ نفر  
است و این بلاد بدو قسم تقسیم میشود کینیه علیا و کینیه  
سفلی اما علیا از جهت شمال بسنیکبیه و بلاد سودان و از

شرق با جزاء مجهوله و از جنوب شرقی کینیه سفلی و از جنوب  
غرب ببحر محیط محدود و چند نهر از آن میگذرد که از جمله آنها  
نهر زوگل و نهر شربر و نهر مسوراد و غیر اینهاست و مشهور  
ترین اقسام این نواحی مملکت بنین و مملکت دهموی و مملکت  
اشنتی است و آن قوی ترین ممالک سودان است و اهلیش به  
مدن هب فلتنیه اند و از جمله شهرهای آن کوما سنی است که  
در ۵۰ ۴۰ ۳۰ عرض شمالی واقعست و اهلیش مقدار  
۱۰۰۰۰ نفر است و اما حدود کینیه سفلی از شرق و  
جنوب مجهول و از شمال کینیه علیا و از غرب و قیافوس اتلانیک  
است و بچند مملکت کوچک تقسیم میشود که مشهورترین  
انها کونکوا و انکولا و بنکویلا و لوانکواست و حاصل و حیوانات  
این بلاد مثل سایر اقالیم حاره است و اما افریقای جنوبی  
ببلاد رأس و بلاد هوتنوت و بلاد کفره تقسیم میشود و  
سلسله کوه این بلاد را خرق میکند و خاک وادها و بیابانها  
که میان این کوههاست خوب و نهرهای آنها بسیار و بعضی  
از بیابانهای آنها خالی از آب است و از جمله نهرهای این جهات  
نهر جیل و نهر فیل و نهر عریض و نهر سمک است و هوای آنها  
خوب و موافق صحت از جهت است و اما حیوانات بلاد رأس مثل  
سایر اقسام افریقا است و حاصلهای آنها خوب و کتان است  
اما قهوه و شکر کم است و از جمله معدنهای آنها طلا و قلع  
و آهن و نمک بارود است و درخت انکور آنها پر بار و انواع  
شرابهای خوب از آنها میسازند و درخت توت نیز یافت می



شود و الان بتربیت کرم ابریشم شروع کرده اند و اهالی بر بلاد  
 که خاضع و خاشع دولت نکر یزند مقدار ۱۰۰۰۰ نفر  
 است و اما هوتنوت اهالی اصلیه اند و الان در نواحی بلاد  
 رأس کمر یافت میشوند و بحالت جهالت و نادانی اند و در  
 انجا طائفه دیگری است که آنها را بضم ن میگویند و ایشان  
 مردمانی زشت صورت و کریه المنظر و بد خو هستند که  
 جامه های آنها از پوست گوسفند و بز است و اکثر اعتماد  
 بسرقت و درزدی و هلب و غارت است و از جمله شهرها مشهوره  
 این بلاد شهر رأس است و اهالی آن زاهل هولند و انکلند  
 سودان و هوتنوت مخلوط و مزوج است و عدد آنها مقدار  
 ۲۰۰۰۰ نفر است و این شهر محط کشتیهای است که میان  
 اروپا و هند جاری میشود و اما بلاد کفره از جهت شمال  
 میان جز بمبوق و جنوب میان بلاد رأس واقعست و اهالی  
 آنها در بعضی از صفات بسودانی شباهت دارند مثل چرخ  
 مؤ و ضخامت لب و طویل القامة و سیاه رنگ و کم حرکت و اکثر  
 اعتماد آنها بکواست و دین معلومی ندارند و از امور دینیه  
 سوای ختنه در میان آنها چیزی نیست و اما هوای این نواحی  
 در کناره ها دریا بد و در کوههای داخله که چند نفر از آنها  
 جاری میکرد و در اوقیانوس ریخته میشود خوب است  
 و در ریبا باهای آنها انواعی از جنس کُرک و فیل و حیوانی نصوب  
 است که در شاخ دارد یافت میشود و اهالی این قطار بقبا  
 بسیاری که حاجتی بکرا آنها نیست تقسیم میشوند و اما جزایر

افریقا

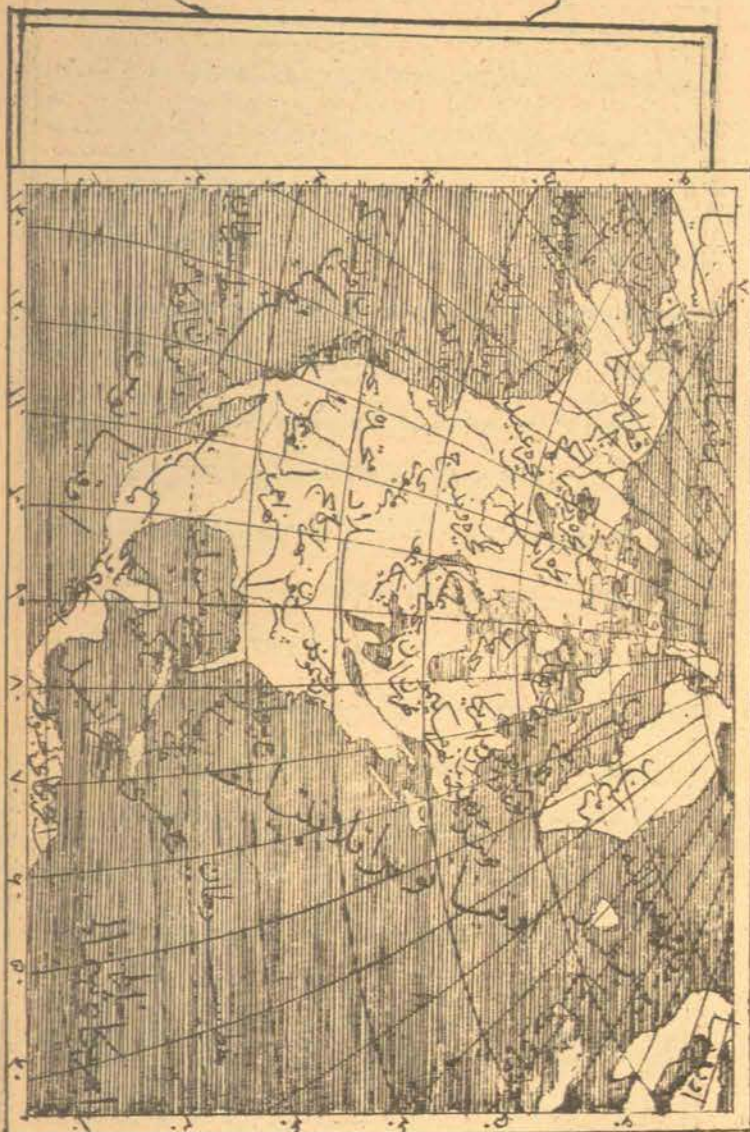
افریقا از جمله انها مدبر است که در ۳۲۳ عرض شمالی و  
 ۱۶۵ طول غربی واقعست و هوای آن خوب و شرابش معتدل  
 و مشهور است و دیگر جزیره برتوسانتواست که در عرض  
 شمالی ۳۲۵ و طول غربی ۱۶۲ واقعست و این جزیره  
 جزیره از مالاک پرتوگال است و دیگر جزایر خالداست  
 و ان هفت جزیره اصلیه است که مقدار ۳۰۰۰ نفر  
 در آن ساکن است و در اطراف آن چند جزیره کوچک است  
 جمیع آنها تابع اسپانیا است و دیگر جزیره تریف است که  
 کوه تریف که ارتفاعش مقدار ۱۲۰۰۰ قدم است در آن  
 ممتد است و دیگر جزایر رأس اخضر است که اصلش در جزیره  
 است و اعظم آنها جزیره سان باکواست که در ۱۴۵ عرض  
 شمالی و ۲۳۲ طول غربی واقعست و این جزایر خوب هوا  
 آنها لطیف و حاصلها ایشان بسیار و خاک آنها نیکو و تابع  
 مملکت پرتوگال است و در خلیج کینیه چند جزیره است که از  
 جمله آنها جزیره مارتوماست که طرف جنوبی آن در ۱۰ عرض شمالی  
 و ۱ طول شرقی واقعست و خاکش خوب و هوایش بد است و  
 دیگر جزیره برینس است که در ۳۶ عرض شمالی و ۶۴  
 طول شرقی واقعست و این جزیره تابع مملکت پرتوگال است  
 و دیگر جزیره فرناند و بو است که محاذی مملکت اسپین در  
 ۳۲ عرض شمالی و ۱ طول شرقی واقعست و این  
 جزیره خوب و جمیع حاصلهای اقالیم استوائیه در آن یافت  
 میشود و دیگر جزیره اسنشن است که در ۷۵۷ عرض



جنوبی و ۹۵ ۱۳ طول غربی واقعست و محیط کشتیهای آن است  
 که میانہ اوروپا و هند جاری میشود و دیگر جزیره سنت هیلنا  
 است که در ۵۵ ۵۵ عرض جنوبی و ۴۹ ۵۴ طول غربی است  
 محیط آن مقدار ۲۱ میل است و میانہ راس رجاء صالح و  
 شطوط برازیل سه سلسله جزیره غیر مسکونه است که  
 اعظم آنها ترستان کوههاست که محیطش مقدار ۱۲ میل و  
 خنزیر بزرگ و بز کوهی و بسیاری از پرندہ کان دریائی در  
 آن یافت میشود اما جزیره مدکاسکر میانہ ۱۲ و ۲۵ عرض  
 جنوبی و ۴۴ و ۵۵ طول شرقی واقعست و طولش مقدار  
 ۱۴۰ میل جغرافیا و معدل عرضش مقدار ۲۲۰ میل است  
 و در آن سلسله کوهها نیست که از شمال جنوب حمتداست  
 و نهرهای بسیاری از آنها سر اشیب میشود و از جمله اصلها  
 آن نیشکر و نار جیل و مور و تن و قافل و کرباب و کتان و  
 بعضی از عقاقیر است و اسب و فیل و شیر و پلنگ در آن  
 یافت نمیشود و لکن کاو و کاکا و میش و کوسفندان بسیار  
 و حکمش از نوع ملکی مطلق است و اکثر اهل آن پرستش بت  
 میکنند و عدد آنها مقدار ۵۰۰۰۰۰۰ نفر است و  
 کتابت آنها بحرف عربی است و در خلیجی که میانہ این جزیره و  
 برازیل است چند جزیره کوچک واقعست که اعظم آنها  
 جزیره کوموراس و جزیره هنگوان است و در این جزایر جمیع  
 حاصلهای اقالم حازه موجود است و در شرقی جزیره  
 مدکاسکر جزیره بربون است که در ۳۴ ۲۰ عرض جنوبی

و ۲۰۱۵ ۵۵ طول شرقی واقعست و آن تابع مملکت فرانسا  
 است و هوایش بغایت خوب است و دیگر جزیره موریتوس  
 است که در عرض جنوبی ۲۰۹۲/۴ و طول شرقی ۷۲۹/۴  
 واقعست و محیطش مقدار ۱۳۵ میل و هوایش خوب  
 و تابع انگلند است و در اطراف آن چند جزیره کوچک است  
 که تابع انست **فصل نوزدهم** در قاره افریقا و آن  
 قسم پنجم از اقسام دنیا است و از جهت شرق با اقیانوس اطلس  
 و از غرب با اقیانوس محیط محدود و طرف جنوبی آن که راس  
 هورن است در عرض جنوبی ۳۰ ۵۵ ۵۵ و طرف شمالی  
 آن تقریباً در عرض ۷۵ واقعست پس طولش از شمال جنوب  
 کمتر از ۹۰۰۰ میل نخواهد بود و عرضش از شرق بغرب میانہ  
 ۵۰۰۰ میل و ۱۰۰۰ میل است و مساحتش مقدار ۰۰  
 ۵۰۰۰۰۰۰ میل مربع است و نهرهای آن اعظم نهرهای عالم  
 است و چونکه این قاره از قطب شمالی تا مقدار ۵۰ عرض  
 جنوبی حمتداست ناچار هوا و اقالم آن بحسب قوعشر در  
 منطقه حاره یا بارده مختلف است و حاصلهای اقالم  
 مختلفه در آن موجود و حیواناتش مثل سایر قارات است  
 مگر فیل و شیر و پلنگ و شتر و زرافه و کرگدن و اسب  
 که در آن یافت نمیشود و لکن مقدار ۸۰ صنف از حیوانات  
 در آن موجود است که در سایر قارات یافت نمیشود و از  
 جمله معادن آن طلا و نقره و زینق و مس و آهن و انڈیمون و  
 کبریت و نمک طعام و نمک بارود و قلع و سنگ مضاطیس





و انواع رخام و از سنگهای نفیسه الماس و زهره و لؤلؤ  
 و غیر اینهاست و اهلیش بمقدار . . . . . ه نفس میرد  
 که بعضی از آنها اهالی اصلیه و بعضی دیگر از نسل اهل اروپا  
 هستند که بعد از استکشاف این قاره در آنجا متوطن شدند  
 و اما زمین این قاره وسیع و خیر و برکتش بسیار بقسمتیکه  
 گاه ۵۰۰ میلیون نفس با اهالی آن اضافه شود تمام بحال  
 وسعت و رفاهیت معیشت خود میکند و مانند هیچ تنگی و  
 سختی پیدا نمیشود و این قاره پیش اهل اروپا معروف  
 نبود تا اینکه مستر کرسٹوفر کلمبوس سنه ۱۴۹۲ آنرا  
 کشف کرد و در آنوقت قبائل متوحشه بسیاری در آنجا  
 ساکن بود که شباهت بطائفه هندو داشتند و بعد از  
 آنکه مستر کلمبوس با سپانیاجت کرد و اخبار کشف  
 کردن آنرا داد مستر احریکوس فسبوس سوس بان جهت  
 مسافرت کرد و شطوط جنوبیه آنرا کشف کرد پس هر دو  
 با هم او نامیده شد و حال اینکه حقان این بود که کلیه با  
 کلمبوس نامیده شود و این قاره بدو قسم تقسیم میشود  
 شمالی و جنوبی اما امریکای شمالی باعتبار دول و احکام بعضی  
 ازان باعتبار موقع و محل بچند قسم تقسیم میشود اول  
 املاک روسیاد در امریکا قبل از این ذکر شد که مسکو  
 اثناء سنه ۱۶۴۰ سیدیریا را فتح کرد و باین واسطه تجارت  
 خوبی رجعت و بعض چیزها پیدا کرد و هم چنین بجهت شرق  
 پیش آمد تا اینکه بوغاز بیرین را قطع کرد و جزائر کوریل و



آوتیان و شطوط امریکا را مالک شد و این املاک در مقدار  
 ۱۴۱ طول غربی از بحر شمالی تا کوه مارا لیا س است و این  
 بلاد سرد و کوههای آنها خالی از برف نمیماند و در بیا با آنها  
 که میانه کوهها و دریا است بعضی از کیها میروید و  
 جنگلهای بسیار در آنها واقعست در قریب بلاد کریلند  
 است یعنی بلاد خضراء چه که لند در لغت انگلیسیه بمعنی  
 بلد و زمین و کریلین بکاف فارسی بمعنی سبز استعمال میشود  
 اما طرف جنوبی این بلاد در ۳۰ و ۹۵ عرض شمالی و شط  
 شرقی آنها بجهت شمال شرقی تا محاذی جزیره سبتسبرگن تمتد  
 و شط غربی آنها بجهت شمال غربی تمتد و بوغاز دافنیس و  
 بوغاز بافین محدود و اما جهات شمالیه آنها معلوم نیست  
 و اهالی اصلیه آنها از طائفه اسکیمو است و ایشان مردمان  
 کوتاه قامت و پر طاقت و کلاه آنها مانند کلاه رهبانان و در  
 زمستان در خانههای کوچکی که از سنگ میسازند و سقف  
 آنها را از گیاه و علف میپوشند بسر میبرند و طعام آنها از  
 گوشت کوساله دریائی است که صید میکنند و در اینها  
 بت پرستی است و اما تجارت این بلاد در دست مملکت  
 دینارک است که آلات آهن و انواع اقمشه و اسلحه با آنها  
 میفرستند و در عوض پر طيور و شاخ اسب کریا و پوست  
 کوساله دریائی و پوست روباه و خنزیر و خرس و یوز و  
 امثال اینها میگیرند و در این بلاد سلسله کوههایی است که  
 ارتفاع بعضی از آنها بمقدار ۳۰۰۰ قدم میرسد و نهری

که قابل ذکر باشد در آنها نیست و لکن چشمهها آنها بسیار  
 و از جمله آنها چشمه گرمی است که درجه حرارتش بمقدار ۱۰۴  
 میرسد و اما هوای این بلاد سرد و در زمستان دریاها نامسا  
 بعیده منجمد میشوند و روشنی شفق در این بلاد بیشتر از  
 اقالیم معتدله و استوائیه است و در دریا های آنها نوعی  
 ماهی یافت میشود که روغن آنرا بجهت چراغ میگیرند و برای  
 سوزانیدن بسیما خوب است و طول این ماهیها کاهمی بمقدار  
 ۶۰ قدم میرسد و در آنها اسبابی و کوساله دریائی و خرس  
 سفید یافت میشود و در شطوط کریلین لند بسیار از  
 جزائر غیر مسکونه است که پرندگان دریائی آنها بیشمار  
 است و بواسطه پریشان آنها را صید میکنند و پرها نرم تر از  
 پر طيور اقالیم استوائیه است **سیم** املاک انگلیس در  
 امریکا و آن اراضی ایست که میانه ۵۰ و ۴۲ و ۷۰ عرض شمالی  
 و ۵۵ و ۱۴۰ طول غربی واقعست و از جهت شمال بحی  
 ثلج شمالی و از شرق بحلیج بافین و بوغاز دافنیس و اقیانوس  
 اتلانیک و از جنوب باقیانوس مدکور و بلاد متحد و از  
 غرب باقیانوس محیط و املاک مسکوب محدود و و چهار  
 قسم تقسیم میشود اول بر تانیه جدیده در قریب کناره سیم  
 اسکات لند جدید چهارم فانلند جدید و جزائر برمودا  
 اما بر تانیه جدیده اراضی ایست که در شمالی ۵۰ عرض  
 شمالی واقعست و خلیج هدسون که طولش بمقدار ۱۰۰۰  
 میل و معظم عرضش بمقدار ۶۰۰ میل است میانه ۵۲



و ۶۷ عرض شمالی در آنها واقعست و بواسطه بوغان  
هدسون باوقیانوس متصل است و مدخل آن نزد مدخل  
بوغان دافیس است و در این بلاد چند بحیره است که از  
جمله آنها بحیره وینبک است میان ۵۵ و ۴۵ عرض شمالی  
و ۹۹ و ۹۶ طول غربی و چند هزار غربی در آن ریخته می  
شود و چند هزاران بخلیج هدسون بیرون میرود و در نزدیکی  
آن جنگلهای وسیعی است که چوبهای آنها از برای بنا خوب  
است و از جمله آنها درختی است که در امریکا بسیار است  
در ایام بهار سوراخ میشود و آب شیرینی از آن بیرون میاید  
که هرگاه آنرا بجوشانند شیره خوش طعمی میشود و اگر زیاده  
بجوشانند شکر میگردد و دیگر بحیره غیاض است که از  
هزیکه طولش مقدار ۸۰ میل است پیدا شده و دیگر بحیره  
عبید است که میان ۶۰ و ۳۸ عرض شمالی و ۱۱۰ و  
۱۱۹ طول غربی واقعست و طولش مقدار ۲۷۰ میل  
محیطش مقدار ۱۰۰۰ میل و چند هزار داخل آن میگردد  
هز مگتری که در ۷۰ عرض شمالی در بحر شمالی ریخته می  
شود از آن خارج میگردد و چند هزار در خلیج هدسون ریخته  
میشود که از جمله آنها هز شرشل و هز نلسون و هز سفن  
و هز آلبنی و هز مؤس و هز مین و غیر اینهاست و بدان که  
سلسله کوههایی که امریکا را از شمال بجنوب حرق میکند  
اول آنها در نزدیکی حدود املاک مسکوب نزدیک شمالی  
است و از آنجا بجنوب غربی ممتد است و ارتفاع بعضی از آنها

در این بلاد مقدار ۶۰۰۰ قدم است اما هوای این بلاد  
جهات شمالیه آنها سرد و جهات جنوبیه اعتدالترین بیشتر  
و هوای جوار خلیج هدسون تری و زمینی که قابل کشت و زرع باشد  
در این بلاد کم است و در آنها معدن آهن و قلع و رخام و  
زغال معدنی یافت میشود و از جمله حیوانات آنها کواک و میش  
بری و کُرک و روباه و کرمه ببری و جز کوش و سنجاب است  
و در راههای آنها انواع بسیاری از ماهی یافت میشود و آنها  
از طائفه اسکیمو و قبائل دیگری از هُنود متوحشه  
است که بطوائف کثیره که لغات آنها مختلف است تقسیم می  
شوند و اما بلاد کناده میان ۳۰ و ۴۰ و ۵۰ عرض شمالی  
و میان ۶۴ و ۹۷ طول غربی واقع و از جهت شمال بر تانیه  
جدیده و از شرق بخلیج مادلینس و برنسویک جدید و از  
جنوب ببلاد متحده و جزئی از هز مادلینس و بحیره انتاریو  
بحیره اری و بحیره هورون و بحیره علیا و از غرب بحیره هورون  
و بحیره علیا و بر تانیه جدید محدود و بدو قسم تقسیم می  
شود کناده علیا در جهت غرب و کناده سفلی در جهت  
شمال شرقی و حد میان آنها هز تاوا است که در هز مادلینس  
ریخته میشود و حد میان کناده علیا و بلاد متحده چند  
بحیره بزرگ است که از جمله آنها بحیره علیا است که طولش  
مقدار ۴۰۰ میل و معظم عرضش مقدار ۱۰۰ میل و محیطش  
مقدار ۱۲۰۰ میل است و آبش خوشگوار و ماهیش بسیار  
و در فصل تابستان که روی آن کرم میشود قعرش سرد



است و در آن چند جزیره است که طول یکی از آنها بمقدار  
 ۱۰۰ میل و عرضش مقدار ۴۰ میل است و زیاده از  
 ۴۰ هزار در آن ریخته میشود و طلائع این بحیره سخت است  
 و اما هوای این بلاد اجمالا سرد و مقوی بدن و آراخی کلاه  
 علیا قابل انواع زراعت است و لکن کناد علیا از این حیثیت  
 مثل آن نیست و در آنها از حیوانات کاه و میش بتری مرغ  
 و کُرک و امثال اینها یافت میشود و از جمله معادن آنها  
 آهن و مس و قلع و زغال سنگ است و اهالی آنها مقدار  
 ۱۱۰۰۰۰۰ نفر است و جمیع آنها در تحت حکومت انگلیس  
 است و از جمله شهرهای کناده سفلی کویبک است و اهل  
 آن مقدار ۳۰۰۰۰ نفر است و دیگر متریال است و  
 اهل آن بمقدار ۳۰۰۰۰ نفر میرسد و از جمله شهرهای  
 کناده علیا کینستون است که محل تجارت این جهانست  
 و دیگر تورونتو و کویبک است و اما اسکا تلند جدید  
 از جهت شمال بجز ماریلند و از شرق بخلیج ماریلند  
 از جنوب با وینانوس اتلاننیک و خلیج فوندی و از غرب  
 نیز بخلیج فوندی و بلاد متحده محدود و از جمله شهرهای  
 آن هلیفاکس و شهر ماریوینا است و جزیره بریتون و  
 آدورد در خلیج ماریلند و جزیره سابل تابع آن است  
 و اما فانلند جدید جزیره ایست در خلیج ماریلند که  
 میان ۵۰ و ۴۵ و ۱۳۰ عرض شمالی و میان ۳۰ و ۳۵  
 و ۲۰ طول غربی واقعست و طول این جزیره مقدار

۳۱۰ میل و عرضش از ۴۰ تا ۲۱۷ میل مختلف است  
 و محیط آن مقدار ۹۰۰ میل است و هر سال مقدار زیاد  
 ماهی خشک از آنجا با قاق میرود و در غربی فانلند جدید  
 جزیره انیکوسی است که طولش مقدار ۹۰ میل و عرضش  
 ۲۰ میل است و جزایر برموداس که در عرض شمالی ۳۱ ۱/۲  
 و طول غربی ۶۵ واقعست تابع اسکا تلند جدید است  
 و اکثر لوازم این جزایر از بلاد متحده میاید و اهالی آنها از  
 چاه میا شامند چهار صر بلاد متحده است و از چند  
 قسم مستقل است که هر یک بنفسه صاحب حکم و شرعی  
 است و لکن جمیع در تحت یک حکم عمومی که ملاحظه  
 امور متعلقه با قسنام مذکوره عموماً در آن کرده میشود  
 متحدند و حد و این املاک از جهت شمال املاک انگلیز  
 و بحیراتیکه ذکر شد و بجز ماریلند است و از شرق وینانوس  
 اتلاننیک و خلیج مکسیکو و از جنوب مکسیکو و خلیج  
 آن و خلیج کلیفورنیا و از غرب مکسیکو و وینانوس محیط  
 و مساحت آنها مقدار ۲۵۰۰۰۰۰۰ میل مربع و اهل  
 آنها مقدار ۲۳۵۰۰۰۰۰ نفر است و کیفیت اتحاد  
 این بلاد اجمالا اینست که در سنه ۱۶۰۷ مسیحیه  
 و پس از آن بسیاری از اهالی اروپا بخصوص از املاک  
 انگلیس بعضی اماکن بلاد متحده رحلت کردند و بعد از آن  
 که جمعیت آنها زیاده گردید و املاک وسیعه از هئود  
 بچنگ و عزیزین گرفتند و بلاد آنها معمور و آباد شد و



انگلیس عمال خود را میفرستاد و جور و تعدی با آنها میکرد تا  
اینکه اقسام مذکوره در شهر فیلدلفیا دیوانی منعقد کرد  
و وکلاء از هر قسم حاضر شد و بالاخره در سنه ۱۷۷۴  
بنا بر معاصدت و معاونت از عموم جمهور شد و بحریت آزاد  
ندارد دادند و معاهدات مستحکم در این باب نمودند پس  
جنگهای بسیار میان آنها و دولت انگلیس واقع شد تا این  
که بالاخره در سنه ۱۷۸۲ بلاد مذکوره بحریت و  
آزادی با آنها مسلم گردید و اقسام میکه اولاد در این معاهد  
داخل شدند ۱۳ قسم است نیو همپشیر و مساشوسکتس  
و رودایلند و کنتیکوت و نیویورک و نیوجرسی و پنسلوانیا  
و دلاواری و ورجینیا و کرولینای شمالیه و پنسیلوانیا  
و جارجیا و جان بزرگی از این بلاد غیر معوم بود که سوای  
قبائل نمود و وحوش کسی در آنها مسکن نداشت و پس از  
حریت رو با بادی نهاد و اهالی آنها بسیار شد و بسیاری  
از اهل اور و پیاد را نجا آمدند و رفته رفته بلاد داخله  
معوم گردید و طائفه هنود از پیش آنها گریختند و چند  
قسم دیگر داخل در معاهده آنها شدند تا اینکه الان عدد  
انها بمقدار ۳۱ میرسد و اقسام زائده از ۱۳ قسم مذکور  
مابین فرمانت و مشیگان و اوهمیو و اندیانا و الینوی و  
کنوکی و تنسی و آلاباما و فلاریدا و میسیسیپی و لوئیسیانا  
و اسکولس و آیووا و میسوری و آرکانساز و تکزاس و  
کلینورنیا است اما مابین فرمانت در شمالی اقسام اصلیه

است و بقیه اقسام در غربی آنهاست و اقسام میکه در این  
معاهده داخل نشدند منیسوتا و نبراسکا و اوریگون  
و اوتاه و هندیا و نیومکسیکو است و اقسام سابقه بحسب  
وسعت مختلف است و بزرگترین آنها تکزاس است که مساحت  
ان مقدار ۱۰۰۰۰۰۰ میل مربع است و کوچکترین آنها  
رودایلند است که مساحتش ۱۲۵۰ میل مربع است  
و در این بلاد دو سلسله کوه ممتد است که یکی از آنها  
کوهها کتسل است که ارتفاع آنها بمقدار ۷۶۷۴ قدم  
میرسد و دیگری کوهها صحریه است که سابقا ذکر شد  
و نهرهای این بلاد بسیار است و اکثر آنها صلاحیت عبور  
کشتیهای بزرگ دارد و از جمله آنها نهر کنتیکوت است که  
در خلیج جزیره طولی که در نزدیکی شهر نیو هافن امت ریخته  
میشود و طول آن مقدار ۴۰۰ میل است و دیگر نهر  
هدسون است که مخرجش در شمالی نیویورک است و  
طولش مقدار ۳۵۰ میل است و دیگر نهر دلاواری است  
که مخرجش در جنوبی نیویورک است و در خلیج دلاواری  
ریخته میشود و طولش مقدار ۳۰۰ میل است و دیگر  
نهر سسکوینا است که مخرجش در جنوبی نیویورک است  
و در خلیج شسابیک ریخته میشود و طولش ۵۰۰ میل  
است و نهر بنوماک که طولش مقدار ۵۰۰ میل است  
در این خلیج ریخته میشود و چند نهر در اوقیانوس ریخته  
میشود که از جمله آنها نهر جیس و رونوک و بیگ و ستوانا



و غیر اینهاست و اما نهر او هیو ب جنوب غربی جاری میشود و  
مصبات آن در نهر مسسیبی است و نهر را با شش که طولش  
مقدار ۵۰۰ میل است در آن ریخته میشود و از جهت  
جنوب نهر تنیسی که طولش مقدار ۲۰۰ میل است در  
آن داخل میگردد و اما نهر مسوری از کوههای صخره‌تیریرون  
میآید و ب جنوب شرقی جاری میگردد و در نهر مسسیبی  
ریخته میشود و طول آن مقدار ۳۱۰۰ میل است و  
نهر بلات که طولش مقدار ۱۵۰۰ میل است و نهر حجه  
اصغر که طولش مقدار ۱۱۰۰ میل است و چند نهر دیگر  
ریخته میشود و دیگر هزار کالسناس است که مخربش  
در کوهها صخره است و ب جنوب شرقی جاری میگردد و  
در نهر مسسیبی ریخته میشود و طول آن ۲۰۰۰ میل  
است و دیگر نهر امر است که از جبال صخره تیریرون میآید  
و ب جنوب شرقی جاری میگردد و در نهر مسسیبی ریخته  
میشود و طول آن مقدار ۱۵۰۰ میل است و اما نهر  
مسسیبی مخربش در شمالی منیسوتا است و بطرف  
جنوب جاری میگردد و در خلیج مکسیکو ریخته میشود  
و طول آن مقدار ۳۱۰۰ میل است و دیگر نهر ریودنون  
است که از کوهها صخره تیریرون میآید و ب جنوب شرقی  
جاری میگردد و در خلیج مکسیکو ریخته میشود و  
طول آن مقدار ۲۰۰۰ میل است و دیگر نهر برازوس  
است که طولش مقدار ۶۰۰ میل است و دیگر نهر

کلرادو است که طولش مقدار ۶۰۰ میل است و دیگر  
نهر کلومبیا است که از کوهها صخره تیریرون میآید و بشمال  
غربی پس ب غرب جاری میگردد و در اوقیانوس محیط ریخته  
میشود و طولش مقدار ۱۰۰۰ میل است و دیگر نهر کلورادو  
است که از جبال صخره تیریرون میآید و ب جنوب غربی جاری  
میگردد و در خلیج کالیفورنیا ریخته میشود و طولش مقدار  
۱۰۰۰ میل است و در این بلاد ترعه‌ها بسیاری است که  
میان نهرها و بحیرات را بیکدیگر وصل میکند و از جمله آنها ترعه  
ایست که میان نهر همدسون و بحیره آری را بیکدیگر وصل  
میکند و دیگر ترعه ایست که میان بحیره آری و نهر او هیورا بیک  
دیگر وصل میکند و طول آن مقدار ۱۳۰۷ میل است و  
اما هوای این بلاد جهات شمالیه آنها سرد و جنوبیه معتدل  
و در فلوریدا حرارت شدت دارد و هم چنین جهات تیکه در نزد  
خلیج مکسیکو است و اجالا موافق صحت امرجه است مگر  
این که در بعضی اماکن تب بسیار عارض میشود و لکن این اماکن  
بالتبته بوسعت این بلاد چیزی نیست و اما حاصلهای آنها  
بسیار و خاک آنها قابل انواع زراعت و جمیع انواع حبوب و  
اکثر انواع میوه‌ها در آنها یافت میشود و سیبها بسیار  
خوب است و در دینا نظیر ندارد و از جمله معادن آنها طلا و  
نقره و آهن و مس و قلع و زینق و زغال سنگ و رخام است  
و چند بحیره شور در آنهاست که نمک از آنها استخراج میکنند  
و از حیوانات اهلیه آنچه در سایر بلاد موجود است در اینها



نیز یافت میشود و دیگر اسب بزی و کوا و میش بزی و غیرین  
و کرک و کره بزی و انواع بسیاری از طیور که بمقدار ۳۶۲  
نوع میرسد و بعضی از مارها که سم آنها مهلت است در  
این بلاد یافت میشود و اما حکم آنها از نوع جمهوری است  
حکام از قبل طوائف تامدنت معینی انتخاب میشوند و لکن  
قضاة تامدنت حیانتشان بوظیفه خود قیام مینمایند مگر  
اینکه تقصیر بیکه موجب عزل است از آنها صادر شود و هر  
قتامی از اقتسام مذکوره صاحب حکم خاصی است مگر اینکه  
جمع در احکام عمومی که راجع بجمع استام است شریک  
میشوند و وکلاء خود را بدو دیوان که در شهر و شینتون  
برپاست میفرستند و در اینجا آنچه که خیر عمومی است و آنچه  
دولت خارجی متعلق است ملاحظه میکنند و دین غالب را اینجا  
دیانت پروتستانی است و حریت و آزادی از برای جمیع  
مذاهب حاصل است و در این بلاد مقدار ۳۰ مدرسه  
جامعه و ۱۰۸ مدرسه از برای تحصیل علوم جلیله و کتب  
از مدارس متوسطه است و کتبخان و مزاران و تحصیل آنها  
از برای هر کسی سهل و آسان است و دخل این بلاد از کرک و  
غیر بمقدار ۵۵۰۰۰۰ ریال میرسد و عساکر قانونیه  
انها مقدار ۱۲۰۰۰ نفر و ردیف آنها ۲۰۰۰۰ نفر است  
و کشتیها جنگی آنها مقدار ۷۰ کشتی است و لکن در وقت  
حاجت هر قدر که بخواهند برای آنها ممکن است و از جمله شهرها  
این بلاد بستون است که در عرض شمالی ۴۲۲۱ و طول

نیز

غربی ۷۱۴ واقعست و تجارتان وسیع است و در نزدیکی  
ان تل بوئکر است که واقعه مشهوره میان عساکر انگلیس و  
اهالی آن در اینجا واقع شد و دیگر شهر نیو هافن است و آن  
شهری است خوب محل تفریح و تماشايش بسیار و مدارش  
مشهور و معروف است و دیگر شهر نیویورک است و آن  
بحسب تجارت و جمعیت اعظم شهرهای این بلاد است و چند  
مدرسه از برای تحصیل علوم و فنون و معارف در آن مهیا  
و موجود است و اهلیش بمقدار ۵۰۰۰۰۰۰ نفس میرسد  
و دیگر شهر فیلدلفیا است که میان نهر دلا و اوار و نهر سکوکل  
است و آن شهری است خوب بازاریش مستقیم و از بعض  
انها با بعضی دیگر زوایای قائمه مثل تقطیع صفحه شطرنج محاذ  
میشود و در آن بناهای فاخره و مدارسی که در علم طب مشهور  
و معروف است یافت میشود و دیگر شهر بالتیمور و شینتون  
و شریستون و سنفا و نیوار لینس و سنسناتی و سانت  
لوی و استوریا و مار فرنیس است پنجم مکسیکو است  
آن از جهت شمال و شرق بنیاد متوجه و از جنوب بکواتمالا و  
اوقیانوس محیط و از غرب باوقیانوس مذکور و خلیج کلیفورنیا  
محدود و این بلاد تابع اسپانیا بود تا اینکه سنه ۱۸۲۲  
در تحت حکم جمهوری استقلال یافت و در آنها اسپانیا از معادن  
طلا و نقره و زینق یافت میشود و سلسله کوهها اخیریه آنها  
خرق میکند و در آنها چند کوه آتش است که بلندترین آنها  
بئوکتا بتل است که ارتفاع آن بمقدار ۲۰۰۰۰ قدم میرسد و در



سال ۱۷۰۰ که اهل اسپانیا این بلاد را فتح کردند هنوزی که  
 در آنها ساکن بودند صاحب تمدن و تمدن و ضیاع و عقاید  
 پس کابرو و اشراف و اعیان آنها را بقتل آورده و رعایا را در تحت  
 بندگی و اطاعت خود در آورده و این بلاد را مالک شده با  
 اهالی اصلیه آنها مخالفت نمودند و اهالی حالیه ان یا از نسل  
 اهل اسپانیا و یا مخلوط از آنها و هنوز است و اراضی این بلاد  
 مرغوب خوب است و لکن چنانچه باید و شاید اعتنائی با آنها  
 ندارند و از جمله شهرهای آنها تمسکو و فیراکروز و پتوی و مکسیکو  
 و زکاتیاس و غیر اینهاست شبه جزیره کالیفورنیا در غرب  
 و شبه جزیره یوکاتان و چون کمبیشی تابع آنهاست ششم  
 امریکای وسطی است که انرا کواتمالا میگویند و از جهت شمال  
 بمکسیکو و از شرق بمجر کریک از جنوب ببرزخ داریا و اوقیانوس  
 محیط و از غرب باوقیانوس مذکور محدود و ان نیز تابع مملکت  
 اسپانیا بوده و در سنه ۱۸۲۴ در تحت حکم جمهور در  
 کردید و لکن بواسطه عریای داخلیه که مینا اهالی ان واقع شد  
 ترقی ان برای ان حاصل نگردید و کوهها صخریه انرا خرق میکنند  
 و سه کوه آتش فشان در ان واقعست و از جمله حیرات ان بحیره  
 نکراکاست که طولش مقدار ۱۸۰ میل و عرضش مقدار  
 ۷۷ میل است و نهر سانچوان از ان بیرون میناید و در مجرای  
 کریک پخته میشود و از جمله شهرها ان تروکسلو و فیرا باس  
 و سانت سلود و ویون و غیر اینهاست و اما جزایر هند غربیه  
 مجموع جزایری است که در مدخل خلیج مکسیکو و در بحر کریک

واقع است و از جمله آنها مجموع جزایری است که انرا انتلیس کری  
 میگویند که یکی از جزایران جزیره کوبا است که طولش مقدار  
 ۷۰۰ میل و عرضش مقدار ۷۰ میل است و ان تابع مملکت  
 اسپانیا است و دیگر بورتو ریکو است که طولش مقدار  
 ۱۲۰ میل و عرضش مقدار ۴۰ میل است و ان نیز تابع مملکت  
 اسپانیا است و دیگر هایتی است که طولش مقدار ۳۹۰  
 میل و عرضش مقدار ۳۰ میل و مستقلا در تحت حمایت دیگر  
 است و اهالی ان بنده کانی هستند که از اد شده اند و دیگر  
 جیکاست که طولش مقدار ۱۵۰ میل و عرضش مقدار ۴۰  
 میل است و ان تابع انکلند است و دیگر مجموع جزایر کریک  
 و ان چند جزیره کوچک است که بعضی از آنها تابع انگلستان  
 و بعضی تابع فرانسوا و بعضی تابع هالند و بعضی تابع دمارک  
 و بعضی تابع اسوج است و اعظم آنها جزیره ترینیداد است که  
 تابع انگلستان است و دیگر مجموع جزایرها ما است و ان چند  
 جزیره است که از جمله آنها جزیره کوانیمانی است و ان اول ملین  
 است که کلبوس بعد از مسافرت او از اسپانیا منتهی ۱۴۹۲  
 بان رسید و حاصلهای این جزایر سیسما و شکر و قهوه و تن  
 و پنبه و جمیع میوه های قایم استوائیه در آنها یافت میشود  
 و هوای بعضی از آنها خوب و بعضی بد و کثیف است و بناها سخت  
 که بعضی اوقات خانه ها را خراب میکنند در آنها سیسما میوز در  
 از جمله شهرها آنها هانا و سانسلفد و ورتو برنس و کینتو  
 و سانت جوان است اکثر آنها بنده کانی هستند که آنها را از



فصل نوزدهم

افریقا از برای کار زراعت و زرع پنبه و نیشکر آورده اند  
 و اما امریکای جنوبی از شمال بجنوب سلسله کوههای اندس  
 انرا خرق میکند و بلندترین آنها کوه سورا تا است که ارتفاع  
 آن بمقدار ۲۵۴۰۰ قدم میرسد و در آن چند کوه انش  
 نشان است که بلندترین آنها کوه کوتوبا کسی است که ارتفاع  
 آن بمقدار ۲۰۰۰۰ قدم میرسد و از جمله نهرهای آن نهر  
 امادون است که از کوههای اندس بیرون میاید و در اقیانوس  
 اتلانتيک ریخته میشود و طول آن مقدار ۴۰۰۰ میل  
 و عرضش مقدار ۱۰۰ میل است و نهرهای بسیار از شمال  
 و جنوب داخل آن میشوند و دیگر نهرها بلا تا است که طولش  
 مقدار ۲۰۰۰ میل و عرضش مقدار ۵۰ میل است و آن  
 بچند قسم تقسیم میشود که از جمله آنها کومبیا است و آن بسبب  
 قسم منقسم است و نیز ویلا و غرناطه جدید و اکوادور و  
 جمیع آنها در تحت حکم جمهوری داخل است و اهالی آنها بمقدار  
 ۳۰۰۰۰۰۰ نفس میرسد و نهر اورونوکو در و نیز ویلا  
 میکند و طول آن مقدار ۱۳۰۰ میل است و از جمله شهرها  
 آن گراکاس است که اهلیش مقدار ۲۳۰۰۰۰ نفس است  
 و از جمله شهرها غرناطه جدید و شهر بوغوتا است که اهلیش  
 مقدار ۳۵۰۰۰۰ نفس است و دیگر شاعرس و پیناما است  
 و از جمله شهرها اکوادور کویتا است که اهلیش مقدار  
 ۷۰۰۰۰ نفس است و کوه کوتوبا کسی مذکور در نزدیکی آن  
 واقعست و این شهر نمیا کوهها بلندی که از مسناوات دریا

بیا

خارته امریکای جنوبی





بسیار ارتفاع است و اقمشده و در آنجا زلزله هائیکه خانه و  
 قریه ها را خراب میکند بسیار حادث میشود و دیگر از قسما  
 آن بلاد بزرگ است که در جنوبی کواد و راست و در زمان  
 قدیم تابع مملکت اسپانیا بوده و پس از آن در تحت حکم  
 استقلال یافت و در آنجا معدن طلا و نقره و مس یافت می  
 شود و اهالی آنها با امور فلاحه و زراعت چندان اعتنائی  
 ندارند و قصبه این بلاد شهر لیماسیت که اهلیش مقدار  
 ۶۰۰۰۰ نفر است و عدد اهالی آن مقدار ۱۷۰۰۰۰  
 نفر می رسد و آنها از هنودیکه اهالی اصلیه آنهاست و اهل  
 اسپانیا که در آنجا متوطن شدند مخلوط و همز و چند دیگر  
 مملکت برازیل است و آن اعظم اقسام امریکای جنوبی است  
 مساحتش مقدار ۲۷۰۰۰۰۰ میل مربع و اهلیش مقدار  
 ۵۰۰۰۰۰ نفر است و جانب عظیمی از آن صحراها و  
 بیابانهای است که اشجار و حیوانات برتیه آنها بسیار است  
 و از جمله معدنهای آن طلا و نقره و الماس است و هزاران  
 از عربها شرقا از افریقا می کشند و اعتناء اهالی آن با موقوفات  
 و زراعت کم است و تجارت آن در دست غرب است و قسما  
 از هنود متوحشه در آنجا ساکنند و حکم آن از نوع مملکتی  
 مقید است و دین غالب آنجا دین کاتولیک است و  
 قصبه آن شهر ریو جنیر و است و آن در عرض جنوبی  
 ۵۰ ۹ ۲۲ و طول غربی ۵۴ ۴۹ ۳۰ و اقمشده  
 اهلیش مقدار ۲۰۰۰۰ نفر است و دیگر از شهرهای

سانت سلود و راست که در عرض جنوبی ۱۲ ۵۱ و طول  
 غربی ۳۰ ۲۳ ۳۰ و اقمشده و اهلیش مقدار ۱۲۰۰۰۰  
 نفر است و تجارتش وسیع است و دیگر شهر برنامبوکو است  
 که در عرض جنوبی ۱۵ ۱ و طول غربی ۵۱ ۳ واقع است و  
 اهلیش مقدار ۲۰۰۰۰ نفر است و دیگر شهر فلاریکا  
 که اهلیش مقدار ۲۰۰۰۰ نفر است و این مملکت از شهرها  
 بسیار سیراب میشود و چند سلسله کوه در آن ممتد است  
 و بواسطه قلت اعتناء اهالی آن حاصله ایش کم است و غنی و  
 رتبه هیئت اجتماعی آن از غیرش پست تر و در شمال برازیل  
 بلاد کویانا است و اهالی آنها مقدار ۱۵۰۰۰۰ نفر است  
 و شرقی آنها تابع فرانس و غربی تابع انگلستان و اوسط تابع  
 هولند است و اراضی آنها پست و ترعه ها آنها بسیار است  
 و بیشتر اهالی آنها بنده کاندو اما بلاد بولیویا میانه بیرو  
 و برازیل و اقمشده و چند شعبه از کوهها آن در آنجا  
 منشعب است بلندترین رؤس این کوهها در این بلاد واقع  
 است در حدیکه فاصل میان آنها و پیر و است بحیره تلیا کا  
 و اقمشده و طول آن مقدار ۱۵۰ میل است و در جنوب غربی  
 آنها برتیه کویما است و حکم آنها از نوع جمهوری است و از جمله  
 شهرهای آنها شوکولینا است که اهلیش مقدار ۳۵۰۰۰  
 نفر است و در نزدیکی آن معدن نقره یافت میشود و اما  
 بلاد شیلی اراضی ایست که میان کوههای آن در ریای  
 محیط از حد و بولیویا تا حد و با تا کونیا و اقمشده و

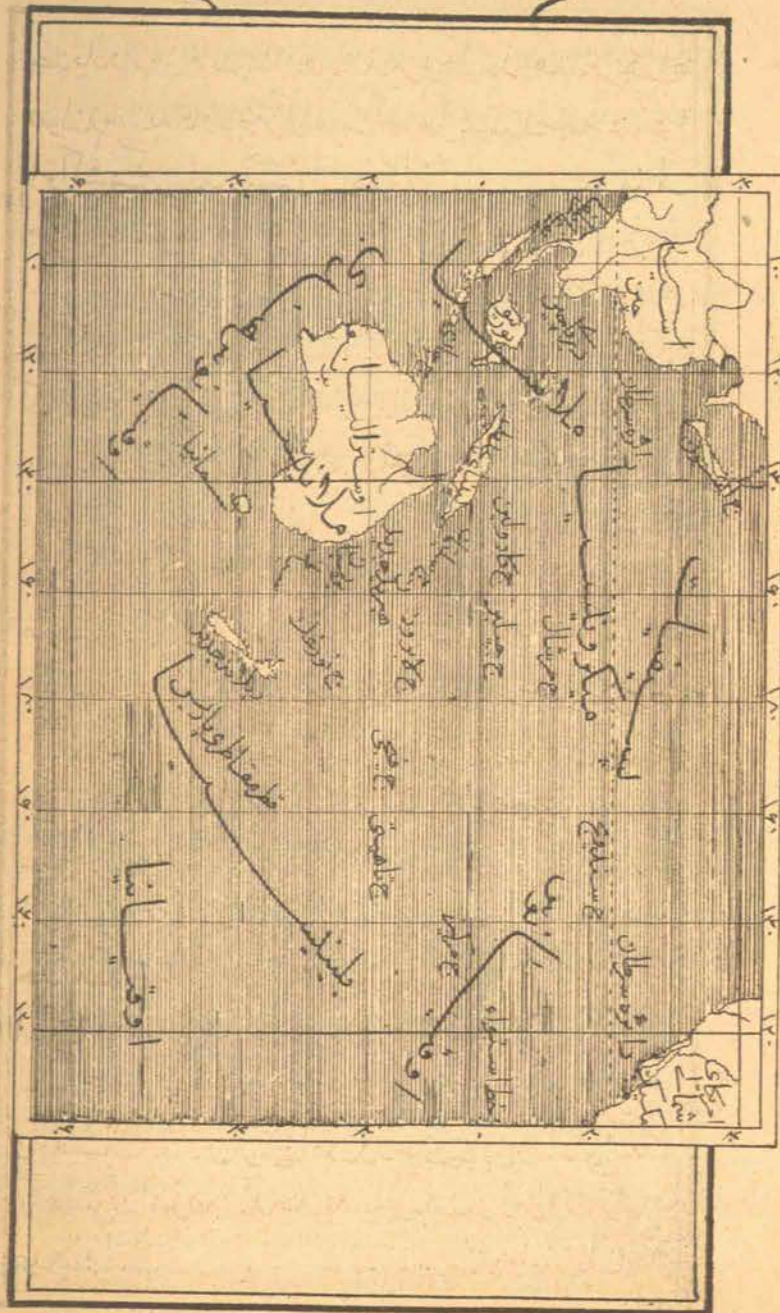


انها چند کوه آتش نشان است و از جمله معدنهای آنها طلا  
 و نقره و زینق است و حکم آنها از نوع جمهوری است و از  
 جمله شهرها آنها سانثیاگو است که اهلیش مقدار ۰۰۰  
 ۵۰۰ نفوس است در کنار دریا شهر کوکیمبو و فالبراسوو  
 کنسپشن و فالدیفا واقعست و عدد جمیع اهالی آنها  
 بمقدار ۱۲۰۰۰۰۰ نفوس میرسد که بعضی آنها از اصل  
 اسپانیولی و بعضی دیگر از آنها و اهالی اصلیه این بلاد  
 مخلوط و حمز و چند و اما بلاد بونس ایرس که آنها را لا بلاتا  
 میگویند از شمال بولیویا و از غرب بشیلی و از شرق برزیل  
 و اوروگوای و اوقیانوس اتلانیک و از جنوب بیا تا کونیا  
 محدود و مستقلا در تحت حکم جمهوری داخل و از جمله  
 شهرها آنها بونس ایرس است که اهلیش مقدار ۱۰۰۰۰۰  
 نفوس است و هر لا بلاتا از شمال تا مقدار ۵۰۰ عرض جنوبی  
 در آن میکند و چند بحیره و چند نهر غیر از نهر مذکور در  
 آنها واقعست و اما هوای آنها در جهت جنوب معتدل و در  
 شمال گرم است و از آنجا بسیاری از پوست کاه و شاخ  
 پیه آن با طرف میرود و اما بلاد براگوای که از جهت شرق و  
 جنوب میان نهر برانا و از غرب میان نهر براگوای است آن  
 آنها منفصل است و از جمله شهرهای آنها اسمشن است که  
 اهلیش مقدار ۱۰۰۰۰ نفوس است و در جنوبی برازیل  
 اوروگوای است اهالی آنها بمقدار ۵۰۰۰۰ نفوس  
 و از جمله شهرها آنها منتفدیو است که اهلیش مقدار

۱۲۰۰۰ نفوس است و اما با تا کونیا از جهت شمال بشیلی  
 لا بلاتا و از سایر جهات باوقیانوس محدود و مساحت سطح  
 آن مقدار ۴۰۰۰۰ میل مربع و اهالی آن قبائل متنوع  
 از هندو است و عدد آنها بمقدار ۵۰۰۰۰ نفوس میرسد  
 اما ارض ناز جزیره ایست در طرف با تا کونیا جنوبی و بوغان  
 محلان مینا آنها فاصله است در طرف جنوبی نزاراس هورون  
 میگویند و اما جزائر فالکلند در شرقی مدخل بوغان مذکور  
 است و تابع انگلستان است و خالی از سکنه است و همین  
 جزائر شتلند که در عرض جنوبی ۱۰ تا ۴ و طول شرقی  
 ۴ تا ۵ واقعست و جزیره جاو رجیا که در عرض جنوبی  
 ۴ تا ۵ و طول غربی ۳ واقعست و ارض سندویچ که در  
 جنوب شرقی است و جمیع اینها خالی از سکنه است و اما جزائر  
 کوبا و غوس در تحت خط استواء محاذی کواد و راست و شمال  
 از سکنه است و اما جزیره سانت فیلیکس و جزیره جوا فرناند  
 تابع شیلی است و جزیره اخیره بحر پره رو بنصن کر و در معرفت  
 است و در اوقیانوس اتلانیک جزیره مرتین و جزیره فرناند  
 واقعست و آنها تابع برازیل است **فصل بیستم**  
 در اوسترالیا و جزائر بحر محیط بدانکه جزائر تریکه در بحر محیط  
 است و اسیانیکا یا اوقیانیا معروفست و آن جلاسیا و اوترا لیا  
 و بلیندیسیا تقسیم میشود اما ملاسیا بحر اتر بورنیو و  
 جیلدس و فیلپین و غیر اینها که سابقا ذکر شد مشتمل است  
 و اما اوسترالیا هولند جدید و کینیا جدید و زیلند



# خارقه او قیانیانیا



# در قاره او قیانیانیا

جدید و ارض فاندیمان و چند جزیره کوچک مشتمل است اما  
 هولند جدید قاره بزرگی است که اهل هولند سنه ۱۶۰۲  
 از آن کشف کردند و مساحت آن مقدار ۳۰۰۰۰۰ میل  
 مربع و اهلیش مقدار ۱۷۰۰۰۰ و بنا بر قول بعضی از جغرافیه  
 ۳۰۰۰۰ نفر است و جانب عظیمی از آن الی الان غیر  
 منکشف است و اما هوایش معتدل و انواع بسیا از حیوانات  
 که در قارات دیگر نیست در آن یافت میشود و هم چند طوطی  
 و نباتات آن و اهالی اصلیه اش نوعی از سودان است که بجز  
 ملتی نزدیک است و آنها بحالت بربریت تو حشر اند و عدد  
 نفوس که از غرباء در آنجا ساکن اند مقدار ۶۰۰۰۰ نفر  
 میرسد و در این نواحی شهر سیدنی که در ۵۵ ۵۵ ۳۵ عرض  
 جنوبی و ۱۳۵ ۱۵ طول شرقی است در تحت حکم انگریزی  
 داخل است در جنوبی هولند جدید ارض فاندیمان است و  
 بوجای بسیار میاها فاصله است و مساحت این جزیره ۲۷۰۰۰  
 میل مربع و اهلیش مقدار ۶۰۰۰۰ نفر و تابع دولت  
 انگلیس است اهالی اصلیه آن هم چنانی است که در هولند  
 جدید گذشت و از جمله شهرهای آن هو بار تستان و لانسستر  
 است در شمالی هولند جدید کینیا جدید است که مساحت  
 ۱۳۲ و ۱۵۲ طول شرقی و میا خط استواء و ۱۰ عرض جنوبی  
 واقع است و در آن کوهها بلند و جنگلهای وسیعی است  
 و اهلیش از اهل هولند جدید با تربیت تر و مقدر تر اند و  
 عدد آنها مقدار ۵۰۰۰۰ نفر میرسد و اما زیلند جزیره



در شرقی هوند جدید است آن دو جزیره است که بونغازی  
 میا آنها فاصله است و مستقیم است این دو جزیره مقدار ۹۵۰۰۰  
 میل درج و اهای آنها مقدار ۶۰۰۰۰ نفس و هوای آنها  
 خوب و اراضی آنها خصیب است و در آنها سلسله کوهها ایست  
 که ارتفاع بعضی از آنها مقدار ۱۴۰۰۰ قدم میرسد و  
 اهالی آنها قبائل متوحشه ایست که در این ایام بواسطه داخل  
 شدن مدبشرین انجیل میا آنها قدری تمدن و تربیت حاصل  
 کرده اند و در اینجا نوعی از کنان است که به نهایت خوبی است اما  
 کلید و نیای جدید میا ۱۳۷ و ۲۲۳۰ عرض جنوبی میا  
 ۱۶۳ و ۱۶۷ طول شرقی است و اهالی آن از  
 سکنان جزایر قاصیه متمدن تر و با تربیت تراند و در شمالی آن  
 جزایر هبریدک جدید است و آنها مجموع جزایر نیست که میانه  
 ۱۴۱۰ و ۲۰ عرض جنوبی واقعست و در شمالی آنها جزایر  
 سلیمان است که میا ۵ و ۱۰ عرض جنوبی ۵ و ۱۰ و طول  
 شرقی واقعست و اهالی آنها به نهایت توختر و بربریت اند و در  
 اوسترالیای جزایر بسیاری است که ذکر آنها موجب تطویل است  
 و اما بیلینسیا مشتمل بجمیع جزایر بحر محیط است که تا جنوبی  
 خط ۳۰ عرض شمالی واقعست و سواهی جزایر مذکور از جمله  
 و اوسترالیای از جمله آنها مجموع جزایر بیلو است که میا ۵  
 و ۱۲ عرض شمالی و میا ۵ و ۳ و ۴ و ۶ طول شرقی  
 واقعست و دیگر جزایر فیجی و جزایر شرکه و جزایر اصدقا و جزایر  
 ربانیین و جزیره تیکارون است که در ۴ و ۲۵ عرض جنوبی

۳۰۲۵ طول غربی واقعست اما جزایر سندویج مقدار  
 ده جزیره است که میا ۱۵۰ و ۲۲۰ عرض شمالی و میانه  
 ۳ و ۴ و ۵ و ۱۵ و ۱۶ طول غربی واقعست و اهالی آنها تنوع  
 چندگانه است توختر و بربریت باقی بودند تا اینکه مدبشرین انجیل  
 در قیما آنها داخل شد و از آنها تمدن و تربیت حاصل گردید و  
 حکم آنها از نوع ملکی مقتید است و دولت بلاد متحده و انگلند  
 و سایر دول و رویا استقلال آنها را مسلم داشته اند و  
 بواسطه آنکه این جزایر محیط کشتیهائی است که در این دریاهای  
 جاری میشود لا بد اهالی آنها زیاده خواهد کرد و بد آنکه  
 بعضی از اهل امریکا و انگلستان اراضی وسیعه در جهت قطب  
 جنوبی داخل دایره جنوبیه کشف کرده اند و جمیع خالی از سکن  
 بوده و این اراضی بسیار سرد و داخل شدن با آنها از کثرت یخ که  
 در دریاهای این نواحی است کمال صعوبت و عسر دارد و کشتی  
 آنها سنه ۱۴۰۰ تاریخ مسیحی بوده . . . این تقصید  
 کره زمین و متعلقات آن بود که با اینجا منتهی شد و دایره آن به  
 مقدار چهل هزار هزار متر که هر متری یک ذراع و ثلث آن میشود  
 میرسد و مع ذلك کوچکترین کواکب است و عدد نفوس که  
 در روی آنند مقدار هزار و پانصد میلیون است قال مؤلف  
 هذا ما رأيتك شرحه في هذا الفن مقتصرًا على أهم أمور مع انه يمكن  
 ان يوقف في كل بلاد مجلدات فجا هذا الكتاب الحمد لله كما في بابي فترها  
 عن الاسما الحمل والاياد الحمد وكان الفراع من سويد متراثلتن  
 وخمين وثماناً بعد الألف من تاريخ المسيح والحمد أولاً وآخر الله



ایرلند	ایرلاند	اطنا	اتنا
برلین	برلین	ازمیر	اجمیر
پسیفیک	لسیفیک	ادرنه	ادریانویل
پترزبورغ	بترسبرج	صیدا	اربد
بغداد	بغداد	اسکاتلند	اسکوتسیا
بلژیک	بلجیک	شوایدن	اسنوج
پناما	بناما	استکلم	استکم
ابوشهر	بوشهر	قسطنطنیه	اسلامبول
بودیه	بودیه	اکره	اعره
بیتالم	بیتالم	افریکا	افریقا
تانار	تتار	البر	البرت
تونیز	تولس	البا	البا
ژاپون	جاپان	الیزابت	الیصابات
چرکس	چرکس	نمسه	المان
چنارن	چنارن	ینکی دنیا	امریکا
کیلان	جیلان	انکلند	انگلیترا
خلم	ختن	اسپانیا	اندلس
خوارزم	خبوه	استریلیا	اوسترلیا
دکن	دکن	استریا	اوستریا
شام	دمشق	فرنگستان	اورویا
دامغان	دمغان	بیت المقدس	اورشلیم
	دیمارک		

سارون

ساردن	ساردینیا	کلیسولی	کلیسولی
سجستان	سیستان	کیلات	کیلات
سیرالون	سیرالون	کانک	کنک
سقوطره	سقطره	کارسیکا	کورسیکا
سیلان	سراندیب	لکنو	لکنو
سینا	طور	مدکاسکر	ماداکاسکا
شاهرود	شهرود	مرسیلیا	مرسیلیا
شوشتر	شستر	ماروک	مغرب
سرپستان	سرپستان	مکزیک	مکسیک
صین	چین	مولتان	ملتان
صیام	سیام	ملان	میلان
طربزون	طربزان	ناپولی	ناپولی
غمره	غموره	نیدل	ناپولی
فالكلانند	فالكلند	ندرلند	ندرلاند
قبرس	قبریس	نوروج	نوروج
قرطجنه	قرطاجنه	نیشاپور	نیشاپور
قازم	بحراحر	وینا	ویانا
قلق	قالمق	همالیا	همالیا
قوهستان	کوهستان	هندوکش	هندوکش
کابل	کابل	هولاند	هولاند

مخفی نمایند که چون اکثر اسامی اقالم و ممالک و بلاد و مد و قری  
 بالنسبه باختلاف لغات یا در لغت واحد مختلف میشود لذا بعضی

از آنها در اینجا نوشته شده  
 و بعضی در جای دیگر



هو الاول والاخر

٥

لا  
مطبوعاً  
كلنا احسنى لسبع  
واهتم مرتين بما بزوا  
طبع امر استشهد  
ويبدو من ان  
كسني حق  
حبا  
نكاد

مبأ

٥



